

نشر فارسی

در ایران، افغانستان، تاجیکستان،

ازبکستان، اروپا و آمریکا

فرید مرادی، لتیسیا نانکت، علی امیری،

دیلشاد رحیم‌اف، مسعود حسینی پور، ب. بی‌نیاز



از انتشارات آلیانس (اتحاد بین‌المللی ناشران مستقل)

Collection État des lieux de l'édition



ناشر: آلیانس (اتحاد بین المللی ناشران مستقل)

نشر فارسی

در ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، اروپا و آمریکا

فرید مرادی، لتیسیا نانکت، علی امیری،

دیلشاد رحیم‌اف، مسعود حسینیپور، ب. بی‌نیاز

نخستین چاپ، پاریس، فرانسه، ۲۰۱۴

ISBN 978-2-9519747-7-7

با تشکر ویژه از خانم سنبل بهمنیار برای همکاری صمیمانه در اجرای این پروژه تحقیقی. هم‌چنین از همه ناشران فارسی زبان که در تهیه مطالب این پروژه همکاری کردند سپاسگزاری می‌کنیم.

و با تشکر از بنیاد پرینس کلاوس برای حمایت مالی از این پروژه.



F o n d s

Prince Claus Fund for
Culture and Development

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) یا هر نوع اقتباس دیگر بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است. Cette étude est en libre accès, sous format PDF et ePub, en persan et en anglais. Elle a reçu le soutien de la Fondation Prince Claus et de l'Alliance internationale des éditeurs indépendants.

فهرست

پیشگفتار

۵

پیرامون نشر کتاب در ایران، فرید مرادی

۳۲

نگاهی به نشر مستقل کتاب در ایران

۶۸

ساختار صنعت نشر کتاب در ایران

۹۴

مبادلات فرهنگی و ترجمانی بین ایران و غرب، لتیسیا نانکت

۲۰۶

نشر کتاب فارسی در اروپا، فرید مرادی

۲۴۰

نشر کتاب فارسی در آمریکا، فرید مرادی

۲۰۶

جمع‌بندی گفتگوی با ناشران ایرانی در اروپا، فرید مرادی

۳۳۴

وضعیت نشر در افغانستان، علی امیری

۳۴۴

بررسی وضع نشر در تاجیکستان، دیلشود رحیم‌اف

۳۹۲

چاپ کتاب فارسی در ازبکستان، فرید مرادی، مسعود حسینیپور

۴۳۰

پیشگفتار

صنعت چاپِ حروفِ چینی را چینی‌ها ابداع کردند. بین سال‌های ۱۰۵۱ تا ۱۰۵۸ میلادی، فردی چینی به نام بی‌شنگ توانست با حروف قابل انتقال از گلِ رُس، مبنای چاپِ صنعتی را بوجود بیاورد. پس از او بود که حروف چوبی متداول شد. این صنعت سرانجام به اروپا راه یافت و در سال ۱۴۴۰ میلادی، یوحانس گنزفلاش Gensfleisch Johannes معروف به گوتنبرگ، اهل شهر ماینتس آلمان، توانست با به کارگیری حروف قابل انتقال از یک آلیاژ و فرمول مناسبی برای مرکب، در صنعت چاپ انقلاب بوجود بیاورد. این صنعت، به هسته‌ی اصلی رنسانس در اروپا تبدیل شد و

امکان خواندن و نوشتن را که در انحصار اشراف بود برای شهروندان نوپای اروپا نیز فراهم کرد.

ولی این صنعت مدرن هنوز برای بخش وسیعی از مردم بسیار گران بود و عمدتاً اشراف و بورژواهای نوپا توانایی بهره‌مندی از آن را داشتند. به همین علت، تقریباً ۳۰۰ سال پس از اختراع صنعت چاپ گوتنبرگ، در سال ۱۷۹۸ میلادی، یک آلمانی دیگر به نام آلیوس زنه‌فلدر Senefelder Alios چاپ سنگی را اختراع کرد. این نوع چاپ دو برتری داشت: یکی این که نسبت به صنعت چاپ گوتنبرگی بسیار ارزان‌تر بود و از سوی دیگر کار با آن نیز آسان‌تر بود؛ همچنین چاپ رنگی توسط این فناوری امکان‌پذیر بود.

چاپ سنگی یا لیتوگرافی تا آغاز دهه‌ی سوم سده‌ی بیستم میلادی در آلمان و اروپا صنعت اصلی چاپ بود. لیتوگرافی واژه‌ای است که از زبان یونانی به عاریه گرفته شده است: لیتو یعنی سنگ و گرافی یعنی نگارش. کار لیتوگراف این بوده که بر روی سنگ ویژه‌ای مانند سنگ آهک نوشته‌ها یا تصاویر را به صورت آینه‌برگردان (برعکس) می‌نوشت یا

نقاشی می‌کرد و سپس از طریق شیمیایی، کناره‌های نوشته‌ها را می‌زدود. این قالب اولیه‌ی برجسته با کمک مرکب و فشار، چاپ ارزان‌تر را میسر کرد. در واقع باید گفت که نشر کتاب در اروپا و خاور زمین (هند، قلمرو عثمانی و ایران) مدیون اختراع چاپ سنگی زنه‌فلدر است تا مدیون اختراع گوتنبرگ. هر چند باید یادآوری کرد که صنعت چاپ گوتنبرگی پیش از آن در هند و قلمرو عثمانی (۱۷۳۰ میلادی) مورد استفاده قرار می‌گرفت.

ولی قدیمی‌ترین کتاب‌ها به زبان فارسی توسط صنعت چاپ حروف چینی (گوتنبرگی) در سال ۱۶۳۹ میلادی توسط فردی هلندی به نام لودوویکوس دیو (Dieu de Ludovicus / ۱۵۹۰ - ۱۶۴۲) در شهر لیدن هلند - پس از مرگ شاه عباس اول - به چاپ رسیدند. این دو کتاب یکی «داستان مسیح» و دیگری «داستان سن‌پیدرو» بود. به عبارتی، کتاب‌های فارسی، ابتدا نه در ایران بلکه در کشورهای هندوستان، قلمرو عثمانی و مصر و بعضی از کشورهای اروپایی به چاپ می‌رسیدند. نخستین چاپخانه برای چاپ کتاب‌های فارسی

در سال ۱۸۱۰ میلادی در هندوستان توسط انگلیسی‌ها در کلکته تأسیس شد. به همین دلیل قیمت کتاب آنچنان بالا بود که حتی قشر متوسط جامعه هم توان خرید آن را نداشت. طبق گزارش رافائل دو مان (Mans du Rafael / ۱۶۱۳ - ۱۶۹۶) «به دلیل نبودن صنعت چاپ، کتاب در ایران بسیار گران است. قیمت کتاب بر حسب سطور کتاب تعیین می‌شود. محتوای کتاب در تعیین قیمت آن هیچ تأثیری ندارد. یک کتاب با هزار سطر به قیمت دو عباسی فروخته می‌شود. اگر با خط خوش نوشته شود تا ۵ عباسی قیمت دارد.» [بهمن ابراهیمی، سایت «[رسانه‌های نوین](#)»]

همانگونه که اشاره شد فناوری صنعت چاپ نوع گوتنبرگی نسبت به چاپ سنگی هم دشوارتر بود و هم گران‌تر. با وجود این، نخستین بار در سال ۱۶۴۰ میلادی، در دوره صفویه، یک بازرگان ارمنی یک دستگاه چاپ به ایران (جلفای اصفهان) وارد کرد و بعدها نیز به فرمان ناصرالدین شاه (۱۸۹۶ - ۱۸۳۱) یک دستگاه چاپ با حروف سربی خریداری شد. ولی هر دو تلاش ناموفق ماندند. از این رو، شاید به جا

باشد که میان این دو نوع صنعتِ چاپِ فرق گذاشته شود و دوره‌ی آغازین نشرِ انبوه را به آلیوس زنه‌فلدر نسبت بدهیم تا به گوتنبرگ.

در ایران، نخستین بار شخصی به اسم میرزا جعفر تبریزی در سال ۱۲۴۰ هجری قمری (۱۸۲۵ میلادی) چاپ سنگی را در تبریز وارد کرد. (همین منبع) به سخنی دیگر، تقریباً ۲۷ سال پس از اختراع چاپ سنگی توسط آلمانی‌ها، این صنعت به ایران نیز راه یافت. این صنعت سپس به شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، ارومیه و دیگر شهرهای ایران انتقال یافت. به دلیل آسانی این فناوری و ارزان بودنش طولی نکشید که صنعت چاپ در ایران رونق یافت. در تهران نخستین بار دیوان غزلیات حافظ به صورت چاپ سنگی، منتشر شد [۱۸۳۸ میلادی].

همین فرآیند در افغانستان با تأخیری نسبتاً طولانی به وقوع پیوست. آغاز بکارگیری صنعت چاپ در افغانستان به دوره‌ی امیر شیرعلی خان (۱۸۶۳ تا ۱۸۸۰ میلادی) برمی‌گردد. چیزی حدود ۴۰ سال پس از ایران. البته همین روند در افغانستان

به دلایل سیاسی، به ویژه به دلیل فقدان یک حکومت مرکزی قدرتمند، نتوانست شکوفا بشود. طبق شواهد تاریخی در دوره‌ی زمامداری امیر شیرعلی خان در کنار چاپخانه‌ی سنگی شمس‌النهار کابل دو چاپخانه‌ی سنگی دیگر وجود داشت. تاجیکستان تا زمان استقرار دولت شوراهای (شوروی) از صنعت چاپ برخوردار نبود. «اولین انتشارات دولتی تاجیکستان در سال ۱۹۲۵ در شهر سمرقند تأسیس شده است. زیرا از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ تاجیکستان همچون جمهوری خودمختار در داخل ازبکستان بود.» [همین منبع] هر چند بین سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳ یک سلسله روزنامه و نشریه در تاجیکستان به زبان فارسی منتشر شد، ولی بعدها از نشر آنها هم جلوگیری به عمل آمد. به هر رو، زبان فارسی در تاجیکستان و ازبکستان به دلایل سیاست‌های ناسیونالیستی حاکمان شوروی نه تنها مورد پشتیبانی قرار نگرفت، بلکه شدیداً به پس رانده شد. البته پس از استقلال تاجیکستان در سال ۱۹۹۱ میلادی دوباره روزنامه‌ها و نشریه‌ها به زبان فارسی و رسم‌الخط سیریلیک منتشر شدند. هر چند زبان تاجیکی

از لحاظ زبان‌شناسی گویشی از فارسی است، ولی زمامداران آن کشور، بر این نکته تأکید می‌کنند که «تاجیکی» زبانی مخصوص به خود است!

در ایران صنعت چاپ تا آغاز دوران رضاشاه در دست دولت و یا نهادهای وابسته بدان بود. در دوره‌ی رضاشاه آرام آرام بخشی از تجار ایرانی که با کشورهای چوَن مصر، ترکیه و هندوستان داد و ستد می‌کردند، به این صنعت علاقه‌مند شدند و آن را به عنوان منبع درآمدی ارزیابی کردند. زیرا آنها از این کشورها کالای کتاب [فارسی] را می‌خریدند و در ایران می‌فروختند. در ادامه خود آنها به صرافت وارد کردن این صنعت به ایران افتادند.

البته نخستین بار در دوران مظفرالدین شاه (۱۹۰۷ - ۱۸۵۳) عده‌ای از شخصیت‌های فرهنگی ایران مانند حاج محمد حسین امین‌الضرب، یحیی دولت‌آبادی، میرزا حسن رشدیه، میرزا علی خان امین‌الدوله و احتشام‌السطنه شرکتی به نام «طبع کتاب» تأسیس کردند که به واسطه‌ی بروز اختلافات دیری نپائید و منحل شد. محمد علی فروغی ریاست آن را

به عهده داشت و کتاب‌هایی مانند «تاریخ ایران» تألیف فروغی و کتاب «علی» از یحیی دولت‌آبادی توسط همین چاپخانه به چاپ رسید.

در سال ۱۹۲۳ میلادی [۱۳۰۲ خورشیدی] محمد رضانی که جوانی ۱۹ ساله بود، «کتابخانه شرق» را راه‌اندازی کرد که مجلات ادبی چاپ می‌کرد. ابتدا نصرالله فلسفی و سپس سعید نفیسی مدیریت این مجلات ادبی را به عهده داشتند. این مجلات ادبی و فرهنگی که توسط «کتابخانه شرق» منتشر می‌شد، توانست مترجمان و نویسندگانی مانند سعید نفیسی، پرویز خانلری، صادق هدایت، بزرگ علوی، نصرالله فلسفی را پیرامون خود گرد آورد.

از همین سال است که به تدریج مؤسسات نوین و حقوقی نشر پا می‌گیرند: «کتابخانه‌ی خیام با مدیریت محمد علی ترقی در سال ۱۳۰۴، کتابخانه‌ی بروخیم با مدیریت اسحق و یهودا بروخیم در سال ۱۳۰۶، کتابخانه‌ی ابن سینا با مدیریت ابراهیم رضانی در سال ۱۳۰۹، انتشارات علمی با مدیریت حاج اسماعیلی علمی در سال ۱۳۱۱ و کتابخانه‌ی اقبال با

مدیریت حاج محمد حسین اقبال در سال ۱۳۱۴، از ناشران مهم دوران حکومت رضا شاه بودند.» [همین منبع]
 روی هم رفته می‌توان صنعت چاپ و نشر در ایران را به گونه‌ی زیر زمان‌بندی کرد:

۱- ۱۸۲۵ تا ۱۹۲۳ میلادی [۱۲۰۴ تا ۱۳۰۲ خورشیدی]
 در طی این دوره، نیروی محرک برای تأسیس چاپخانه‌ها در ایران و سپس در افغانستان، دولت بود. البته به موازات شکل‌گیری و تثبیت این صنعت در ایران، تجار ایرانی از کشورهایمانند هند یا قلمرو عثمانی کتاب‌های فارسی وارد می‌کردند. ولی آن‌ها به تدریج متوجه شدند که تولید کتاب در داخل کشور بیشتر مقرون به صرفه است تا وارد کردن آن از خارج. روی هم رفته، این دوره را می‌توان پایه‌گذاری صنعت چاپ و نشر در ایران نامید.

۲- ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۱ میلادی [۱۳۰۲ تا ۱۳۲۰ خورشیدی]
 این دوره یکی از مهم‌ترین دوران نشر در ایران است. به

موازات چاپخانه‌های وابسته به دولت، نشر خصوصی پا می‌گیرد و نه تنها کتاب‌های متنوعی به چاپ می‌رسند، بلکه نشریات فراوانی نیز وارد بازار می‌شوند. قیمت کالاهای چاپی هم طبعاً به دلیل رقابت و گسترش تولید، پائین می‌آید و دسترسی مردم بدان‌ها بیشتر می‌شود. همچنین به واسطه‌ی گسترش زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و افزایش تحصیل‌کردگان نسبت به گذشته، صنعت چاپ و نشر در ایران از رونق چشمگیری برخوردار شد.

۳- ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۳ میلادی [۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ خورشیدی]

اگرچه جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۳۹ میلادی آغاز شده بود ولی تأثیرات آن بر ایران از سال ۱۹۴۱ آشکار شد. نشر کتاب، روزنامه و گاهنامه‌ها در این دوره به دلایل مشکلات اقتصادی و کمبود کاغذ شدیداً کاهش یافت. از سوی دیگر، با پایان جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، فضای نشر در ایران دچار یک سلسله تحولات فکری گردید. قشر تحصیل‌کرده در ایران شدیداً تحت تأثیر افکار سوسیالیستی همسایه‌ی

شمالی قرار گرفته بود و طبعاً بازتاب این افکار در کالاهای نوشتاری آشکار می‌شد. شاید بتوان ادعا کرد که این دوره از لحاظ کیفی، چه در شکل و چه در محتوا، نسبت به دوره‌ی پیشین گام‌چندانی به پیش نبود.

۴- ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۸ میلادی [۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶ خورشیدی] پیامدِ بلاواسطه‌ی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انسداد سیاسی در ایران بود. با وجود این انسداد سیاسی، در وضعیت نشر نه تنها فاجعه‌ای به بار نیامد، بلکه پایه‌های علمی نشر که با استانداردهای بین‌المللی همخوانی داشت در ایران گذاشته شد.

در این دوره، «مؤسسه انتشارات فرانکلین» که مؤسسه‌ای آمریکایی بود به صحنه‌ی فرهنگی ایران وارد شد؛ «همایون صنعتی‌زاده» که به مدیریت فرانکلین انتخاب شد توانست با نوآوری‌های خود تأثیری دیرپا در بسیاری از حوزه‌های نشر بگذارد» برای نمونه: «توجه جدی به نقش ویرایش»، «توجه به طراحی جلد کتاب‌ها و نقش تصویرگری و گرافیک

در ساختار کتاب»، «طراحی و چاپ نخستین دایره‌المعارف فارسی زیر نظر دکتر غلامحسین مصاحب»، «راه‌اندازی سازمان کتاب‌های جیبی» و ... همچنین بنگاه ترجمه و نشر کتاب که وابسته به بنیاد پهلوی بود و دکتر احسان یارشاطر مدیریت آن را به عهده داشت، توانست «با مجموعه سازی در حوزه‌های مختلف نشر کتاب و طراحی یونیفورم یا ساختار یکسان جلد برای مجموعه‌های خود شناسنامه‌دار کردن کتاب‌ها، تهیه نمایه و نمایه‌پردازی، روش‌های نوین تصحیح متون، ویراستاری ادبی و فنی تأثیرات مثبتی در مجموع در روند تولید کتاب ایران بنهد» (همین منبع)

در کنار این مؤسسات دولتی و نیمه‌دولتی دو مؤسسه‌ی خصوصی امیرکبیر و انتشارات نیل در همین دوره شکل گرفتند. «شاید از منظر نشر کتاب مهم‌ترین اتفاق دهه‌ی سی، پیدایی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران بود» (همین منبع)

از این رو، تا آن جا که به کیفیت تولید کتاب برمی‌گردد، این دوره یکی از پربارترین دوران در ایران بوده است.

درست در همین دوره افغانستان وارد درگیری‌ها و کشمکش‌هایش با پاکستان شد (آغاز نخست‌وزیری محمد داوود خان در سال ۱۹۵۳ میلادی) و همین ناآرامی‌ها، وضعیت نه چندان پایدار آن کشور را ناپایدارتر کرد. کلاً در افغانستان حدود ۴۶ زبان و ۲۰۰ گویش وجود دارد که طبق مصوبه‌ی لویه جرگه سال ۱۹۶۴ میلادی، زبان‌های فارسی (دری) و پشتو، زبان‌های رسمی اعلام شدند. از یک سو این تنوع زبانی، از سوی دیگر پراکندگی جمعیت و بی‌سوادی باعث گردید که صنعت چاپ و نشر در این کشور به سختی جا بیفتد. «فقط محض نمونه و به عنوان مثال قابل یادآوری است که کتاب اخلاق نیکوماخوس ارسطو در سال‌های دهه‌ی ۳۰ شمسی در کابل به تیراژ بسیار محدود (حدود هزار نسخه) به چاپ رسیده است و هنوز در بازار کتاب کابل قابل دریافت است.» (همین منبع)

۵- ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ میلادی [۱۳۵۶ تا ۱۳۶۲ خورشیدی]
از یک سال پیش از انقلاب اسلامی، کنترل دولت بر نشر بسیار

سست شده بود. همین باعث شد که از سال ۵۶ خورشیدی، نشر کتاب در بُعد کمی خود بسیار افزایش یابد. به ویژه کتاب‌های مارکسیستی و مذهبی-سیاسی در ابعاد وسیعی با جلدهای سفید وارد بازار شد. «کتاب‌های جلد سفید» - صرف‌نظر از محتوای آن‌ها- فاقد استانداردهای بین‌المللی نشر بودند. اکثر این کتاب‌ها بدون ویراستاری، سرشار از اشتباهات چاپی، املائی، نقطه‌گذاری، ترجمه‌های اشتباه و ... خلاصه می‌توان گفت که در این بُرش زمانی آشوبمند چیرگی کمیّت بر کیفیت رخ داد. شاید بتوان این وضعیت نابسامان نشر را به «شرایط انقلابی» آن روزها نسبت داد، ولی واقعیت این است که این فرهنگ انقلابی-شلختگی در نشر کتاب، سال‌ها پس از انقلاب ادامه یافت.

البته به دلیل آغاز جنگ عراق و ایران و کمبود کاغذ از یک سو و انسداد شدید سیاسی برای مهار دگراندیشان، از کمیّت نشر شدیداً کاسته شد. «از سال ۱۳۶۲ به بعد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که جانشین وزارت فرهنگ و هنر سابق شده بود از ناشران خواست تا برای گرفتن پروانه‌ی

نشر اقدام کنند» (همین منبع)

۶- از سال ۱۹۸۳ میلادی [۱۳۶۲ خورشیدی] تا کنون در دوران جنگ عملاً صنعت چاپ و نشر بدترین دوران خود را در ایران گذراند. از یک سو، جنگ و از سوی دیگر سرکوب بسیار شدید دگراندیشان در ایران، باعث شد روند نشر در ایران دچار یک زندگی گیاهی بشود.

با انتخاب هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ خورشیدی) و نزدیکی او به سازمان‌های اقتصادی جهانی، به وضعیت نشر در ایران تکانی داده شد. البته رشد کمی نشر در این دوران مدیون سازمان‌های اقتصادی جهانی بوده که یکی از شرایط آنها برای همیاری اقتصادی، افزایش محصولات فرهنگی و تولید انبوه کتاب است. به هر رو، در دوره‌ی هشت ساله‌ی رفسنجانی ما شاهد رشد بی‌سابقه‌ی ناشران در ایران هستیم. طبعاً بخش بزرگی از این ناشران نوپا، با دولت نزدیکی‌های ایدئولوژیکی داشتند. ولی این انبوه ناشران که فاقد اطلاعات و تجارب کارشناسی بودند، باعث

شدند که از سطح کیفی نشر در ایران شدیداً کاسته شود. یکی از گره‌گاه‌های نشر در ایران، وابستگی شدید اقتصادی ناشران به دولت بوده است. به دلیل ساختار اقتصادی ایران، بخش خصوصی، به ویژه حوزه صنعت چاپ و نشر، با هزاران بند مرئی و نامرئی به دولت وابسته است. با این که تاکنون ۹۲۶۴ پروانه‌ی نشر صادر شده است، ولی این کمیّت بیانگر یک کیفیت خوب نیست. در کنار نابسامانی‌های ساختاری-اقتصادی، افت و خیزهای سیاسی در ایران نیز نقشی بزرگ ایفا می‌کنند که خود به مانعی برای توسعه صنعت نشر و چاپ بدل شده است.

همان‌گونه که می‌بینیم، صنعت چاپ و نشر به طور مستقیم از یک سو به اوضاع سیاسی و از سوی دیگر به درجه‌ی باسوادی / بی‌سوادی در ایران [یا هر کشور دیگر] مربوط می‌شود. به هنگام ورود صنعت چاپ به ایران، بیش از ۸۰ درصد از مردم ایران یا کوچنده (عشایر) بودند یا در روستاها زندگی می‌کردند. این بی‌سوادی اجتماعی، خود مانعی بود

برای نخستین سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش صنعتی. ولی بدون پایه‌گذاری این بخش از صنعت، سوادآموزی هم شکل نمی‌گرفت. از این رو، می‌توان گفت که سوادآموزی عمومی (اجتماعی) به طور مستقیم به این صنعت گره خورده است. عجیب نیست که شکل‌گیری مدارس و دانشگاه‌ها در ایران به موازات پیشرفت در صنعت چاپ صورت گرفته است. به همین دلیل، دولت و نهادهای وابسته به آن نخستین مؤسساتی بودند که به صنعت چاپ پر و بال دادند و آن را تقویت کردند.

در کنار این مؤسسات وابسته به دولت، بخش خصوصی نیروی عمده‌ی خود را روی نشر کتاب‌های غیردرسی گذاشت. از همین نقطه بود که نخستین اصطکاک‌های معنوی [سیاسی و فرهنگی] بین نهاد دولت و نهاد جامعه‌ی مدنی نوپا آغاز شد.

البته اوضاع سیاسی جهان آن روز هم در این روند بی‌تأثیر نبوده است: جهانِ دو قطبی که جنگ سرد بین غرب (سرمایه‌داری) و شرق (سوسیالیستی) محصولِ مستقیم آن

بود، خود را در کالاهای معنوی تولید شده در ایران بازتاب می‌داد. کشاکشِ دو قطب جهانی، به طور مستقیم بر سیاست دولت‌های ایران نسبت به نشر تأثیر می‌گذاشت. به همین دلیل، تاریخ نشر در ایران تا سال ۱۳۳۲ خورشیدی، علی‌رغم تمامی موانع دولتی، آنچنان تحت تأثیر جنگ سرد غرب و شرق نبود. اگرچه پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی، عرصه‌ی نشر برای هواداران سوسیالیسم (شوروی و چین) تنگ‌تر شد ولی با ورود مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین که مؤسسه‌ای آمریکایی بود، کیفیت نشر در ایران دگرگون شد. به طور نمونه: «توجه جدی به ویرایش»، «توجه به طراحی جلد کتاب‌ها و نقش تصویرگری و گرافیک در ساختار کتاب»، «راه‌اندازی سازمان کتاب‌های جیبی برای عرضه کتاب‌های ارزان»، «تأسیس چاپخانه‌های افسست»، «سامان‌دهی و تدوین و طراحی کتاب‌های درسی مدارس و دبیرستان‌ها». می‌توان گفت که در این بُرش تاریخی، بخشی از تجارب کشورهای غربی، به ویژه آمریکای شمالی، به ایران انتقال یافت. در سال ۱۳۳۲، انتشاراتی امیرکبیر و نیل به عنوان

دو مؤسسه‌ی خصوصی شکل گرفتند. سرانجام، با تشکیل مؤسسات خصوصی نشر، در سال ۱۳۳۷ قدیمی‌ترین نهاد صنفی- فرهنگی ایران پایه‌گذاری شد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶ خورشیدی، علی‌رغم انسداد سیاسی، دو عامل در گسترش نشر و کیفیت بهتر آن سهمیم بود. نخست آن که جمعیت باسواد ایران بسیار افزایش یافته بود و دوم این که صنعت چاپ و سامان‌دهی حرفه‌ای کتاب از غرب به ایران انتقال یافته بود. از سوی دیگر، بخش خصوصی هم بسیار رشد کرد. در این دوره، به ویژه به ادبیات یا کتاب‌هایی که به گونه‌ای در ستایش شرقِ سوسیالیستی بود، امکان عرض اندام داده نمی‌شد.

این سد در آغاز اعتراضات اجتماعی در ایران در سال ۱۳۵۶ شکسته شد: «کتاب‌های جلد سفید» نمونه‌ی بارز این شکستن سد هستند که تا سال ۱۳۵۸ ادامه یافت. می‌توان گفت که بین سال‌های ۱۳۵۶ تا پایان سال ۱۳۶۱، به دلیل منسجم نبودن ارگان‌های دولتی، بازار نشر ایران از یک آزادی «بدون

مرز» برخوردار بود. از یک سو جنگ و از سوی دیگر منسجم شدن ارگان‌های دولتی، باعث شد که دولت برای کنترل نشر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به جای وزارت فرهنگ و هنر سابق بوجود بیاورد و نهادی برای کنترل کالاهای معنوی ایجاد نماید.

گفتنی است که وضعیت چاپ و نشر در دوران جنگ [۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸] به واسطه‌ی کمبود کاغذ و دیگر کالاهای وابسته به چاپ، دچار بحران شدیدی شد. در کنار این وضعیت نابسامان، دولت جمهوری اسلامی به دلایل دینی - ایدئولوژیکی فضای نشر در ایران را به حوزه‌های معینی سوق داد و برای بسیاری از وفاداران به نظام پروانه‌ی نشر صادر کرد. عجیب نیست که ما در این دوره با «تورم ناشر» روبرو هستیم. افزایش شدید کمیت، و سقوط کیفیت، هم در چاپ و هم در محتوا.

در حال حاضر بیش از ۹۲۰۰ پروانه‌ی نشر صادر شده است. تقریباً دو دهه طول کشید تا به تدریج یک قشر جدی و مسئول از ناشران در ایران شکل گرفتند.

- با این همه به دلایل بسیار، وضعیت چاپ و نشر در ایران با کشورهای اروپایی یا آمریکای شمالی قابل مقایسه نیست. برای این کمبود فرهنگی می‌توان علل زیر را یاد آوری کرد:
- ۱- کتاب‌های درسی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که علاقه‌ی بچه‌ها به کتاب‌های غیردرسی را بر نمی‌انگیزد،
 - ۲- کارشناس نبودن بسیاری از ناشران ایرانی. کتاب یک کالا [کالای معنوی] است. یعنی در مرتبه‌ی نخست باید آن را به عنوان یک کالا که تابع عرضه و تقاضا است نگریست و هم این که باید این کالا از کیفیت مرغوب برخوردار باشد،
 - ۳- نقش دولت و رسانه‌های وابسته به آن که تقریباً هیچ پشتیبانی‌ای از کتاب‌خوانی نمی‌کنند،
 - ۴- سانسور شدید که باعث محدودیت تنوع فرهنگی می‌شود و همین باعث می‌شود که بخشی از مردم با سلیقه‌های گوناگون حذف شوند،
 - ۵- وابستگی بخش خصوصی به دولت به ویژه وابستگی به یارانه‌های مربوط به کاغذ و ارز برای وارد کردن صنعت و فناوری چاپ.

زوال چاپ سنتی

دیری نخواهد پائید که کتاب به شکل کنونی‌اش جای خود را به نشر الکترونیکی (دیجیتال) خواهد داد. این مسیر آغاز شده است و هر چه بیشتر حوزه‌های گوناگون نشر را به خود اختصاص خواهد داد. اگر ناشری بتواند در کنار نشر سنتی، آینده‌ی خود را با فناوری نوین سازگار کند، می‌تواند به خوبی از این کالا بهره‌برد.

امروزه نرم‌افزارهای پیشرفته‌ای وجود دارند که می‌توان کتاب‌های الکترونیکی [ک.ا] را به گونه‌ای در اینترنت عرضه کرد که سوء استفاده از آن صورت نگیرد. البته هنوز شاید چند سالی دیگر طول بکشد تا بتوان، هم از لحاظ فناوری و هم از لحاظ قوانین مدنی، نشر الکترونیکی را مطمئن کرد. ولی در حال حاضر، علی‌رغم همه‌ی کمبودها بازار نشر الکترونیکی باز شده است.

ایران از این فرآیند جدا نیست. ناشران ایرانی مجبورند دیر یا زود به این فناوری رو بیاورند. ویژگی نشر الکترونیکی، که هم

اکنون شاهد آن هستیم، تخصصی بودن حوزه‌های گوناگون نشر است. به سخنی دیگر، تقسیم کار زمخت تاکنونی در عرصه‌ی نشر کتاب، باز هم در آینده ظریف‌تر خواهد شد. یعنی ناشرانی که تاکنون در چند زمینه تقریباً نزدیک به هم [مثلاً ادبیات کلاسیک، نوین، شعر، داستان، یا ترجمه‌هایی در این زمینه] در آینده مجبور خواهند به یک تقسیم کار ظریف‌تری تن بدهند. از این رو، شاید غیر معقولانه نباشد که ناشران کنونی از هم اکنون به فکر حوزه‌های تخصصی آتی خود [برای نمونه: شعر کلاسیک در یک دوره‌ی معین به علاوه ادبیات توضیحی آن] باشند. فرآیند تخصصی شدن (تقسیم کار ظریف‌تر) در حوزه‌ی نشر، روندی است که ما آن را در گستره‌ی همه‌ی تولیدات مشاهده می‌کنیم.

نشر کتاب خارج از ایران

نشر کتاب‌های فارسی در خارج از ایران به ویژه در کشورهای غربی، پیش از انقلاب ۱۳۵۷ وجود داشت. تقریباً همه‌ی آن کتاب‌ها از مضامین سیاسی و ایدئولوژیک برخوردار

بودند. سازمان‌ها و انجمن‌های سیاسی بخش اصلی این نشر را به عهده داشتند. به جز کتاب‌های چاپ مسکو و چین و همچنین کتاب‌هایی که توسط حزب توده ایران منتشر می‌شد، بقیه‌ی کتاب‌ها از کیفیت پائینی برخوردار بودند. در پی خروج بی‌سابقه‌ی ایرانیان پس از انقلاب ۵۷ و اقامت آنها در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، طولی نکشید که ایرانیان مقیم خارج که اساساً خود را تبعیدی می‌نامیدند، دست به انتشار نشریات و کتاب‌های گوناگون زدند. از آن جا که اکثر ایرانیان خارج از کشور متعلق به گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی بودند، طبیعی است که روح سیاست و ایدئولوژی بر نشریات و کتاب‌ها نیز حاکم بوده است. ولی ایرانیان یکی از پرکارترین تولیدکنندگان در میان تبعیدیان و یا مهاجران از ملل دیگر در اروپا و آمریکای شمالی هستند. پس از چند سال، به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، یک نقطه‌ی عطف کیفی در نشر خارج از کشور بوجود آمد. کتاب‌های غیرایدئولوژیک در زمینه‌ی فلسفه، تاریخ، داستان، شعر و ... آرام آرام جای کتاب‌های

سیاسی با مضامین ایدئولوژیک را گرفت. البته این نقطه عطف در خود یک بُرش سیاسی در خارج کشور نیز بود: فرآیند استحاله‌ی «ایرانیان تبعیدی» به «ایرانیان مهاجر» نیز به فرجام رسید. به عبارتی، تولیدات متنوع معنوی همزمان بود با این استحاله‌ی هویتی. این دگرگونی خود را در رقابت «فرهنگ» به مثابه‌ی یک مجموعه وسیع با «سیاست» به مثابه‌ی یک درک ایدئولوژی‌زده نیز نشان می‌دهد: در این رقابت طبیعی، سرانجام پیروزی از آن نگاه «فرهنگی» به نشر کتاب بوده است.

بر اساس همین درک نیز، کیفیت خوب، هم برای کتاب به مثابه‌ی یک محصول مادی و هم به عنوان یک محصول معنوی، آرام آرام جایگزین شلخته‌گری سابق شد. البته باید در این جا یادآوری کرد که رسالت چاپ کتاب در خارج از ایران اساساً جنبه‌ی سندیت (حفظ آثار معنوی ایرانیان مقیم خارج از کشور) دارد تا سرمایه‌ای. زیرا به دلیل محدودیت شمارگان چاپ کتاب، نه مؤلف، نه مترجم و نه ناشر می‌توانند از این راه زندگی خود را بگذرانند؛ البته اگر از چند استثنای

انگشت شمار بگذریم.

با مطالعه‌ی کتابِ حاضر می‌توان یک تصویر کلی و روشن از فرآیند چاپ و نشر فارسی در کشورهای فارسی زبان و در مرکز آن‌ها ایران بدست آورد و به نقاط قوت و ضعف آن پی برد. در این جا ما بازتاب تحولات سیاسی را در نشر کتاب به خصوص در نمونه ایران مشاهده می‌کنیم. شاید بتوان گفت که این کتاب در بخش ایران هم تاریخ نشر در ایران است و هم به نوعی، نمودار تحولاتِ سیاسی در ایران را به خواننده انتقال می‌دهد.

سرگذشت نشر فارسی در کشورهای فارسی زبان و ناشران ایرانی خارج از ایران، براساس متن گفتگوها و نوشتارهایی تنظیم شده که توسط خانم سنبل بهمنیار و به سفارش آلیانس - اتحاد بین‌المللی ناشران مستقل - صورت گرفته‌است. این گفتگوها حضوری و مکاتبه‌ای و در چند مورد هم سفارش تهیه مطلب به افراد مطلع در حوزه نشر فارسی در کشورهای فارسی زبان بوده‌است. بخشی از مطالب تهیه شده که در

آرشیو آلیانس موجودند، به شکل کتاب حاضر در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار می‌گیرد. ترجمه انگلیسی این کتاب نیز هم‌زمان منتشر شده که مورد استفاده خوانندگان انگلیسی زبان است.

ب. بی‌نیاز

پیرامون نشر کتاب در ایران

فرید مرادی

نخستین چاپ جهادیه را شخصی به اسم محمدعلی بن حاج محمدحسین آشتیانی چاپ کرد که احتمالاً از کسانی بود که فن چاپ را در پترزبورگ فرا گرفته بود و چاپ چندان با کیفیتی هم نبود و به همین جهت چاپ دوم این کتاب را میرزا زین‌العابدین در ۱۲۳۴ انجام داد. در پایان همین چاپ چنین آمده است:

«... زین‌العابدین ملک محمد التبریزی المأمور به عمل الطبع الدوله العلیه القاجاریه فی دارالسطنه تبریز فی تاریخ یوم الثلاثاء سابع شهر ذیحجه الحرام سنه اربعون و ثلثون و

ماتین بعد الالف من الهجرت لنبویه صل اله علیه و آله،
سنه ۱۲۳۴.»

همین شخص در ۱۲۳۹ هـ. ق به امر فتحعلی شاه به تهران می‌آید تا چاپخانه‌ای در این شهر راه‌اندازی کند. وی در تهران تحت حمایت منوچهرخان معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان و از مشاوران فتحعلی شاه قرار می‌گیرد و با همکاری او کتاب‌های زیادی چاپ می‌کند که به چاپ معتمدی در ایران نامبردارند. تاریخ درگذشت میرزا زین‌العابدین تبریزی به درستی معلوم نیست اما به احتمال او تا حدود سال ۱۲۶۲ هـ. ق در قید حیات بوده زیرا در این سال در انتهای کتاب روضه‌المجاهدین و جلاء‌العیون چنین آمده است: «به اهتمام وحید الزمان و فرید دوران مرحوم به غفران قرین جناب میرزا زین‌العابدین آنکه جامع بوده بر علم و عمل در فنون عمل اکثر و ز اقل، صنعاً مطبوعه را حبل‌المتین مبدع این حرفه زین‌العابدین در محروسه ایران جنت نشان سیما دارالخلافة طهران کتاب روضه‌المجاهدین به درجه کمال رسیده در چاپخانه مبارکه به استعداد شاگردان جنت مقام

اختتام یافت. امید که ناظران کتب مصنوعه روح آن مبرور را به فاتحه مسرور فرمایند. لله المستعان و علیه التوکل فی ۱۲۶۲.»

زین العابدین شاگردان زیادی تربیت کرد که نام و نشان برخی از آنها را در کتاب‌های چاپی آن زمان می‌توان یافت. از آن جمله محمدباقر تبریزی، خلیل تبریزی، علی بن محمد حسین تبریزی (آشتیانی) که در تبریز به حرفه چاپ پرداختند و محمد اسمعیل متخلص به سرباز و همچنین عبدالکریم را در تهران می‌توان یاد کرد، دیگر عبدالرزاق اصفهانی است که بانی راه‌اندازی چاپ در شهر اصفهان بود.

ورود چاپ حروفی در ایران با آغاز چاپ در ۱۲۳۳ هـ ق را باید آغاز دوره اول چاپ کتاب فارسی دانست، اما چاپ حروفی کتاب چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. خط آن چندان برای ایرانیان مطلوب نیست و به همین دلیل با ورود چاپ سنگی کم‌کم این نوع چاپ سیطره کاملی بر چاپ کتاب در ایران پیدا می‌کند که حدود نیم قرن به طول

می‌انجامد. نخستین ماشین چاپ سنگی باز هم به خواسته عباس میرزا نایب‌السلطنه در تبریز راه‌اندازی می‌شود، این چاپ تحت نظر شخصی به اسم آقای امین‌الشرع‌التبریزی قرار می‌گیرد و گفته می‌شود قرآن مجید و سپس زادالمعاد تحت نظر وی چاپ می‌رسد.

اما به طور قطع ابتدا شخصی به اسم میرزا جعفر تبریزی بانی چاپ سنگی در تبریز بود و این در سال ۱۲۴۰ هـ. ق است. مرحوم تربیت بر این نام تأکید می‌کند، البته از طرف میرزا صالح شیرازی نیز شخصی به اسم اسدالله از اهالی فارس برای فراگیری چاپ سنگی به پترزبورگ می‌رود. گویا این اسدالله نیز در تبریز به کار می‌پردازد و در ۱۲۴۸ هـ. ق قرآن را چاپ می‌کند و سپس در ۱۲۵۱ هـ. ق زادالمعاد را به طبع می‌رساند. خطاط این هر دو اثر میرزا حسن خوشنویس بوده است.^۱

در صفحه آخر زادالمعاد چنین آمده است: «بندۀ درگاه جهان‌پناه به محمد صالح بن حاجی باقرخان شیرازی که به حکم مأموریت به ولایت روس رفته بود، صنعت الطباع جدید

۱ از صبا تا نیما. ج ۱، ص ۲۳۲

را در آن ملک دیده اسباب و اساس آن را به دارالسلطنه تبریز حمل و نقل نموده، دارالطباعة قرار داده و فصل مهم آن را به کفایت عالیشان آقا علی بن مرحوم حاجی محمد حسین الشهیر به امین الشرع التبریزی وگذار نمود... تا آنکه بعد از انطباع قرآن مجید که تیمناً منطبع گردید، به تاریخ غره شهر ذی الحجه الحرام در سال ۱۲۵۱ هـ. ق کتاب زادالمعاد که تالی کلام رب العباد است به سعی جمیله صورت اتمام یافت.»

زمان رفتن میرزا را اسدالله برای آموختن فن چاپ به روسیه را به درستی نمی دانیم. شاید این مسافرت در سال ۱۲۴۵ هـ. ق در جزو هیئت نمایندگی خسرو میرزا صورت گرفته باشد. در تبریز تا سال ۱۳۰۰ هـ. ق ۲۰۰ عنوان کتاب چاپ سنگی به طبع رسیده است.^۲

محمدعلی تربیت نخستین کتاب چاپ سنگی در تهران را دیوان غزلیات حافظ می داند: «نگارنده مقدم بر کلیات حافظ که در هجدهم محرم ۱۲۵۴ هـ. ق به قطع کوچک با

۲ تاریخ ایران شناسی در اروپا، محمدعلی تربیت، مجله ارمغان، سال ۱۲، ش ۷

کمال نفاست به طبع رسیده است، کتاب دیگری ندیده‌ام.» ^۳	
چاپ سنگی خیلی زود در اصفهان و شیراز و ارومیه و دیگر شهرها رواج یافت. در تهران نیز تا ۱۳۴۴ ق. یعنی پایان دوران قاجار ۱۸۳ عنوان کتاب به روش سنگی چاپ شده است که از نظر موضوعی این گونه تقسیم‌بندی می‌شوند:	
ادبیات ایران (شامل متون ادبی، دواوین شعرا، منشآت، قواعد دستوری و فرهنگ عامه) ۷۵ عنوان	
ادبیات جهان (عمدتاً ترجمه از ادبیات فرانسه، شامل رمان‌های تاریخی و عشقی) ۱۶	
تاریخ ایران (شامل متون تاریخی، تاریخ دوران معاصر، خاطرات و سفرنامه) ۴۲	
تاریخ جهان ۹	
اخلاق، فلسفه و حقوق ۹	
دین ۹	
تذکره شعرا ۹	
فرهنگ و مراجع شامل فرهنگ لغات فارسی و دوزبانه ۶	
نظام و قشون ۱	

علوم (اعم از علوم عملی و روان‌شناسی) ۷

۱۸۳

جمع کل

دوران رضا شاه از نظر چاپ و نشر کتاب چندان تفاوت چشمگیری با دوران پیش از خود نداشت، اما بارقه‌هایی در ایران پدید آمدند که بعدها در نشر کتاب در ایران تأثیری مهم به جا نهادند. شاید مهمترین عامل پیدایی مؤسسات مستقل و حقوقی نشر کتاب بود، تا پیش از این دوران البته با یکی دو استثنا که به آنها اشاره می‌کنم بانی چاپ کتاب معمولاً یا دولت بود یا اشخاصی که بر حسب علائق شخصی یا علائق دینی و یا برای تجارت دست به چاپ کتاب می‌زدند، در واقع نخستین ناشران کتاب در بخش خصوصی در ایران تجار بودند و به همین علت در منابع پیشین به عناوینی چون تاجر کتابفروش بر می‌خوریم، این تاجر که با کشورهای اطراف ایران چون مصر، ترکیه، هندوستان رفت و آمد داشتند، در آنجا به کتاب‌های فارسی که در آن کشورها به ویژه هند چاپ می‌شد برمی‌خوردند.

در برابر پیشنهاد ناشران آنها که کتاب‌ها را برای فروش به

ایران ببرید، آنها به این فکر افتادند که خود در ایران کتاب چاپ کرده و با خود ببرند و به صورت تهاتری کتاب را با کتاب معاوضه کنند، به این ترتیب نسلی از تجار پیدا شدند که به صادرات و واردات کتاب می‌پرداختند. جدخاندان رضانی میرزا علی اصغر کاشانی نمونه‌ای از این گونه افراد بود و جالب اینکه در سال‌های بعد از میان همین افراد نخستین ناشران بخش خصوصی پدیدار شدند.

در دوران مظفرالدین شاه گروهی از رجال و شخصت‌های فرهنگی مثل حاج محمدحسین امین‌الضرب، یحیی دولت‌آبادی، میرزا حسن رشدیه، میرزا علی‌خان امین‌الدوله و احتشام‌السلطنه شرکتی به اسم طبع کتاب ایجاد کردند که هدفش چاپ و نشر کتاب‌های مناسب برای آموزش کودکان بود، محمدعلی فروغی نیز به ریاست این شرکت انتشاراتی انتخاب شد، کتاب تاریخ ایران تألیف فروغی و کتاب علی از نوشته‌های یحیی دولت‌آبادی از آثاری است که توسط این شرکت به طبع رسید. ولی عمر آن به خاطر بروز اختلاف بین سهام‌داران دیر نپایید و شرکت از هم پاشید. شادروان

ایرج افشار این شرکت را نخستین مؤسسه حقوقی نشر کتاب در ایران می‌داند.^۴ پس از آن در سال ۱۲۹۸ شمسی به نام انتشارات گنج دانش در فهارس برمی‌خوریم که دومین مؤسسه انتشارات در ایران می‌باشد، انتشارات گنج دانش خوشبختانه پس از گذشت ۹۲ سال هنوز هم با مدیریت علیرضا گنج دانش به عنوان ناشر اختصاصی کتاب‌های حقوقی دایر و فعال است.

در ۱۳۰۲ شمسی که رضاخان سردار سپه و احمد شاه آخرین بازماندهٔ خاندان قاجار پادشاه بود، محمد رضانی که جوانی ۱۹ ساله بود با راه‌اندازی کتابخانهٔ شرق یکی دیگر از مؤسسات اولیه نشر کتاب در ایران را شکل داد، نام محمد رضانی در نشر کتاب ایران به خاطر تلاش و فعالیت‌های خاص وی ماندگار است. او از نخستین بنیان‌گذاران مجلات ادبی در ایران است که به اسم شرق به مدیریت نصرالله فلسفی و بعد سعید نفیسی منتشر شد، وی مجموعه‌ای را به نام افسانه بنیان‌گذاری کرد که در سه دوره انتشار یافت. این

۴ بنگرید به مهدوی‌نامه، یادنامهٔ دکتر یحیی مهدوی، تهران، انتشارات هرمس، مقاله نخستین مؤسسه خصوصی نشر در ایران.

مجموعه که به صورت جزوات هفتگی منتشر می‌شد، باعث ورود نسل جدیدی از مترجمان شد که بعدها همه نامبردار شدند، کسانی نظیر سعید نفیسی، پرویز خانلری، صادق هدایت، بزرگ علوی، نصرالله فلسفی آثار و ترجمه‌های ادبی خود را نخست در این مجموعه انتشار دادند.

او همچنین نخستین نشریه تخصصی مربوط به کتاب را با همین اسم بین سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ شمسی در چهار شماره منتشر کرد، علاوه بر این محمد رضانی که بعدها نام انتشارات خود را تحت تأثیر نهضت فارسی سره‌نویسی به کلاله خاور تغییر داد، بسیار پر کار بود و کتاب‌های زیادی منتشر کرد، او نخستین متن حروف نگاری سربی شاهنامه و مثنوی را در ایران منتشر کرد که هنوز هم از اعتبار برخوردارند، هزار و یک شب را در پنج جلد با مقدمه علی اصغر و حکمت چاپ کرد، او همچنین از کوشندگان جدی در راه‌اندازی و ایجاد اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران بود که در سال ۱۳۳۷ شمسی فعالیت خود را آغاز کرد.

از ۱۳۰۲ شمسی کم کم مؤسسات جدید و حقوقی نشر پا گرفتند، کتابخانه خیام با مدیریت محمدعلی ترقی از ۱۳۰۴، کتابخانه بروخیم با مدیریت اسحق و یهودا بروخیم از ۱۳۰۶، کتابخانه ابن سینا با مدیریت ابراهیم رضانی از ۱۳۰۹، انتشارات علمی با مدیریت حاج اسماعیلی علمی از ۱۳۱۱ و کتابخانه اقبال با مدیریت حاج محمدحسین اقبال از ۱۳۱۴، از ناشران مهم دوران حکومت رضا شاه بودند. در دوران رضا شاه چند ویژگی مهم در نشر کتاب در ایران پدید آمد:

- ۱) نخستین ناشران بخش خصوصی رسماً به شکل حقوقی در این دوران به فعالیت پرداختند.
- ۲) توجه و عنایت جدی به ایران باستان (باستان‌گرایی) که باعث گرایش جدی در تألیف کتاب‌های تاریخ (عمدتاً وقایع نگارانه) شد و نسل جدیدی از تاریخ‌نگاران پا به عرصه نهادند که بسیاری از آثار مهم تاریخی را تألیف نمودند. مشیرالدوله پیرنیا، سید حسن تقی‌زاده، عباس اقبال، نصرالله فلسفی و عباس پرویز از مهمترین این افرادند، حتی طی قراری بین

سه تن از این افراد یعنی مشیرالدوله، تقی‌زاده و عباس اقبال چنین تصمیم گرفته می‌شود تا مجموعه دوره‌ای از تاریخ ایران را تألیف کنند. ایران باستان را مشیرالدوله نوشت (تاریخ ساسانیان را چون اعتقاد داشت ترجمه فروغی از راولینسون اثری بسنده است انجام نداد) از پرویز (ساسانی) تا چنگیز (مغول) را سیدحسن تقی‌زاده نوشت و تاریخ مغول را عباس اقبال، اما از این بیشتر کار ادامه نیافت. مشیرالدوله درگذشت، تقی‌زاده بیشتر به امور سیاسی پرداخت و عباس اقبال هم دلمشغول تألیفات دیگر شد، اگر چه او خود بعدها یک دوره تاریخ کامل ایران را به شکل فشرده‌تر تألیف کرد که تا امروز هم از آثار مرجع به حساب می‌آید.

(۳) شورای عالی نظام در ارتش مسئول تألیف و تهیه تاریخ نظامی ایران شد و افرادی مثل احمد بهارمست، احمد احتسابیان، جمیل قوزانلو آثار مهمی در حوزه تاریخ نظامی ایران تألیف کردند.

(۴) نهادهای جدید آموزشی کم‌کم گسترش یافت و جای نهادهای سنتی مثل مکتب را گرفت و به همین دلیل کم

کم تألیف کتاب‌های درسی برای سطوح مختلف تحصیلی شکل گرفت، اگر چه هنوز تا یکسان سازی کتاب‌های درسی فاصله‌ای طولانی وجود داشت، این کتاب‌های درسی خود مبنای فعالیت اقتصادی و سوددهی برای ناشران نیز بود، زیرا این گونه کتاب‌ها مشتریان ثابت داشته و پرفروش بودند و چون در آن دوره تعداد کتابخوان به خاطر بافت اقتصادی جامعه ایران که بیشتر روستایی بودند اندک شمار به حساب می‌آمدند، این گونه کتاب‌ها به اقتصاد بخش خصوصی نشر مدد می‌رساند و کمک می‌کرد تا این ناشران امیدوارانه به کار ادامه دهند.

گشایش دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ (البته پیش از آن دانشکده‌های طب، ادبیات، و مدرسه عالی عصر سیاسی فعال بودند). باعث تربیت نسل جدیدی از تحصیل کردگان شد که خود به خود در فضای فرهنگی ایران تأثیر داشت، از سوی دیگر افزایش نفرات برای اعزام به خارج و تحصیلات عالی باعث ظهور نسل تکنوکراتی می‌شد که نیاز به دانستن را در فضای فرهنگی جامعه افزایش می‌داد.

این ویژگی‌ها باعث شد حتی در اوج استبداد و دیکتاتوری آمرانه رضا شاه گروهی از چپگرایان نیز گرد هم آمده و نشریه‌ای با گرایش‌ات ماتریالیستی به اسم دنیا منتشر کنند که مدت یک سال از ۱۳۱۲-۱۳۱۳ در ۱۲ شماره منتشر شد. صاحب امتیاز این نشریه دکتر تقی ارانی از تحصیل کردگان آلمان بود. اگر چه اعضای این محفل در ۱۳۱۶ به جرم داشتن مرام اشتراکی دستگیر شدند، گروهی که مشهور به ۵۳ نفر گردیدند، و در میان آنها تنها دکتر ارانی در زندان جان باخت. بقیه افراد این گروه در شهر یور هزار و سیصد و بیست و پس از برکناری رضا شاه از قدرت و تبعیدش به جزیره موریس از زندان رها شده و همان‌ها بودند که حزب توده ایران را ایجاد کردند که در فضای فکری جامعه ایران تأثیری دیرپا بر جانهاد. تلاش‌های رضا شاه برای نوسازی ایران و مدرن‌سازی جامعه ریشه‌دار نبود و از جایگاه صاحب قدرت بود. نزدیکی‌هایی که او به آلمانی‌ها نشان می‌داد، متفقین را خوش آیند نبود، پس اسباب کناره‌گیری‌اش را فراهم ساخته و او با وضعی حقارت‌آمیز ایران را ترک کرد. سیاستگری

محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) که خود از بهترین اهل قلمان ایران بود، حکومت را در خاندان پهلوی حفظ کرد و محمدرضای جوان کم تجربه بر تخت پادشاهی تکیه زد، ایران وضع خوبی در آن روزگار نداشت، نیروهای متفکین ایران را در کنترل خود داشتند، روس‌ها بساط خود را در شمال پهن کرده و انگلیسی‌ها نیز جنوب را در اشغال داشتند، در چنین شرایطی نیروهای سیاسی چپ‌گرا طرفدار حکومت شوروی با گرد آمدن در خانه سلیمان میرزا اسکندری از چهره‌های سرشناس سیاسی و از شاهزادگان قاجار حزبی را بنیان گذاردند که نام توده به خود گرفت، این حزب در حیات سیاسی و فرهنگی ایران طی حدود چهار دهه تأثیر گذار شد.

مشکلات اقتصادی، تنگی معیشت و عدم اقتدار حکومت فضا را برای فعالیت‌های سیاسی گشود، علاوه بر مارکسیست‌ها که زیر پرچم حزب توده گرد آمدند، قوام‌السلطنه نیز حزب دموکرات را بنیان نهاد، سیدضیال‌الدین طباطبایی نیز که در آرزوی کسب قدرت بود وارد فعالیت‌های سیاسی

شد، نشریات افزایش یافت، اما در روند انتشار کتاب تحول چندانی صورت نگرفت. کمبود کاغذ، گرفتاری مردم و بافت اجتماعی جامعه ایرانی و کمی تعداد دانش‌آموختگان مانع افزایش شمارگان و عناوین کتاب می‌شد، اما آنچه به نشر ایران در دوران پس از شهریور بیست حداقل تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تأثیری قاطع نهاد، افکار چپ روانه به ویژه تحت تأثیر رئالیسم ژدانی کشور همسایه شمالی بود، جلال آل احمد، بزرگ علوی، ابراهیم گلستان و صادق هدایت مهم‌ترین قصه‌نویسان این دوران بودند که به جز صادق هدایت سه نفر دیگر سخت از نفوذ ادبیات مارکسیستی تأثیر گرفتند، از رنجی که می‌بریم آل احمد، گرت‌برداری از ادبیات کارگری مشابه در دنیای آن روز بود، چشم‌هایش شاهکار بزرگ علوی سخت چپ‌گرایانه بود و برخی داستان‌های ابراهیم گلستان نیز رگه‌هایی از گرایشات چپ را با خود داشت، شمارگان کتاب ناچیز بود، اما در نشر ایران چند اتفاق مهم پیش آمد، نخست برآمدن علی اکبر علمی یکی از پنج فرزند حاج محمد اسماعیل علمی که با گرفتن حق توزیع کتابهای

درسی مدارس از سال ۱۳۲۴ کم‌کم تبدیل به یکی از ناشران قدرتمند ایران شد، دیگر رشد کتابخانه مرکزی با مدیریت حاج عبدالرحیم صبوحی که از ۱۳۰۸ شمسی فعالیت خود را آغاز کرده بود، پدر وی از وعاظ سرشناس تهران بود و خود او نیز مدتی را در زندان انگلیسی‌ها گذرانده بود، این صبوحی بعدها به ویژه در پیدایی و شکل‌گیری اتحادیه ناشران نقشی درخور ایفا کرد. در نیمه دوم دهه بیست (در سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸) انتشارات سنایی و امیرکبیر به مدیریت داود رمضان شیرازی و عبدالرحیم جعفری نیز فعالیت انتشاراتی خود را آغاز کردند. داود رمضان شیرازی هم به خاطر تداوم نزدیک به هفت دهه انتشاراتی و هم حضور همواره در نهادهای صنفی نشر از چهره‌های مهم نشر کتاب در ایران است، عبدالرحیم جعفری انتشارات امیرکبیر را در مدت سی سال فعالیت (تا ۱۳۵۸) تبدیل به بزرگ‌ترین مؤسسه انتشاراتی در ایران کرد، او علاوه بر جسارت، نوآوری‌های فراوانی نیز در کار خود داشت و توانست در مدت سی سال کار بیش از دو هزار عنوان کتاب منتشر کرده و ده

فروشگاه کتاب نیز در تهران راه‌اندازی کند. جعفری مدت‌ها مدیر عامل سازمان کتاب‌های درسی بود و توانست به چاپ و توزیع کتاب‌های درسی سامان بدهد. پس از انقلاب به دنبال پیش آمدن حوادثی که منجر به مرگ اسماعیل راین نویسنده کتاب «فراموش‌خانه در ایران» در دفتر جعفری شد مشکلات قضایی فراوانی برای او ایجاد کرد که بالاخره منجر به مصادره مؤسسه انتشاراتی او و واگذاری رسمی آن به سازمان تبلیغات اسلامی شد، از آن تاریخ تاکنون مؤسسه انتشارات امیرکبیر به طور عمده با تجدید چاپ کتاب‌های پیشین توانسته به حیات خود ادامه دهد.

در مرداد ۱۳۳۲ با کودتای سرلشکر فضل‌الله زاهدی و ساقط شدن دولت دکتر محمد مصدق، محمدرضا شاه توانست قدرت خود را تثبیت کند، ورود آمریکا به صحنه رقابت‌های سیاسی در ایران و ارتباط گسترده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با این کشور از رژیم پهلوی رژیمی وابسته به قدرت امریکا ساخت، در صحنه فرهنگی نیز رژیم تلاش کرد تا با زدودن آثار فرهنگ چپ که حزب توده و عمده جریان

روشنفکری ایران که وابسته به آن حزب بود توانسته بود آن را به فرهنگ غالب در ایران تبدیل کند دست به مبارزه بزند، ورود مؤسسه انتشارات فرانکلین که مؤسسه‌ای آمریکایی بود به صحنه فرهنگی ایران و تشکیل بنگاه ترجمه و نشر کتاب که از نظر اقتصادی وابسته به بنیاد پهلوی بود و دکتر احسان یار شاطر یکی از اساتید دانشگاه تهران به ریاست آن برگزیده شد، نمادهایی برای تغییر در بستر اندیشه و نشر کتاب در ایران بود، همایون صنعتی‌زاده که به مدیریت فرانکلین انتخاب شد توانست با نوآوری‌های خود تأثیری دیرپا در بسیاری از حوزه‌های نشر بگذارد، برخی از این دگرگونی‌ها عبارتند از:

- ۱) توجه جدی به نقش ویرایش که به راستی نخستین بار توسط فرانکلین در ایران شکل گرفت و نسلی مهم از ویراستاران حرفه‌ای در این مؤسسه پرورش یافتند نظیر دکتر سیروس پرهام، نجف دریابندری، منوچهر انور، کریم امامی، عبدالحسین آذرنگ، هرمز همایون پور و بسیاری دیگر.
- ۲) توجه به طراحی جلد کتاب‌ها و نقش تصویرگری و

گرافیک در ساختار کتاب که با تشکیل آتلیه فرانکلین و حضور کتاب‌پرداز بزرگش هرمز وحید بزرگ‌ترین نقش را در شکل‌گیری هنر کتاب‌پردازی و طراحی و گرافیک در ایران ایفا کرد.

(۳) طراحی و چاپ نخستین دایره‌المعارف فارسی زیر نظر دکتر غلامحسین مصاحب.

(۴) راه‌اندازی سازمان کتاب‌های جیبی برای عرضه کتاب‌های ارزان قیمت با تیراژهای نسبتاً بالا در آن دوران.

(۵) تأسیس چاپخانه افست که هنوز هم بزرگ‌ترین سازمان چاپ کتاب در ایران است.

(۶) سامان‌دهی و تدوین و طراحی و تألیف کتاب‌های درسی مدارس و دبیرستان‌ها.

علاوه بر اینها فرانکلین با در اختیار نهادن کتاب‌هایی که تمام امور آنها در این مؤسسه انجام می‌گرفت و در اختیار ناشران دیگر نهادن طی یک دوره طولانی حدوداً بیست و دو ساله به اقتصاد نشر کتاب در ایران کمک‌های قابل توجه رسانید.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب نیز علیرغم تلاش برای جایگزینی فرهنگی در ایران توانست با مجموعه سازی در حوزه‌های مختلف نشر کتاب و طراحی یونیفورم یا ساختار یکسان جلد برای مجموعه‌های خود شناسنامه‌دار کردن کتاب‌ها، تهیه نمایه و نمایه‌پردازی، روش‌های نوین تصحیح متون، ویراستاری ادبی و فنی تأثیرات مثبتی در مجموع در روند تولید کتاب ایران بنهد، در کنار این دو مؤسسه بزرگ دولتی پس از سال ۱۳۳۲ شاهد رشد مؤسسه امیرکبیر، تولد انتشارات نیل به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ناشران بخش خصوصی که نقش روشنفکرانی مثل ابوالحسن نجفی و عبدالحسین آل رسول در آن پررنگ بود باید یاد کنیم. نیل بعدها در دهه ۴۰ تبدیل به یکی از تأثیرگذارترین مؤسسات نشر کتاب‌های ادبی در ایران شد. شاید از منظر نشر کتاب مهمترین اتفاق دهه سی، پیدایی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران بود. این اتحادیه محصول سال‌ها نشست و تلاش ناشران تهران برای ایجاد یک نهاد صنفی بود، تلاشی که با حضور ناشرانی چون عبدالرحیم صبوحی مدیر کتابخانه مرکزی؛ ابراهیم

رضانی مدیر کتابخانه ابن سینا، کلاله خاور و محمدعلی ترقی مدیر انتشارات خیام، احمد عطایی مدیر انتشارات عطایی، داود رمضان شیرازی مدیر کتابخانه سنایی، مرعشی مدیر انتشارات حافظ نوین و ... بالاخره در سال ۱۳۳۷ منجر به تشکیل یکی از قدیمی‌ترین نهادهای صنفی - فرهنگی در ایران شد. اتحادیه‌ای که هنوز هم فعال و پویاست.

با وجود این تا آغاز دههٔ چهل روند تولید کتاب در ایران رشد چندانی ندارد، نخست به دلیل بافت جامعهٔ ایران، عدم رشدیافتگی طبقهٔ متوسط شهرنشین، فشار و سلطه پلیس سیاسی (ساواک) بر جریان‌های فکری جامعه، دلزدگی و سرخوردگی اهالی اندیشه که عمدهٔ مصرف‌کنندگان کتاب هستند مانع پیدایی مؤسسات نشر قدرتمند و تولید کتاب می‌شد، از سال‌های پایانی دههٔ سی و آغاز دههٔ چهل نسیم تغییراتی در جامعهٔ ایران وزیدن گرفت، این تغییرات با اعتصاب معلمان که با مرگ دکتر خانعلی توسط عوامل رژیم شکل گرفت آغاز شد، اما بیشترین زمینهٔ این تغییرات از خواسته‌های دولت دموکرات آمریکا که با ریاست جمهوری

جان اف کندی آغاز شده بود، برمی آمد، آمریکاییان خواستار تغییر بافت اقتصادی جوامع وابسته به خود از کشاورزی به صنعتی بودند و این برای گسترش بازار مصرف سرمایه داری جهانی یک ضرورت بود، به همین دلیل طرحی که نام "انقلاب سفید شاه و مردم" را به خود گرفت به عنوان یک رفرم در جامعه ایران به رفراندوم نهاده شد. این رفرم باعث یک تغییر عمده در جامعه ایرانی شد، رشد قابل توجه طبقه متوسط شهری، مهاجرت رو به فزونی از روستا به شهر، گسترش شهرها، رشد غیرقابل تصور بوروکراسی اداری؛ بر اساس همین رشد باعث پیدایی نهادهای فرهنگی متناسب با نیاز طبقه متوسط، تئاتر، سینما، مراکز تفریحی، فرهنگسراها، تالارها و بالاخره تأسیس دفاتر مطبوعاتی و انتشاراتی شد همین تغییرات به اجبار نوعی تسامح و ایجاد فضای بیشتر را برای فعالیت های فرهنگی می گشود و به همین دلیل دهه چهل از نظر رشد چشمگیر تولید کتاب، اعتلاء نویسندگی و روزنامه نگاری در ایران تعداد گاهنامه ها، فصل نامه ها و ماهنامه های ادبی منحصر به فرد است، مؤسسات نوین نشر

کتاب علاوه بر نیل نظیر روزن، طرفه، رز، روز، زمان، جوانه که نوگرایی‌ها و ابتکارات فراوانی در میدان تولید کتاب ایجاد کردند و حضور مؤسسات حقوقی نشر نوین بدون اتکا به کتابفروشی همه در این دهه پیدا شدند، علیرغم این تحولات جامعه درون خود دچار یک پارادوکس (تناقض‌نا) بود. فضای نسبتاً باز فرهنگی، منجر به انتقادات روشنفکران از وضعیت موجود بود، وضعیتی که در نهایت آنها را وادار به تشکیل نهاد صنفی نویسندگان یعنی کانون نویسندگان ایران کرد.

نهادی که از زمان تشکیل تاکنون محل چالش حکومت و اهل قلم بوده و هیچ‌گاه شکل رسمی و قانونی به خود نگرفته است. کانون با حضور اکثریت روشنفکران اهل قلم شکل گرفت، ولی همواره علاوه با درگیری با دولت‌های وقت، درون خود نیز آرامش نداشته و طیف‌های مختلف فکری همواره تلاش داشته‌اند سیطره خود را بر آن بگسترانند، حتی زمانی کوتاه پس از انقلاب اعضا و هواداران حزب توده تحت عنوان شورای نویسندگان از کانون انشعاب کردند و

نشریه‌ای نیز برای خود راه‌اندازی نمودند، امروز هم کانون نویسندگان بدون به رسمیت شناخته شدن از طرف دولت در ایران به کار خود ادامه می‌دهد.

علاوه بر این نسلی تازه از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها نیز در دو طیف مذهبی و چپ‌گرا بودند که رژیم را فاقد هر نوع توان برقراری دیالوگ می‌دانستند و به همین علت دست به مبارزه زیرزمینی برای رودررویی با رژیم زدند، وضعیتی که منجر به تشکیل دو سازمان زیرزمینی مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق شد، رژیم نیز که خود را رودررو با مخالفان خود دید به جو اختناق و محدودیت فکری و فرهنگی در جامعه دامن زد. از سویی افزایش بهای نفت منجر به جدایی بیشتر حکومت شاه از مردم شد، از آغاز دهه پنجاه فضای بسته‌ای بر جامعه حکمفرما شد، بسیاری از نشریات توقیف و تعطیل شدند، بسیاری از اهل قلم هم زندانی و بعضی ممنوع‌القلم شدند، برخی نیز دست به مهاجرت زدند. از آغاز این دهه رشته‌ای دیگر از تولید فرهنگی یعنی چاپ کتاب‌های ممنوعه به صورت زیرزمینی

و دور از نظارت نهادهای دولتی آغاز شد و این رشته از تولید فرهنگی در سال‌های ۵۶ تا حدود سال ۶۰ وجه غالب تولید کتاب در ایران شد، رشته‌ای که منجر به تولید تعداد بی‌شماری کتاب عمدتاً در حوزه‌های دینی، فلسفی، سیاسی و تاریخی شد که به کتاب‌های جلد سفید شهرت یافتند، در دهه پنجاه علیرغم فشار فزاینده نهادهای امنیتی بر اهل فکر، اما جوشش و کوشش اجتماعی و سیاسی در نشر کتاب چشمگیر است، ناشرانی جوان کم کم وارد حوزه تولید کتاب می‌شدند که برخی از آنان نظیر نگاه و ققنوس با مدیریت علیرضا رئیس دانایی و امیرحسین زادگان تا امروز هم از مهمترین مؤسسات نشر کتاب در ایران هستند، بسیاری از مؤسسات روشنفکری و کوچک نشر نیز در دهه پنجاه شکل گرفتند که البته چندان دیر نپاییدند.

نشر کتاب در ایران پس از انقلاب را می‌توان به چند دوره تقسیم کرد:

مرحله اول که از سال ۱۳۵۶ شروع و تا حدود سال ۱۳۶۲ طول کشید، دوران فعالیت‌های سیاسی انواع و اقسام

گروه‌های سیاسی از چپ تا مذهبی و ملی بود، بیشتر این گروه‌ها واحدهای انتشاراتی داشتند که به نشر کتاب دست می‌زدند، علاوه بر این تعداد بی‌شماری از ناشران نوحاسته و کم‌نام و نشان نیز به چاپ و نشر کتاب‌هایی دست می‌زدند که گاه مخالفت جدی با نظام حاکم داشت (حال یا در حوزه باورها و اعتقادات مذهبی حاکمیت و یا در مخالفت با مشی سیاسی) با شروع جنگ و افزایش وجهه ملی‌گرایی در دفاع از میهن و تلاش حاکمیت برای مهار گروه‌های سیاسی و جلوگیری از رودررویی جدی در داخل کشور کم‌کم محدودیت‌هایی در نشر کتاب و نشریات پدید می‌آمد، از سال ۱۳۶۲ به بعد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که جانشین وزارت فرهنگ و هنر سابق شده بود از ناشران خواست تا برای گرفتن پروانه نشر اقدام کنند. این حرکت جدید باعث شد که تنها ناشران جدی و حرفه‌ای اعم از باسابقه یا جدید در میدان نشر باقی بمانند، در سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای تحت عنوان (اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب) تدوین و از وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی خواست تا اجرا کننده آن باشد، این مصوبه مبنای نظارت بر کتاب قبل از چاپ و نشر قرار گرفت. این مصوبه تا سال ۱۳۸۹ تنها ضابطه‌ای بود که دولت بر اساس آن نظارت خود را بر کتاب اعمال می‌کرد، اگر چه رفتار اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مواردی بسیار فراتر از مصوبه یاد شده بود، در سال ۱۳۸۹ این مصوبه به کنار نهاده شد و مصوبه‌ای جدید ابلاغ شد که به نظارت دولتی ریزتر پرداخته شده، اما تا امروز هنوز این مصوبه جدید مبنای نظارت بر کتاب قرار نگرفته است.

از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۸ ایران گرفتار جنگ با عراق بود، و دشواری‌های اقتصادی واردات کاغذ را با تنگناهایی روبرو کرده بود، از سوی دیگر قرار گرفتن کارخانه کاغذ پارس در هفت تپه خوزستان نیز در محدوده عملیات جنگی بود، همین باعث کندی روند تولید کتاب بود و از نظر کمی کتاب‌های چندانی منتشر نمی‌شد، پایان جنگ و ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی رفسنجانی که با بازنگری در قانون اساسی حاصل شد، دورانی به اسم سازندگی شکل

گرفت، در این دوران سیاست دولت نزدیکی به سازمان‌های اقتصادی جهانی به ویژه بانک جهانی بود و برای این منظور چون یکی از فاکتورهای توسعه‌یافتگی افزایش محصولات فرهنگی و تولید انبوه کتاب بود، به افراد زیادی و تنها با داشتن مدرک تحصیلی لیسانس جواز نشر داده شد.

افزایش کمی تعداد ناشران بدون توجه جدی به پرورش تولیدکنندگان علم و اهل قلم و مترجمان و متخصصان باعث مشکلاتی جدی شد که یکی از آنها کتاب‌سازی‌های ضعیف بدون عنایت به خواننده کتاب شد، از سویی نداشتن تخصص حرفه‌ای در نشر کتاب و عدم دانش فنی نشر منجر به تولید انبوه کتاب ولی از نظر ساختاری و فنی ضعیف شد، بسیاری از این ناشران نوحاسته خیلی زود از میدان نشر به در رفتند، اما تقاضا برای دریافت جواز نشر روندی رو به افزایش یافت، دلایل بسیاری برای این مسئله موجود بود که اعم آنها عبارتند از:

۱- صاحبان پروانه نشر با حمایت شهرداری تهران (در آن زمان غلامحسین کرباسچی شهردار بود) که به صورت

قانون نیز درآمد می‌توانستند در ساختمان‌های مسکونی به فعالیت پردازند، به همین دلیل داشتن پروانه نشر می‌توانست به شکل صوری پوششی برای فعالیت‌های اقتصادی دیگر باشد.

۲- دولت برای کمک به افزایش کمی تولید کتاب حاضر به پرداخت یارانه‌های مختلفی به ناشران بود نظیر وام‌های با بهره کمتر، کمک به خرید دفتر نشر با دادن وام‌های بلند مدت، در اختیار نهادن کاغذ با قیمت دولتی که نسبت به قیمت کاغذ در بازار آزاد گاه تا دو سه برابر تفاوت قیمت داشت.

۳- خرید بخشی از کتاب‌های تولید شده که معمولاً بین سیصد تا هزار جلد از هر کتاب جدید را شامل می‌شد.

۴- امکان شرکت در نمایشگاه‌های مختلف داخلی (بین‌المللی تهران، نمایشگاه‌های استانی، نمایشگاه‌های مناسبتی نظیر هفته کتاب، دهه فجر و غیره).

۵- خرید کتاب توسط نهادها و ارگان‌های دولتی. همه این مسایل باعث شد که بیش از نه هزار پروانه نشر

صادر شود (تاکنون ۹۲۶۴ پروانه نشر) که این تعداد تحت هیچ شرایطی قادر نیستند از بازار موجود کتاب ایران به خوبی بهره گیرند، یکی از ضوابط که دولت برای دارندگان پروانه نشر قائل شده، چاپ حداقل چهار عنوان کتاب جدید در سال است. به این دلیل تولید فرهنگ در ایران دچار ضعف جدی شده، زیرا کتاب‌هایی با ضعف نوشتاری، اشکالات محتوایی و فاقد وجهت علمی به فراوانی نوشته و منتشر می‌شوند. با روی کار آمدن دولت اصلاح طلب سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ نشر ایران وارد دوره‌ای از فراوانی تولید شد، کاهش نظارت دولتی و حضور عطاالله مهاجرانی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی فضا را برای انتشار بیشتر کتاب مهیا کرد، اما این فراوانی چندان هم به رونق بازار نیفزود، زیرا همان اشکالات برای عرضه کتاب‌های خوب پابرجا بود، فشار نیروهای اصول‌گرا و انتقادات فراوان از روند چاپ کتاب نه تنها منجر به برکناری مهاجرانی شد که مجدداً دایره نظارت نیز تنگ‌تر گردید، با این محدودیت‌ها، دایره رانت‌خواری و رشد فساد مالی نیز دامان نشر کتاب را گرفت، و واردات

بی‌رویه کاغذ منجر به ورود بخش بیشتر کاغذ دولتی به بازار آزاد شد، روندی که با اعتراض ناشران عضو اتحادیه توأم شد. آنان خواستار قطع سهمیه دولتی کاغذ و آزادسازی قیمت مطابق نرخ ارز در بازار آزاد بودند تا میدان سوء استفاده مالی محدود شود، اما دولت خاتمی تا پایان دوره کاری خود به این خواسته توجهی نداشت، با روی کار آمدن اصول‌گرایان با ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد تغییراتی در میدان کار نشر پدید آمد. [صفار هرنندی](#) سرمقاله‌نویس و معاون مدیریت روزنامه کیهان به سمت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شد و دایره سخت‌گیری نسبت به نشر کتاب خاصه در حوزه کتاب‌های ادبی، تاریخی و اجتماعی بسیار تنگ‌تر شد، یارانه کاغذ قطع شد، خرید کتاب از ناشران نیز دچار دگرگونی شد که اولین آن عدم اعلام لیست کتاب‌های خریداری شده بود، طبیعی بود که دولت جدید بیشتر تمایل به حمایت از ناشرانی داشت که در حوزه باورهای آنها به تولید کتاب می‌پردازند، ناشرین مذهبی و حتی بخشی از ناشرین دولتی مورد حمایت جدی قرار گرفتند و یارانه‌ای

که تا پیش از این به شکل عام در اختیار تمام ناشران بود تبدیل به یارانه‌ای در دست دولت شد که به صورت خاص به عده محدودی اختصاص می‌یافت. بسیاری از اهل قلم و ناشران به این روند اعتراض داشتند، اما دولت توجهی به این امور نشان نمی‌داد، اگرچه به نظر می‌رسید اختلافاتی بین رئیس جمهور و وزیر ارشادش وجود دارد، تصویری که در دوره جدید ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد با تغییر وزیر رنگ واقعی به خود گرفت، وزیر تازه سید محمد حسینی که بیش از آن یکی از استیضاح‌کنندگان عطاالله مهاجرانی وزیر دوره خاتمی بود بدون داشتن هر گونه پیشینه فرهنگی به عنوان وزیر جدید مشغول کار شد، اما از محدودیت‌ها نه تنها کاسته نشد که تشدید هم شد. بهمن دری معاون فرهنگی وزیر که پیش از این در دوره‌ای از وزارت میرسلیم مدتی مدیر اداره کتاب بود، دایره سخت‌گیری به نشر آثار نوگرایانه را سخت محدود کرده است. اما به نظر نمی‌رسد نظارت سخت‌گیرانه دولت بتواند برای همیشه دوام داشته باشد، گسترش شبکه‌های مجازی و اجتماعی روند روبه‌ازدیاد

تولیدات الکترونیکی کتاب، افزایش ارتباطات ایرانیان به ویژه با خارج از کشور، افزایش عمومی سطح دانایی و تحصیلات در ایران که جوانان را به آموختن زبان‌های خارجی واداشته و افزایش دایره‌های کسب اطلاعات، سلاح نظارت را کم اثر و کند می‌کند. باید دید دولت برای برون رفت از این مسئله چه تدبیری می‌اندیشد.

در حال حاضر روند تولید کتاب در ایران از نظر کمی نسبت به همسایگانش قابل قبول است اگر چه از نظر شمارگان هنوز ضعف جدی وجود دارد و باید دید که در سال‌های آینده با چه تمهیداتی می‌توان نسبت به افزایش روند مطالعات در ایران افزود.

این بخش را با اشاره‌ای به فعالیت زنان در حوزه نشر به پایان می‌رسانیم، پیش از انقلاب اسلامی زنان به عنوان مدیران نشر حضوری نداشتند، اما پس از انقلاب به تدریج زنان زیادی وارد حوزه چاپ و نشر کتاب شده و فعالیت خود را آغاز کردند. فریده خلعتبری مدیر انتشارات شباویز از نخستین زنان دانش آموخته‌ای است که وارد حوزه چاپ

شد و توانست تبدیل به یکی از ناشران موفق در حوزه انتشار کتاب‌های ادبی شود، وی از سال ۱۳۷۰ به بعد بیشتر فعالیت خود را در حوزه آثار کودک و نوجوان متمرکز کرده و توانست به یک ناشر بین‌المللی در این بخش تبدیل شود. شهلا لاهیجی نیز در نیمه دوم دهه شصت شمسی انتشارات روشنگران و مطالعات زنان را بنیان نهاد و توانست آن را تبدیل به یکی از مؤسسات معتبر انتشاراتی در ایران نماید. از آغاز دهه هفتاد بر شمار ناشران زن افزوده شد، زنان در ایران در حوزه‌های مختلفی چون کودک و نوجوان، علوم انسانی و رشته‌های فنی و پزشکی به نشر کتاب می‌پردازند. از آغاز دهه هشتاد شمسی بخشی از ناشران زن تشکلی را به اسم «جمع زنان ناشر» شکل دادند که دست به فعالیت‌هایی در جهت اهداف و حقوق صنفی زنان زد. با این وجود این تشکل هیچ‌گاه شکل رسمی و قانونی به خود نگرفت و اخیراً نیز (سال ۱۳۸۹) گروه دیگری از زنان ناشر مؤسسه‌ای را به اسم «مؤسسه فرهنگی زنان ناشر» تأسیس و ثبت کرده‌اند که هدف آن تشکیل نهادی صنفی و فرهنگی و غیرسیاسی

است که زنان ناشر را دور هم جمع کند، تاکنون حدود ۵۰ ناشر زن عضو این مؤسسه شده‌اند که هویت رسمی و قانونی نیز دارد. به هر حال نشر در حال تحول ایران در سالیان اخیر به ویژه شاهد حضور پر رنگ و مؤثر زنان نیز بوده است.

نگاهی به نشر مستقل کتاب در ایران

تشکیل سازمان‌های مستقل و حقوقی نشر در ایران بدون اتکا به دولت نخستین بار در دوران مظفرالدین شاه آغاز شد، شرکت سهامی طبع کتاب به همت عده‌ای از رجال سیاسی و دولت مردان برجسته شکل گرفت که در بخش پیشین به آن اشاره شد. پس از آن باید از محمد رضانی یاد کنیم که از سال ۱۳۰۲ شمسی در نوزده سالگی کتابخانه‌ی شرق را در خیابان لاله‌زار دایر کرد و به نشر کتاب پرداخت. او چند سال بعد نام انتشارات را به کلاله‌ی خاور تغییر داد، رضانی از فعال‌ترین و مبتکرترین ناشران بخش خصوصی در ایران بود، او در تشکیل اتحادیه ناشران و کتابفروشان

تهران به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای صنفی در ایران نیز نقشی مؤثر داشت.

حاج محمدعلی ترقی که از نوجوانی با دایی خود اسدالله ترقی در کار خرید و فروش کتاب همکاری می‌کرد از سال ۱۳۰۴ شمسی کتابخانه خیام را در خیابان ناصرخسرو دایر کرد و سالها از ناشران بسیار زحمت‌کش و مهم در چاپ کتاب‌های تاریخی و مرجع بود. پس از وی فرزندانش شاهرخ و بیژن به خصوص بیژن ترقی ترانه سرای معروف کار پدر را ادامه دادند، اما با درگذشت بیژن ترقی چراغ انتشارات خیام نیز در سال‌های نیمه اول دهه هشتاد شمسی فرو مرد.

اسحق و یهودا بروخیم از اقلیت‌های کلیمی ایران از سال ۱۳۰۶ انتشارات بروخیم را بنیان نهادند. نام بروخیم با نام فرهنگ‌های دو زبانه حییم گره خورده است، نخستین جلد از این فرهنگ‌ها در سال ۱۳۰۹ شمسی چاپ شد و این انتشارات که محلش در خیابان فردوسی بود تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ دایر بود، با مهاجرت برادران بروخیم کتابخانه آنها نیز تعطیل شد و پس از مدتی این فرهنگ‌ها در اختیار داود

موسایی مدیر با خرد انتشارات فرهنگ معاصر قرار گرفت که آنها را با ویراست نو و دگرگونی بارها به چاپ رسانده است.

ابراهیم رضانی برادر کوچک‌تر محمد رضانی نیز از سال ۱۳۰۹ در میدان مخابرات دوله کتابخانه ابن سینا را بنیاد نهاد و تا نیمه اول دهه پنجاه از پرکارترین و بهترین ناشران ایران باقیماند. پاره‌ای از دگرگونی‌ها و گرفتاری‌هایی که ساواک برای او ایجاد کرد منجر به مهاجرت او و واگذاری حق چاپ کتاب‌ها به انتشارات امیرکبیر شد.

حاج محمد اسماعیل علمی از خوانساری‌های مهاجرت کرده به تهران از سال ۱۳۱۱ شمسی تشکیلات چاپ و نشر علمی را در کوچه خدا بنده لوها در خیابان ناصر خسرو دایر کرد، او پنج پسر داشت که همگی وارد کار چاپ و نشر کتاب شدند. حاج محمد علی پسر بزرگ پس از مدتی با درگذشت پدر اداره چاپخانه و نشر را به عهده گرفت، فرزندان او هم اکنون نیز صاحب مؤسسات نشر در ایران هستند که به آنها اشاره خواهد شد. علی اکبر علمی به ویژه

پس از شهریور بیست به لطف برنده شدن در مزایده چاپ و فروش کتاب‌های درسی رشدی عجیب پیدا کرد و صاحب یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات چاپ و نشر کتاب شد. محمد حسن علمی نیز به کار چاپ کتاب پرداخت و فرزندان وی نیز (سه پسر) سازمان چاپ و نشر جاویدان را راه‌اندازی کردند که در این سال‌ها با ورود نسل چهارم این خاندان به حوزه کار به اسم بدرقه جاویدان به کار چاپ و نشر کتاب مشغولند.

محمد جعفر علمی نیز که بیشتر به کار چاپخانه رسیدگی می‌کرد در سال ۱۳۲۰ در اثر تصادف اتومبیل درگذشت، اما فرزندان وی به کار چاپ و نشر پرداختند، عبدالرحیم علمی نیز ضمن کار با برادران خود، فرزندان داشت که دو تا از آنها یعنی پرویز و شاهپور به کار نشر کتاب پرداختند، از فرزندان علی‌اکبر علمی تنها فریدون به کار نشر کتاب پرداخت.

خاندان علمی از قدیمی‌ترین و پردوام‌ترین خاندان‌های نشر کتاب در ایران هستند.

انتشارات اقبال نیز از سال ۱۳۱۴ شمسی رسماً به عنوان ناشر فعالیت خود را آغاز کرد، حاج محمدحسین اقبال البته از چند سال پیش از این در کار چاپ و نشر کتاب فعالیت داشت، اما نخستین کتاب‌ها با آرم انتشارات اقبال از این سال طبق فهرست خانابا مشار به ثبت رسیده است، امروز نسل سوم این خاندان همچنان در کار نشر کتاب حضور دارند.

کتابخانه رازی از سال ۱۳۱۶ شمسی و بنگاه مطبوعاتی بریانی نیز که به خاطر چاپ کتاب‌های سریالی و ارزان قیمت در ایران شهرت دارد از همین سال آغاز به کار کردند، نشر ایران در دوران رضا شاه بیشتر متکی به ناشران مستقل بود و دولت فعالیت محدودی در نشر کتاب داشت، اما سانسور شدید، استبداد حاکم، عدم توسعه یافتگی جامعه ایران، تعداد نه چندان زیاد تحصیل کردگان، محدودیت طبقه متوسط چاپ و نشر کتاب را محدود و دارای میدان تولید ضعیفی کرده بود. با برکناری رضا شاه از قدرت در شهریور ۱۳۲۰ و روی کار آمدن پسر او (محمد رضا) نیز نشر

به خاطر مشکلات اقتصادی و درگیری ایران در میدان جنگ جهانی دوم چندان توسعه‌ای نیافت. انتشارات علی‌اکبر علمی از ناشرانی بود که به لطف بهره‌وری از امکانات فروش کتاب‌های درسی تبدیل به یک مؤسسه توانمند شد. کتابخانه مرکزی با مدیریت عبدالرحیم صبوحی از سال ۱۳۲۴ فعالیت خود را در خیابان ناصر خسرو گسترش داد. صبوحی طی سال‌های بعد یکی از برجسته‌ترین ناشران ایران به ویژه در پی تحقق یافتن خواسته‌های صنفی بود.

از سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ دو ناشر مهم دیگر پای به عرصه می‌گذارند، حاج داود رمضان شیرازی در خیابان ناصر خسرو کتابخانه سنایی را بنیان می‌نهد، این انتشارات طی ۶۲ سال فعالیت خود عناوین بسیار مهمی به ویژه از دواوین شعرای کلاسیک ایران چاپ کرده است. علاوه بر آن حاج داود رمضان شیرازی دو دوره ریاست اتحادیه ناشران را پس از انقلاب اسلامی به عهده داشته است.

عبدالرحیم جعفری نیز در همین سال انتشارات امیرکبیر را بنیان نهاد و طی سی سال بعد به لطف پشتکار، ذوق ورزی،

استفاده از مشاوره با اهل فن، پیگیری و خوش حسابی خود تبدیل به بزرگ‌ترین ناشر بخش خصوصی در ایران شد، متأسفانه بر اثر سوء تفاهماتی پس از انقلاب مؤسسه انتشارات امیرکبیر مصادره و در اختیار سازمان تبلیغات اسلامی قرار گرفت. اگر چه امیرکبیر همچنان به عنوان ناشری وابسته به دولت فعال است، اما هرگز آن درخشش دوران مدیریت جعفری را نداشته است. حق هست در این دوره از انتشارات صفی‌علیشاه نیز که توسط برادران مشفق دایر شد و هنوز هم در ایران فعال هستند نیز یاد شود، این انتشارات در حوزه تاریخ و ادبیات آثار مهمی منتشر کرده است. یکی از ویژگی‌های نشر کتاب در ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سیاست‌زدگی و تأثیر حزب توده بر اذهان روشن جامعه بود، به گونه‌ای که آثار بسیاری چه در حوزه تألیف و یا ترجمه تحت تأثیر گرایش‌های این حزب به چاپ رسید.

با وقوع کودتای ۲۸ مرداد دولت رسماً نقش فعال‌تری در نشر کتاب در ایران به عهده گرفت، یکی برای کم‌رنگ کردن

نقش گرایش‌ها در حوزه کتاب، دیگری حضور پر رنگ برای کم رنگ کردن ناشران مستقل، بنگاه ترجمه و نشر کتاب و انتشارات فرانکلین که طی سال‌های بعد غول‌های انتشاراتی در ایران بودند یکی از دلایل توسعه نیافتن نشر کتاب در بخش خصوصی پس از کودتا بودند. تا سالیان آغاز دههٔ چهل شمسی در ایران می‌توان به دو مؤسسه مهم نشر کتاب در بخش خصوصی اشاره کرد. نخست انتشارات نیل که به همت احمد عظیمی زواره‌ای، ابوالحسن نجفی و عبدالحسین آل رسول شکل گرفت و در حوزه آثار مدرن ادبیات جهان و ترجمهٔ آنها نقشی مهم به عهده گرفت و نشر اندیشه که توسط احمد احمدی تأسیس شد و سال‌ها در حوزه چاپ و نشر کتاب‌های ادبی به ویژه در حوزه ادبیات نمایشی مبتکر و یکه‌تاز ماند. در دههٔ چهل آل رسول از نیل جدا شد و نشر زمان را راه‌اندازی کرد که طی این دهه و دهه پنجاه از بهترین ناشران کتاب‌های ادبی و اجتماعی بود. با آغاز دههٔ چهل تغییرات وسیعی در جامعهٔ ایران پیش آمد، رفرم‌هایی که بعداً عنوان "انقلاب سفید" به خود

گرفت، منجر به گسترش بورکراسی اداری، افزایش جمعیت شهرنشین، رشد طبقه متوسط و گشایش در فضای فرهنگی ایران شد، افزایش هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصل‌نامه‌ها و گاهنامه‌های ادبی، تحول در تأثر و هنرهای نمایشی، پیدایی موج نو سینمای ایران و تأسیس مؤسسات نشری که برای اولین بار در ایران بدون اتکا به کتابفروشی شکل گرفتند، از مهمترین تحولات نشر کتاب در ایران بودند، تا پیش از این نهاد نشر و کتابفروشی در ایران جدا از هم نبود، اما از دههٔ چهل به ویژه از نیمه‌های این دهه که مؤسسات مستقلی نظیر روزن، طرفه، جوانه، رز و زمان در ایران پدید آمدند، اگرچه بسیاری از آنها عمر چندانی نیافتند اما در حوزهٔ نشر کتاب تأثیراتی خوب از خود به جا نهادند، در دههٔ چهل پارادوکس اصلی جامعه عدم دیالوگ میان حاکمیت و روشنفکران جامعه بود و به همین دلیل تضادی در درون جامعه رشد می‌کرد که منجر به رودررویی صاحبان فکر و اندیشه با دولت می‌شد، تضادی که از یک سو منجر به تشکیلی صنفی به اسم کانون نویسندگان در جامعهٔ فکری

ایران شد و در حوزه دانشگاهی و مذهبی منجر به رودررویی قهرآمیز بین دولت و مخالفان شد. قهری که کم کم از آغاز دهه پنجاه با افزایش قیمت نفت منجر به انسداد بیشتر فکری و سیاسی در جامعه ایران شد، از آغاز دهه پنجاه، از رشد مؤسسات نشر کاسته شد، آمار انتشار کتاب افول یافت و مؤسساتی نیرومند پای به عرصه نهادند، مشکلاتی که موجب شکاف میان دولت و ملت می‌شد، رشد تضادها، بروز بحران اقتصادی فراگیر و عدم توجه حاکمیت به خواسته‌های طبقات متوسط و فقیر جامعه منجر به پیدایی زمینه‌های قیام و انقلاب و در نهایت سقوط حاکمیت می‌شد، از سال ۱۳۵۶ به ویژه با توجه به تغییراتی که در سیاست خارجی دولت امریکا نسبت به ایران پدید آمده بود شاه علیرغم میل خود دست به رفرم‌های محدودی زد. برگزاری شب‌های شعر انستیتوگوتته که به مدت ده شب در مهرماه ۱۳۵۶ برگزار شد نخستین جرقه خواسته‌های متراکم شده جامعه در اعتراض به وضعیت موجود بود، در این شب‌ها که در هوای بارانی پاییز تهران برپا شد. شعرا و نویسندگان سخنرانی

کردند، شعر خواندند و از خواسته‌های فرهنگی سخن گفتند کسانی مثل شمس آل احمد و باقر مومنی بسیار بی‌پرده به سانسور تاختند و شاعری معترض مثل سعید سلطانپور شعرهای انقلابی خواند، این سرآغاز شکافی بود که در نهایت با حضور گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه حضور قاطع نیروهای مذهبی و روحانیت در نهایت منجر به سقوط حکومت پهلوی شد.

نشر کتاب در ایران به دنبال فشارهای دمکرات‌های آمریکا که جیمی کارتر را به ریاست جمهوری رسانده بودند، موجب گشایش فضای سیاسی بازتری در ایران شد و همین روزنه باعث سرعت انتشار کتاب در ایران گردید. بسیاری از کتاب‌های ممنوعه و غیرقابل انتشار که سالیان دراز دور از دسترس بود، بدون آرم و نشان ناشر خاصی با حروف نه چندان مناسب در تیراژهای وسیع و بدون طراحی جلد منتشر می‌شدند، این کتاب‌ها که به جلد سفید شهرت یافتند فصلی مهم از نشر کتاب در ایران بین سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ شمسی را در برمی‌گیرد. کتاب‌ها عمدتاً در حوزه‌های

ادبیات، تاریخ، فلسفه، سیاست، و مذهب بودند. آثار فلسفی از مارکس، انگلس، لنین و کتاب‌های خاطرات سیاسی و آثار مذهبی به ویژه کتاب‌های آیت‌الله خمینی و دکتر علی شریعتی بیشترین تیراژ و مخاطب را داشتند.

از سویی تقریباً تمام گروه‌های سیاسی به ویژه گروه‌های چپ‌گرا دارای سازمان و تشکیلات نشر کتاب و نشریه بودند. از سالیان آغازین دهه شصت و با گسترش جنگ بین ایران و عراق و رودرروی گروه‌های سیاسی با حکومت جمهوری اسلامی کم‌کم دولت توانست کنترل بیشتری در حوزه چاپ و نشر اعمال کند. از این سال کم‌کم نسل نوینی از ناشران پا به عرصه نهادند که بسیاری از آنها بدنه کنونی نشر کتاب را در ایران شکل می‌دهند. در ادامه به چند ناشر اثرگذار اشاره می‌شود.

نشر مرکز را علیرضا رضانی فرزند اصغر رضانی یکی از برادران محمد و ابراهیم رضانی از بنیانگذاران نشر نوین ایران پایه‌گذاری کرد. علیرضا رضانی نسل سوم از خانواده رضانی درکار نشر بود. او تحصیل کرده انگلیس است و با

ایده‌های نو به میدان نشر آمد، او در این راه از همکاری جهانگیر اوشیدری و فریدون فاطمی برخوردار بود، عمده فعالیت نشر مرکز مبتنی به نشر کتاب‌های ادبیات، تاریخ، فلسفه و علوم اجتماعی و کودک و نوجوان بود، در سه دهه گذشته نشر مرکز از مهمترین ناشرین کتاب بوده و آثار مهمی در حوزه تالیف و ترجمه عرضه کرده است. نویسندگان مهمی مثل جلال ستاری، مهدی سحابی، ... زویا پیرزاد، دکتر محمد صنعتی، عباس مخبر و شمس لنگرودی با نشر مرکز همکاری مداوم داشته‌اند.

نشر نی را گروهی از جوانانی که با روزنامه اطلاعات همکاری می‌کردند در همان سالیان آغاز دهه شصت با نشر کتاب اعترافات ژنرال اثر تیمسار قره‌باغی راه‌اندازی کردند. این کتاب‌فروشی انفجاری داشت و دستمایه لازم برای ادامه کار را فراهم کرد، جعفر همایی دانش‌آموخته اقتصاد دانشگاه تهران که مدتی نیز در انتشارات امیرکبیر کار کرده بود، به عنوان مدیرعامل این شرکت تازه تأسیس انتخاب شد. علاقه همایی به رشته تحصیلی خود و آشنایی با اساتید این رشته،

باعث شد تا نشر نی تعدادی از کتاب‌های مهم رشته‌های اقتصاد را چاپ و منتشر کند که برخی به عنوان کتاب‌های درسی نیز به چاپ‌های متعددی رسیدند. همین باعث شد تا نشر نی ریشه بگیرد و تبدیل به یکی از معتبرترین مؤسسات نشر کتاب در ایران شود. نی در سال‌های اخیر توجهی جدی به نشر کتاب‌های علوم اجتماعی، سینما و تئاتر و ادبیات داشته و یکی از پرکارترین ناشرین کنونی کشور است.

نشر چشمه نیز توسط حسن کیائیان موسوی از اهالی شهر بابل پایه‌گذاری شد، چشمه ابتدا در خیابان کریم‌خان زند یک کتابفروشی راه‌اندازی کرد، محلی که خیلی زود تبدیل به یک مرکز پاتوقی شد. حُسن خلق، ادب و رفتار سنجیده حسن کیائیان را تبدیل به یکی از چهره‌های مهم نشر کتاب در ایران کرد، او مدت‌ها با اتحادیه ناشران نیز همکاری کرد و یک دوره نیز ریاست این اتحادیه را به عهده گرفت. نشر چشمه با عنایت جدی به آثار ادبی ریشه گرفت. چاپ کتاب‌های فریدون مشیری از شعرای معاصر ایران و مصطفی کمال‌پور تراب در موسیقی کم‌کم نشر

چشمه را تبدیل به ناشری موفق و پیشرو کرد، درسال‌های اخیر چشمه با اختصاص انرژی بیشتری بر آثار ادبی جوانان (در زمینه قصه و داستان کوتاه) موفقیت یگانه‌ای به دست آورده است.

نشر نیلوفر را حسین کریمی بنیان نهاد. نیلوفر از همان آغاز هدف اصلی خود را نشر آثار ادبی در حوزه ترجمه تعریف کرد، مترجمان بیش‌ماری از جمله صالح حسینی، ابوالحسن نجفی، محمد قاضی، مهدی غبرایی، فرهاد غبرایی، ... با این نشر همکاری داشته‌اند و آثار مهمی از ادبیات جهان نیز توسط این مؤسسه انتشاراتی که دفتر آن در خیابان دانشگاه تهران است به علاقمندان زبان فارسی ارائه شده است.

نشر قطره توسط بهرام فیاضی از سالیان میانی دهه شصت راه‌اندازی شد، قطره نیز در سالیان اخیر با نشر آثاری در حوزه ادبیات، تاریخ، علوم اجتماعی و در دهه هشتاد با تمرکز بیشتر روی آثار نمایشی و روان‌شناسی توانسته تبدیل به یکی از مؤسسات انتشاراتی نیرومند ایران شود.

طرح نو توسط حسین پایا در نیمه دوم دهه شصت شکل

گرفت، مدیر آن که درس خوانده فلسفه بود، تمایلی جدی به نشر آثار در علوم اجتماعی و فلسفه داشت، طرح نو به خاطر گزینش درست آثار منتشره در دهه هفتاد رشدی عجیب داشت. این نشر با چاپ کتاب‌های اصلاح طلبان حکومتی منجمله آثار عبدالله نوری، سعید حجاریان، اکبر گنجی با تیراژ رویائی برخی کتاب‌هایش به نظر می‌رسید تبدیل به یکی از قوی‌ترین مؤسسات نشر در ایران شود. اما از آغاز دهه هشتاد این نشر فروغ خود را از دست داد و تا حد تعطیلی نیز پیش رفت، طرح نو اگر چه هم اکنون نیز به انتشار کتاب ادامه می‌دهد اما هرگز آن درخشش دهه هفتاد را ندارد.

برخی از مؤسسات انتشاراتی نیز در دهه‌های شصت و هفتاد پیدا شدند که در زمینه نشر کتاب صاحب توفیق و نوگرایی‌هایی بودند. اما دولت مستعجل بودند و چراغ نشرشان فرو مرد، نشر نو به مدیریت رضا جعفری پسر عبدالرحیم جعفری بنیان‌گذار امیرکبیر از بهترین ناشران دهه شصت بود اما دیر نپایید. اسپرک، فاریاب، نقره، مرغ آمین

و تیراژه از مهمترین ناشران کتاب‌های حوزه علوم انسانی بودند که به تعطیلی کشانده شدند.

انتشارات نگاه را علیرضا رئیس دانایی در سال ۱۳۵۲ پایه‌گذاری کرد. او چند سالی را در کتابفروشی شرق کار کرده و تجربه‌ای اندوخته بود. نگاه حوزه کاری خود را از ابتدا ادبیات، هنر، تاریخ و فلسفه قرار داد، از دهه شصت به بعد نگاه اوج بیشتری گرفت و در سه دهه اخیر از پرکارترین ناشران ایران بوده است، آثار احمد شاملو، مرتضی راوندی، علی محمد افغانی، محمد حقوقی، نادر نادرپور، سیاوش کسرایی، رضا سید حسینی، احمد گلشیری و بسیاری دیگر نگاه را به یکی از بهترین ناشران کنونی کشور تبدیل کرده است.

امیرحسین زادگان فعالیت خود را با کار در بازار تهران آغاز کرد، او از سال ۱۳۵۳ انتشارات ققنوس را راه‌اندازی کرد، ققنوس پس از انقلاب کار خود را در اطراف دانشگاه تهران و با راه‌اندازی فروشگاه‌های در بازارچه کتاب ادامه داد، از دهه شصت ققنوس به گسترش فعالیت خود پرداخت،

در دهه‌های هفتاد و هشتاد این نشر با چاپ آثاری در حوزه‌های ادبیات، حقوق، فلسفه و تاریخ تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین ناشرین کنونی ایران شده است.

انتشارات مروارید از سالیان آغازین دههٔ چهل شمسی، با مشارکت مجید روشنگر، منوچهر حسن‌زاده، فریدون نیکنام، و علی بیگ شکل گرفت، مروارید از همان آغاز هدف خود را چاپ آثار نوگرایانه به ویژه در ادبیات بیان کرد، با وجود مهاجرت روشنگر به امریکا و درگذشت نیکنام مروارید به فعالیت خود ادامه و پس از انقلاب به ویژه در حوزه کتاب‌های ادبی یکی از بهترین و پرکارترین ناشران کنونی ایران بوده است.

انتشارات آگاه از سالیان آغاز دههٔ پنجاه با همکاری حسین‌خانی و بخشی آغاز به کار کرد. آگاه با استقرار در مقابل دانشگاه تهران به ویژه پس از انقلاب در حوزه انتشارات کتاب‌های علوم اجتماعی و فلسفه یکی از مهمترین ناشران چاپ و نشر کتاب در ایران بوده است. از چند سال پیش دختر آقای حسین‌خانی نیز نشر آگه را بنیان نهاد که در همان

راستای انتشارات آگاه به چاپ و نشر کتاب می‌پردازد. انتشارات خوارزمی در سال ۱۳۴۸ با مشارکت گروهی از دبیران سرشناس دبیرستان‌های آن روز تهران شکل گرفت، هدف اولیه آنها چاپ و نشر کتاب‌های کمک آموزشی بود. اما انتخاب علیرضا حیدری که خود دبیر ادبیات بود به مدیر عاملی این مؤسسه، خیلی زود باعث تغییر در نیت اولیه شد، خوارزمی به علت وسواس، دقت، سخت‌گیری توأم با دقت علمی و ذوق ورزی‌های خاص خود تبدیل به یکی از بهترین ناشران در حوزه کتاب‌های علوم انسانی شد، ادبیات، تاریخ، فلسفه و علوم تجربی میدان‌های فعالیت این ناشر بود، خوارزمی مجموعه‌ای از بهترین کتاب‌های تألیفی و ترجمه را در چهار دهه گذشته عرضه کرده، اگر چه با درگذشت ناگهانی علیرضا حیدری از فعالیت این نشر کاسته شده ولی خوشبختانه چراغ آن همچنان روشن است.

نشر فرهنگ معاصر را داود موسایی از سال‌های آغاز دهه شصت بنیان نهاد. موسایی که خود سال‌ها در کتابفروشی‌ها پیشینه کار داشت از همان آغاز هدف خود را نشر کتاب‌های

مرجع عنوان کرد، ابتدا فرهنگ قدیمی اما بسیار کاربردی حیم را با ویرایش جدید عرضه کرد و سپس روی فرهنگ‌های دو زبانه سرمایه‌گذاری کرد، فرهنگ معاصر به عنوان ناشری گزیده و دقیق در سال‌های اخیر توانسته آثار معتبری در حوزه کتاب‌های مرجع عرضه کند، ارتباط خوب مدیر آن باعث گشایش فروشگاهی بزرگ برای عرضه کتاب‌هایی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی در تهران نیز شده است.

انتشارات توس را محسن باقرزاده از آغاز دهه پنجاه در تهران بنیان نهاد، پیش از این باقرزاده در مشهد چند عنوان کتاب منتشر کرده بود، توس به لطف پیشنهاد کار مدیرش در بنیاد فرهنگ و آشنایی با عده‌ای از ادبا و فضیای سرشناس خیلی زود تبدیل به یک ناشر گزیده کار و موفق شد، چاپ کتاب‌های معتبری به ویژه در حوزه پژوهش‌های ادبی و تاریخی، توس را ناشری ماندگار کرده است، با بالا رفتن سن و بیماری محسن باقرزاده در سالیان اخیر اندکی از فعالیت توس کاسته شده است.

نشر افق ابتدا به عنوان ناشر کتاب‌های کودک و نوجوان

آغاز به کار کرد، از نیمه دوم دهه هفتاد مدیر آن هاشمی نژاد، به چاپ آثار ادبی مدرن روی آورد و کم کم افق تبدیل به یکی از ناشران پرکار به ویژه در حوزه آثار ادبیات داستانی در حوزه ترجمه و تألیف تبدیل شد.

انتشارات اساطیر را عبدالکریم جریزه‌دار از آغاز دهه شصت راه‌اندازی کرد. حوزه کاری اساطیر عمدتاً متون کلاسیک فارسی است. این ناشر طی سه دهه حدود هزار عنوان کتاب در این حوزه دشوار منتشر کرده و پایداری ناشر در تداوم این رشته کم مخاطب شگفت‌انگیز و قابل تحسین است.

انتشارات ثالث را محمدعلی جعفریه که خود از خاندانی اهل نشر و چاپ برآمده در دهه هفتاد بنیان نهاد، از سالیان آغاز دهه هشتاد این نشر متحول شد و با تمرکز بر چاپ کتاب‌های ادبیات و علوم اجتماعی تبدیل به یکی از ناشران مطرح کنونی کشور شده است، ثالث صاحب یکی از بزرگ‌ترین فروشگاه‌های عرضه کتاب در ایران نیز هست. انتشارات قدیانی را نادر قدیانی که در حال حاضر نیز

ریاست اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران را دارد، از سالیان آغازین دهه پنجاه بنیان نهاد، حوزه اصلی کار انتشارات قدیانی ادبیات کودک و نوجوان است، در سال‌های پس از انقلاب این انتشارات با انتخاب گروه کارشناسی در انتخاب کتاب توانست میدان فعالیت خود را گسترش داده و حالا یکی از بزرگ‌ترین ناشران حوزه کودک و نوجوان در ایران است.

نشر پیدایش را محسن طائب بنیان نهاد در دهه‌های هفتاد و هشتاد این ناشر کتاب‌های کودک و نوجوان توانست خود را به صورت یکی از بزرگ‌ترین و بهترین ناشران این حوزه تبدیل کند.

انتشارات فاطمی را ایرج ضرغام در دهه شصت تأسیس کرد، هدف این انتشارات از همان آغاز تدوین و تألیف متون علمی کمک آموزشی بود، هدفی که ضرغام با بهره‌گیری از عده‌ای کارشناس ممتاز آموزشی توانست به خوبی به آن جامعه عمل بپوشاند و فاطمی را تبدیل به ناشری ممتاز در حوزه کتاب‌های علمی در ایران کند، هدفی که علیرغم

افزایش رقابت در میدان عرضه چنین کتاب‌هایی همچنان به آن پای‌بند مانده است.

انتشارات کانون فرهنگی آموزش را کاظم قلم‌چی از دهه هفتاد بنیان نهاد. وی ابتدا به عنوان کارشناس ارزیابی توان دانش آموزان برای شرکت در آزمون ورودی دانشگاه‌ها (کنکور) فعالیت خود را آغاز کرد و کم‌کم انتشارات خود را راه‌اندازی کرد، توجه به نیاز مخاطبان این انتشارات را خیلی زود در عرضه کتاب‌های کمک‌درسی ممتاز کرد و توانست میدان فعالیت خود را افزایش دهد، قلم‌چی با وقف کردن مؤسسه عظیم خود، در سال به هزاران دانش‌آموز دارای امکانات کم، کمک هزینه تحصیلی می‌دهد تا بتوانند به مدارج بالاتر تحصیلی دست یابند.

مؤسسه گاج را جوکار بنیان نهاد، در دهه هشتاد هنوز حتی یک دهه هم از فعالیت این مؤسسه انتشاراتی نمی‌گذرد اما توانسته به لطف بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغی و ترویجی گسترده، تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین ناشران کتاب‌های آموزشی در کشور شود.

فرهنگسرای گویا را ناصر میرباقری از دهه شصت راه اندازی کرد. از دهه هفتاد به بعد میرباقری فعالیت خود را تنها در چاپ و نشر کتاب‌های هنری متمرکز کرد، چاپ مجموعه‌ای از آثار محمود فرشچیان اوج کار هنری این ناشر بود، در حال حاضر این انتشاراتی از بهترین ناشران کتاب‌های هنری در کشور است.

فرهنگسرای یساولی را جواد یساولی در آغاز دهه شصت در بازارچه کتاب راه انداخت، او با پشتکار و کوششی قابل تحسین نه تنها توانست این مؤسسه را توسعه دهد بلکه این فرهنگسرا را تبدیل به یکی از بهترین ناشران کتاب‌های هنری نیز کرد، مهاجرت وی به کانادا هم چراغ نشر را فرو نکشید و برادران او توانسته‌اند این نشر را همچنان فعال نگه دارند.

نشر نگار را داودی پور در دهه هفتاد راه اندازی کرد، هدف نگار نیز چاپ و نشر کتاب‌های هنری بود که در آن تا امروز هم موفقیت خود را حفظ کرده است. انتشارات سیمین و زرین نیز از دل انتشارات نگار با جدایی برخی

شرکا در زمینه چاپ و نشر کتاب‌های هنری شکل گرفت. فرهنگسرای میر دشتی را مهدی میردشتی از اقوام جواد یساولی پس از چند سال کار در نزد وی، تأسیس کرد. میردشتی نیز در زمینه چاپ و نشر کتاب‌های هنری موفق بوده و در حال حاضر از مهمترین ناشران این حوزه است.

انتشارات مولی نیز پس از پیروزی انقلاب با نشر کتاب‌های عرفانی کار خود را آغاز کرد. مدیر آن آقای مفید که خود یک مهندس معمار است در سال‌های اخیر با چاپ آثار ملاصدرا پویایی خود را در نشر این گونه آثار به خوبی نشان داده است.

انتشارات حکمت نیز با همت برادران غفاری پس از انقلاب کار جدی خود را آغاز کرد، این انتشارات به طور اختصاصی به چاپ آثار فلسفی اشتغال دارد.

انتشارات علم و علمی سخن و زریاب را فرزندان حاج محمدعلی علمی پس از انقلاب راه اندازی کرده‌اند، انتشارات سخن با چاپ دوره‌ای از فرهنگ‌های فارسی زیر نظر دکتر حسن انوری کاری بزرگ انجام داده، این مؤسسات نیز عمدتاً

در حوزه‌های ادبیات معاصر و کهن، تاریخ و روانشناسی فعالیت دارند. مهدی، حسین و اصغر در حال حاضر در این انتشارات فعالیت دارند.

انتشارات زوار حالانزدیک به شش دهه است که فعالیت دارد، با درگذشت اکبر زوار بنیان گذار این انتشارات پسر وی علی (اردشیر) مدیریت نشر را به عهده گرفت و حالا سومین دهه‌ای است که او به کار نشر می‌پردازد. زوار ناشر متون کلاسیک ادبی پارسی است و یکی از نخبه‌ترین و مؤثرترین ناشران در این زمینه می‌باشد.

در خاتمه باید اشاره‌ای به یکی از باذوق‌ترین و نخبه‌کارترین ناشران ایران نمایم، محمد زهرایی از شرکای انتشارات نیل سالهاست نشر کارنامه را مدیریت می‌کند، هر کتابی که کارنامه چاپ کرده از نظر ساختار فنی اتفافی در نشر ایران بوده است، دیوان حافظ به سعی سایه (هوشنگ ابتهاج) و کتاب مستطاب آشپزی از نجف دریابندری از آثار مهم این ناشر است.

ساختار صنعت نشر کتاب در ایران

- ترسیم ساختار فعلی نشر در ایران
- سازماندهی و برنامه‌ریزی زنجیره کتاب (از نوشتار تا بازار)
- بازاریابی بین‌المللی (پخش و توزیع، تجارت و غیره)
- مواد حقوقی و قانونی (کپی‌رایت، حق تألیف، مالیات و غیره)
- مشکلات نشر (موانع، سانسور، سرقت ادبی و غیره)
- نشر الکترونیک
- راهکارها و پیشنهادات متخصصان کتاب در ایران

ترسیم ساختار فعلی نشر در ایران

نشر کتاب ایران در حال حاضر دارای سه بخش کاملاً مشخص است.

نخست ناشران دولتی که شامل وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و بعضی از نهادهای دولتی هستند. وزارت آموزش و پرورش دو نشر بسیار فعال دارد: انتشارات مدرسه که علاوه بر چاپ کتاب‌های علمی و آموزشی، کودک و نوجوان، حتی در حوزه علوم انسانی (تاریخ، ادبیات، جغرافیا و فلسفه) نیز کتاب منتشر می‌کند، دیگر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که علاوه بر تولید کتاب در حوزه کودک و نوجوان در ساخت وسایل کمک آموزشی و همچنین تولید

فیلم و موسیقی نیز فعال است، به این بیفزایید سازمان کتاب‌های درسی را که نشر اختصاصی کتاب‌های درسی از پیش دبستانی تا پیش دانشگاهی را در انحصار خود دارد، وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز علاوه بر انتشارات سازمان سنجش که ناشر کتاب‌های تست کنکور دانشگاه‌هاست، نهادهایی مثل انتشارات سمت، مرکز نشر دانشگاهی (عمدتاً تولید کننده کتاب‌های درسی دانشگاهها) و انتشارات دانشگاه‌ها (تهران تبریز مشهد، شیراز، اصفهان، اهواز و ارومیه ...) و همچنین انتشارات جهادهای دانشگاهی را در اختیار دارند. خود وزارت بهداشت نه تنها بسیاری کتاب‌های درسی رشته‌های پزشکی را چاپ می‌کند، وارد کننده انحصاری کتاب‌های پزشکی و پیراپزشکی نیز هست.

وزارت بازرگانی نیز خود سازمان انتشاراتی بزرگی دارد، همچنین وزارت جهاد کشاورزی، مرکز آمار ایران، وزارت دفاع، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان فنی و حرفه‌ای، وزارت دادگستری و وزارت صنایع و معادن و سپاه پاسداران

خود چند واحد انتشاراتی دارد.

وزارت دارایی و امور اقتصادی هر یک واحدهای انتشاراتی مخصوص به خود را دارند. همچنین خود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی علاوه بر داشتن چند واحد انتشاراتی، صاحب یکی از مجهزترین چاپخانه‌های ایران نیز هست.

در واقع ناشران دولتی رقیب قدرتمند و جدی برای بخش خصوصی هستند، دلیل آن نیز روشن است مشکلات بودجه و سرمایه‌گذاری ندارند، نگران برگشت سرمایه و مصرف کتاب توسط متقاضیان نیستند، قادر به پرداخت حق التالیف بیشتر هستند و همین طور صاحب این توان می‌باشند که کتاب را در تیراژ بیشتری چاپ کنند.

دوم، ناشران شبه دولتی یا نیمه دولتی که از مدیریت منتخب توسط نهادهای دولتی برخوردارند، اما در تنظیم بودجه و حساب سود و زیان دارای استقلال می‌باشند نظیر انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم که کارش عمدتاً چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی است، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سوره و سوره مهر،

انتشارات امیرکبیر که پس از مصادره در سال ۱۳۵۸ در اختیار سازمان تبلیغات اسلامی است، واحد تبلیغات هشت سال دفاع مقدس، سازمان انتشارات علمی و فرهنگی که بیشتر سهام آن مربوط به سازمان تأمین اجتماعی است و از ادغام تعدادی از ناشران دولتی دوران پهلوی شکل گرفته است، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، مؤسسه ارتباطات اسلامی و تعداد بیشماری از مؤسسات انتشاراتی دیگر.

و بالاخره ناشران بخش خصوصی که بیشترین تعداد ناشران را تشکیل می‌دهند این گروه نیز خود به چند دسته تقسیم می‌شوند که عمده آنها عبارتند از:

ناشران کتاب‌های مرجع که عمدتاً کارشان چاپ و نشر فرهنگ‌های دو زبانه، چند زبانه و یا یک زبانه است. تعداد این ناشران بسیار انگشت شمار است زیرا کار آنها نیاز به سرمایه‌گذاری بلند مدت و صرف وقت زیادی برای آماده سازی یک کتاب دارد. مهمترین ناشر بخش خصوصی در این زمینه نشر فرهنگ معاصر به مدیریت آقای داود موسایی است.

ناشران کتاب‌های کودکان و نوجوانان، عمده ناشران این بخش توانسته‌اند نهادی به اسم انجمن ناشران کودک و نوجوان را تشکیل داده و این نهاد به نمایندگی از ناشران عضو خود توانسته در کسب امتیازات این حوزه نقشی مؤثر داشته باشد. برخی از این فعالیت‌ها حضور در نمایشگاه‌های داخلی، برقراری ارتباط مؤثر و مفید با نهادهای دولتی مثل آموزش و پرورش و فروش کتاب به آنها، ایجاد مراکز و فروشگاه‌های کتاب برای عرضه محصولات این بخش، ناشرانی مثل قدیانی، پیدایش و افق از موفق‌ترین ناشران این حوزه در حال حاضر هستند.

ناشران کتاب‌های دینی، ناشران این بخش نیز دو گروه هستند. ناشران قدیمی که از دوران رژیم پهلوی فعالیت داشته‌اند نظیر اسلامیه، علمیه اسلامیه، محمدی، فراهانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و شرکت سهامی انتشار و ناشرانی که پس از انقلاب فعالیت خود را آغاز کرده‌اند، نظیر صدرا و دلیل ما، بخش زیادی از این ناشران در شهر قم به عنوان یک مرکز دینی فعالیت دارند (شهر قم پس از تهران صاحب

بیشترین ناشر و چاپخانه است) ناشران این بخش علاوه بر برخورداری از بازار سنتی مصرف کتاب‌های دینی عمدتاً متمرکز در بازارها یا مراکز دینی در شهرهای مختلف از حمایت دولت نیز برخوردارند و بیشترین توجهات نظیر خریدهای ارگان‌های دولتی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه‌های عمومی کشور و نهاد مدیریت مساجد به آنها معطوف می‌باشد. برخی از ناشران این بخش در سال‌های اخیر از نظر قدرت مالی رشدی قابل توجه داشته‌اند. ناشران کتاب‌های علوم پایه، بیشترین ناشران این بخش را چاپ‌کنندگان کتاب‌های کمک آموزشی تشکیل می‌دهند، در سالیان اخیر با افزایش تعداد مراکز آموزش عالی و رقابت بین خانواده‌ها برای قبولی فرزندان‌شان در رشته‌های دانشگاهی و با اضافه شدن ظرفیت پذیرش دانشجو رونق نشر کتاب‌های این حوزه تولید در ایران، تبدیل به حوزه‌ای امن شده و بیشترین گردش مالی و بازدهی اقتصادی را در این بخش از فعالیت ناشران خصوصی شاهد هستیم، ناشرانی نظیر قلم‌چی (کانون فرهنگی آموزش) گاج و مبتکران از

موفق‌ترین ناشران این حوزه هستند، از ناشرانی که در این حوزه بیشتر به ارائه کتاب‌های علمی مبتنی بر روش‌های آموزش مدرن در دنیا توجه می‌کند باید از انتشارات فاطمی هم یاد کرد.

ناشران کتاب‌های فنی و مهندسی؛ تعداد این گروه از ناشران با توجه به افزایش مراکز آموزش عالی در حال افزایش است. عمده فعالیت این ناشران نیز محدود به ارائه کتاب‌های پایه درسی و منابع معرفی شده توسط اساتید دانشگاه‌ها می‌باشد، این گروه از ناشران نیز به ویژه در مقاطع تحصیلی مهر ماه و بهمن ماه از بیشترین گردش اقتصادی برخوردار هستند.

ناشران کتاب‌های علوم تجربی (پزشکی و پیراپزشکی و زیست‌شناسی) این گروه نیز در سال‌های اخیر صاحب رشد خوبی بوده و با عرضه کتاب‌های پایه و مرجع در رشته‌های خود موفق بوده‌اند، ناشرانی مثل طبیب، چهر، تیمورزاده از مهمترین ناشران این حوزه می‌باشند.

ناشران کتاب‌های هنری؛ ناشران این حوزه به ویژه در

دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی افزایش یافته، کار آنها عرضه کتاب‌های لوکس، رنگی و هنری است نظیر آثار استاد فرشچیان یا دواوین شعرایی همچون حافظ و خیام یا شاهنامه فردوسی و یا تصاویری از جاذبه‌های گردش‌گری در ایران، عمده ناشران این بخش نگاهی نیز به بازارهای فرا مرزی دارند. فرهنگسرای گویا، نگار، سیمین و زرین، فرهنگسرای یساولی از مهمترین این ناشران هستند.

ناشران کتاب‌های علوم انسانی، بیشترین دارندگان جواز نشر در این حوزه فعالیت دارند، عمده دلایل آن می‌تواند چنین باشد:

- ۱- حوزه‌ای عمومی و فراگیر است.
 - ۲- نیاز به دانش تخصصی و حرفه‌ای ندارد
 - ۳- نیاز به سرمایه‌گذاری بزرگ ندارد.
 - ۴- بیشترین مؤلفین و مترجمین در این حوزه فعالیت دارند.
 - ۵- در دنیا آثار فراوان از این حوزه در دسترس است.
- اما آسیب‌های فراوانی نیز در این بخش وجود دارد که به

شکل عمده عبارتند از:

- ۱- بیشترین نظارت دولتی معطوف به این بخش است.
- ۲- حساسیت نسبت به علوم انسانی از طرف بخش عمده حاکمیت، این بخش را با چالش بیشتری روبه رو کرده است.
- ۳- بیشترین روشنفکران که بخش منتقد و گاه معترض به روش‌های حکومت هستند در این حوزه فعالیت دارند.
- ۴- تراکم بیش از حد ناشران (۷۰ درصد ناشران کشور) در این بخش منجر به محدودیت و تنگناهای مالی سخت در این بخش شده است، علاوه بر این نیروهای خلاق (تولیدکننده فکر) در حد این ناشران در کشور وجود ندارد. از سویی بازار مصرف این کتاب‌ها با فراز و فرودهای اقتصادی طبقه متوسط (به عنوان جدی‌ترین مخاطبین این بخش) همواره دچار نوسان است و همین امنیت اقتصادی را برای سرمایه‌گذاری در این بخش فراهم نمی‌کند.
- به همین علت علیرغم حضور ناشران بی‌شمار در این حوزه تنها ۱۷ درصد از تولید سالانه کتاب در ایران به این

بخش اختصاص دارد و همین نیز تصویرگر سفره کوچک و مصرف‌کنندگان زیاد این سفره است به همین علت بیشترین آسیب‌های اقتصادی در نشر ایران متوجه همین بخش می‌باشد.

بر اساس آمارهای منتشره در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ که تولید کتاب در ایران بین ۵۳ هزار تا ۶۲ هزار عنوان بوده است (متوسط تولید عناوین کتاب در سال در ایران حدوداً ۶۰۰۰۰ عنوان است) این بخش‌ها بیشترین سهم را در تولید کتاب در ایران داشته‌اند:

- ناشرین کتاب‌های دینی ۲۲٪
- ناشرین کتاب‌های کودک و نوجوان ۲۱٪
- ناشرین کتاب‌های علوم تجربی ۱۰٪
- ناشرین کتاب‌های فنی و مهندسی ۱۲٪
- ناشرین کتاب‌های علوم پایه ۱۴٪
- ناشرین کتاب‌های علوم انسانی + علوم اجتماعی
(۱۳٪+۴٪=۱۷٪)
- ناشرین کتاب‌های هنری ۲٪

۲٪

- ناشرین کتاب‌های مرجع

۶۵٪ از ناشران را در ایران بخش خصوصی و ۳۵٪ آنها را بخش دولتی تشکیل می‌دهد.

از تعداد کتاب‌های منتشره طبق آمار سه سال حدود ۳۳ درصد تجدید چاپ و ۶۷ درصد چاپ اول بوده‌اند. شمارگان کتاب حدود سه هزار نسخه برای هر عنوان کتاب است. البته در بعضی از بخش‌ها تیراژ کتاب در ایران ارقام بزرگی دارد، مثلاً در حوزه کتاب‌های کمک آموزشی یا دینی و کودک گاه شاهد تیراژهای بالای صد هزار نسخه نیز هستیم، اما در بخش علوم انسانی و اجتماعی این آمار در سال‌های اخیر سیر نزولی طی کرده، متوسط تیراژ کتاب‌های این بخش حدود ۱۵۰۰ نسخه برای هر عنوان کتاب است.

در حال حاضر نشر کتاب در ایران دچار برخی مشکلات است، گروهی از این مشکلات به ساختار درونی مؤسسات انتشاراتی در ایران بر می‌گردد نظیر:

۱. کمی سرمایه در گردش،
۲. نداشتن نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص،

۳. نداشتن طرح و برنامه‌ریزی بر اساس الگوی مؤسسات مدرن نشر در دنیا،
 ۴. نداشتن شناخت کافی از فعالیت حوزه مورد نظر در نشر جهان،
 ۵. عدم ارتباطات فرامرزی (بین‌المللی) و نداشتن یک مرکز جمع‌آوری اطلاعات که بتوان با مراجعه به آن از وضعیت روز به روز در داخل و خارج آگاهی یافت.
 ۶. سنت‌گرایی و عدم توجه به مدرنیته در حوزه تولید کتاب.
- بخش دیگری از مشکلات خارج از حوزه نشر و به عوامل دیگری بستگی دارد که عمده آنها عبارتند از:
۱. نظارت و کنترل دولت بر تمام حوزه‌های تولید کتاب در ایران که در بخش مشکلات نشر به تفصیل به آنها پرداخته می‌شود.
 ۲. رقابت نشر دولتی با نشر خصوصی که رقابتی ناهماهنگ و نابرابر است.
 ۳. عدم وجود کتاب به عنوان یک کالای فرهنگی در سبب

خرید خانواده‌های ایرانی (سرانه فرهنگی در سبد خرید خانواده‌ها در ایران پایین‌ترین حد بودجه را به خود اختصاص می‌دهد).

۴. عدم توجه جدی ایرانیان به فرهنگ مکتوب در برابر فرهنگ شنیداری یا دیداری.

۵. نگاه رهبران دینی به کتاب و طبقه بندی آن به شکل عام و خاص و اینکه برخی رشته‌ها را نباید در اختیار عموم نهاد، دیدگاهی که منجر به تعریف دینی کتب ضلال و مبین شده است و در فقه جعفری مبحثی مهم است.

۶. کتاب‌هراسی که در گذشته همواره چنین القا شده که کتاب به ویژه در حوزه علوم جدید می‌تواند باعث گمراهی افراد شود.

۷. سنتی بودن بخش عمده‌ای از جامعه ایران

۸. کمی تعداد کتاب‌خوانان حرفه‌ای

۹. مهاجرت بخشی از نیروهای تحصیل‌کرده از ایران به عنوان خوانندگان بالقوه کتاب.

علیرغم همه این مشکلات و موانع نشر ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی از رشد نسبتاً خوبی برخوردار شده است. اگر به آمار کتاب‌های منتشره به ویژه در سه دهه اخیر (۱۳۹۰-۱۳۶۰) توجه کنیم متوجه این افزایش کمی می‌شویم، اگر چه هنوز شمارگان کتاب به ویژه در بخش علوم انسانی پایین است و سرانۀ مطالعه در ایران مطلوب نیست، اما افزایش قابل توجه عناوین تازه چاپ نشان از نوعی تکثرگرایی و تنوع خواهی در جامعه ایران است. آمار کتاب‌های منتشره در سال ۱۳۸۹ به تنهایی بیش از تمام عناوینی است که از ورود ماشین چاپ به ایران تا سقوط سلطنت پهلوی منتشر شده است. عوامل بی‌شماری در این رشد کمی مؤثر بوده‌اند که عمده آنها را می‌توان چنین برشمرد:

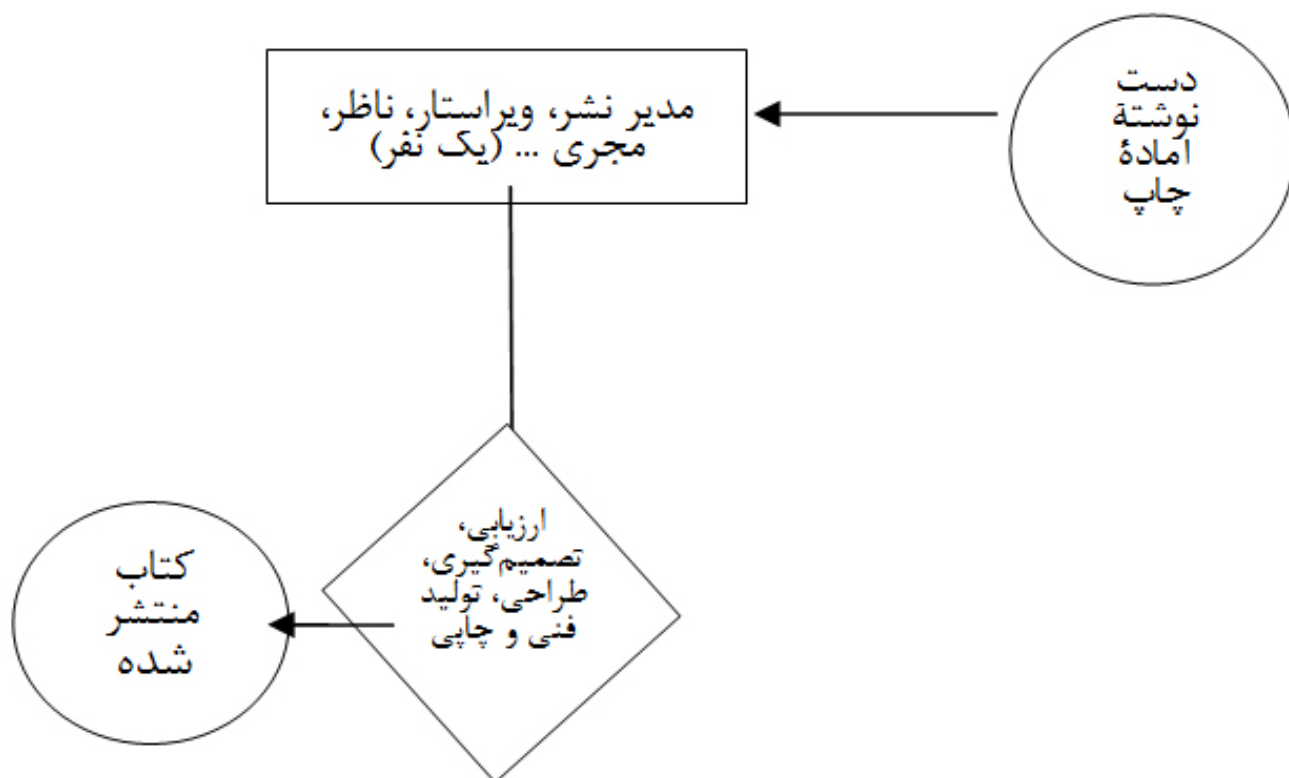
۱. میانگین متوسط سن در جمعیت (ایران جامعه‌ای بسیار جوان است).
۲. افزایش تعداد دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران.

۳. افزایش شهرنشینی و رشد طبقه متوسط در ایران که اکنون تبدیل به نیروی غالب اجتماعی در ایران شده است.
۴. افزایش سفرهای برون کشوری که سطح ارتباط ایرانیان را افزایش داده است.
۵. نیاز به تخصص و دانش برای پیشبرد امور اجتماعی و کاری که همین باعث شده تعداد کتاب‌های علمی افزایش یابد.
۶. افزایش نمایشگاه‌های داخلی که باعث تماس و ارتباط بیشتر به ویژه نقاط دور از مرکز با کتاب شده است.

سازماندهی و برنامه‌ریزی زنجیره کتاب (از نوشتار تا بازده)

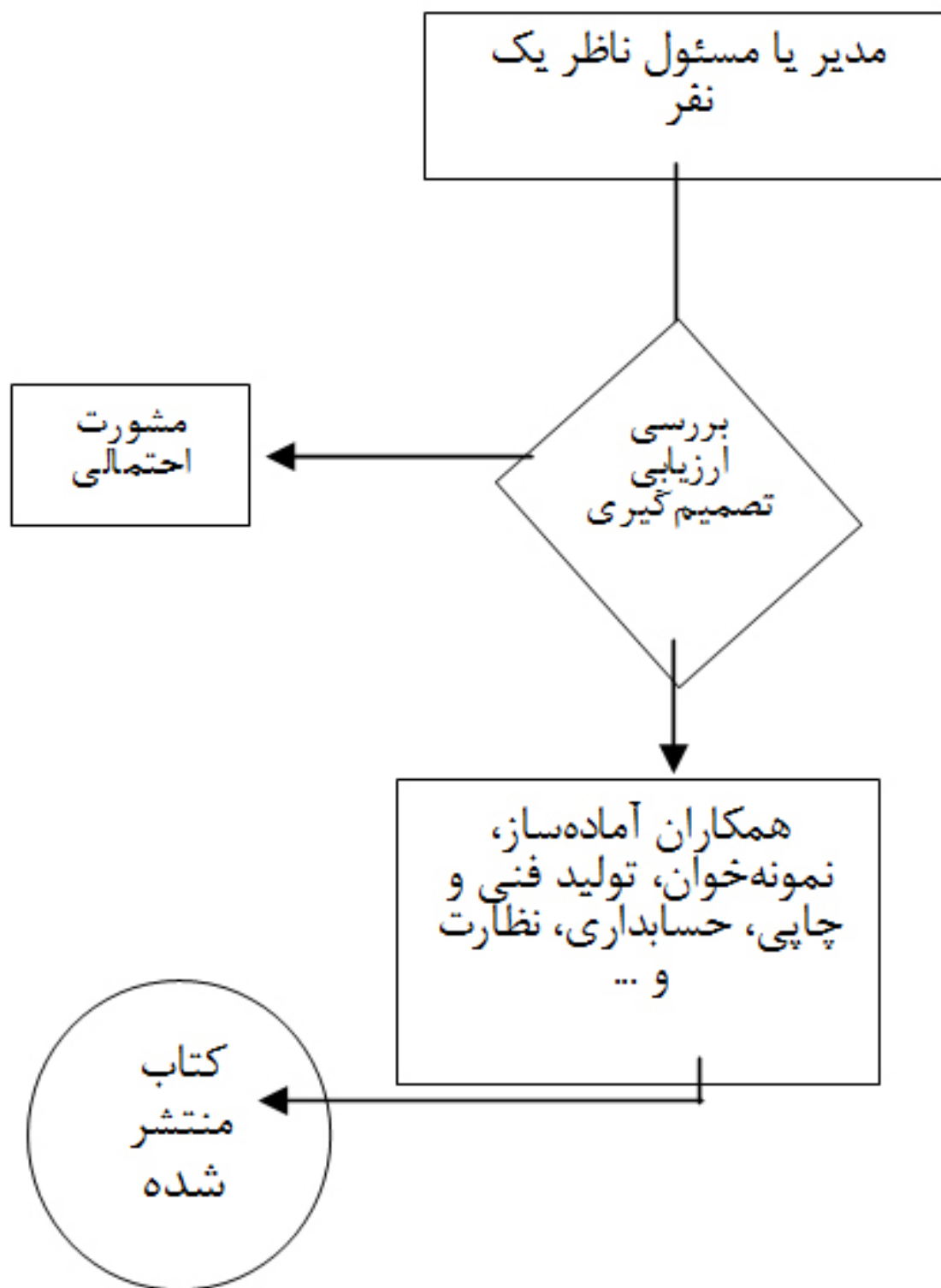
مؤسسات نشر کتاب در ایران را در حال حاضر می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

ناشران با الگوی کوچک نشر، در این روش ناشر نقشی چند سویه را به عهده دارد. یعنی هم سرمایه‌گذار است، هم انتخاب‌کننده کتاب و بالاخره مذاکره‌کننده با مؤلفین. از سویی تمام مراحل تولید کتاب را نیز خود به عهده دارد. در ایران به چنین ناشرانی ناشر چمدانی نیز می‌گویند. این الگو را می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد.



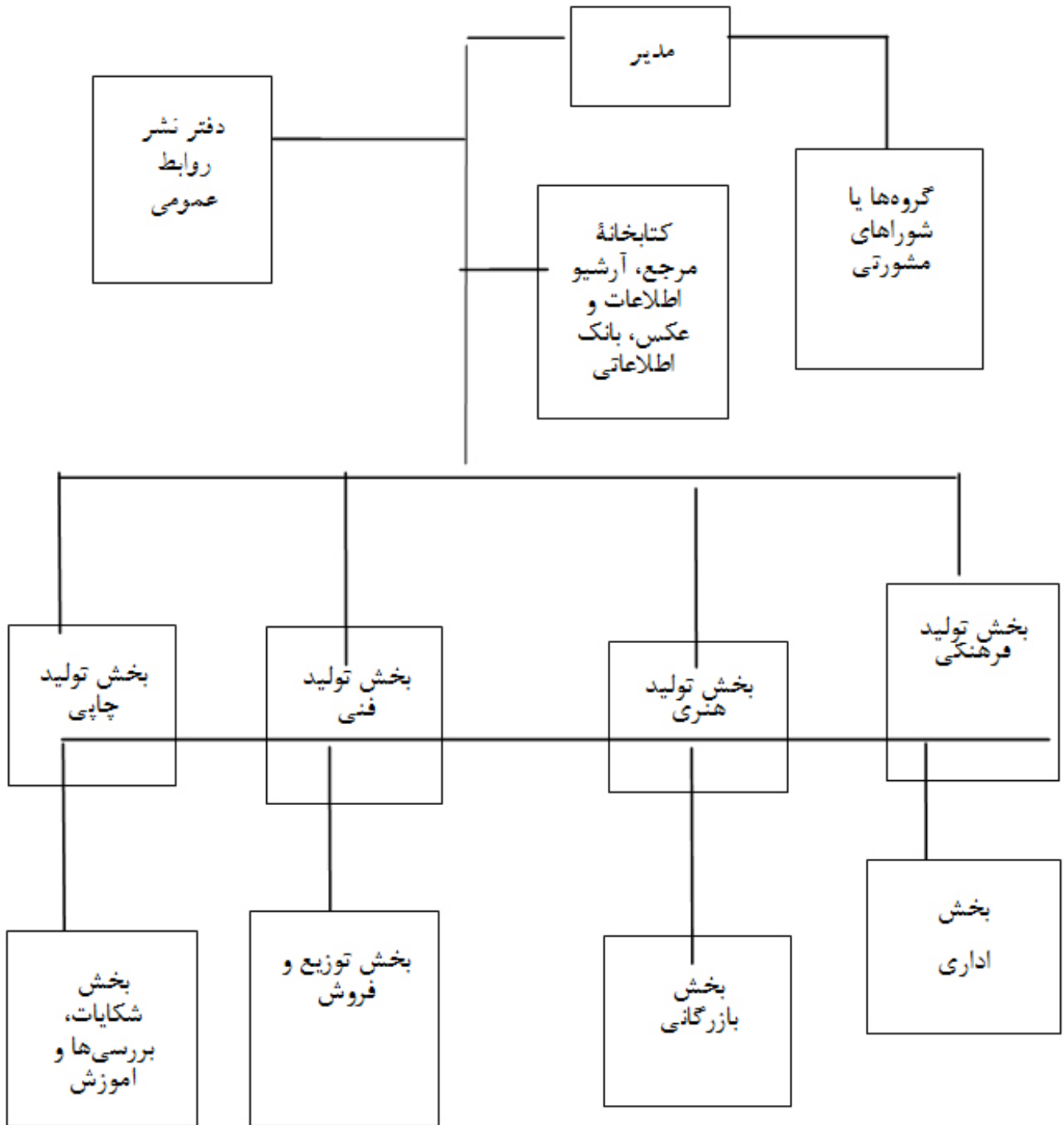
طبیعی است در چنین الگویی نمی‌توان به روند پدیدآوری کتاب‌های خوب امید بست، زیرا اولاً انتخاب و گزینش کتاب به یک فرد وابسته است، این فرد نمی‌تواند صاحب توانایی و تخصص در تمام حوزه‌های پدیدآوری کتاب باشد، از سویی دیگر چنین کاری به تنهایی زمان بر بوده و وقفه‌ای طولانی در کار تولید ایجاد می‌کند، با تأسف بخش بسیار بزرگی از دارندگان پروانه نشر در ایران از همین الگو پیروی می‌کنند. الگوی دیگری را که تا حدی نسبت به شکل بالا پیشرفته‌تر است می‌توانیم الگوی متوسط بنامیم، شکل آن را می‌توان

به صورت زیر ترسیم کرد:



در دههٔ اخیر این الگو توانسته رشد قابل توجهی به خود بگیرد. در حال حاضر از بین دارندگان جواز نشر حدود ۹۷۰ ناشر در ایران صاحب دفتر و آدرس مشخص هستند، حدوداً ۴۲۷ ناشر از سطح تولید نسبتاً قابل قبولی برخوردارند (از ۳۰ تا ۴۷۰ عنوان کتاب در سال) که حدود ۷۵ درصد تولید کتاب ایران را نیز این گروه در اختیار دارند. ناشرانی که بین (۱۰ تا ۳۰ عنوان کتاب در سال تولید می‌کنند) که حدوداً ۱۵ درصد تولید کتاب را در اختیار دارند و بقیه ناشرانی که تولید آنان از ۱ تا ۴ عنوان کتاب در سال است که حدوداً ده درصد تولید کتاب را در اختیار خود دارند.

بنابراین روشن است که ناشران دارای الگوی بزرگ که در زیر ترسیم می‌شود بخش غالب تولید کتاب را در اختیار خود دارند.



فعال‌ترین ناشران کتاب در ایران را ناشران کتاب‌های کمک آموزشی (قلم‌چی، گاج، مدرسه) یا ناشران کتاب‌های کودک

و نوجوان (قدیانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)
تشکیل می‌دهند که در سال بین سیصد تا ۴۷۰ عنوان کتاب
تولید می‌کنند.

روند تولید کتاب در ایران پس از شرح وضعیت ناشران:

چند نوع دسته‌بندی برای ناشران در ایران وجود دارد، می‌توان ناشران را ابتدا به دو گروه عمومی و تخصصی تقسیم‌بندی نمود، بر اساس نوع فعالیت و انتخاب آثار فرهنگی می‌توان آنها را چنین برشمرد:

الف) مبتکر، دارای برنامه‌ریزی، با انتخاب و گزینش آثار مورد نظر برای چاپ:

ب) منتظر، این گونه ناشران در انتظار صاحب اثری هستند که به آنها مراجعه کند و اثری را برای چاپ به آنها بدهد.
ج) ترکیبی از ناشر مبتکر که هم ناشر برای گرفتن اثر به

نویسنده مراجعه می‌کند و هم‌گانه صاحب اثری کتاب خود را به چنین ناشری پیشنهاد می‌کند.

د) گروهی از ناشران نیز هستند که بر اساس گروه‌های اجتماعی، تحصیلی، سیاسی، فرهنگی، مخاطب خود را انتخاب می‌کنند، مثل ناشرین کتاب‌های دانشگاهی، کمک آموزشی و پزشکی.

معمولاً متن یک اثر به یکی از اشکال زیر در اختیار ناشر قرار می‌گیرد.

۱. دست نوشته؛
۲. متن حروف‌نگاری شده؛
۳. ارسال از طریق اینترنت؛
۴. به صورت سی دی یا دیسکت.

وظایف ناشر پس از دریافت اثر:

بررسی و ارزیابی متن توسط ناشر یا گروه کارشناسان شاغل در نشر یا مشاورین، در این مرحله اثر بررسی شده، محتوای آن واکاوی و در صورت تأیید می‌تواند در مسیر آماده‌سازی

برای چاپ قرار گیرد، پس از این مرحله ناشر ابتدا به عقد قرارداد با صاحب اثر می‌پردازد، قرارداد انتشار کتاب در ایران از نظر حقوقی به چند صورت می‌باشد:

۱) قرارداد بر اساس درصدی از جلد کتاب (بین ۵ تا ۲۰ درصد) و تیراژ هر چاپ اثر.

۲) قرارداد واگذاری دائمی حقوق نشر اثر در مقابل دریافت مبلغ مشخصی به ناشر،

۳) قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک از طرف ناشر و صاحب اثر،

۴) قرارداد سرمایه‌گذاری از طرف صاحب اثر و کارگذاری ناشر.

در مبحث موارد حقوقی یا قانونی دربارهٔ حق التالیف مفصل‌تر صحبت خواهیم کرد.

پس از عقد قرارداد ناشر باید به برنامه‌ریزی برای آماده‌سازی اثر بپردازد، مراحلی که ناشر تلاش می‌کند تا اثر را برای مراحل فنی آماده کند اصطلاحاً تولید فرهنگی نامیده می‌شود. این مراحل به این شرح است:

ویرایش کتاب: شامل دو مرحلهٔ شکلی (بر اساس شیوه‌نامه‌های مرسوم)، ساختاری (رفع اشکالات درون متنی، دخالت در افزایش و کاهش مطالب، تغییر در ترکیب و تدوین کتاب، اصلاح ارجاعات، پانوشته‌ها و تعلیقات...) می‌باشد. پس از مرحلهٔ ویرایش، کتاب در اختیار نسخه‌پرداز قرار می‌گیرد، کار نسخه‌پرداز شامل تنظیم صفحات آغازین اثر که شامل:

صفحه عنوان کوتاه، صفحه عنوان با ذکر نام مؤلف یا مترجم و عناوین فرعی کتاب، صفحهٔ حقوق یا شناسنامه، صفحهٔ شاهد (عبارت یا قطعه شعری که با متن اثر تناسب دارد)، صفحهٔ اهدا اثر، پیشگفتار شامل مطالبی دربارهٔ: چگونگی شکل‌گیری اثر که ربطی با متن کتاب ندارد، سپاسگزاری یا تشکر، فهرست شامل مطالب، شرح عکس‌ها، جداول، فهرست علائم اختصاری.

صفحات پایانی شامل: واژه‌نامه، واژه‌نامهٔ توصیفی، کتابنامه، تکمله یا تعلیقات، نمایه‌ها، تصاویر و نقشه‌ها می‌باشد. انتخاب قطع کتاب، انتخاب قلم حروف و اندازه‌های آن

برای عنوان، بخش‌ها، فصل‌ها، تیترها، تیتريهای فرعی، حروف متن، با همکاری طراح هنری می‌باشد.

مشخص نمودن نقل قول‌های مستقیم، ارجاع‌ها، نقل به مضمون‌ها، اعداد و ارقام در متن.

- آشنایی با اعداد یک تکه یا غیر عطفی و اعداد دو تکه یا عطفی در متون غیر ریاضی.

- استفاده از رسم‌الخط واحد و یک دست نمودن واژه‌ها و استفاده از نشانه‌های مطبعی.

- تنظیم صفحه عنوان و مشخص نمودن نوبت ویرایش یا ویراست؛

- تنظیم پانوشت‌ها و پی‌نوشت‌ها؛

- تنظیم واژه‌نامه (اگرچه پدیدآورنده آن را در اختیار ناشر نهاده باشد)؛

- تنظیم کتابنامه یا فهرست منابع یا کتابشناسی (در صورت ضرورت)؛

- قراردادن مؤخره در جای خود (در صورت لزوم)؛

- قراردادن عکس‌ها، نقشه‌ها، جدول‌ها، در متن یا انتهای

کتاب که توسط طراح هنری اجرا شده‌اند.
 - همکاری با ویراستار و صاحب اثر در موارد قابل اصلاح
 یا تغییر.

در مرحله بعد کار به طراحان هنری یا ویراستاران هنری
 که عمدتاً گرافیست می‌باشند باید سپرده شود، امور مربوط
 به طراح هنری عبارت از:
 تعیین شکل ظاهری کتاب.

- طراحی صفحه‌های آغازین، میانی (متن اثر) و پایانی اثر
 با نظارت نسخه‌پرداز؛

- انتخاب قلم و تعیین اندازه قلم حروف با نظرخواهی از
 نسخه‌پرداز؛

- تعیین و انتخاب جایگاه تصاویر، جدول‌ها، دیاگرام‌ها،
 شکل‌های مختلف، نمودارها (با هماهنگی صاحب اثر و
 نسخه‌پرداز)؛

- طراحی سرصفحه، عنوان اصلی، عنوان فرعی و شماره
 صفحه (در این مرحله کتاب آماده حروف‌نگاری است).
 - طراحی جلد کتاب.

حروف نگاری کتاب

حروف نگار بر اساس دستورالعمل‌هایی که نسخه پرداز و طراح هنری داده‌اند (قطع کتاب، نوع و اندازه قلم‌های حروف، طول سطرها، تورفتگی‌ها، پانوشت‌ها، پی‌نوشت‌ها...) متن را حروف نگاری می‌کند. ضروری است که حروف نگار با تمام نشانه‌ها و علائم مطبعی آشنا باشد.

۱. پس از پایان حروف نگاری، حروف نگار متن اثر را به شکل پرینت به ناشر می‌سپارد تا در اختیار نمونه خوان قرار گیرد.

۲. نمونه اول حروف نگاری شده معمولاً صفحه بندی نهایی نباید بشود.

نمونه خوانی

ناشر متن حروف نگاری شده کتاب را در این مرحله به فردی به اسم نمونه خوان واگذار می‌کند، نمونه خوانی گاه یک نفره و در برخی مواقع به صورت دو نفره انجام می‌گیرد، نمونه خوان باید دارای چنین ویژگی‌هایی باشد:

آشنایی به علایم و نشانه‌های طبیعی؛
 دارای دقت و نظارت به متن داشته باشد؛
 مقابله متن حروف‌نگاری شده با دست‌نویس اثر به شکل
 کلمه به کلمه؛
 گاه برای نمونه خوان ضروری است که متن اثر را دو تا سه
 بار خوانده و مقابله نماید.

DPI

به تعداد نقطه‌هایی که در یک اینچ قرار می‌گیرد گفته
 می‌شود و آن مخفف inch per dot است. در روش
 حروف‌نگاری زرنگار تحت «داس» که امروز در ایران روش
 غالب حروف‌نگاری کتاب است بر اساس توان و قدرت
 پرینتر از دو گونه Dpi استفاده می‌شود: ۳۰۰ و ۶۰۰ DPI
 که کاربرد ۶۰۰Dpi در حروف چینی بهتر است.
 از انواع شناخته شده حروف‌نگاری در ایران می‌توان:
 لوتوس، کامپیوست، یاس، میترا، زر، نازنین و بدر را نام برد.

نمایه‌سازی برای کتاب

کار نمایه در کتاب‌های تخصصی و مرجع راه جویی آسان‌تر به مطالب مورد نظر می‌باشد و آن عبارت از تمامی اطلاعات کتاب به شکل فهرست گونه که خواننده می‌تواند از آن بهره ببرد.

نمایه چندگونه است: کسان و جای‌ها و نمایه موضوعی. گاه در یک کتاب نمایه‌های دیگری نیز نظیر اصطلاحات و واژگان، کتاب‌ها، آیات و احادیث و روایات، اسامی اشیاء، جانوران و گیاهان نیز استخراج می‌شود.

مراحل یاد شده در بالا را در روند تولید کتاب در ایران اصطلاحاً تولید فرهنگی و فنی می‌گویند، پس از این مرحله ناشر کتاب را برای فهرست نویسی پیش از انتشار (فیفا) که نظام آن از دهه هفتاد شمسی در ایران پا گرفت و اکنون برای تمام کتاب‌های چاپ شده الزامی است به کتابخانه ملی می‌فرستد، پس از فهرست نویسی، توسط ناشر شماره ثبت بین‌المللی به کتاب افزوده می‌شود، این شماره که به شابک شهرت دارد شماره‌ای ده رقمی است که توسط خانه کتاب

در اختیار ناشر قرار می‌گیرد، از این مرحله کتاب برای کسب مجوز نشر از طرف ناشر به اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپرده می‌شود، کتاب در این وضعیت ممکن است گرفتار یکی از سه وضعیت زیر شود:

۱. بدون تغییرات مجوز نشر آن صادر می‌شود که در این صورت ناشر می‌تواند نسبت به چاپ اثر اقدام نماید.
 ۲. کتاب شامل موارد اصلاحی و تغییرات می‌شود که از چند کلمه یا جمله و پاراگراف تا حذف بخش‌های بیشتری از کتاب را شامل می‌شود، در این وضعیت یا ناشر و صاحب اثر به این تغییرات تن می‌دهند که در نتیجه پس از اصلاحات و تغییرات مورد نظر کتاب مجوز نشر می‌گیرد، یا ناشر و صاحب اثر به تغییرات گردن نهاده و اعتراض می‌کنند، در برخی موارد اعتراضات نتیجه‌بخش است و ناشر و اداره کتاب به یک توافق نسبی می‌رسند و گاه نیز البته مذاکره و اعتراض ثمری ندارد.
- در برخی موارد نیز اداره کتاب به اثر مجوز انتشار نمی‌دهد و کتاب غیرقابل انتشار اعلام می‌شود که این مورد اخیر

بیشتر برخوردار بین ناشر و دولت ایجاد کرده است. پس از کسب مجوز ناشر کتاب را برای تولید چاپی آماده می‌نماید. این مراحل شامل چاپ متن کتاب، چاپ جلد کتاب، صحافی، روکش و آماده شدن کتاب برای پخش می‌باشد.

سه مرحله اصلی تولید چاپی عبارتند از: لیتوگرافی، چاپ و صحافی.

در حال حاضر بیشتر کتاب‌ها در ایران در دو قطع رقی (حدوداً ۲۱×۱۴ سانتی‌متر) و وزیری (حدوداً ۱۷×۲۴ سانتی‌متر) منتشر می‌شوند. اگر حجم کتاب از ۳۲۰ صفحه با کاغذ معمولی (۶۰ یا ۷۰ گرمی) بیشتر باشد بهتر است کتاب در قطع وزیری چاپ شود و اگر در قطع وزیری نیز حجم صفحات از ۵۵۰ صفحه بیشتر شود بهتر است از جلد سخت برای صحافی آن استفاده کرد.

کتاب‌های مرجع و پرمصرف، آثار هنری، آثار نویسندگان و شعرای کلاسیک، کتاب‌های مقدس، منابع درسی و کتاب‌هایی

که مورد استفاده مدام هستند باید از جلد سخت بهره ببرند. نوع کاغذ، ضخامت، وزن و سنگینی، لختی میزان چسب‌پذیری و ناپذیری، حساسیت در برابر دما و رطوبت و عوامل دیگر در انتخاب جلد کتاب مؤثر است. صادراتی بودن یا نبودن کتاب، داشتن بازار و مشتری خاص و امکان هدیه بودن کتاب هم در انتخاب جلد مؤثر است. طرح جلد و استفاده از رنگ و هدفی که ناشر دارد از دیگر عوامل در انتخاب نوع جلد است. وجوه اقتصادی، ملاحظات فنی و نظایر اینها هم از عوامل مؤثر در انتخاب جلد هستند.

پخش و توزیع کتاب در ایران

پیشینه توزیع کتاب به صورت شکل‌گیری سازمان‌های مستقل به بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بر می‌گردد، تا پیش از این تاریخ ناشران خود به توزیع کتاب‌های خود می‌پرداختند و گاه مؤسسات بزرگ مثل امیرکبیر برخی کتاب‌ها را نیز در چرخه توزیع خود قرار می‌داد، اما پس از انقلاب به خاطر افزایش کمی تولید کتاب، رشد قابل توجه تعداد ناشران و تعداد بی‌شمار عناوین منتشره ضرورت شکل‌گیری مؤسسات پخش کتاب جدی شد، تا پیش از این تنها یک بار در سال ۱۳۳۶ یک سازمان پخش توسط گروهی از ناشران فعال آن دوران شکل گرفت که عمر کوتاهی داشت و تا پیش از سال

۱۳۴۰ تعطیل شد. اعضای اصلی این سازمان پخش کتاب در ایران عبارت بودند از ابراهیم رضانی (مدیر انتشارات ابن سینا)، نورالله ایران پرست (مدیر کتابخانه دانش سعدی)، احمد علمی (مدیر کتابخانه محمد علی علمی)، اکبر زوار (مدیر انتشارات زوار)، محمود کاشی چی (مدیر انتشارات گوتنبرگ)، عبدالحسین آل رسول (مدیر انتشارات آبشار) احمد عظیمی زواره‌ای (مدیر انتشارات نیل)، عبدالغفار طهوری (مدیر کتابخانه طهوری) و رحیم رحیمی مدیر عامل شرکت، پس از این سازمان اولین مؤسسات پخش کتاب از سال ۱۳۶۰ به بعد شکل گرفتند. برخی از فروشندگان لوازم خانگی که به خاطر عدم واردات کالاهای صنعتی و الکترونیکی دچار کساد بازار شده بودند مؤسسات پخش کتاب را راه انداختند. مدتی بعد بود که مؤسسات دیگری نیز وارد حوزه توزیع کتاب شدند. پخش کتاب گزیده به مدیریت ابراهیم کریمی و مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات به مدیریت کاظم علمی دیرپاترین مؤسسات پخش کتاب‌های حوزه علوم انسانی در ایران هستند که حالا سه دهه از فعالیت

آنها می‌گذرد.

پخش کتاب در ایران متأسفانه نتوانسته میدانی غیر از بازار داخلی پیدا کند و چرخهٔ فروش کتاب به کشورهای جهان با مشکلات متعددی روبه‌رو است. عمدهٔ این اشکالات را می‌توان به شرح ذیل یاد کرد.

۱) محدودیت تعداد فارسی‌زبانان که تنها در سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان، حضور دارند، دو کشور یاد شده یکی سال‌ها گرفتار جنگ داخلی و نابودی زیر ساخت‌های خود بوده و به همین دلیل هنوز نمی‌توان به عنوان یک بازار مصرف جدی به آن نگریست، تاجیکستان نیز کشوری است به شدت فقیر و از سویی زبان فارسی به لطف حکومت دیرپای کمونیست‌ها کاملاً به حاشیه رانده شده، اگر چه در سال‌های اخیر بارقه‌هایی برای نفس‌گیری و باز زنده‌سازی این زبان در حال شکل‌گیری است. تعدادی از ایرانیان نیز در کشورهای مختلف جهان زندگی می‌کنند که می‌تواند به عنوان مصرف‌کنندگان فارسی‌مورد توجه باشند اما مشکلات نیز کم نیست. پراکندگی ایرانیان در کشورهای

مختلف، نبودن مراکز فرهنگی برای عرضه کتاب البته در برخی کشورهای بزرگ چنین مراکزی وجود دارد). مشکلات ارسال کتاب به خارج از کشور (روند بوروکراسی)، عدم علاقه ایرانیان خارج از کشور به کتابخوانی که عمدتاً در نسل دوم آنها نمود دارد، نسل دوم نیز بیشتر درگیر مشغله‌های کاری است و نسل سوم اساساً زبان فارسی را زبان دوم خود می‌داند و کتاب را به زبان کشورهای مقیم در آنها می‌خواند، بالاخره دشواری برگشت پول کتاب‌های ارسالی به خارج.

(۲) بر عکس زبان عربی که کشورهای بی‌شماری را زیر پوشش دارد و به نوعی مخاطب آن بین‌المللی است، زبان فارسی فاقد این قدرت است و فارسی‌زبانان در جهان کمتر از آن حد هستند که بتوان به ارسال کتاب به عنوان یک فعالیت اقتصادی توجه داشت.

(۳) بخش عمده‌ای از فعالیت اهل قلم فارسی‌زبانان در خارج از کشور معطوف به مؤسسات انتشاراتی است که در کشورهای نظیر آمریکا، سوئد، فرانسه، آلمان و دانمارک به

چاپ و نشر کتاب فارسی می‌پردازند.

(۴) کمی فروشگاه‌ها و محل عرضه کتاب‌های فارسی در کشورهای دیگر.

(۵) کمی ارتباط اهل قلم و نویسندگان ایران و روشنفکران ایران با محافل فرهنگی جهان.

به همین دلایل در سال‌های اخیر در بازاریابی بین‌المللی کتاب، چندان توفیقی نصیب نشر ایران نشده است، اما در سال‌های اخیر تحرکاتی در بین ناشران ایران، برای افزایش ارتباطات بین‌المللی آغاز شده و این به ویژه در حوزه نشر کتاب کودک بیشتر چشمگیر است و برخی ناشران این حوزه با حضور همواره در نمایشگاه کتاب بولونیا توانسته‌اند در زمینه واگذاری حقوق بین‌المللی چاپ کتاب (کپی رایت) گام‌هایی بردارند، نمونه آن انتشارات شباویز با مدیریت خانم فریده خلعتبری است، در زمینه توزیع کتاب نیز در حال حاضر چند مؤسسه فعالیت محدودی دارند، البته در سه سال اخیر با راه افتادن شبکه‌های مجازی تا حدی ارتباطات بین‌المللی برای بازارهای جدید افزایش یافته، اما

هنوز دستاورد چشمگیری برای نشر کتاب در ایران ایجاد نکرده است.

توزیع کتاب در خود ایران نیز هنوز به شدت سنتی است و چندان از قواعد بازرگانی نوین و شرایط جوامع مدرن پیروی نکرده است. شبکه توزیع از آغاز تلاش کرد تا حد واسط بین کتابفروش و ناشر باشد و به همین علت از ابتدا از کشف و جستجوی بازارهای دیگر فروش کتاب باز ماند، ایراد دیگر نیز این بود که تشکیل یک مرکز پخش کتاب نیاز به سرمایه آن چنان نداشت و نه نیاز به دریافت مجوزی از ارگان صنفی یا مرکزی دولتی، به همین دلیل رشد آن نیز طبیعی نبود.

در یک شبکه توزیع مدرن و تحول‌زا می‌توان به عوامل زیر نیز توجه نشان داد:

سفارش و توزیع الکترونیک (فروش On line)؛
تشکیل باشگاه‌های کتاب در نقاط مختلف شهر و کشور؛
توجه به مراکز غیر کتاب‌فروشی برای عرضه کتاب نظیر فروشگاه‌های زنجیره‌ای، سینماها، مراکز تفریحی و ...؛

توجه به نیازهای مناطق مختلف و تشکیل مراکزی برای عرضه کتاب یا شبکه توزیع از نشر به فرد؛ برآورد درست از دانش آموختگان در سراسر کشور و تلاش برای جذب آنها به کتابخوانی.

مشکلات جدی فرا راه توزیع کتاب در ایران؛ بخشی از این مشکلات ساختاری است و به تشکیلات توزیع کتاب در ایران مربوط است که بخش عمده آنها رامی‌توان چنین برشمرد:

کمی دانش و شناخت حوزه‌های مختلف نشر کتاب در کشور.

محدودیت سرمایه در گردش که گاه یک مرکز توزیع را با مشکلات عدیده مالی روبرو می‌کند؛

نداشتن همکارهای مناسب برای دریافت و پرداخت مبالغ کتاب‌های موجود و فروش رفته؛

محدودیت جا و مکان برای انبار کردن کتاب؛

نداشتن بانک اطلاعاتی جامع که اطلاعات فراوانی را درباره مرکز جذب و فروش کتاب عرضه کند؛

نبودن نیروی کار آزموده و متخصص در بازارهای کتاب؛
 نداشتن حلقه‌ای به اسم بازاریابی مستقل از شبکه توزیع؛
 بخش دیگری از مشکلات:

عدم استفاده از امکانات فن آوری در توزیع؛
 عدم بهره‌وری از بیمه و خدمات بیمه در نظام توزیع؛
 عدم بهره‌گیری از جذابیت‌های جلب خریدار و خواننده که
 بر توزیع تأثیرگذار است؛
 برخوردار نبودن از اعتبارات بانکی چون در زنجیره توزیع
 کارآمدی اقتصادی ندارد؛
 حاشیه اندک سود در توزیع کتاب که به زحمت به ۷٪ از
 بهای پشت جلد کتاب می‌رسد؛
 تخصصی نبودن کار توزیع در ایران؛
 نداشتن نظام و نهاد برای آموزش فنون توزیع کتاب در ایران؛
 آشنا نبودن توزیع‌گران با روش‌های درست برقراری ارتباط
 با بازار و مصرف‌کنندگان؛
 عدم بهره‌وری از تبلیغ به خاطر گرانی آن؛
 مشکل برگشت سرمایه در گردش؛

گرانی هزینه‌های پستی؛
 کمی تعداد کتابفروشان نسبت به ناشران؛
 فراوانی توزیع گران خرده پا (بدون سرمایه لازم، فاقد تخصص
 و شناخت کافی)؛

کمی سرعت در توزیع کتاب؛
 بی‌بهره بودن نظام توزیع از تصمیم‌گیری و نتیجه‌گیری بر
 اساس اطلاعات دقیق ناشی از تحقیق؛
 نبودن مؤسسات توزیع بزرگ با امکانات کافی، تجهیزات و
 روش‌های مدرن؛

نبودن الگویی واحد و تعریف شده برای شبکه توزیع در
 ایران؛

نداشتن ارگانی به عنوان پشتیبانی از نظام توزیع.
 در اواخر سال ۱۳۷۲ و از آغاز سال ۱۳۷۳ شمسی گروهی
 از توزیع‌کنندگان عمده کتاب در تهران نشست‌هایی
 رابرجزار کردند تا مشکلات مشترکی را که در امر برگشت
 مبلغ کتب‌های ارسالی برای کتابفروشان داشتند در میان
 بگذارند، این نشست‌ها کم کم با افزایش بیشتر مراکز عمده

توزیع کتاب گسترش یافت و منجر به تشکیلاتی شد که بعداً با تلاش اعضا زیر پوشش وزارت تعاون قرار گرفت و نام «تعاونی توزیع کنندگان کتاب تهران» به خود گرفت، هدف این تعاونی حمایت از توزیع، تلاش برای ایجاد نظام ارتباطی درست بین توزیع کننده و کتابفروش و مقابله با کتابفروشان بد حساب بود. علیرغم اینکه حالا نزدیک به دو دهه است که این تشکیلات به حیات خود ادامه داده، اما هنوز نتوانسته کارآیی مؤثری بر نظام توزیع و مشکلات آن داشته باشد. دلیل اول آنکه بیشتر کتابفروشان هنوز تعاونی را به عنوان یک مرجع رسمی نمی‌شناسند، از سوی خود اعضای تعاونی در موارد بی‌شماری تصمیمات هیئت مدیره را مجری نمی‌دارند و به نوعی آن را دور می‌زنند و به همین دلیل نیز چرخه نامطمئن گردش مالی در توزیع کتاب به ویژه در چند سال اخیر بسیاری از مراکز توزیع را با ورشکستگی و فروپاشی روبرو ساخته است.

در سالیان آغازین دهه هفتاد، سی و سه ناشر سرشناس تشکیلی را ایجاد کردند که نام «پکا» را برای آن برگزیدند که

مخفف «پخش کتاب ایران» بود. هدف این مرکز راه‌اندازی تشکیلات بزرگ و مدرنی بود تا با بهره‌گیری از نظام توزیع مدرن بتواند در درجه اول کتاب‌های اعضای خود و سپس کتاب‌های ناشران دیگر را در سراسر کشور توزیع کند و سپس در جستجوی بازارهای جهانی بر آید. متأسفانه انتخاب یک مدیر صنعتی که شناخت چندانی از بازار کتاب در ایران نداشت همه رشته‌های این گروه را پنبه کرد، مدیر جدید به جای برپایی سازمان توزیع ابتدا یک فروشگاه کتاب در نقطه‌ای کور و نه چندان جلب‌کننده مشتری دایر کرد و سپس با گرفتن وام‌های کلان تمام سرمایه تشکیلات جدید را به باد داد و پس از چند سال هیئت تصفیه‌ای شکل گرفت که با فروش دارایی‌های شرکت بدهکاری‌ها را تصفیه کرد و «پکا» متولد نشده درگذشت.

آقای مجید رهبانی از کارشناسان کتاب و مدیر مجله «جهان کتاب» که پژوهش‌های زیادی در باب توزیع کرده‌اند در مقاله‌ای از ویژگی‌های خاص توزیع کتاب در ایران چنین یاد

کرده‌اند:^۵

تازه تأسیس بودن مؤسسات پخش (بر اساس پژوهش بیش از ۷۰ درصد مؤسسات در دهه ۱۳۷۰ تأسیس شده‌اند).
خرده پا بودن اکثر موزعان و کمی تعداد مؤسسات پخش (۵۰ درصد در فضاهاى کمتر از ۵۰ متر مربع مشغول کار هستند).

نزدیک به ۶۰ درصد پخش کنندگان در محل‌های استیجاری مستقر بوده‌اند.

تنها ۲۵ درصد مؤسسات پخش صرفاً به این حرفه اشتغال داشتند، بقیه در کنار توزیع کتاب، به حرفه نشر و در مواردی نشر و کتابفروشی می‌پرداختند تا بتوانند گردش مالی لازم را برای بقای مؤسسه خود تضمین کنند.

در شرایط بی‌رونقی بازار کتاب و کمبود نقدینگی، مبادله کتاب میان شرکت‌های پخش رواج بسیاری دارد. از آنجا که این کار بدون رد و بدل شدن پول و اوراق بهادار انجام می‌گیرد، تعهد مالی برای طرفین ایجاد نمی‌کند.

۵ پخش کتاب و مسائل پیش‌رو، مجید رهبانی، درج شده در صنعت نشر (خبرنامه اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران)، سال چهارم، شماره‌های ۳۴ تا ۳۶، زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۳-۳۲.

گرایش تدریجی بخشی از شبکه توزیع کتاب، به سوی فعالیت در حوزه‌های تخصصی است، ابتدا پخش کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی شبکه خاص خود را تشکیل داد و در مراحل بعد، کتاب‌های آموزش زبان و کامپیوتر و پزشکی و ...

در اغلب موارد، معاملات صرفاً بر اساس توافق شفاهی انجام می‌شود و انعقاد قرارداد در پخش کتاب رواج چندانی ندارد. شیوه‌های بازاریابی در مؤسسات پخش، همچنان شیوه‌های سنتی گذشته است، یعنی مراجعه مستقیم بازاریاب به کتابفروشی و ارائه نمونه کتاب‌ها یا فهرست کتاب‌ها و دریافت سفارش تلفنی و ارسال فهرست کتاب‌ها (به ویژه برای کتابفروشان شهرستانی).

راهکارهایی برای تحول در حوزه توزیع کتاب در ایران

۱. گرد هم آمدن مؤسسات کوچک و ادغام آنها با هم، این می‌تواند فرصت فعالیتی پردامنه و سودآورتر را فراهم

نماید. هزینه‌های جاری این مجموعه نیز کمتر بوده و امکان مانور بیشتری را ایجاد می‌کند.

۲. تشکیل نوعی صندوق تضمینی معاملات نیز می‌تواند به

ویژه در برگشت طلب از شهرستان‌ها بسیار مؤثر باشد.

۳. حق پخش انحصاری کتاب‌های یک ناشر نیز اگر در

اختیار یک مؤسسه پخش قرار گیرد می‌تواند او را در

حفظ بازار موجود یاری رساند.

۴. تحول در شیوه‌های بازاریابی نظیر فهرست‌های دیجیتال

و ایجاد پایگاه اطلاعاتی.

۵. راه‌اندازی حراج کتاب در مقاطع خاصی از سال که

می‌تواند منجر به تخلیه انبار ناشر و توزیع کننده شود.

در سال ۱۳۸۰ مؤسسه فرهنگی جهان کتاب پژوهشی با

عنوان بررسی شبکه توزیع کتاب تهران و ساز و کار آن انجام

داد. روش کار به صورت نمونه‌گیری غیر احتمالی بود و ۷۴

مؤسسه فعال پخش کتاب در تهران مورد بررسی آماری قرار

گرفتند.

این حجم نمونه در آن تاریخ حدود ۷۵ درصد فعالان این

صنف را در بر می‌گرفت. در این پژوهش معلوم شد که تنها ۱۲/۱٪ مؤسسات مورد پژوهش، پیش از دهه شصت فعالیت داشته‌اند. ۱۷/۶٪ در دهه شصت شروع به کار کرده و ۷/۲٪ در دهه ۱۳۷۰ تأسیس و برای پخش کتاب در محدوده خیابان انقلاب و اطراف دانشگاه تهران مستقرند، بیشتر مدیران مراکز پخش (۹۵٪) پیشینه نشر، کتابفروشی یا پخش داشته‌اند. ۳۷/۸٪ آنها بیش از ۱۵ سال و ۴۲٪ بین ۵ تا ۱۵ سال در این حرفه پیشینه دارند.

۵۴٪ این مؤسسات حداکثر ۵ نفر نیروی کار دارند و ۳۲/۴٪ بین ۶ تا ۱۰ نفر، تنها ۶/۸٪ این مؤسسات نیروی کار بیش از ۱۵ نفر دارند.

۵۰٪ این مؤسسات در مساحتی کمتر از ۱۰۰ متر مربع فعالیت دارند (۲۱/۶٪ در مساحتی کمتر از ۵۰ متر مربع)، ۱۹٪ محل کاری بزرگ‌تر از ۲۰۰ متر مربع دارند. ۴۳٪ مالک محل کار خود هستند.

۳۵٪ مراکز پخش تنها کمتر از ۲۰۰ عنوان کتاب در انبار خود داشته، ۱۹٪ مقدار عناوین خود را کمتر و ۲۴٪ بیش از

۵۰۰ عنوان اعلام کرده‌اند.

۴۰/۵٪ توزیع کنندگان در کار نشر و ۴ درصد آنها نیز در کتابفروشی فعالیت دارند. ۳۰٪ مؤسسات پخش در هر دو فعالیت نشر و کتابفروشی در کنار پخش فعالیت دارند و تنها ۲۵/۵٪ مؤسسات پخش صرفاً به حرفه توزیع کتاب می‌پردازند.

۷۳٪ این مؤسسات دایره فعالیتشان شامل تهران و شهرستان‌هاست، ۱۵٪ تنها در تهران فعالیت دارند، ۱۲٪ این مؤسسات به خارج کشور نیز کتاب می‌فرستند. ۶۹٪ از آنها سراسر تهران را پوشش می‌دهند، ولی ۳۱٪ تنها در مناطق خاصی از تهران فعالیت دارند.

۵۱/۴٪ مؤسسات پخش با کمتر از ۱۰۰ کتابفروشی در تهران رابطه کاری دارند و ۳۶/۵٪ از ۱۰۰ تا ۳۰۰ کتابفروشی را تحت پوشش خود دارند.

۸۵٪ مؤسسات پخش بین خود رابطه مبادله کتاب دارند. ۶۱٪ این مؤسسات در حوزه عمومی فعالیت دارند و همه نوع کتابی را توزیع می‌کنند. اما حوزه‌های تخصصی عبارتند

از: ۸٪ کمک آموزشی؛ ۶/۸٪ کامپیوتر؛ ۵/۴٪ علوم پزشکی،
۲/۷٪ فرهنگ و واژه‌نامه.

۵۸٪ اعلام کرده‌اند که پخش انحصاری کتاب‌های دست کم
یک ناشر را در اختیار دارند.

جالب اینکه ۸۰٪ موزعان اعلام کرده‌اند که در شهرستان‌ها
بازاریاب مقیم دارند، ۶۹٪ از موزعان از طریق تماس تلفنی با
کتاب فروشان شهرستان بازاریابی کرده و ۲/۷٪ نیز کتاب‌های
جدید را ارسال می‌کنند، بقیه پاسخی بر این مورد نداده‌اند.^۶

روش در اختیار گرفتن کتاب توسط پخش کنندگان

به سه طریق این کار صورت می‌گیرد:

۱. مراجعه ناشر به توزیع کننده؛

۲. مراجعه توزیع کننده به ناشر؛

۳. مبادله بین توزیع کنندگان.

۴۳٪ از توزیع کنندگان از هر سه روش یاد شده استفاده و

۶ با بهره‌گیری از مقاله «شبه‌ای از شبکه توزیع کتاب تهران» از مجید رهبانی درج شده در کتابفروشی، ج
۲، به خواستاری ایرج افشار، تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۷، صص ۱۷۶-۱۶۳

بقیه هر کدام به یکی از سه روش.

مبنای انتخاب کتاب نیز در مؤسسات بر اساس گرایش بازار، جذابیت موضوع کتاب، اعتبار صاحب اثر، اعتبار ناشر و معرفی کتاب در رسانه‌هاست.

روش خرید کتاب نیز در مؤسسات پخش به دو شکل «قطعی» و «امانی» است. ۵۳٪ از هر دو روش استفاده می‌کنند و ۱۲٪ صرفاً به صورت امانی و ۳۵٪ به شکل قطعی کتاب را دریافت می‌کنند. البته در سالیان اخیر روش امانی بر دو روش دیگر برتری یافته و در حال حاضر این شیوه حداقل در مراکز پخش قدیمی و بزرگ غالب است.

در حال حاضر تخفیف توزیع کتاب در ایران از ۳۳ تا ۴۵ درصد از بهای پشت جلد است که از این میان ۲۵٪ آن به کتابفروشی تعلق دارد (گاه با پرداخت نقدی یا در مدت کمتر این تخفیف به ۳۰ تا ۳۳ درصد نیز می‌رسد) بین ۵ تا ۷ درصد هزینه‌های توزیع شامل مواردی نظیر حمل و نقل، بسته‌بندی و آسیب‌دیدگی می‌شود و بقیه آن شامل هزینه‌های دفتر و توزیع و سود مدیر پخش می‌باشد.

با وجود دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم نهادهای دولتی در تولید کتاب، مؤسسات پخش به شدت آسیب‌پذیرند زیرا با بازاری با انبوه تولیدات بدون متقاضی (کتاب‌های بدون مخاطب) و کمی تعداد خریداران کتاب در قیاس با جمعیت کشور و حجم انبوه تولید ناشران در برابر کمی تعداد کتابفروشان روبرو هستند، تنها زمانی از گشایش و تحول در امر توزیع کتاب باید به روشنی سخن گفت که یک بازار پویا و دارای رونق طبیعی پدید آمده باشد.

کپی رایت

Copyright که می‌توان آن را به حق تکثیر ترجمه کرد، مجموعه‌ای از حقوق انحصاری است که به ناشر یا پدیدآورنده یک اثر تعلق می‌گیرد و حقوقی همانند نشر، تکثیر و الگوبرداری از اثر را شامل می‌شود. در بیشتر حوزه‌های قضایی، حق نشر از آغاز پدید آمدن به آن تعلق می‌گیرد و نیازی به ثبت اثر نیست. معادل این حقوق در نظام‌های حقوقی پیروی حقوق مدون حق مؤلف است.

دارندگان حق تکثیر برای تکثیر یا بهره‌برداری از آثار خود برای زمان مشخص حقوق قانونی و انحصاری دارند و بعد از آن اثر وارد مالکیت عمومی می‌شود. هر گونه استفاده و بهره‌برداری از این آثار منوط به دریافت اجازه از ناشر یا پدیدآورنده آن اثر می‌باشد، استفاده از شرایطی که طبق قانون محدودیت یا استثنایی وجود دارد، مانند استفاده منصفانه، به دریافت اجازه از دارنده حق تکثیر نیاز ندارد. دارنده حق تکثیر می‌تواند حقوق خود را به شخصی دیگر منتقل کند.

در برخی از حوزه‌های قضایی، حقوق اخلاقی یا حقوق معنوی پدیدآورندگان نیز به رسمیت شناخته می‌شود همانند حق یاد شدن برای اثر.

در ابتدا حق تکثیر تنها شامل کتاب‌ها می‌شد، با گذشت زمان این قانون، ترجمه‌ها و کارهای اقتباسی را نیز در بر گرفت، امروز قانون حق تکثیر طیف گسترده‌ای از آثار، از جمله نقشه‌ها، موسیقی، آثار دراماتیک، نقاشی، عکس، نقشه‌های معماری، ضبط صدا، فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های رایانه‌ای

را نیز در برمی گیرد. اساسنامه بریتانیا در سال ۱۷۰۹ با عنوان «فعالیتی در جهت یادگیری با اعطای حق تکثیر کتابها به مؤلفان یا خریداران به تعداد چندین نسخه»^۷ نخستین اساسنامه حق تکثیر بود. امروز قوانین کپی رایت (حق تکثیر) به شکل جانبدارانه‌ای از طریق موافقت نامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مانند کنوانسیون برن و معاهده کپی رایت استاندارد سازی شده است. اگر چه سازگاری میان حق تکثیر ملت‌ها وجود دارد، با این حال دادگاه‌ها دارای قوانین جداگانه و مقررات پوشش دهنده حق تکثیر هستند، قوانین حق تکثیر ملی در مورد مجوز، انتقال و انتساب حق تکثیر؛ در میان کشورها فرق بسیار دارد و همین گونه کلیه حقوق آثار در حیطه داخلی محفوظ است. برخی از حوزه‌های قضایی نیز حقوق مربوط به سازندگان اعم از حق اعتبار برای کار را به رسمیت می‌شناسند.

کپی رایت از زمانی که اثری در شکل ملموس به وجود آید شامل آن اثر می‌شود، تاریخ انقضای کپی رایت بر اساس پیمان برن، حداقل شامل طول حیات خالق آن و ۵۰ سال پس

^۷ During the Times therein mentioned

از مرگ اوست. این مقدار زمان شامل تمام کشورهای عضو در پیمان برن می‌شود و هر کشور می‌تواند زمان بیشتری برای قابل اجرا بودن کپی رایت قائل شود، اما این زمان نمی‌تواند از مقدار تعیین شده در پیمان کمتر باشد، گاهی اوقات طی یک وصیت رسمی حقوق یک اثر به بازماندگان پدید آورنده تعلق می‌گیرد که البته باید به تأیید رسمی رسیده باشد.

بایدها و نبایدهای کپی رایت در ایران

موانع:

۱- قیمت: از آنجایی که هر کالای فرهنگی که از قوانین کپی رایت پیروی کند، مجبور است به توافق مالی صاحب اثر برسد، چون تیراژ کتاب در ایران پایین است، قیمت گذاری کتاب بالا خواهد رفت و همین منجر به کاهش قدرت خرید خواننده می‌شود. البته در سال‌های اخیر مذاکراتی که از طرف برخی ناشران مستقل و یا مترجمان با پدیدآورندگان یا ناشران آثار خارجی شده موجب نوعی درک و رفع برخی

سوء تفاهم‌ها گردیده که می‌تواند با افزایش ارتباطات و اثبات این نکته که ناشر پای‌بند به حقوق پدیدآورنده است و فهمیدن تیراژ پایین و سوددهی اندک کتاب در ایران این موضوع تا حدود زیادی حل شود.

۲- تحریم اقتصادی که از سوی کشورهای صنعتی غرب و در رأس آنها آمریکا نسبت به ایران اعمال می‌شود و به نظر می‌رسد با افزایش تنش‌ها همچنان نیز ادامه داشته باشد، یکی از موانع اصلی برای نپیوستن ایران به این میثاق است، زیرا به این ترتیب ایران و ناشران آن از ترجمه بسیاری از آثار علمی و ادبی و هنری غرب محروم خواهند شد.

۳- خروج ارز، از آنجایی که پیوستن به کپی رایت شامل تنها کتاب نمی‌شود، دامنه خروج ارز به ویژه در حدود محصولات نرم‌افزاری از ایران بسیار گسترده خواهد بود و این موجب آسیب اقتصادی در شرایط کنونی ایرانی است.

گفته می‌شود پذیرش قانون کپی رایت باعث افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران می‌شود. اما به نظر این تصور و خیالی واهی است. آیا مگر در صنایع سنگین خود

توانسته‌ایم به چنین توفیقی برسیم، پس نمی‌توان به ویژه در حوزه تولید کتاب به جذب سرمایه خارجی دل بست، زیرا مخاطب زبان فارسی در دنیا اندک و محدود به حوزه جغرافیایی ایران و اطراف آن است.

۴- افزایش هزینه تولید، پرداخت حق تکثیر به صورت ارز هزینه کتاب‌های تولید شده را به نحو چشمگیری بالا می‌برد و این افزایش با توجه به کمی حجم سرمایه در گردش در بازار کتاب ایران باعث گرایش ناشران به حوزه‌های تألیفی و ترجمه خواهد شد و همین باعث افت کیفی و کمی علم و اطلاع رسانی در کشور می‌شود.

۵- در حال حاضر مترجمان در ایران حقوقی همپای مؤلفان و پدیدآورندگان آثار دارند و گاه شهرت یک مترجم از بسیاری مؤلفان بالاتر است، با پیوستن به این قانون مترجم نقش واسطه‌ای و نه نقش صاحب اثر را پیدا می‌کند و از ارج و قرب او در جامعه ایران کاسته می‌شود.

۶- پیوستن به سازمان تجارت جهانی و یا دیگر سازمان‌های جهانی می‌تواند عاملی برای پذیرش حقوق مؤلفین شود،

اما مخالفت امریکا و برخی کشورهای غربی مانعی جدی برای پیوستن ما به wto است، حتی در صورت پیوستن به این سازمان می‌توانیم کپی رایت را نیز نادیده بگیریم، مگر تمام قوانین و کنوانسیون‌هایی که ایران متعهد به اجرا و یا عضویت در آنهاست مو به مو در ایران رعایت می‌شوند.

مزایا

- ۱- در صورت پیوستن به قوانین حقوق مؤلفین، ایران می‌تواند به خاطر هزینه‌های پایین‌تر تولید کتاب و محصولات فرهنگی میدانی برای تولید گسترده آثار به زبان اصلی باشد و از این طریق بازار جهانی برای خود ایجاد کند.
- ۲- پذیرش این قانون می‌تواند سطح تماس‌های فرهنگی ایران را با سایر کشورها بالاتر ببرد و از این طریق به تعامل بیشتر با جامعه جهانی منجر گردد.
- ۳- اعتماد از دست رفته حوزه‌های فرهنگی جهان به ایران ترسیم و بازسازی شده و ناشران می‌توانند حتی نسبت به ترجمه آثار فارسی بازارهای جدید پیدا کنند.

۴- سطح نظارت ارگان‌های دولتی که یکی از محدودیت‌های نشر کتاب در ایران است کاسته شده و کتاب‌ها با اطمینان بیشتری به دست خواننده می‌رسد.

۵- برنامه ریزی و زمان بندی تولید کتاب دقیق‌تر خواهد شد.

گفته می‌شود حداقل در حوزه نرم افزارها شورای عالی اطلاع رسانی اقدام به تدوین پیش نویس قانون جامع کپی رایت کرده است.

طبق گفته سعید سالاریان قائم مقام دبیرخانه یاد شده شورای عالی اطلاع رسانی از سال ۱۳۸۵ به تولید محصولات فرهنگی البته با تأکید بر محتوای الکترونیک در زمینه اخلاقی، اجتماعی، دینی و آموزشی طبق اساسنامه خود متمرکز شده و طرح و تولید و سامان دهی محتوای الکترونیکی را در ۱۴ حوزه تعریف کرده است. یکی از این ۱۴ حوزه کپی رایت بوده که برای آن کارگروهی تعریف شده و در آن پیش‌نویس قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و

هنری و حقوق مرتبط در دستور کار قرار گرفته و پس از دو سال خروجی آن تبدیل به قانونی جامع شده است. البته این پیش‌نویس تا مراحل اجرایی شدن نیاز به ارائه به هیئت دولت و از آن طریق تصویب مجلس دارد.

شیرینی دبیر کار گروه نظام حقوقی و مالکیت فکری دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی تأکید دارد که برای الحاق به سازمان تجارت جهانی (WTO) کنوانسیون جنبه‌های اقتصادی مالکیت فکری (TRIPS) مجبوریم موافقت نامه‌های بین‌المللی در این زمینه را رعایت کنیم.

به هر حال پذیرش قانون کپی رایت با تمام معایب و مزایای آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که باید نشر کشور خود را برای پذیرش آن آماده کند.

حق التالیف

یکی از موارد حقوقی در نشر کتاب در ایران قرارداد منعقدہ بین ناشر و پدیدآورنده اثر است که به موجب آن دو طرف تعهداتی را نسبت به هم می‌پذیرند، قراردادهای پرداخت

حقوق مؤلف در ایران گاه موجب بروز اختلافاتی بین طرفین قرارداد می‌شود و این بیشتر به علت عدم آشنایی با قوانین حقوقی از سوی طرفین می‌باشد.

در سال‌های اخیر ناشران با استفاده از مشاوره‌های حقوقی توانسته‌اند به نوعی قرارداد تیپ دست پیدا کنند که مبنای مشترک کار در بیشتر مؤسسات معتبر نشر می‌باشد، از آنجا که توافق بین ناشر و پدیدآورنده به چند شکل می‌باشد تلاش می‌کنیم در ادامه انواع قراردادهای منعقد شده را تشریح کنیم.

۱. قرارداد عمومی که بیشتر در مؤسسات کاربرد دارد بر اساس پرداخت درصدی از بهای پشت جلد ضربدر تیراژ مورد توافق بین ناشر و پدیدآورنده است، مبنای درصد برای کتاب‌های مختلف فرق می‌کند. مثلاً در کتاب مصور یا دارای جلد لوکس یا دربردارنده متن اصلی ترجمه (مثلاً متن انگلیسی و فارسی توآمان) پرداخت درصد تفاوت دارد. این منبع بین ۲٪ تا ۲۰٪ بر اساس نوع کتاب فرق می‌کند، مؤلفینی هستند که بیشترین حق التألیف را در

ایران دریافت می‌کنند، اما عرف معمول بین ۱۰ تا ۱۵٪ عمدتاً بر مبنای تیراژ دو هزار نسخه است عموماً ناشر ۱۰ درصد تیراژ را به عنوان تبلیغات و باطله در نظر می‌گیرد و بابت آن پولی پرداخت نمی‌کند، حق التالیف بر اساس توافق طرفین بین دو تا شش ماه پس از انتشار کتاب پرداخت می‌شود. این نوع قراردادها معمولاً برای یک تا حداکثر سه بار چاپ منعقد می‌شود و پس از آن مجدداً باید توافقی بین ناشر و پدیدآورنده حاصل شود. تبصره: گاه پیش می‌آید که ناشر پیشنهاد تالیف یا ترجمه اثری را به پدیدآورنده می‌دهد، در این صورت متعهد می‌شود که مبلغی را یک جا یا به صورت ماهانه به شکل علی‌الحساب به پدیدآورنده بپردازد که پس از انتشار کتاب این مبالغ جزو حق التالیف محاسبه می‌گردند.

۲. قرارداد واگذاری حقوق یک اثر به شکل دائمی یا برای مدت معین، در این نوع قراردادها پدیدآورنده می‌پذیرد که در برابر دریافتی نقدی یا در چند قسط حق انتشار

مادی اثر را برای همیشه یا برای مدت زمان تعریف شده‌ای در قرارداد به ناشر واگذار نماید، در این صورت ناشر حق دارد کتاب را در هر تیراژ و به دفعات (در صورت فروش رفتن) چاپ کند و غیر از حقوق معنوی (نام پدیدآورنده یا جوایز متعلق به اثر) دیگر حق مادی به او تعلق نمی‌گیرد.

۳. قرارداد مشارکت، در این نوع قرارداد دو طرف می‌پذیرند که بر اساس سهم مساوی یا درصدی تعریف شده در انتشار یک اثر همکاری نمایند، بر اساس توافق مکتوب بین طرفین پس از انتشار کتاب، ناشر می‌تواند در پخش و توزیع کتاب با پدیدآورنده همکاری نماید یا پس از انتشار هر یک به اندازه سهم مشارکت از کتاب منتشره را در اختیار بگیرند.

۴. قرارداد همکاری با سرمایه‌گذاری مادی پدیدآورنده و انجام امور فنی کتاب توسط ناشر، در چنین حالتی ناشر درصدی را به عنوان کارمزد منظور کرده و در پایان کار یا به صورت مجلداتی از کتاب یا نقدی از پدیدآورنده

دریافت می‌کند، ناشر در چنین حالتی تعهدی برای توزیع کتاب ندارد.

علیرغم شکل‌های چهارگانه فوق در موارد بسیاری اختلافاتی بین ناشر و پدیدآورنده بروز می‌کند که اعم آنها عبارتند از:

۱. وقتی ناشر بر اساس عدم اطلاع یا باور به عدم اطلاع پدیدآورنده بیش از تیراژ توافق شده از اثر را چاپ می‌کند. در صورت اثبات چنین موردی پدیدآورنده می‌تواند قرارداد فیما بین را فسخ و ادعای خسارت نیز نماید.

۲. وقتی ناشر پس از اتمام نسخه‌های چاپ شده کتاب به دلایلی از تجدید چاپ آن خودداری می‌کند، در این صورت معمولاً بر اساس قراردادهای موجود در ایران رأی به داور مرضی الطرفین واگذار می‌شود و در صورت عدم توافق به هیئت حل اختلاف اتحادیه ناشران رجوع کرده یا هیئت حل اختلافی که در وزارت ارشاد وجود دارد مرجع رسیدگی به چنین اختلافی خواهد بود، در

صورت عدم توافق در موارد یاد شده مراجع قضایی باید به شکایت رسیدگی کنند.

۳. زمانی که ناشر به دلایل موهوم از پرداخت به موقع حق التالیف خودداری می‌کند، در این صورت پدیدآورنده می‌تواند بر اساس قرارداد شکایت کرده و ادعای جبران ضرر و زیان نیز نماید.

۴. گاه پیش می‌آید که ناشر بدون کسب رضایت پدیدآورنده یا بدون قید شدن در قرارداد، کتاب را برای انتشار در اختیار ناشر دیگری می‌گذارد. این هم تخلف بوده و پدیدآورنده ضمن فسخ قرارداد می‌تواند خواهان ضرر و زیان نیز شود.

۵. وقتی اثری به شکل کامل در اختیار ناشر قرار می‌گیرد و او از انتشار به موقع آن خودداری یا مدت زمان مدیدی از چاپ اثر جلوگیری می‌کند، این هم از موارد قابل پیگرد توسط پدیدآورنده است.

در مواردی نیز پدیدآورنده مرتکب تخلفاتی در رابطه با ناشر می‌شود که اهم آن عبارت است از:

۱. هر گاه طبق توافق از زمان اعلام شده از تحویل متن کامل اثر (تألیف پژوهش یا ترجمه) خودداری نماید.
 ۲. هر گاه کتابی مشابه کتابی که با ناشری قرارداد بسته، به ناشر دیگری واگذار نماید.
 ۳. گاه پدیدآورنده‌ای مبلغی بیش از حق‌التألیف خود به صورت علی‌الحساب یا پیش پرداخت از ناشر دریافت می‌کند که در این حالت پس از چاپ اثر و محاسبه حق‌التألیف باید مبلغ افزوده را به ناشر مسترد نماید، در صورت خودداری از این کار که گاه پیش می‌آید اختلاف بروز می‌کند.
 ۴. گاه پدیدآورنده‌ای به جای اثری که قرار بود به ناشر تحویل دهد. اثری مشابه یا مغایر تحویل می‌نماید. در تمام موارد یاد شده اگر بر اساس نظر داور مرضی الطرفین یا مراجع غیررسمی نتوانند مشکلات پیش آمده را حل کنند باید به مراجع حقوقی رجوع شود.
- علیرغم مشکلات حقوقی قراردادها در ایران این مشکلات رو به کاهش است و ناشر و پدیدآورنده در سالیان اخیر به

درک متقابل از هم رسیده و معمولاً اختلافات پیش آمده را نیز بین خود حل می‌کنند.

مالیات

یکی از موانع و مشکلات نشر کتاب در ایران همواره مشکل مالیات بوده است، نطفه چالش خیز در گذشته بین ناشران و وزارت دارایی تعیین مالیات بر اساس تولیدات سالانه ناشران بود، در حالی که ناشران به درستی مدعی بودند که مالیات در درجه اول بر اساس تعداد فروش رفته کتاب‌هایی که از انبار ناشر خارج و مبلغ آن را دریافت کرده است باید باشد و در درجه دوم بر اساس سود حاصل از این فروش پس از کسر هزینه‌های تولید و جاری ناشر باشد این مشکل همواره وجود داشت و هر ناشری اجباراً باید به یک نوع صلح و سازش با ممیز مربوطه دست می‌یافت، در نیمه دوم دهه هفتاد شمسی ناشران با همکاری هیئت مدیره اتحادیه دست به فعالیتی جدی برای معافیت مالیات بر تولید کتاب زدند که نهایتاً «قانون معافیت مؤسسات انتشاراتی و کتابفروشان

از پرداخت مالیات» به تصویب دولت رسید.

مشکلات نشر

مشکلات فرا راه نشر کتاب در ایران را در چند بخش می‌توان دسته‌بندی کرد که به اختصار عبارتند از:

۱. کمی سرمایه در گردش در کل بدنه نشر کشور، میزان تولید کتاب در ایران در بهترین حالت در سال به کمتر از پانصد میلیارد تومان می‌رسد که به نسبت واحدهای صنعتی - تولیدی و خدماتی دیگر رقم چشمگیری نیست، به ویژه که این میزان تولید مربوط به حدود نه هزار ناشر دارای پروانه در کشور می‌شود، از سویی بیشترین گردش مالی نشر در کشور در حوزه کتاب‌های کمک آموزشی است و اگر گردش مالی آنها را از رقم تولیدی

کتاب در کشور کسر کنیم به رقم ناچیزی می‌رسیم. کمی گردش سرمایه منجر به عدم جاذبه لازم در سرمایه‌گذاری برای تولید کتاب شده است.

۲. آموزش، در پیکره نشر ایران کمبود آموزش و داشتن دانش تخصصی نشر به شدت محسوس است، در واقع نشر ایران از آغاز پیدایی به جای تکیه بر آموزش بیشتر متکی به تجربه بوده است، در سالیان اخیر که نشر به شدت تخصصی و به حوزه‌های مختلف دانش تقسیم شده نیاز به آموزش و ورود افراد دانش‌آموخته در این رشته بیشتر احساس می‌شود، اقدامات اتحادیه ناشران برای تشکیل کلاس‌های آموزشی اگر چه مؤثر است، اما هنوز درگام‌های نخستین خود قرار دارد.

۳. عدم ورود افراد دانش‌آموخته و متخصص برای مدیریت نشر، بیشتر دارندگان پروانه نشر در ایران صرفاً به لطف داشتن یک مدرک لیسانس صاحب پروانه نشر شده‌اند؛ با توجه به اینکه برای هماهنگی با صنعت نشر در جهان نیاز به روزآمد بودن به شدت احساس می‌شود،

مدیریت حرفه‌ای و دانش آموخته در هر رشته نشر می‌تواند باعث ارتقا کار نشر شود، این کمبود در بدنه مدیریتی نشر ایران به شدت احساس می‌شود.

۴. مشکلات در آماده‌سازی کتاب، از مرحله خبر تا چاپ کاری است که نیاز به تخصص دارد. بودن نمونه‌خوان، ویراستار، سرویراستار، کتاب‌پرداز، حروف‌نگار، ناظر چاپ، مدیر روابط عمومی، مذاکره‌کننده حقوقی همه افرادی هستند که در یک سازمان نشر مدرن جزو نیروی انسانی کارآمد آن به حساب می‌آیند، هنوز واحدهای کافی برای آموزش چنین افرادی به حد کافی در کشور وجود ندارد.

۵. رقابت نابرابر، نشر در بخش خصوصی به اجبار باید به ناشران دولتی یا وابسته به دولت رقابت کند که البته رقابتی نابرابر است، زیرا بخش دولتی نگرانی سرمایه‌گذاری ندارد، دغدغه برگشت سرمایه ندارد، دل نگران توزیع کتاب نیست، قدرت عرضه و فروش کتاب را به نهادهای دولتی بیش از بخش خصوصی داراست. به

- همین دلیل یکی از دل مشغولی‌های نشر خصوصی در ایران نیز همین رقابت است.
۶. ناکارآمدی توزیع کتاب نیز از دیگر مشکلات نشر کتاب در ایران است.
۷. نوسان قیمت مواد اولیه تولید کتاب نظیر کاغذ که وابسته به واردات است، اقتصاد نشر ایران را دچار آسیب می‌کند.
۸. تعداد بیش از حد ناشر و عدم تناسب بین تعداد کتابفروشان و ناشران که عددی برابر ۱ در برابر ۵ است کمبود فضای لازم و ویتترین را برای عرضه کتاب بیشتر نمایان می‌سازند.
۹. هزینه بالای تبلیغات در ایران، به نسبت تیراژ اندک کتاب‌های حوزه عمومی، بیشتر ناشران را از این ابزار مهم اطلاع رسانی محروم کرده است.
۱۰. عدم توجه رسانه‌های دولتی به اطلاع رسانی در حوزه کتاب و گرانی بیش از حد تبلیغات در این رسانه‌ها نشر کتاب را از این گونه نیز محروم کرده است.

۱۱. نداشتن بانک‌های اطلاعاتی و نبودن کتابفروشی‌های حرفه‌ای در بسیاری نقاط (به ویژه مناطق دور افتاده) دسترسی بسیاری را به کتاب ناممکن کرده است.
۱۲. مهاجرت در سال‌های اخیر به ویژه که بیشترین مهاجرین را افراد تحصیل کرده و مصرف‌کنندگان بالقوه کتاب تشکیل می‌دهد، عامل مهمی در کاهش تعداد کتابخوانان و تأثیر بر اقتصاد نشر شده است.
۱۳. کمی اوقات فراغت در ایران به علت مشغله‌های زیاد افراد (خیلی‌ها در ایران برای جبران کسری هزینه زندگی دو کاره هستند). باعث کاهش مطالعه در ایران می‌شود.
۱۴. جامعه ایران بیشتر متکی به شنیده‌ها (فرهنگ شفاهی) است و بیشتر مردم استفاده از منابع مکتوب را جدی نمی‌گیرند، به همین دلیل در سبد خرید خانوارهای ایرانی هزینه‌های فرهنگی رقم ناچیزی را تشکیل می‌دهد.
۱۵. نهادینه نشدن فرهنگ کتابخوانی در خانواده‌ها به دلیل بافت سنتی، عدم توجه به کتاب، کم‌سواد بودن اولیاء، توجه نداشتن به تأثیر کتاب در ارتقاء جایگاه اجتماعی

افراد، عدم جذابیت کتاب‌های درسی که نوعی کتاب گریزی را در بچه‌ها و دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

۱۶. جذاب نبودن کتابخانه‌های مدارس.

۱۷. کمی کتابخانه‌ها و نبودن بسیاری از کتاب‌های جذاب در آنها که چندان برای خوانندگان کتاب ترغیب‌کننده نیست.

به این عوامل باید نقش نظارتی دولت را نیز به عنوان یکی از عمده‌ترین مشکلات فرا راه نشر در ایران برشمرد، برای پرداختن به نقش نظارتی دولت باید اندکی به عقب رفته و پیشینه سانسور و ممیزی کتاب را در ایران از دوران قاجار تا امروز کاوید و نقش آن را در روند تولید کتاب و تأثیرات روانی و اجتماعی آن سنجید تا بتوان بهتر به مشکلات نشر کتاب در کشور رسید و به طور واقعی در پی راهکار خروج از دام این مشکلات شد.

سانسور کتاب

نشر کتاب در ایران در آغاز توسط نهادهای دولتی صورت

گرفت. نزدیک به چهار دهه زمان لازم بود، تا کم کم اشخاصی نیز برای چاپ کتاب پا به عرصه نهند، پس از آنکه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه رئیس دارالطباعة شد و کم کم دامنه آن را آن قدر گسترش داد تا وزیر آن تشکیلات شود، با مشکلی روبرو شد و آن بیداری اذهان و رشد افکار ترقی خواهانه در لایه‌هایی از اجتماع بود، ورود برخی نشریات منتقد حکومت ناصرالدین شاه و پیدایی شب‌نامه‌ها فکر شاه قدر قدرت را پریشان می‌کرد، پس اعتمادالسلطنه به فکر برقراری سانسور افتاد. در سال ۱۲۸۰ ه. ق در شماره ۵۵۲ روزنامه دولت علیه ایران اعلانی درج می‌شود که می‌توان آن را به عنوان نخستین گام برای سانسور رسمی کتاب و نوشته‌جات در ایران دانست: «نظر به اینکه امر چاپخانه‌های ممالک محروسه ایران تاکنون در تحت قاعده معینه نبوده و در انتظام آن اهمی نمی‌شد، اختلالی یافته متدرجاً از محوطه نظم خارج افتاده، هر کس در هر مقام هر نسخه که می‌خواست قطع نظر از اینکه انتشار آن نسخه جهت دولت و ملت مستحسن یا مستقبح و یا متداول شدن آن بین عوام الناس

از گوشزد اطفال یا اشعه مضامین آن بین الرجال نافع یا مضر بوده، چاپ می نمود و حکایات نامناسب که ذکر آن در این مقام مناسب نیست به طبع می رساندند که موجب جرأت خوانندگان و شنوندگان در ارتکاب مناهی و ملامتی و سفک دما و متابعت اهواء می گردید، خاصه اطفال که از مبادی احوال و خواندن این حکایات نامربوط می شدند و این روایات منطبعه غیر مستحسنه در جبلت ایشان کالنقش فی الحجر مرکوز و کالطبیعه الثانیه ثابت می گردید و گاه می بود که به علت استمرار در استماع و مذاکره این گونه ترهات در گرداب هواجس نفسانی و وساوس شیطانی غوطه ور می گشتند. از آنجا که رحمت نامتناهی حضرت الهی مقتضی رأفت و مرحمت خاطر خورشید مظاهر اعلی حضرت شاهنشاهی ولی نعمت کامل ممالک محروسه ایران آمده است و اراده سنیّه همایونی اقتضا نمی فرماید که از جزیی و کلی امور ملکی و ملتی عاطل و باطل مانده و مردم از صراط مستقیم که موجب نعم دینی و فیض عظیم عقبی است منحرف باشند، محض خیرخواهی و عنایت درباره خلایق که ودایع حضرت

خالقند امر مقرر فرمودند که صنیع الملک^۸ رئیس و مباشر امر روزنامه و نقاش خانه و کارخانه دولتی در کلیه امور چاپخانه‌های ممالک محروسه نیز مراقب و مواظب باشد و چنانچه ذکر یافت بعضی از نسخ که موجب انزجار طبایع و مودی به خلاف او امر جهان اتباع شرعیه است و از حلی و حلل منابع ملکی و ملتی عاطل است سمت انطباع نیابد و در عوض کتاب‌هایی که ظاهراً و باطناً قریب‌المنفعه و مریم المفره^۹ است طبع نمایند تا خوانندگان و شنوندگان را به مدارج حسن عقاید بیفزاید و فواید مرضیه حاصل آید...^۹»

گر چه در این نوشته به وضوح ذکر شده که چه چیزهایی چاپ شود و چه مطالبی نه، اما اعتمادالسلطنه به این حد راضی نیست و تحکیم سانسور را در رؤیت تمام موارد چاپی و مهرزدن بر آنها می‌داند، خود وی در این باره چنین گفته است: «از اوایل طلوع دولت مقرر گردید که هیچ کتاب و جریده و اعلان و امثال ذلک در هر کارخانه از مطابع جمیع ممالک محروسه ایران مطبوع نیفتد، الا پس از ملاحظه مدیر

۸ صنیع الملک لقب نخست محمد حسن خان بود، او بعداً عنوان اعتمادالسلطنه را از شاه گرفت.
 ۹ دولت علیه ایران، جلد ۲، تهران کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تجدید چاپ ۱۳۷۰، ص ۶۳۹.

این اداره و امضای وی، از وقتی که مسئولیت انطباعات با نگارنده شده است نشان امضاء را مهری قرار داده مشتمل بر عبارت:

«ملاحظه شد» و صورت شیری خفته و خورشید.^{۱۰}
 در سال ۱۲۹۶ هـ. ق مجموعه‌ای از قوانین توسط کنت دومونت فرت ایتالیایی، ماجراجویی که رئیس نظمیہ دربار بود برای انتظام امور به شاه تقدیم شد، این مجموعه به «قانون جزای ۱۲۹۶» شهرت یافت، در این نوشته بخش‌هایی هست که مجازات‌هایی را برای تخلفات مطبوعاتی قائل شده است، ناصرالدین شاه دستور اجرایی شدن مفاد این مجموعه را چنین اعلام می‌دارد: «نایب‌السلطنه، این کتابچه کنت را خواندم، تماماً بسیار به قاعده و درست است، یک دو فقره را کم و زیاد کردیم، ملاحظه کنید، همین کتابچه و همین دست خط را در مجلس اول دارالشوری که منعقد می‌شود بدهید قرائت کنند، وزراء هم این کتابچه را امضاء کنند، بدهند به کنت او هم بدهد چاپ کرده منتشر نمایند

۱۰ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، به کوشش دکتر حسن محبوبی اردکانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲، صص ۱۶۲-۱۶۱.

و از تاریخ امضاء وزرا مشغول اجرا قوانین بوده ذره‌ای هم تخلف نشود، همه این قوانین صحیح و محل هیچ ایراد نیست و لزوماً و انشاءً باید مجری شود، همین دست خط را بده کنت ملاحظه نماید، بداند ما قواعد را پسندیده‌ایم.»^{۱۱}

در بخش مربوط به آزادی بیان و قلم آن چنین آمده است: «کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضد مذهب و یا دولت و ملت بوده باشد، از پنج ماه الی پنج سال حبس خواهد شد... کسی که جسارت نموده بر ضد پادشاه اعلانات و نوشته‌جات در کوچه‌ها بچسباند هر کس بوده باشد و همچنین کسی که مخالف مردم حرکتی کرده و اذیتی برساند، بر حسب حد تقصیر او، از یک ماه الی پنج سال حبس خواهد شد... کسی که کنکاش و خیالات تحریک بد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت تحریراً و تقریراً به دولت بزند، بعد از ثبوت تقصیر او، بر حسب حدود تقصیرات از یک سال الی پانزده سال محبوس خواهد شد.»^{۱۲}

البته اسناد و مدارک تاریخی نسبت به اجرای این قانون

۱۱ گوئل کهن، تاریخ سانسور مطبوعات در ایران، جلد اول، تهران، انتشارات آگاه: ۱۳۶۰، ص ۹۹.

۱۲ همان منبع، گوئل کهن، صص ۹۸-۱۰۱.

در دست نداریم، اما آنچه مسلم است اینکه نظارت و سانسور دربارهٔ موارد چاپی سخت اعمال می‌شد. به عنوان مثال اعتمادالسلطنه نسخه‌های کتاب شعری را که معاونش محمد حسین فروغی بازبینی کرده و اجازه چاپ یافته بود، چون خودش ندیده بود سوزاند. او مسئول چاپ دارالفنون را برای چاپ تراکتی که بدون تأیید او چاپ شده بود فلک کرد، خود شاه نیز بر آنچه چاپ می‌شد نظارت می‌کرد و یک بار هم اجازهٔ توزیع سالنامه‌ای را که چاپ شده بود لغو کرد.^{۱۳}

علیرغم وجود این سخت‌گیری‌ها، مطالب انتقادی در نشریات خارج از کشور نظیر اختر در استامبول و قانون در لندن چاپ می‌شد و همین اعتمادالسلطنه را وادار به کار بستن تدبیری جدید نمود:

«چون بعضی از مطبوعات بعضی از ممالک که مشتمل بر طعن طریقی یا قدح فریقی و یا هجا شخصی و یا هزل فاحشی بود، به لحاظ مبارک این پادشاه (ناصرالدین شاه) می‌رسید، از انتشار آنها همواره آثار کراهت بر جبین همایون

هویدا بود تا وقتی که رساله هجو سلاله شیخ هاشم شیرازی مطبوعه بمبئی را به تهران آوردند و نسخه حضور مهر حضور بردند، از مشاهده آن اشعار ناسزاوار در حق آن دانشوران بزرگوار شعله خشم شاهنشاهی زبانه زدن گرفت و در وقت به تجهیز و اعدام آن نسخ فرمان رفت، بنده نگارنده حاضر درد رگه بود، معروض نمود که دولت‌های اروپیه برای سد راه این عیب از ممالک خویش، دایره تفتیش ایجاد کرده‌اند و اسم آن سانسور است و چون در حدود ایران سانسور ایجاد شود و از آن وقت باز راه این عیب بسته است و رشته این تجارت گسسته.»^{۱۴}

اعتمادالسلطنه زمان این ماجرا را نمی‌نویسد، اما بر اساس آنچه در روزنامه خاطراتش آمده به نظر می‌رسد ربیع‌الثانی ۱۳۰۲ هـ. ق. بوده است، او در خاطرات پنجشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی می‌نویسد: «همچنین عریضه‌ای را که پریروز داده بودم در باب ایجاد سانسور به جهت کتب چاپی و غیره خیلی پسند فرموده بود. مقرر شده بود این کار به من

۱۴ المآثر و الآثار، پیش گفته، ص ۱۰۹.

رجوع شود.»^{۱۵}

گسترهٔ سانسور دوران ناصرالدین شاه به حدی بود که حتی دامن کتابی از اعتمادالسلطنه را نیز گرفت، این کتاب تاریخ فرانسه بود که پس از چاپ به دستور ناصرالدین شاه تمام نسخه‌های آن جمع‌آوری و سوزانده شد در دوران پادشاهی مظفرالدین شاه نیز سانسور و ممیزی کتاب و نشریات اعمال می‌شد اگر چه مثلاً در دوران صدارت میرزا علی خان امین‌الدوله از شدت آن کاسته شد، اما در صدارت میرزا علی اصغر امین سلطان (۱۳۲۱-۱۳۱۶ ه.ق) شدت اعمال سانسور زیاد بود، در اعلان رسمی که در شمارهٔ ۹۹ روزنامهٔ رسمی ایران در دهم ذیقعدة ۱۳۱۸ به چاپ رسیده، روش رسمی سانسور بیان شده است در این اعلان ابتدا دربارهٔ نشریاتی که خارج از کشور چاپ می‌شوند مطالبی آمده و در خاتمه آورده است: «... لهذا به حکم دولت همهٔ آن جراید قدغن و ممنوع از ورود به داخلهٔ ایران گردید و چون در آینده هم به همین علت دوری از مملکت و دایرهٔ دولت ممکن

۱۵ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامهٔ خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، ص ۳۳۹

نیست رفع این مفسد و عیوب از آنها بشود، بعد از این نیز ابداً اجازهٔ ورد و دخول به ایران را نخواهند یافت. اما اگر روزنامه‌نگاران فارسی زبان به داخلهٔ ایران بیایند به ترتیباتی که در تمام دول سایره مرعی و معمول است به آنها اجازهٔ طبع روزنامه در ایران داده خواهد شد.» با روی کار آمدن عین‌الدوله به جانشینی امین‌السلطان وی ندیم‌السلطان را وزیر انطباعات کرد، او مردی آزادی‌خواه بود و به همین علت از شدت سانسور کاسته شد، انتقادات در مطبوعات فزونی گرفت و پس از سفر شاه به فرنگ ندیم‌السلطان از کار برکنار و عین‌الدوله بر شدت سخت‌گیری به اهل قلم افزود.

رشد جنبش اجتماعی، انتشار شبنامه‌ها و ورود نشریات خارج از کشور، سد سانسور را تا حدی شکسته و بر اعتلای فکر افزوده شد، اینها بخشی از زمینه‌های فکری جنبش مشروطه بودند. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان، قانون اساسی تدوین شد، چون برخی از مواد این قانون به تأویل و تفسیر نیاز داشت متممی نیز برای آن نوشته شد.

در ماده ۲ این متمم مفهوم آزادی مطبوعات چنین بیان شده است: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین اسلام آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود، اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.»

در فاصله بین امضای قانون مشروطه و تصویب نخستین قانون مطبوعات در محرم ۱۳۲۶ ق، دوران پرشور آزادی برای مطبوعات و نشر کتاب پیدا شد، اما این دوران چندان نیابید، محمدعلی شاه در جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ق مجلس را به توپ بست، آزادی خواهان را دستگیر یا فراری نمود و سانسور گسترده‌ای را بر فضای فکری جامعه حاکم کرد، از اهل قلم کسانی مثل میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل و سلطان‌العلما سردبیر مجله روح‌القدس اعدام شدند. برخی هم نظیر علی اکبر دهخدا و محمدرضا مساوات آواره کشورهای دیگری شدند، این در به دری‌ها تا تبعید محمدعلی شاه به روسیه

ادامه داشت.

در دوران احمدشاه علیرغم وجود سانسور، کار نشریات رونق بیشتری داشت. با روی کار آمدن رضا شاه نظارت و محدودیت شدید بر فضای فکری جامعه حاکم شد. در ۱۳۰۱ شمسی قانونی به اسم «قانون راجع به نظارت مطبوعات» به تصویب مجلس رسید، در مواد اول و دوم این قانون چنین آمده است:

«ماده اول - چون مطابق اصل بیستم متمم قانون اساسی عامه مطبوعات به غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین اسلام آزاد و ممیزی فقط در مورد کتب ضلال و مواد مضره به دین اسلام مجاز است، عموم مدیران جراید یا مجلات و ارباب مطابع باید ملتزم شوند که هر وقت بخواهند در امور مربوط به دین اسلام و مذهب اصولاً و فروعاً و یا نقلاً ولو هزلاً چیزی طبع کنند قبلاً به ناظر شرعیات که ضرورت او به توسط دو نفر مجتهد جامع الشرایط تصدیق و از طرف وزارت معارف در تهران و در هر یک از مراکز ایالات و ولایات معرفی شده باشد مراجعه نمایند تا مذاقه نموده،

پس از آنکه عدم مضر بودن آن به دین اسلام و مذهب کتباً تصدیق شد طبع و نشر نمایند.

ماده دوم - هر گاه یکی از مدیران جراید و یا مجلات و یا ارباب مطابع و یا دیگری از مفاد ماده فوق تخلف نمود، مدعی العموم و یا مدعی خصوصی قضیه را به ناظر شرعیات قانونی و یا مجتهد عادل مسلم رجوع می نماید. بعد از تصدیق کتبی مشارالیه به مضر بودن به فوریت اوراق منتشره جمع آوری و توقیف شده، مدیر و نویسنده و طبع کننده مستنداً به تشخیص ناظر شرعیات و یا مجتهد عادل مسلم مطابق قانون مطبوعات مجازات خواهند شد.^{۱۶}

دامنه سانسور در دوران رضا شاه بسیار گسترده شد و گاه حتی به ترور (قتل میر زاده عشقی) و به قتل در زندان (فرخی یزدی شاعر) نیز کشیده شد.

در این دوران مطبوعات هر گاه قصد چاپ مطلبی را داشتند باید از بازرس ویژه در شهربانی کسب تکلیف می کردند و بدون مهر «روا» هیچ مطلبی حق انتشار نداشت. این بازرسان سواد چندانی نداشتند و همین مشکلات را افزایش

۱۶ مجموعه قوانین فرهنگی، تهران، اداره کل نگارش و آمار، ۱۳۳۹، ص ۲۱۲.

می‌داد دکتر تقی‌ارانی دربارهٔ یکی از ممیزان گفته است: «هر چه را نمی‌فهمید سانسور می‌کرد و چون هیچ نمی‌فهمید همه چیز را سانسور می‌کرد.»^{۱۷}

در فروردین ۱۳۱۰ شمسی بخشنامه‌ای از طرف شهربانی خطاب به نشریات صادر شد که حاکی از نظارت و کنترل شدید مطبوعات در تمام مراحل حروف‌چینی و چاپ و توزیع بود: «۱. به مدیر توزیع اخطار کنید که هیچ روزی صبح و عصر روزنامه را بدون اطلاع و اخطار و اجازهٔ مأمورین شعبه انتشار ندهد. ۲. به کلیه ماشین‌خانه‌های مطابع اخطار شود که همه روزه باید روزنامه‌های چاپ شده را نگاه دارند تا از طرف نظمیّه اجازهٔ انتشار آن داده شود. ۳. به کلیه مطابع و مدیران جراید و اتاق‌های حروف‌چینی اخطار شود که هیچ خبر و مقاله‌ای را بدون امضای مأمور سانسور نچینند و اگر فوریت دارد به شعبهٔ مطبوعات بیاورند اجازه بگیرند.»^{۱۸}

ورود کتاب‌ها و نشریات از خارج از کشور ممنوع و مرزها را سخت کنترل می‌کردند، مثلاً ورود دیوان شعر ابوالقاسم

۱۷ بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست، محمود طلوعی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۱، ص ۷۸۱.
 ۱۸ وضعیت مطبوعات در عصر رضاخان، فصل‌نامهٔ ۱۵ خرداد، علیرضا روحانی، سال پنجم، ش ۲۱، بهار، ۱۳۷۵، صص ۱۶۱-۱۶۲.

لاهوته که در مسکو چاپ شده بود و همین طور کتاب شرح حال کنل محمدتقی خان پسیان چاپ برلن نیز ممنوع بود.^{۱۹}

در سال ۱۳۱۵ شمسی اداره راهنمای نگارش از زیر مجموعه‌های وزارت کشور تحت نظر شهربانی آغاز به کار کرد. رئیس آن در بدو تأسیس علی دشتی بود و پس از آن عبدالرحمن فرامرزی ریاست آن را بر عهده گرفت، پس از سقوط رضا شاه این اداره منحل شد.^{۲۰}

کار این اداره نظارت بر مقالات و مطالب نشریات از جنبه ادبی و سیاسی بود. کار کتاب نیز در این دوران با سانسور شدید توأم بود برای نمونه ملک‌الشعرای بهار درباره چاپ دیوانش چنین می‌گوید: «دیوان شعرم را به چاپخانه مجلس دادم که چاپ بشود، تا دویست و هشت صفحه به طبع رسید، ناگاه از مصدر جلال شهربانی امر شد که آن را تحت بازرسی قرار دهند، از این سبب آن اوراق ضبط شد و کار به مراجعه و رفت و آمد و بازرسی اداره سانسور شهربانی

۱۹ برگرفته از اسناد سازمان ملی ایران.

۲۰ پلیس خفیه ایران، مرتضی سیفی تفرشی، تهران، فرهنگسرای یساولی، ۱۳۷۱، صص ۲۰۶-۲۰۵.

کشید و در همین حین حبس پنج ماهه و تبعید یک ساله پیش آمد.^{۲۱} در دوران محمدرضا پهلوی اعمال سانسور را می‌توان به سه دور تقسیم کرد:

مرحله نخست از روی کارآمدن (۱۳۲۰ شمسی) تا بیست و هشت مرداد (۱۳۳۱).

مرحله دوم از شهریور ۱۳۳۲ و پس از آن، پیدایی رسمی سازمان امنیت و اطلاعات کشور تا ۱۳۴۰. مرحله سوم از ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷.

در نخستین مرحله به علت حضور نیروهای بیگانه در ایران و درگیری ایران در جنگ جهانی دوم، عدم تثبیت قدرت شاه و حضور گسترده و فعال نیروهای سیاسی، نشر کتاب از آزادی‌های نسبی برخوردار بود. اگر چه با توجه به آمار کتاب‌های منتشره متوجه می‌شویم که بازار کتاب در ایران چندان رونقی نداشته است، در این دور جمعاً ۴۶۷۱ عنوان کتاب در ایران منتشر شده است.

در مرحله دوم که توأم با کودتای ۲۸ مرداد، سقوط دولت

۲۱ موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضاشاه (۱۳۳۰-۱۳۰۴)، خلیل الله سردارآبادی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۱۴۹-۱۴۸.

دکتر محمد مصدق، روی کار آمدن دولت نظامی زاهدی، برقراری حکومت نظامی به سرپرستی تیمسار تیمور بختیار و تأسیس ساواک (پلیس مخفی) در سال ۱۳۳۶؛ کنترل اهل اندیشه و فشار برای جلوگیری از انتشار افکار انتقادی زیاد شد. آمار کتاب‌های منتشره تا سال ۱۳۴۱ نشان از انتشار ۵۵۱۶ عنوان کتاب دارد. البته در این دوران سانسور پیش از انتشار چندان اعمال نمی‌شده است. تنها پس از انتشار کتاب آن را بررسی می‌کردند، در سال ۱۳۴۱ در روزنامه اطلاعات خبری از جمع‌آوری و سوزاندن تعدادی کتاب درج می‌شود که وزیر فرهنگ وقت از آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. اما با پیگیری دکتر محمد امین ریاحی رئیس اداره کل نگارش وزارت فرهنگ وقت اسامی ۱۴ عنوان کتاب که توقیف و سوزانده شده‌اند روشن می‌شود. جالب اینکه در جمع‌آوری کتاب‌ها اداره کل شهربانی کشور، وزارت کشور و اداره آگاهی دخالت می‌کردند.

پررونق‌ترین دوران انتشار کتاب در ایران از آغاز ورود چاپ به کشور تا دوران پهلوی دوم به دوران (۱۳۴۱-۱۳۵۷)

بر می‌گردد. در این دوران ۴۳۰۹۸ عنوان کتاب منتشر شده است. البته در تمام این دوران سانسور بر نشر کتاب حاکم بود و تنها از سال ۱۳۵۵ به بعد از شدت سانسور کاسته شد، علت آن نیز پیدایی شرایط انقلابی در کشور بود. در این دوران علاوه بر اداره نگارش وزارت فرهنگ و هنر نهادهایی مثل ساواک، شهربانی، آگاهی و وزارت کشور نیز در جمع آوری و توقیف کتاب‌ها فعال بودند. در سال ۱۳۵۴ مدیر کل اداره نگارش علت سانسور پس از انتشار را چنین بیان کرده است: «در زمینه مسایل کتاب تنها ما دخالت نمی‌کنیم. بلکه هر وزارتخانه و سازمانی بنا به وظیفه و نقشی که به عهده دارد در این کار دخالت می‌کند. مثلاً ممکن است یک کتاب حقوقی بعد از انتشار به دلیل اینکه با فلان ماده قانونی مغایر است، دادگستری اقدام به جمع‌آوری آن کند و همین طور سایر ادارات و سازمان‌ها در رابطه با وظایف و زمینه کارشان.»^{۲۲}

ساواک نقشی فعال در سانسور داشت، آنها بر چاپ و توزیع کتاب‌ها نظارت می‌کردند، البته تا اواسط دهه چهل

۲۲ سانسور کتاب پس از چاپ؟ ایرج زندپور، رستاخیز جوانان، ش ۲۳، ۱۳۵۴/۸/۱۹، ص ۷۴.

مقررات مدونی برای سانسور وجود نداشت و تنها بر اساس قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۶ هـ. ق عمل می‌کردند که در آن درباره کتاب چنین آمده: «موافق اصل بیستم قانون اساسی، عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده بشود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.

تصور می‌شود طبع کتب و روزنامه‌جات و اعلانات و لوایح در تحت قوانین مقررۀ ذیل که برای حفظ حقوق عموم و سد ابواب مضار از تجاوزات ارباب قلم و مطبوعات وضع می‌شود آزاد است. هر کس بخواهد مطبعه دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی به طبع برساند یا مطبوعات را بفروشد باید بدو عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف با التزام شرعی متعهد و ملتزم شود.»

در سال ۱۳۳۴ شمسی قانون مطبوعاتی جدیدی به تصویب

رسید که در آن به انتشار کتاب هیچ اشاره‌ای نشده بود و در تاریخ ۱۳۳۶/۹/۱۰ آیین‌نامه تأسیس چاپخانه‌ها به تصویب هیئت وزیران رسید، در ماده ۱۵ آن آمده بود: «مدیر چاپخانه در صورتی که تقاضای سفارش دهنده را قبول نمود سفارش دهنده بایستی نمونه خطی مورد سفارش را با امضا صریح خود و گواهی وزارت فرهنگ به چاپخانه تسلیم نماید.» شورای فرهنگ عمومی، آیین‌نامه دیگری با عنوان «آیین‌نامه اصلاحی تأسیس چاپخانه راجع به نحوه ثبت انتشار کتاب و رساله و سایر نشریات» را به تصویب رساند. ماده یک این آیین‌نامه مستمسک سانسور در دوره سوم بود:

«مدیران چاپخانه‌ها مکلفند دو نسخه از نشریات مورد چاپ را بعد از چاپ متن و قبل از صحافی با ذکر هویت مؤلف یا مترجم و تعیین تعداد نسخی که از اثر منظور نشر خواهد شد به کتابخانه ملی ایران ارسال دارند تا حداکثر ظرف مدت ده روز در دفتر مخصوصی که برای این موضوع ترتیب داده می‌شود به ثبت برسد.»

در اواخر دهه چهل شمسی اداره‌ای به اسم «نگارش» در

وزارت فرهنگ و هنر تشکیل شد که کارش نظارت بر چاپ کتاب بود. اعمال سانسور در دوران محمدرضا پهلوی پنج محور سیاسی - اجتماعی، دینی، اخلاقی، علمی و نگارشی را در بر می‌گرفت. اصولاً: از نشر کتاب‌های روشنگر مذهبی یا اندیشه‌های مارکسیستی جلوگیری می‌شد، هر نوع نقد و انتقاد نسبت به حکومت و اصلاح امور ممنوع بود.

روش‌های سانسور نیز پیش و پس از انتشار کتاب را در بر می‌گرفت، در مورد کتاب‌ها سه شیوه برخورد وجود داشت یا به کتاب بدون تغییراتی در آن مجوز انتشار داده می‌شد، یا اعمال تغییرات یا حذف مطالبی را خواستار می‌شدند، یا درخواست ناشر برای دریافت مجوز بدون جواب می‌ماند.

از سال ۱۳۵۶ کم‌کم سد سانسور کتاب‌ها در ایران شکسته شد، فشار جنبش انقلابی مردم حکومت را مجبور به عقب‌نشینی کرد و سیل کتاب‌های ممنوعه راهی بازار شد، دورانی که مشهور به چاپ کتاب‌های جلد سفید شد و بخشی مهم از تاریخ نشر کتاب در ایران بود. با پیروزی انقلاب آزادی بیان رواج داشت، کتاب‌ها و نشریات فراوانی

منتشر می‌شد و شوق خواندن و دانستن در ایران انقلابی بسیار بالا بود. اما در برابر این موج گسترده فرهنگی دو عامل ایجاد دشواری می‌کرد. نخست جنگ تحمیلی عراق بر ایران که فشاری بیش از حد را به حکومت جوان و انقلابی کشور وارد می‌کرد و دوم فعالیت گسترده و بدون کنترل گروه‌های سیاسی با همه گونه طیف فکری، بیشتر این گروه‌ها از همان آغاز موضع مخالف و انتقادی گرفته و حتی بخشی از آنان هدف براندازی حکومت را نیز در سر داشتند، افزایش درگیری در مرزها و در درون کشور به ناچار حکومت جدید را به اتخاذ تدابیر سخت‌تری وا می‌داشت، امنیتی شدن فضای کشور که در آن سازمان‌های سیاسی و در رأس آنان سازمان مجاهدین خلق که در عمل رو در روی حکومت قرار داشت، فضایی پرتنش را ایجاد می‌کرد که طبیعتاً نشر افکار و اندیشه‌ها از آن آسیب می‌دید. اما با رسیدن کشور به آرامش نسبی و توفیق در جنگ در پایان آن، سامان‌دهی امور فرهنگی نیز در دستور کار قرار گرفت. شورای عالی انقلاب فرهنگی که برای سامان بخشی به حوزه‌های فرهنگی به

فرهنگ و ارشاد اسلامی هیچ گاه مدرک کتبی مارک داری مبنی بر حذف بخشی از آثار یا عدم مجوز انتشار به دست ناشران نمی‌دهد.

در دنیای امروز به ویژه با ورود صنعت دیجیتال و تشکیل فضاهای مجازی بسیاری از کتب غیرقابل انتشار در ایران اکنون به راحتی قابل دسترس و حتی دانلود می‌باشند، گسترش شبکه‌های مجازی به افزایش میدان نشر الکترونیک و برخورداری کاربران رو به افزایش از این حوزه‌ها نشر سنتی (کاغذی) کتاب را نیز با چالش جدی روبه‌رو می‌سازد. با همه این موانع نشر ایران در سال‌های اخیر توانسته گام‌های مؤثری در مدرن شدن، به روز بودن و نزدیکی به نشر صنعتی در جهان بردارد. افزایش شگفت‌آور عناوین منتشره در یک سال (حدود ۶۲ هزار عنوان)، تنوع حوزه‌های نشر کتاب که تقریباً تمام معارف و علوم را در بر می‌گیرد، افزایش شبکه‌های توزیع، پیدایی و افتتاح فروشگاه‌های بزرگ چند منظوره فرهنگی و ورود افراد متخصص و آموزش دیده در حوزه نشر، افزایش سطح تعامل و برخورد با نشر

جهان، توجه جدی به ساختار و کیفیت کتاب‌های تولید شده، توجه جدی به اموری نظیر ویرایش و کتاب‌پردازی و ویرایش هنری، بهره‌گیری از نیروی انسانی کارآمد در حوزه‌های مختلف نشر کتاب و حرکت جدی در حوزه‌های تحقیقی و پژوهشی، تألیف و ترجمه و جلوگیری از کتاب‌سازی‌های ضعیف همه نشان از تحولات جدی در حوزه نشر کشور دارد.

در مواردی مثل سرقت ادبی شاید مهمترین چالش همان عدم پذیرش کپی رایت جهانی و ترجمه و یا اقتباس بدون مجوز از آثار پدیدآورندگان کشورهای مختلف است، در این مورد در سالیان اخیر از طرف ناشران حرفه‌ای و مترجمین گام‌های مؤثری برداشته شده و تعامل این افراد با ناشران و پدیدآورندگان تقریباً بستری برای ارتباط و همکاری بیشتر را فراهم کرده است.

به هر حال علیرغم برخی مشکلات در این حوزه، قوه قضائیه ایران تاکنون توانسته از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان بر اساس درخواست آنان حمایت کند.

نشر الکترونیک

از سال ۱۹۸۵ به این سو که بشر وارد دوران فراتکنولوژیک شده بیشتر امور پایه‌های دیجیتالی پیدا کرده‌اند، در حوزه نشر نیز این تغییرات عنوان نشر دیجیتالی یا الکترونیکی دارد، ابزارهای تولید و نوع انتشار در این نوع نشر تغییر می‌کند.

هر کاری که تولید محتوا را به صورت قالب‌های الکترونیکی و غیرچاپی تبدیل کند، نشر الکترونیک نام دارد، این کار گاه روی یک دیسکت یا یک سی دی یا شبکه جهانی و یا روی سایت‌های وب است.

حتی پیام‌های کوتاهی که از طریق پورتال‌های مختلف

روی تلفن‌های همراه منتقل می‌شود مشمول تعریف نشر الکترونیک و در نتیجه قوانین و مقررات این نشر می‌شود. فرآیند تولید محتوا در این نشر همانند نشر سنتی است، نشر الکترونیک همان ایده‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اهداف را دارد، اموری نظیر گردآوری، تألیف و ترجمه نیز در آن صورت می‌پذیرد، اما نحوه انتقال پیام‌ها در این نوع نشر متفاوت است.

در این نوع نشر الزامی به ارائه صرف متن نیست و افزون بر آن می‌توان صوت، تصویر و انیمیشن و فیلم را نیز ارائه دهیم. علاوه بر آن می‌شود روابط ارتباطی معنادار و منطقی را نیز به عنوان شبکه‌های مختلف در کنار این نشر برقرار کرد.

یکی از ویژگی‌های نشر الکترونیک بهره‌گیری کاربر به شکل همزمان از سیستم چند رسانه‌ای برای مطالعه یک کتاب است، مخاطب می‌تواند با ویژگی‌های تصویر، صوت و توان‌های افزودن فیلم، موسیقی و انیمیشن‌های مختلف در حین مطالعه بر جذابیت و درک بیشتر خواننده بیفزاید.

رشد این نشر باعث کاهش هزینه‌های تولید کتاب نظیر کاغذ می‌شود و سرعت تولید محصولات نیز بالاتر می‌رود. بسیاری را عقیده بر این است که این نوع نشر در کاهش ترافیک و کاستن از آلودگی محیط زیست و صرف وقت نیز مؤثر است.

طبیعی است با افزایش شناخت رایانه در خانواده‌های ایرانی کاربرد نشر الکترونیک نیز افزایش می‌یابد، هم اکنون نیز آثار بسیاری در حوزه‌های تاریخی، ادبی و اجتماعی به شکل بسته‌های الکترونیکی در ایران عرضه می‌شود.

یکی از موانع جدی نشر الکترونیک نداشتن قانون کپی رایت در ایران است بسیاری از پدیدآورندگان بر این باورند که بدون پذیرش این قانون حقوق مادی تولیدکننده اثر به راحتی از بین می‌رود.

در حال حاضر در ایران مجمع ناشران الکترونیک وجود دارد و محمد امین طالب شهرستانی رئیس هیئت مدیره آن است.

برخی از دست‌اندرکاران نشر الکترونیک در ایران علاوه بر

قانون کپی رایت نبود استراتژی مدون و طراحی نظام جامع گسترش نشر الکترونیک و همچنین فقدان مدیریت آگاه و هوشمند را در هدایت نشر الکترونیک از ضعف‌های آن می‌دانند.

از سویی گسترش نشر الکترونیک با مقاومت‌هایی نیز رودررو است، زیرا عده‌ای بر این گمانند که توسعه این نشر بازار نشر سنتی را محدود می‌کند، البته تصویری غلط است زیرا رشد این حوزه تأثیر عمیقی بر نشر سنتی در دیگر کشورها نداشته است.

از سوی دیگر عدم دسترسی افراد جامعه به شکل گسترده به اینترنت نیز از عوامل بازدارنده رشد نشر الکترونیک است. سرعت کم اینترنت در ایران و عدم دسترسی بخش‌های عمده‌ای از جامعه به فضای سایبری و هزینه‌های نسبتاً بالای دسترسی به شبکه نیز از عوامل بازدارنده در نشر الکترونیک هستند.

از دیگر عواملی که تولیدکنندگان نشر الکترونیک بدان باور دارند، حمایت دولت از این روش تولید است، آنها بر

این اعتقادند که دولت بیشتر از نشر سنتی حمایت می‌کند، البته از طرف دولت ناشران الکترونیک از معافیت مالیاتی برخوردار شده‌اند.

از مسایل و مشکلات دیگر این نوع نشر در ایران ناکارآمدی قوانین کنونی است که خلأهایی را برای امنیت اقتصادی این نوع نشر در کشور ایجاد کرده است. اصلی‌ترین چهره نشر الکترونیک عرضه آن در اینترنت است.

البته توجه ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی با توجه به اولویت‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و امور بانکی که آنها دارند، بسیار ضعیف است، تردیدی نیست که توجه جدی و زیربنایی به فناوری اطلاعات و مباحث کلیدی آن از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین فعالیت‌های هر دولتی محسوب می‌شود.

برخی از فعالان این حوزه معتقدند که نگاه مسئولان به این حوزه از پایه غلط است، وقتی در مقایسه با جهان توسعه IT را مسئولان تنها به توسعه تلفن همراه خلاصه

می‌کنند دیگر میدانی برای گسترش نشر الکترونیک باقی نمی‌ماند.

در حال حاضر کمیسیون نشر کتاب‌های الکترونیک به همکاری با مؤسسه استاندارد پرداخته و در حال تدوین یک پروتکل مشترک برای تدوین تراز داده‌های فیما بین است، طبیعی است که استانداردها در بحث نشر و IT اهمیت ویژه‌ای دارد و مؤسسه استاندارد می‌تواند با تدوین رسته‌ای از استانداردهای مرتبط با نشر الکترونیکی و نظارت بر اجرای قوانین به عملیاتی‌تر شدن و حرفه‌ای‌تر شدن برنامه‌ها کمک شایانی نماید.

یکی از اعضای نظام صنفی رایانه‌ای دغدغه‌های جدید تولید الکترونیکی را چنین برمی‌شمرد:

فرهنگ‌سازی استفاده از نرم‌افزارهای کاربردی که بسیار مهم است.

تدوین استانداردهای مناسب و به روز کردن آنها برای تولید نرم‌افزار.

بحث کپی‌رایت برای حفاظت از حقوق قانونی پدیدآورندگان.

عدم توجه جدی دولت به این پدیده و اختصاص کمتر از یک درصد از مصوبات در ارتباط با فناوری اطلاعات. به هر حال هنوز سیاستی مشخص در کشور در بحث نرم‌افزار وجود ندارد، و به همین دلیل رونق و بازسازی اقتصادی قابل توجهی برای آن ایجاد نکرده است. عمده‌ترین دلیل توسعه نیافتن کتاب الکترونیک در ایران به باور اکثر کارشناسان عدم پذیرش کپی رایت است. در حال حاضر تشکلهایی نظیر نظام صنفی رایانه‌ای، مجمع تشکلهای و انجمن شرکتهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و انجمن شرکتهای اینترنتی وجود دارد که هر یک به شکل منفرد و جداگانه فعالیت دارند و هنوز وحدتی بین آنها حاصل نشده است، شاید نزدیکی این تشکلهای به یکدیگر بتواند آنها را به حل مشکل کپی رایت نزدیک‌تر کند. در حال حاضر ۲۵۰ شرکت تولید محتوا عضویت مجمع ناشران الکترونیک را دارند.

در حال حاضر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکزی به نام رسانه‌های دیجیتال تشکیل شده که سه سال از تأسیس آن

می‌گذرد. این مرکز توانسته تا حدی با راهکارهای زیرساختی شرکت‌های تولیدکننده نرم‌افزار را که مدت‌ها سردرگم و آشفته برای دریافت شماره ثبت محصولاتشان بودند یاری دهد و با شناسنامه‌دار شدن و ثبت فرهنگی این محصولات از نشر غیرقانونی این محصولات جلوگیری کرده است. البته باید توجه داشت که نشر الکترونیک در ایران هنوز در آغاز راه است.

تجارت الکترونیک فعالیتی پویا است. در این نوع تجارت باید محدودیت زمانی و مکانی را پشت سر گذاشت. در پایان این بحث به برخی راه‌کارها در نشر الکترونیک کتاب اشاره می‌کنیم:

تغییر و دگر شدن در تفکر حاکم را باید در وضعیت نشر سنتی و کتابخوانی کنونی مردم جستجو کرد، تا وقتی که آحاد جامعه همه به درک بهره‌وری و ارزش افزوده کتاب در ارتقای سطح آگاهی پی نبرند، بی‌شک در سبد خرید خانوار، کتاب جایی نخواهد داشت، از سویی حمایت‌های مادی و

معنوی دولت نیز باید در جهت درستی هدایت شود. هر گاه دولت با یارانه‌های خاص نسبت به ایجاد ابزارهای تولید محتوا در قالب‌های مختلف به ناشران تلاش نکند و فضا را برای واجدان شرایط مهیا ننماید، نمی‌توان به پیشبرد امر کتاب الکترونیک امید چندانی بست. یکی دیگر از راه‌ها بومی‌سازی تولید این نوع کتاب در ایران است.

شاید اگر وزارت ارشاد یک پورتال اینترنتی قوی راه‌اندازی کند و از کتب منتشره هر ماه چند صفحه‌ای اسکن و در سایت قرار دهد و به واجدان شرایط نیز تسهیلاتی ارائه نماید و توصیه کند که تولیدکنندگان محصولات خود را با تخفیف در اختیار مراکز فروش نسخه‌های الکترونیکی قرار دهند، شاید کمکی به رونق بیشتر تولید و تجارت الکترونیک در ایران باشد.

منابع

آشنایی با چاپ و نشر کتاب، عبدالحسین آذرنگ، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. از چاپ سپاری تا کتابخوانی، آشنایی با شیوه‌های چاپ و مراحل آماده‌سازی کتاب و مطبوعات، قاسم صافی، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۶۴ ش.

از صبا تا نیما (۲ جلد)، یحیی آرین‌پور، تهران، سازمان کتاب‌های جیبی، چاپ چهارم، ۱۳۵۴ ش.

المآثر و الآثار، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳ ش.

بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست، محمود طلوعی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۲ ش.

– بخشی از تاریخ روشن فکری ایران (بررسی تحلیلی – تاریخی کانون نویسندگان ایران)، جلد اول، مسعود نقره‌کار، سوئد، نشر باران، ۱۳۸۲ ش.

پلیس خفیه ایران، مرتضی سیفی تفرشی، تهران، فرهنگسرای

یساولی، ۱۳۶۳

تاریخ چاپ در ایران، شهلا بابازاده، تهران، کتابخانه طهوری،
۱۳۷۸ ش.

تاریخ چاپ سنگی در ایران، الیمپیاد ایاولونا، ترجمه پروین
منزوی، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۸ ش.

تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی (۴ جلد)، فرید مرادی، تهران،
انتشارات اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، ۱۳۹۰ ش.
(زیر چاپ)

تاریخ سانسور در مطبوعات ایران (جلد اول)، گوئل کهن،
تهران، آگاه، ۱۳۶۰

تاریخ شفاهی نشر ایران، به کوشش عبدالحسین آذرنگ و
علی دهباشی، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۲ ش.

درباره پیرایش، گردآوری نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز
نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.

در جستجوی صبح (۲ جلد)، خاطرات عبدالرحیم جعفری،
چاپ دوم، تهران، روزبهان، ۱۳۸۴ ش.

راهنمای آماده ساختن کتاب، میر شمس‌الدین ادیب سلطانی،

- تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵ ش.
- سانسور، تحلیلی به سانسور در دوره پهلوی دوم، فریبرز خسروی، تهران، چاپ و نشر نظر، ۱۳۷۸ ش.
- سیر کتاب در ایران، ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۴ ش.
- فهرست کتاب‌های چاپی فارسی (۵ جلد)، خانابا مشاور، تهران، ۱۳۵۰ ش.
- کتاب‌فروشی (جلد اول)، یاد‌های بابک افشار، به خواستاری ایرج افشار، تهران، شهاب ثاقب، ۱۳۸۳ ش.
- کتاب‌فروشی (جلد دوم)، یاد‌های بابک افشار، به خواستاری ایرج افشار، تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۷ ش.
- گام‌های اساسی در نشر کتاب، عبدالحسین آذرنگ، تهران، اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، ۱۳۷۸ ش.
- مجموعه قوانین فرهنگی، اداره کل نگارش و آمار، تهران، ۱۳۳۹ ش.

مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های وابسته، تدوین دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

موانع تحقق توسعه سیاسی در دوره سلطنت رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴)، خلیل‌الله سردار آبادی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

مهدوی نامه (یادنامه اصغر مهدوی)، تهران، هرمس، ۱۳۸۱ ش.

یادنامه انقلاب، خاطرات جواد اقبال، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۸۱ ش.

مقالات:

وضعیت مطبوعات در عصر رضاخان، نقل شده از فصل‌نامه ۱۵ خرداد، نوشته علیرضا روحانی، سال پنجم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۵.

سانسور کتاب پس از چاپ؟ ایرج زندپور، رستاخیز جوانان، ش ۲۳، تاریخ ۱۳۵۴/۸/۱۹.

مبادلات فرهنگی و ترجمانی بین ایران و غرب (فرانسه آلمان، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا)

از لتیسیا نانکت

در این بخش به مطالعه و بررسی و مبادلات جریان‌های فرهنگی بین ایران و کشورهای غربی مهم از جمله فرانسه، آلمان، انگلستان و آمریکا با تمرکز ویژه بر موضوع تبادل ترجمانی می‌پردازیم. در ابتدا نگاهی به این مبادلات از میانه دهه ۱۸۵۰ میلادی دارم و سپس به دوران پس از انقلاب اسلامی (سال ۱۹۷۹) می‌پردازم. ترجمه تا حدی بازتاب روابط ایران با کشورهای دیگر است، ترجمه‌ها مانند صافی عمل کرده و نشانگر این هستند که هر کشور تمایل به فراگیری چه

مطالب و اطلاعاتی از کشورهای دیگر دارد و هم اینکه چه‌گونه مطالبی در دوران‌های مختلف تاریخی منتقل شده است.

نمای کلی مبادلات فرهنگی با اروپا تا آغاز جنگ جهانی دوم

ایران از دیرباز محل تلاقی تمدن‌ها بوده است و از مزایای فرهنگی این جایگاه، بهره‌ فراوان برده است. می‌توان گفت از نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، عناصر فرهنگی غرب در کنار عناصر ایرانی و اسلامی، بخش عمده‌ای از تمدن ایرانی را شکل می‌دهد.^{۲۳} ایران در دهه ۱۸۵۰ میلادی و با مقداری تأخیر نسبت به کشورهای مستعمره شده همسایه، درهای خود را به روی اروپا می‌گشاید. پادشاهان قاجار، ستایشگران فرهنگ غرب بودند و نسبت به شبیه‌سازی و گرته‌برداری از آن اهتمام می‌ورزیدند، آنها با خدم و حشم به کشورهای غربی سفر می‌کردند، سفرنامه می‌نوشتند، فرمان ترجمه

۲۳ داریوش شایگان، نگاه شکسته، اسکیزوفرنی فرهنگی: کشورهای سنتی در مقابل مدرنیته، چاپ پاریس: آلبن میشل، ۱۹۸۹.

کتاب‌ها و آثار غربی را صادر می‌کردند و فرزندان اشراف را برای تحصیل به پایتخت‌های اروپایی می‌فرستادند با این امید که در بازگشت فن‌آوری نوین را با خود به ایران آورده و به مدرن‌سازی یاری رسانند، نوین‌سازی (مدرنیزاسیون) در ابتدا با تاسیس روزنامه‌ها شروع شد (نخستین روزنامه در ۱۸۳۷ و اولین هفته‌نامه در ۱۸۵۱ منتشر شد)^{۲۴} این جریان با ظهور ماشین چاپ در اولین دهه قرن نوزدهم^{۲۵} و هم‌چنین با تاسیس مدارس جدید قوت گرفت. تاسیس دارالفنون (مدرسه پلی تکنیک ایران)، در سال ۱۸۵۲ مثال بارز چنین پروژه‌ها و رویکردی است.^{۲۶}

با تأسیس مدارس نوین، نیاز به ترجمه مطالب و آثار متعدد در زمینه‌های فن‌آوری و علمی و همچنین آثار ادبی بیشتر مشهود شد، «این ترجمه‌ها به خاطر دلایل سیاسی از زبان فرانسه انجام می‌گرفت، معلمان و استادان بیشتر از کشورهای مرکزی اروپا استخدام شده بودند، کشورهای که در آن‌ها

۲۴ امید آزادی بوگر. «تاریخنگاری ترجمه در دنیای نوین، مدرنیزاسیون و ترجمه به فارسی.» هدف ۲۲، شماره ۲ (۲۰۱۰) ۳۲۹-۲۹۸. ص ۳۰۱.

۲۵ کریستف بالایی. «ادبیات فرانسه در پرشیا.» دانشنامه ایرانیکا، به سرپرستی احسان یار شاطر.

۲۶ جان گورنی و نگین نبوی. «دارالفنون.» دانشنامه ایرانیکا.

زبان فرانسه، زبان دیپلماسی و فرهنگ بود.^{۲۷} با ترجمهٔ رمان‌های الکساندر دوما، متون تاریخی ولتر، پیشگویی‌های علمی ژولورن و ماجراهای حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه، ترجمهٔ آثار ادبی هم به فاصلهٔ کمی شروع شد. این آثار در روزنامه‌هایی از قبیل ایران، تربیت، فرهنگ و گنجینهٔ فنون^{۲۸} به چاپ می‌رسیدند. مقدار زیادی هم آثار سرگرم‌کنندهٔ ادبی، به ویژه رمان‌های تاریخی و یا جنایی ترجمه می‌شدند که برای ایرانیان مایهٔ و شگفتی و جذابیت بسیار بودند.^{۲۹}

ابتدا، افرادی از دربار و یا اشراف کار ترجمه را انجام می‌دادند، برای مثال، اعتمادالسلطنه مدیریت اداره‌ای جدید به نام دارالترجمه را عهده‌دار شد که بر ترجمه‌های سفارش شدهٔ دولت قاجار نظارت می‌کرد.^{۳۰} در آغاز سدهٔ جدید مشروطه‌خواهان مهم‌ترین مترجمان بودند (میرزا فتحعلی

۲۷ کریستف بالایی. «ادبیات فرانسه در پرشیا» برای تاریخچهٔ کامل ترجمه از فرانسه نگاه کنید به: داوود نوابی، تاریخچهٔ ترجمهٔ فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تاکنون، کرمان: دانشگاه کرمان، ۱۹۸۴.

۲۸ جولی میثمی. «عصر ترجمه و اقتباس، ۱۹۵۰ - ۱۹۱۴، ایران.» در: ادبیات مدرن در خاور نزدیک و میانه، ۱۸۵۰ - ۱۹۷۰، به همت رابین اوستل. لندن: روتلج، ۱۹۹۱، صص ۴۸-۴۹.

۲۹ Ibid. ۵۰.

۳۰ احمد کریمی حکاک. «سنت ایرانی» در دانشنامهٔ روتلج در باب مطالعات ترجمه، به سر دبیری مونا بیکر و گابریل سالدانا، لندن: روتلج، ۱۹۹۸.

آخوندزاده، میرزا ملکم خان و عبدالرحیم طالبوف تبریزی). در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی، ترجمه، بیشتر فعالیتی برای نویسندگان و روشنفکران محسوب می‌شد، اگر چه این رده‌بندی تاریخی چندان دقیق نیست.^{۳۱} اولین ترجمه‌ها از زبان‌های غربی توسط ایرانیانی با تحصیلات علمی انجام می‌شد که می‌تواند توانایی ادبی ایشان را زیر سوال ببرد. این ترجمه‌ها همچنین دارای توضیحات، اشارات و عناصری است که در متون اصلی وجود ندارد و بنابراین از برداشت جدید ما از مفهوم ترجمه، دور است. پیشگفتارهای این ترجمه‌ها نمایانگر طرز تفکر جدیدی است که در بین خواص ایران رواج یافته بود: اینکه ترجمه بی‌شک گامی به جلو در راه نوین‌سازی و پرورش ایده‌های جدید است.^{۳۲}

پیشگامی فرانسه تا زمان جنگ جهانی دوم

با شروع بازی بزرگ، رقابت و برتری طلبی بین بریتانیای کبیر و روسیه بر سر نواحی آسیای میانه و با امضای عهدنامه

^{۳۱} برای بررسی ترجمه‌ها و مترجمان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نگاه کنید به صص ۴۱-۷۵: پیدایش رمان فارسی، تهران: انستیتوی ایران‌شناسی فرانسه، ۱۹۹۸.

^{۳۲} برای نقد جایگاه آریان‌پور در این مسئله، نگاه کنید به میثمی. «عصر ترجمه و اقتباس، ۱۹۰۰-۱۹۱۴، ایران ص ۴۸»

گلستان در سال ۱۸۱۳، و بعد با آغاز جنگ جهانی دوم، رنج و درگیری ایرانیان با امپریالیسم روس و انگلیس آغاز شد که البته پس از پایان جنگ جهانی دوم آنها جای خود را به امپریالیسم آمریکا دادند. به دلیل تردید و سوءظن نسبت به امپراطوری بریتانیا و در عین حال جایگاه فرانسه در اروپا به عنوان مهد فرهنگ و همچنین اهمیت زبان فرانسه به عنوان زبان مشترک خواص روشنفکر، این فرانسوی ها بودند که اروپا را برای ایرانیان آن دوران تابناک کردند و همین طور به خاطر عدم دخالتشان در امور داخلی ایران نزد ایرانیان ارجحیت داشتند. در واقع کلمه فرنگ که در زبان فارسی اشاره به اروپا دارد، از لغت فرانک^{۳۳} می آید. تا پایان جنگ جهانی دوم، مقصود از کلمه فرانسه، تمام اروپا بود، ادبیات اروپایی در وهله اول از زبان فرانسه ترجمه می شد.^{۳۴} دانشگاهیان و متخصصان ادبیات اعتقاد دارند که بسیاری از نظریه های ادبی و رمان مدرن به واسطه ترجمه

۳۳ علی اکبر دهخدا. «لغتنامه فارسی دهخدا». چاپ سازمان لغتنامه دهخدا، آنلاین.

۳۴ این موضوع شامل ترجمه میرزا حبیب اصفهانی از رمان ماجراهای حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه از فرانسه به فارسی هم می شود.

آثار نویسندگان فرانسوی، نزد ایرانیان شناخته شدند.^{۳۵} برخی چهره‌ها نقش مهمی در این دستاورد دو گانه دارند. «لازم است از دو نویسنده - مترجم که نقشی محوری در پیشرفت داستان پردازی مدرن در دو دههٔ بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ داشتند، نام برد: محمد علی جمالزاده (۱۸۹۵ - ۱۹۹۷) و صادق هدایت (۱۹۰۳ - ۱۹۵۱). آثار این دو نشان می‌دهد که تاثیرپذیری بسیاری از رمان‌نویسان مطرح ایران نوین تنها از ترجمهٔ آثار ادبی اروپا و آمریکا نبوده، بلکه از جذب مستقیم و همه‌جانبهٔ ادبیات غرب سرچشمه گرفته است.^{۳۶} در مورد هدایت، از طریق فرانسه و در مورد جمالزاده از طریق آلمان، جایی که «یکی بود یکی نبود» اگر معروف او در سال ۱۹۲۱ چاپ شد که آغازگر شیوهٔ نوین داستان کوتاه‌نویسی در ادبیات فارسی بود، در مقدمهٔ همین کتاب دربارهٔ ژانر رمان توضیحاتی وجود دارد.^{۳۷} مهم است به این نکته اشاره شود که در دهه‌های آغازین

۳۵ در زبان فرانسه نگاه کنید به پیدایش رمان فارسی: بالایی. در انگلیس ن ک: حسن کامشاد: نثر مدرن در ادبیات فارسی. کمبریج، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۹۶.

۳۶ بالایی. «ادبیات فرانسه در پرشیا».

۳۷ محمدعلی جمالزاده. یکی بود یکی نبود. برلین، ۱۹۲۱

قرن بیستم، مترجمان در ایران جایگاه والایی داشتند، بسیاری از نویسندگان کارشان را با ترجمه متون اروپایی و چاپ آنها در نشریات آغاز کردند. ترجمه اغلب گامی به سوی نوشتن خلاقانه محسوب می‌شد و خوانندگان در درجه اول کتاب‌ها را به دلیل اعتبار نام مترجم و نه به خاطر نام یک نویسنده خارجی می‌خریدند.

به خاطر دلایل یادشده، در نیمه نخست قرن بیستم، متون سیاسی و یا نوشته‌هایی در مورد پیشرفت اجتماعی به شکلی گسترده از فرانسه به فارسی ترجمه می‌شد. برای مثال، متون فرانسه بخش مهمی از مطالعات اعضای حزب کمونیست ایران (توده) را که بسیاری از روشنفکران و مترجمان آن زمان عضو بودند، تشکیل می‌داد، بنابراین مترجمان فرانسه زبان و ترجمه‌های آنها به نوعی با پیشینه این حزب، پیوند دارد. اروپا گرایی یا کشش به سوی اروپا که در حزب توده آن زمان غالب بود، توسط روشنفکران فرانسه زبانی چون ایرج اسکندری و به آذین (نام مستعار محمود اعتمادزاده)

۳۸ حمایت و یا تبلیغ می‌شد. حزب توده با حزب کمونیست فرانسه در ارتباط بود و ارجاعات خود را از متون مربوط به پیشرفت اجتماعی، مانند آثار رومن رولان و یا آناتول فرانس می‌گرفت. بستگی مترجمینی مثل به آذین به حزب توده را می‌توان از مقدار ترجمه‌های آنها از متون فرانسه مربوط به پیشرفت اجتماعی - که در فرانسه امروزی تقریباً از یاد رفته‌اند، دریافت، این متن‌های فرانسوی به عنوان الگو و مدلی برای بازتاب‌های سیاسی و اجتماعی به کار می‌رفت.^{۳۹} به عقیده مهرزاد بروجردی، از میان متفکران غربی که در دوران میان دو جنگ جهانی، بیشتر مورد توجه ایرانیان بودند، می‌توان از اشخاصی چون رنه دکارت، اگوست کنت، گوستاو لوبن و آناتول فرانس نام برد، افراد ناهمگنی که نقطه اشتراکشان ایده‌های سکولاریستی و مخالفت با حضور روحانیون در امور سیاسی بود.^{۴۰} در واقع تفکرات

۳۸ نخستین نوشته‌های به آذین که از اواخر دهه بیست شمس در ایران منتشر شد که تألیف نه ترجمه است، مدارکی دال بر عضویت او در حزب توده تا پیش از دهه ۳۰ شمس در دست نیست. ترجمه او نیز از آثار ادبی فرانسه از دهه چهل شمس آغاز می‌شود، آثار ترجمه او از فرانسه نیز بیشتر آثاری ادبی اجتماعی تا سیاسی هستند. [ویراستار]

۳۹ لئیسیانانکت. «چشم، خود را نمی‌بیند؟ تصاویر مشترک ایران و فرانسه از خلال ادبیاتشان (۱۹۷۹-۲۰۰۹)». رساله دکتری. دانشکده مطالعات شرق و آفریقا، ۲۰۱۰، صص ۱۳۵.

۴۰ مهرزاد بروجردی. «غرب» در نگاه روشنفکران ایرانی دوران بین دو جنگ جهانی (۱۹۱۹-۱۹۳۹). مطالعات تطبیقی جنوب آسیا، آفریقا و خاورمیانه ۲۶، شماره ۳ (۲۰۰۶). ص ۴۰۱.

فرانسوی که بیشتر برای ایرانیان جذاب بودند یا از سوی ایرانیان بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت، ایده‌های مرتبط با روشنگری، حقوق سیاسی و اجتماعی و جدایی دین از سیاست بود. مبحث دیگر بسیار متفاوت ولی محبوب نزد ایرانیان، شیفتگی و گرایش به متفکرانی با ایده‌های برتری نژادی بود، مانند آرتور دوگوبینو و گوستاو لوبن، ایده برتری نژاد آریایی برای روشنفکران ایرانی آن زمان جذاب بود و شیفتگی آن‌ها نسبت به نازیسم در آلمان، گواه این مدعا است. اندکی بعد باز به این موضوع اشاره می‌کنیم.

بنابراین نمی‌توان مفهوم نزدیکی و خویشاوندی بین ایران و فرانسه را تنها به حوزه ادبیات، محدود کرد، این نزدیکی در حوزه گرایش‌های فکری و ایده‌ها نیز وجود دارد. ژان باپتیست تاورنیه، یکی از معروف‌ترین و قدیمی‌ترین جهانگردانی که از ایران دیدن کرده بود، چنین می‌گوید: «[نقش و جایگاه] پرشیا (ایران) در آسیا همان است که فرانسه در اروپا دارد.^{۴۱}» «ایران برای مدت‌های متمادی نقطه تلاقی فرهنگ‌های

۴۱ ژان باپتیست تاورنیه، سفرهای پارسی. پاریس: وولوپتی، ۱۸۱۰. ص ۴۵. ترجمه از فرانسه توسط نویسنده مقاله.

مختلفی چون آریایی‌ها، سامی‌ها و دیگران بوده است، پس می‌توان گفت که بخش مهمی از میراث آریایی از طریق و به وسیله ایران به اروپا نفوذ کرده است. همین گونه به واسطه ایرانیان، اسلام به ماوراءالنهر و شرق آسیا تا چین، گسترش یافت. فرانسه هم نقش مشابهی در گسترش فرهنگ‌های یونانی - رومی و مسیحی ایفا کرده است و می‌تواند به عنوان نقطه اتصال جهان قدیم و جدید قلمداد شود.^{۴۲} این ایده حتی زمانی که جایگاه فرانسه در اروپا همانند جایگاه ایران در خاورمیانه نزول پیدا کرد، مورد توجه بسیاری از پیروان تاورنیه و همین طور ایرانیان قرار گرفت^{۴۳} اهمیت و اعتبار انقلاب کبیر فرانسه جنبه مهم دیگری از این احساس نزدیکی و خویشاوندی، به ویژه در دوران انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۹۰۶ است^{۴۴}، اگر چه بعدها این اهمیت و اعتبار به انقلاب روسیه تعلق گرفت، دلیل آن هم کشش و گرایش بسیاری از روشنفکران ایرانی به حزب چپ‌گرای

۴۲ حدیدی و کارنوی، از سعدی تا آراگون: خوشامد فرانسه به ادبیات فارسی (۱۶۰۰-۱۹۸۲). صص ۲-۵۲۱ ترجمه از فرانسه از نویسنده مقاله.

۴۳ این مبحث در عرصه سیاست هم مطرح شده است. از محمد خاتمی رئیس جمهور پیشین ایران نقل شده که فرانسه را مبشر آزادی و استقلال در اروپا خوانده و انقلاب ایران را پیام‌آور آزادی و استقلال در خاورمیانه. بابک داد، خاتمی در پاریس، تهران ۱۹۹۵، ص ۵۰.

۴۴ محمد توکلی طرفی. «ایران و انقلاب فرانسه». در دانشنامه ایرانیکا.

توده بود.^{۴۵}

این تاثیر فرهنگی با ظهور مدارس فرانسوی که بیشتر فرزندان خواص در آنها به تحصیل مشغول بودند، پر رنگ تر شد. تنها در تهران مدارس فرانسوی چون: آلیانس فرانسز، مدرسه لازاریست‌ها (سن لویی)، مدرسه ژاندارک، مدرسه فرانکو - پرسیان و دبیرستان رازی و همین طور مدرسه آلیانس اسرائیلیت تاسیس شد.^{۴۶}

در پایان جنگ جهانی اول، آلمان هم از این گرایش توامان ضد انگلیسی / ضد روسی در ایران سود برد. برای مثال روشنفکر سرشناس آن دوره، حسن تقی زاده در آلمان اقامت گزیده و آنجا نشریه تاثیرگذار کاوه (۱۹۱۶-۱۹۲۲) را با حمایت دولت آلمان منتشر می‌کرد.^{۴۷} با شروع جنگ جهانی دوم و گرایش دولت و روشنفکران ایرانی به تئوری برتری نژاد آریایی، این پیوند باز هم عمیق تر شد. اما در نهایت وابستگی به دولت آلمان نازی برای پادشاهی رضاشاه نتیجه منفی داشت و او

۴۵ نگاه کنید به فصل «انقلاب فرانسه و خاورمیانه». از نیکی کدی. در: ایران و جهان اسلام: مقاومت و انقلاب، به سردبیری نیکی کدی. لندن: مک میلان، ۱۹۹۵.

۴۶ هما ناطق، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران. ۱۸۳۷-۱۹۱۴، پاریس: خاوران، ۱۹۹۴.

۴۷ هما کاتوزیان. «از ناسیونالیسم رومانتیک تا نقد اجتماعی، ۱۹۱۴ - ۱۹۵۰، ایران. «در ادبیات مدرن در شرق نزدیک و میانه. ۱۸۵۰ - ۱۹۷۰، به سردبیری رابین اوستل. لندن: روتلج، ۱۹۹۰. ص ۱۳۳.

در سال ۱۹۴۱ ناچار به کناره‌گیری از سلطنت به نفع پسرش، محمدرضا شاه شد. پس از آن، آلمان روابط بازرگانی محکمی با ایران برقرار کرد و در واقع شریک تجاری اروپایی ایران محسوب می‌شود، امروزه نیز در ایران به آلمان بیشتر به عنوان یک کشور دارای تکنولوژی و فن‌آوری تا یک شریک فرهنگی نگریسته می‌شود.

همان‌طور که دیدیم، از آغاز جنبش ترجمه در ایران، روشنفکران ایرانی، ترجمه را راهی برای مبادلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از طریق معرفی ایده‌های نو به ایران، دانسته‌اند. البته مهم است که جنبه‌های نخبه‌گرایانه این تلاش را از یاد نبریم و همین‌طور به خاطر داشته باشیم که به دلیل پایین بودن سطح عمومی سواد و تحصیلات تا پیش از سال ۱۹۷۹ در ایران، این حرکت‌های فرهنگی تنها توسط اقلیت حاکم احساس می‌شد.^{۴۸}

در مقابل دید مثبت ایرانیان نسبت به فرانسه، انگلیس همواره برای ایرانیان عامل هراس و توهم و بدبینی بود، این تصور بدبینانه گسترده و جالب از بریتانیای کبیر، حتی تا

۴۸ آزادی بوگر. «تاریخ نگاری ترجمه در دنیای نوین، مدرنیزاسیون و ترجمه به فارسی.» صص ۳-۳۱۲

دامنه ادبیات هم کشیده شده است. نمونه معروف آن، رمان پر فروش دایی جان ناپلئون اثر ایرج پزشکزاد است که در سال ۱۹۷۳ در تهران به چاپ رسید و بعدها هم یک سریال محبوب تلویزیونی از روی آن ساخته شد.^{۴۹} این کتاب هم بدینی و باور ایرانیان به تئوری توطئه نسبت به انگلیس، هم تاثیر مثبت فرانسه بر آن‌ها را ترسیم می‌کند، ناپلئون لقبی است که در کتاب به دلیل ستایش دایی راوی از این امپراتور فرانسه و تخیلاتش از حضور در جنگ‌های مختلف علیه انگلیسی‌ها به وی داده شده است. با این وجود پس از جنگ جهانی دوم، برتری و ستایش و فرهنگ فرانسوی جای خود را به فرهنگ انگلیسی - امریکایی داد.

برتری فرهنگ انگلیسی - امریکایی پس از جنگ جهانی

دوم

«همزمان با حضور نیروهای انگلیسی و امریکایی در ایران، آموختن زبان انگلیسی اعتبار و ارزش ویژه‌ای پیدا کرد و بعدها نیز بسیاری از دانشجویان ایرانی برای ادامه تحصیل

۴۹ ایرج پزشکزاد. دایی جان ناپلئون. ترجمه به انگلیسی از دیک دیویس، واشنگتن: میگ، ۱۹۹۶. ترجمه به فرانسه از سرور کسمایی. پاریس: اکت سود، ۲۰۱۰.

به انگلستان و امریکا رفتند. بنابراین زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم، کم‌کم جای زبان فرانسه را گرفت. ترجمه آثار ادبی از زبان انگلیسی رواج بیشتری یافت.^{۵۰} دو نهاد به گسترش این امر کمک می‌کردند: بنگاه (سلطنتی) ترجمه و نشر کتاب به ابتکار دکتر احسان یارشاطر و شعبه تهران انتشارات و برنامه کتاب فرانکلین به تدریج و با افزایش چشمگیر ترجمه آثار کلاسیک ادبیات غرب، برداشت عمومی از مفهوم ترجمه نیز تحول یافت. حتی بنگاه ترجمه و نشر کتاب دستورالعملی برای حفظ استانداردهای ترجمه «جهت اطمینان از صحت، دقت و نظارت ویراستاری»^{۵۱} منتشر کرد. در این دوران بیشتر کتاب‌ها از زبان انگلیسی ترجمه می‌شدند، از جمله کتاب‌های نویسندگان معروف امریکای لاتین و بسیاری از کتاب‌ها و مقالات مربوط به علوم انسانی، علوم اجتماعی و علمی.^{۵۲} همینگوی محبوب‌ترین نویسنده امریکایی شد و کتاب‌های او چندین بار تجدید ترجمه و چاپ شدند.

۵۰ امامی. «ترجمه ادبیات انگلیسی به فارسی.»
 ۵۱ احمد کریمی حکاک. «سنت پارسی.» ص ۵۰۰.
 ۵۲ امامی. «ترجمه ادبیات انگلیسی به فارسی.»

با اینکه ترجمهٔ متون تکنیکی اغلب از روی متون انگلیسی و گاه آلمانی صورت می‌گرفت با این حال هنوز مترجمان، سوژه‌های حوزهٔ ادبیات، فلسفه و تاریخ را از میان متون فرانسوی بعد از جنگ جهانی دوم انتخاب می‌کردند. «سرویس همکاری و مبادلات فرهنگی» وابسته به بخش فرهنگی سفارت فرانسه در ایران، فهرستی از کلیهٔ متن‌های ترجمه شده از فرانسه به فارسی از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۵، تهیه کرده است.^{۵۳} این فهرست ترجمه‌ها نزدیک به ۲۲۰۰ مدخل دارد که مشخصات زیر را شامل می‌شود: نام نویسندهٔ فرانسوی، عنوان کتاب به فرانسه، نام کتاب به فارسی، اسامی مترجمان، ناشر، سال و مکان انتشار و رستهٔ کتاب ترجمه شده. بزرگ‌ترین رسته مربوط به ادبیات است که نه تنها شامل کتاب‌ها و متون ادبی می‌شود بلکه مقالات و نقدهای ادبی را هم در بردارد. جالب توجه اینجاست که در روند ترجمه از زبان فرانسه در پیش و بعد از انقلاب اسلامی تغییر محسوسی دیده نمی‌شود، و این روند تقریباً

۵۳ این فهرست به زودی روی اینترنت قرار می‌گیرد. نویسندهٔ مقاله از آقای آرمان گودرزی و سرویس همکاری و مبادلات فرهنگی که فهرست را پیش از انتشار در اختیار ایشان قرار داده است، تشکر می‌کند.

ثابت مانده است. در طول این پنجاه سال، ادبیات ۱۶۷۷ عنوان ترجمه را از بین ۲۱۹۸ عنوان کلی، به خود اختصاص داده است که ۷۶ درصد از کل ترجمه‌ها است. رتبه بعدی با ۱۰۴ عنوان ترجمه از آن تاریخ است، یعنی حدود ۴ درصد و پس از آن فلسفه با ۷۲ عنوان، ۳ درصد از کل، قرار دارد. ترجمه‌های متونی با سوژه‌هایی چون اقتصاد، مهندسی و یا تکنولوژی، کمتر از ۲ درصد کل ترجمه‌ها را شامل می‌شود. در حوزه ادبیات کارهایی از معدود نویسندگان کلاسیک محبوب جوانان ژولورن، مرتب تجدید ترجمه می‌شوند، ژولورن به تنهایی سوژه ۳۵۰ ترجمه در مدت ۵۰ سال است (۱۵ درصد از کل).^{۵۴}

نویسندگان مطرح نیمه دوم قرن بیستم، همچون آلبر کامو، ژان پل سارتر و سیمون دوبووار در مرحله دوم تجدید ترجمه قرار دارند و مرتباً با ترجمه‌های جدید عرضه می‌شوند، از این میان ۸۸ عنوان از فهرست، ترجمه کتاب‌های سارتر است

۵۴ تینوش نظم جو، مترجم تئاتر از دو زبان فارسی و فرانسه، در مصاحبه با نویسنده مقاله به وجود یک شکاف نسلی در خواندن ادبیات فرانسه اصرار دارد. به عقیده او ژولورن جایگاه خود به عنوان نویسنده محبوب کودکان را به شازده کوچولوی آنتوان دوست اگزوپری واگذار کرده است. مصاحبه با نویسنده مقاله در تهران، ۲۱ می ۲۰۰۹.

(۴درصد). این تحقیق کمک می‌کند تا به طور دقیق ببینیم که ترجمه از فرانسه در درجهٔ اول شامل متن‌های ادبی می‌شود و نه فقط کلاسیک‌های ادبیات دنیا چون ویکتور هوگو و یا ادبیات کودکان ژول ورن، بلکه کارهای نویسندگان متعهد، به عنوان میراث داران آناتول فرانس و رومن رولان در دهه‌های قبل را نیز در برمی‌گیرد.

جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از نظارت بر امور فرهنگی، در اوایل دههٔ ۱۹۸۰ میلادی، کمیته‌ای برای ترجمه، نگارش و نشر تشکیل داد.^{۵۵} البته این کار هیچ تاثیری در روند رو به رشد ترجمه از زبان و فرهنگ‌های انگلیسی و امریکایی که پس از انقلاب اوج گرفته بود، نداشت.

مبادلات فرهنگی و ترجمانی در ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹
ترجمه از زبان‌های اروپایی بخش مهمی از بازار کتاب ایران پس از انقلاب را تشکیل می‌دهد. تقدم ترجمه‌های مربوط به ادبیات انگلیسی و امریکایی نشان می‌دهد که ایران هم به سوی جهانی شدن می‌رود و هم تا حدی به این

۵۵ کریمی حکاک. «سنت پارسی.» ص ۵۰۰.

فرهنگ‌ها متکی است. با در نظر گرفتن محدودیت سفر و تجارت، می‌توان ترجمهٔ متون غربی را فعالیت فرهنگی غالب و همین‌طور پویاترین جایگاه تبادل فرهنگی در ایران دانست. مهم است و از یاد نبریم که این یکی از پر ثمرترین و فعال‌ترین حوزه‌های ارتباطی ایران و غرب است. با این حال فرهنگ‌های غربی تنها در فرم کلاسیک خود در ترجمه‌ها مورد پذیرش دولت ایران قرار می‌گیرند. در تحقیقی که نهادی فرانسوی پیرامون بازار نشر ایران، انجام داده است، مشخص می‌شود که دولت ایران با جدیت حوزهٔ ادبیات عامیانهٔ غربی را کنترل می‌کند و به غیر از دانیل استیل و جان گریشام، که استثنائات عجیب و دور از انتظاری هستند، ترجمه‌های اندکی در ژانر ادبیات داستانی عامیانه چاپ می‌شود. البته کلاسیک‌های ادبیات جهان و یا کارهای نویسندگان پر فروشی چون پائولو کوئیلو مورد استقبال قرار می‌گیرد. (برای مثال کتاب ورونیکا تصمیم می‌گیرد همیرد این نویسنده، به ادعای ناشرش (کاروان) بیش

از ۸۰۰۰۰ نسخه فروش داشته است^{۵۶})، ولی احتمال سانسور ادبیات سرگرم کننده بسیار است چرا که شیوه خطرناکی برای «تهاجم فرهنگی» محسوب می‌شود. با وجود اینکه در ایران، مترجمان دارای اعتباری هستند که در کشورهای غربی نظیری ندارد ولی سطح درآمد آنها اغلب بسیار پایین است، حتی مترجمی بسیار معتبر چون محمد قاضی. ولی کماکان خوانندگان ایرانی، کتاب‌های خارجی را به اعتبار نام مترجمش می‌خرند.

می‌توان گفت که تا دهه ۱۹۹۰، ترجمه بیشتر در حوزه سنتی باقی ماند و به ندرت بر پایه متدهای جدید و آموزشی متکی بود.^{۵۷} اما این موضوع با انتشار مجله مترجم (۱۹۹۱-۲۰۰۷) تغییر کرد. «مترجم» فصلنامه‌ای بود که به تئوری‌های ترجمه و بحث و گفتگو بین مترجمان و به طور خاص به مسائل عملی ترجمه می‌پرداخت. این نشریه به معرفی مباحثی دست می‌زد که از دید فرهیختگان و ادیبان ایران دور مانده بود.

۵۶ ژان کریستف آرنولد. «نشر در ایران، چالش‌ها و چشم انداز الحاق ایران به کنوانسیون برن.» پاریس: دفتر بین‌المللی نشر فرانسه، ۲۰۰۳، ص ۱۲.
 ۵۷ کریمی حکاک. «سنت پارسی». ص ۵۰۰.

– علی رغم تکیه سنگین هر دو گروه به ترجمه. در سال ۲۰۰۳، نشریه دومی از این دست به بازار آمد: «مطالعات ترجمه».^{۵۸} این نشریه دو زبانه انگلیسی – فارسی توسط مرکز ملی مطالعات ترجمه دانشگاه علامه طباطبایی تهران منتشر می‌شد.^{۵۹} با این وجود برای رسیدن به حد ترجمه حرفه‌ای، راه درازی باقی است، مثلاً ایران هنوز عضو کنوانسیون کپی رایت برن نیست که تاثیر مهمی بر رویکرد ترجمه خواهد داشت.

بدون آنالیز و بررسی جمعیت مقیم خارج از کشور، نمی‌توان نظام ترجمانی فارسی را مورد مطالعه قرار داد. در واقع پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ و مهاجرت گسترده نویسندگان و روشنفکران به خارج از کشور، نظام ترجمه ایران بیش از پیش نامتمرکز شد. سنت چاپ نشریات و یا متون با اهمیت فارسی در خارج از ایران، از گذشته وجود داشت (برای مثال شاهکار صادق هدایت و اولین رمان زبان فارسی، بوف کور، در بمبئی منتشر شد.)، اما در دهه هشتاد میلادی، این روند

رو به رشد گذاشت.

اهمیت دیاسپورا یا محل های اقامت ایرانیان خارج از کشور
 با اینکه موج مهاجرت، به خصوص میان مردان جوان با هدف تحصیل و کار از دهه های پیشین آغاز شده بود، اما سیل مهاجرت ایرانیان به کشورهای غربی پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ و در دوران جنگ ایران و عراق افزایش چشمگیری یافت. این روزها محل سکونت ایرانیان خارج از کشور، عمدتاً کشورهای غربی است. بین ۷۰۰۰۰۰ تا یک میلیون ایرانی ساکن ایالات متحده امریکا و بیشتر در کالیفرنیا هستند^{۶۰} و درصد عمده ای از اینان متعلق به اقلیت های قومی و دینی مثل بهائیان، یهودیان، ارمنیان و آسوریان می باشند. ایرانیان مقیم امریکا به دلیل تعداد زیاد، تمرکز محل سکونتشان در شهرهای بزرگ و سطح بالای تحصیلات، مشخص ترین گروه ایرانیان مهاجر به کشورهای غربی به شمار می آیند.^{۶۱} بر طبق آمار دموگرافیک موسسه سنسوس ۲۰۰۰، ۵۰/۹ درصد

۶۰ از گروه مطالعات ایرانی، نهاد آکادمیک مستقل دانشگاه ام آی تی.

۶۱ برای فهرست کامل انجمن های ایرانی - امریکایی نگاه کنید به :

www.parstimes.com/iranian_american

مهاجران ایرانی دارای مدرک کارشناسی یا بالاتر هستند - در مقایسه با ۲۸ درصد متوسط ملی امریکا و ۲۴ درصد از کل جمعیت مهاجرینی که خارج از خاک امریکا متولد شده اند.^{۶۲} ایالات متحده امریکا مرکز پروژه‌های فرهنگی مهمی چون انتشارات مزدا است، مزدا یک نهاد انتشاراتی موفق است که در سال ۱۹۸۰ در کاستامزا، کالیفرنیا تاسیس شده و کتاب‌ها و نشریات مربوط به فرهنگ ایرانی و پارسی را منتشر می‌کند.

در میان کشورهای اروپایی، آلمان با حدود ۱۵۰۰۰۰ ایرانی^{۶۳}، اصلی‌ترین محل اقامت ایرانیان است. تعداد کتب و نشریات منتشر شده توسط جمعیت ایرانیان مقیم آلمان نیز بسیار مهم می‌باشد. به گفته معین الدین محرابی «بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۳، ۴۳۸ کتاب و ۷۱ مجله ایرانی در آلمان به چاپ رسیده است.»^{۶۴} طبق اعلام کنسولگری ایران در بریتانیا، جمعیت ایران مقیم آن کشور حدود ۷۵۰۰۰

۶۲ برای لیست مشاغل ایرانیان در امریکا

<http://www.migrationinformation.org/USfocus/display.Cfm?ID404=s2200=view=htm,country,immigration/> http

۶۳ اصغر شیرازی. «جمعیت ایرانی مقیم آلمان.» در دانشنامه ایرانیکا.

۶۴ معین الدین محرابی، معرفی کتاب: کتاب شناسی کتاب های فارسی منتشره در خارج از کشور، جلد ۲، کلن، ۹۴-۱۹۹۳.

نفر است که نیمی از آنها در لندن زندگی می‌کنند.^{۶۵} «تعداد زیادی روزنامه و مجله به زبان فارسی در بریتانیا منتشر می‌شود که از آن میان می‌توان به نیمروز، کیهان، اصغراقا و نشریه رایگان نیازمندی‌ها اشاره کرد.» ابتکاراتی مثل کتابخانه مطالعات ایرانی لندن که در سال ۱۹۹۱ و با مدیریت ماشالله آجودانی تاسیس شد، به این فعالیت‌های فرهنگی رونق و اهمیت بیشتری می‌بخشد.

بسیاری از نویسندگان و روشنفکران در سال‌های اول انقلاب، ایران را به مقصد فرانسه ترک کردند و به این دلیل که از زمان شروع مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی و تشکیل کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در فرانسه^{۶۶}، مبارزات روشنفکری در فرانسه به شکل یک سنت در آمده بود. از میان مهاجران پس از انقلاب تنها درصد کمی در فرانسه مقیم شدند (در فرانسه حدود ۳۰۰۰۰ ایرانی زندگی می‌کنند که نیمی از آنان مقیم پاریس هستند.) ولی اهمیت آنها از

۶۵ کاترین اسپلمن. «جمعیت ایرانی در بریتانیا» در دانشنامه ایرانیکا.

۶۶ برای بررسی این کنفدراسیون نگاه کنید به: افشین متین عسگری. «جنبش دانشجویی خارج از کشور: کنفدراسیون دانشجویان ایرانی، اتحادیه ملی. «در پناهندگان و تبعیدیان ایران پس از خمینی» از اصغر فتحی. کاستامزا: انتشارات مزدا، ۱۹۹۱.

تعدادشان فراتر است و این به دلیل وجود تعداد بالایی از روشنفکران و سیاستمداران در میان آنها می باشد.^{۶۷} بیش از چهل نشریه ادواری در فاصله بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۹ در فرانسه منتشر شده است که بیست و شش تای آنها را می توان نشریات سیاسی، سیزده تا را فرهنگی و بقیه را مربوط به موضوعات عمومی، دسته بندی کرد.^{۶۸} از مهم ترین نشریات ادواری فرهنگی و آکادمیک چاپ پاریس، می توان به روزگار نو به سردبیری اسماعیل پوروالی، چشم انداز به سردبیری ناصر پاکدامن و محسن یلفانی، دبیره به سر دبیری هما ناطق و آرش به سر دبیری پرویز قلیچ خانی اشاره کرد.

ایرانیان در این سه کشور اروپایی، انجمن های فرهنگی یا حرفه ای تشکیل داده اند، اما به دلیل تعداد اندک و به تبع آن نادیده شدنشان، نتوانسته اند مانند هموطنانشان در امریکا یک اقلیت عمده بومی را تشکیل بدهند. با اینکه ایرانیان مقیم اروپا به خوبی توانسته اند خود را با کشور محل

۶۷ ویدا ناصحی بهنام. «جمعیت ایرانی مقیم فرانسه» در دانشنامه ایرانیکا.

۶۸ مرکز ایرانی اسناد و مطالعات، فهرست نشریات ادواری فارسی در خارج از ایران (۱۹۷۸-۱۹۸۹)، پاریس، ۱۹۸۹. به نقل از ویدا ناصحی، جمعیت ایرانی مقیم فرانسه.

اقامتشان وفق دهند، اما همواره از افت جایگاه اجتماعی شان شکایت دارند.^{۶۹} کشور سوئد هم با اینکه مقصد مطلوبی برای مهاجرت نبوده، اما باید به دلیل اهمیت جامعه ایرانی تبارش (حدود ۵۶۰۰۰ نفر) و پروژه‌های فرهنگی مهمش چون انتشارات باران، آن را هم به این سه کشور مورد مطالعه بیفزاییم.^{۷۰} امروزه ایرانیان در سراسر دنیا پراکنده هستند و تعداد مهمی از ایشان را می‌توان در کشورهای دیگری چون استرالیا، کانادا، ژاپن، مالزی، کویت، امارات متحده عربی و روسیه یافت.

روشنفکران و فرهنگیان مهاجر ایرانی، جمعیتی پویا هستند و در گسترش مباحث پیرامون ادبیات و فرهنگ فارسی، سهم می‌باشند. گاه این کار را با توضیح و شناساندن ایران به مخاطب غیر ایرانی از طریق ابزارهای روایی گوناگون انجام می‌دهند. مجموعه کتاب‌های مصور پرسپولیس و فیلم اقتباس شده از آنها (به همین نام) اثر مرجان ساتراپی ابتدا

۶۹ نادر وهابی. داستان زندگی ایرانیان در تبعید. از اختلال در زندگی تا هویت جدید. پاریس: الزویر، ۲۰۰۹.

۷۰ برای تحقیق کامل پیرامون ایرانیان مقیم سوئد ن. ک حسن حسینی خلجی، ایرانیان در سوئد: وضعیت اقتصادی، فرهنگی و جایگاه اجتماعی. استکهلم: انتشارات دانشگاه استکهلم، ۱۹۹۷.

در فرانسه^{۷۱} و سپس در امریکا به موفقیت چشمگیری دست یافت و تصویر منفی‌ای را که توسط رسانه‌های غربی از ایران ارائه می‌شد به چالش کشید. کتاب موفق و پرفروش «لولیتا خوانی در تهران» اثر آذر نفیسی هم به سوژه شدن ایران در بحث‌های نه فقط سیاسی، بلکه فرهنگی، کمک کرد. در تمام کشورهای غربی، نویسندگان ایرانی آثاری به زبان‌های اروپایی، اغلب دربارهٔ ایران، منتشر می‌کنند و بدین طریق در گفتگوی میان ایران و غرب شرکت می‌جویند. برای مثال قادر عبدالله نویسندهٔ ایرانی تبار مقیم هلند، کتابهایش را به زبان هلندی می‌نویسد و یکی از معروف‌ترین نویسندگان و مقاله‌نویسان هلند محسوب می‌شود.

در حالی که ایرانیان مقیم خارج به مسائل سیاسی می‌پردازند و یا تصویرهایی در مخالفت با تصاویر منفی از ایران ارائه می‌دهند، باید به این نکته نیز اشاره کرد که بحث و جدل پیرامون اینکه ایران چیست و چگونه باید آن را بازتاب داد، مسئله‌ای است که میان خود ایرانیان داخل و

۷۱ فیلم در سال ۲۰۰۷ «جایزه داوران» فستیوال فیلم کن را از آن خود کرد، و در سال ۲۰۰۸ «جایزه سزار» بهترین فیلم اول و بهترین فیلمنامهٔ اقتباسی را به دست آورد.

خارج از کشور، موجب مجادلات زیادی شده است. نظیر این مجادلات بین نویسندگان و روشنفکرانی که پس از انقلاب کشور را ترک کرده‌اند و آن‌ها که باقی مانده‌اند نیز وجود دارد. مقالات و یا داستان‌های متعددی توسط نویسندگان سرشناس ایرانی در خدمت نویسندگان در تبعید نگاشته شده است برای مثال ثریا در اغما^{۷۲} از اسماعیل فصیح و یا آینه‌های در دار^{۷۳} از هوشنگ گلشیری.

پذیرش فرهنگ ایرانی در غرب

درست است که فرهنگ ایرانی در ابتدا توسط رسانه سینما و پس از درخشش عباس کیارستمی در فستیوال فیلم کن، به مخاطبان غربی شناسانده شد، اما امروزه، ادبیات فارسی هم کم‌کم دارد شناخته می‌شود و این به دلیل تمایل رو به رشد ناشران اروپایی به ترجمه و چاپ ادبیات مدرن ایران است. مثلاً انتشارات زولما در پاریس به انتشار تمامی آثار فریبا وفی و زویا پیرزاد به زبان فرانسه همت گماشته است.

۷۲ اسماعیل فصیح، ثریا در اغما: ترجمه از فارسی، لندن: زد بوکز، ۱۹۸۵.

۷۳ هوشنگ گلشیری. آینه‌های در دار، تهران: نیلوفر، ۱۹۸۳.

مجموعه «چشم اندازه‌های ایرانی» شاخه‌ای از انتشارات اکت سود به ترجمه و انتشار آثار کلاسیک ادبیات نوین ایران از دایی‌جان ناپلئون تا داستان‌های کوتاه گلی ترقی پرداخته است. انتشارات و کتابفروشی خاوران در پاریس هم کتاب‌های نویسندگان مقیم خارج از کشور را به فارسی منتشر می‌کند. با این حال تنها با مطالعه این موضوع در کشور فرانسه می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعداد کتاب‌های ترجمه شده از زبان فارسی در مقایسه با ادبیات سایر کشورهای خاورمیانه بسیار اندک است. در دهه گذشته تنها دوازده جلد کتاب از فارسی به فرانسه ترجمه شده است و ترجمه‌های قبل از آن نیز تنها محدود به ترجمه بوف کور صادق هدایت و چند کتاب دیگر می‌شود. ژوزه کورتی ناشر بوف کور در فرانسه در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد که این کتاب تا آن تاریخ ۵۰۰۰۰ نسخه فروش داشته است - که برای شاهکار معروف‌ترین نویسنده ایرانی در فرانسه^{۷۴} در پنجاه سال گذشته، رقم ناچیزی است آثار برخی از مهمترین نویسندگان ایرانی قرن بیستم، از سیمین دانشور گرفته تا

۷۴ م.ف. فرزانه. دیدار با صادق هدایت. پاریس: ژوزه کورتی، ۱۹۹۳.

صادق چوبک و محمود دولت آبادی و یا شاعران سرشناسی چون سیمین بهبهانی و احمد شاملو، هنوز به فرانسه ترجمه نشده‌اند. اشعار شاعران کهن ایران نیز از این بی‌اعتنایی به دور نمانده است.^{۷۵} ترجمه فرانسه شارل هنری فوشه کور از دیوان حافظ تنها در سال ۲۰۰۶ منتشر شد.

حتی رومی (مولانا محمد بلخی) که در امریکا جزو پر فروش‌هاست به سختی توانسته مورد توجه عاشقان اشعار رمزآمیز در فرانسه قرار بگیرد.

در امریکا به خاطر افزایش توجه عمومی به ادبیات بومی، نوشته‌های امریکائیان ایرانی تبار به خصوص خاطرات، بیشتر شده است. سال ۲۰۰۰ شاهد افزایش خاطره‌نویسی زنان بوده است. آن گونه که ایمی ملک به درستی خاطر نشان می‌کند، این ژانر در واقع به شکل مانعی برای نویسندگان ایرانی درآمد است: «این واقعیت که زنان از انتشار خاطراتشان موفقیت مالی بیشتری به دست آورده‌اند تا از گلچین‌های اشعار، داستان‌های کوتاه یا مقالات آکادمیک خود، نشانگر

۷۵ کریستف بالایی در بحث پیرامون این مشکل عدم علاقه ناشران فرانسوی به ادبیات فارسی، مریم شاهرخی. «گفتگو با کریستف بالایی» مجله کلک، شماره ۲، ۱۹۹۲.

دلیل ضمنی روی آوردن ایشان به خاطره‌نویسی است: وجود تقاضا در بازار اقتصادی و عدم موفقیت مالی کتاب‌هایی در سوژه‌های غیر خاطره‌نویسی برای زنان ایرانی (...). این موضوع فقط باعث استمرار سردرگمی و ناکامی فرهنگ ایرانیان در غربت، در دل فرهنگ غربی بزرگ‌تر می‌شود: خاطرات و فیلم تنها مدیوم‌هایی هستند که مخاطبان عام غربی به واسطه آن‌ها می‌توانند ایران و ایرانیان را بیرون از دید تک بعدی‌ای که رسانه‌های خبری القا می‌کنند، ببینند.^{۷۶} بنابراین باید پذیرش فرهنگ ایرانی در غرب را در چشم‌انداز دور ببینیم. پیشرفت‌های جالب توجهی صورت گرفته است، اما مسائل و مشکلات دوران پس از استعمار آن‌ها را تحت الشعاع قرار داده و تبادل فرهنگی عمده تنها در یک جهت صورت می‌گیرد: ایران، یک شاهراه فرهنگی، پذیرنده فرهنگ غرب است.

قدرت و ترجمه

۷۶ ایملی ملک. «خاطرات، تولید فرهنگی ایرانیان در تبعید: بررسی موردی مجموعه کتاب‌های پرسپولیس اثر مرجان ساتراپی». مطالعات ایرانی، شماره ۳ (۲۰۰۶). ص ۳۶۴.

مهم است به خاطر داشته باشیم که مبادلات فرهنگی ابتدا از طریق ترجمه آثار ادبیات فارسی به زبان‌های غربی انجام می‌شد، که البته این موضوع تنها تا پیش از عصر حاضر صدق می‌کند و برای آن باید سپاسگزار مستشرقینی بود که به ایران توجه و علاقه نشان دادند.^{۷۷} جنبه آریایی آن زمان ایران هم به تبع ارتباط متقابل را برای بسیاری از فرهیختگان اروپایی آسان می‌ساخت. با این حال در دوران مدرن و مخصوصاً پس از انقلاب اسلامی ارتباط با ایران برای اروپائیان دشوار شد^{۷۸} و این تقابل فرهنگی به طور اعم یک جانبه گشت: این تنها ایران است که از غرب ترجمه می‌کند و نه جهت دیگر.

در این میان ترجمه هم بی‌تقصیر نیست، چرا که مبادلات فرهنگی می‌تواند قدرت سیاسی را شکل دهد و آشکار کند. ایران در ترجمه در جایگاه فرودست قرار دارد، پذیرنده

۷۷ برای توضیحات بیشتر پیرامون تاثیر ادبیات ایران بر ادبیات فرانسه، با تمرکز برنامه‌های ایرانی مونتسکیو، حکایت‌های اخلاقی ولتر و تأثیر عمر خیام، نگاه کنید به: جواد حدیدی. ایران در ادبیات فرانسه از آغاز تا سال ۱۷۸۹ میلادی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۹۹۰.

۷۸ «به ناگاه، برای بسیاری در «غرب» و در خود ایران، این کشور بیشتر سامی شد تا آریایی، ایران تا پرشیا، شرقی تا هند و اروپایی، بیشتر سیاه تا سفید، بیشتر جهان سوم تا کشور در حال توسعه، بیشتر شرقی تا غربی.» آرشین ادیب مقدم. «تاریخچه (کوتاه) برخورد تمدن‌ها. گزارش کمبریج از مسائل بین‌المللی ۲۱. شماره ۲ (۲۰۰۸). ص ۴.

ملت‌ها و فرهنگ‌های غربی است ولی به سختی توانسته فرهنگ خود را صادر کند. اشاره به این نکته مهم است که ۲۲,۵ درصد از کتاب‌های منتشره در ایران ترجمه هستند، مقایسه کنید با ۲ درصد در فرانسه و یا ۹ درصد در روسیه.^{۷۹} بنابراین مبادلات فرهنگی و ترجمانی را که در این نوشتار مورد مطالعه قرار گرفته است نیز باید به عنوان بخشی از پدیده قدرتی بزرگ‌تر در نظر گرفت و تبعات و پیوندهای این پدیده با مسائل دیگری غیر از فرهنگ و همین‌طور مشکلات دوران پس از استعمار را از یاد نبرد.

و در آخر باید اضافه کنم که ترجمه غالباً دلیل عمده ورود ژانرهای جدید به ادبیات فارسی شمرده می‌شود، در مرتبه اول این ژانرهای جدید، می‌توان از نوول یا رمان نام برد و سپس تئاتر و داستان کوتاه، همین‌طور می‌توان آن را عامل گرایش به فرم‌های نوین در شعر فارسی با وام‌گیری از شعر سپید در زبان فرانسه دانست. محققانی چون حسن کامشاد و کریستف بالایی از حامیان این نظریه هستند.^{۸۰}

۷۹ آرنولد. «نشر در ایران. چالش‌ها و چشم انداز الحاق ایران به کنوانسیون برن».
 ۸۰ نگاه کنید به پانویس ۱۱. ص ۳۲۳: آزادی بوگر. «تاریخ نگاری ترجمه در دنیای نوین. مدرنیزاسیون و ترجمه به فارسی.»

امروزه مباحث مخالف این نظریه هم زیاد مطرح شده است که در آنها تأثیر ترجمه و تقلید از ادبیات غربی بر تحول ادبیات فارسی به شکل متفاوتی مورد بحث قرار گرفته است، برای مثال به اهمیت زبان‌هایی غیر از فارسی در مبادلات فرهنگی ایران اشاره می‌شود^{۸۱} و یا این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد که آیا اصولاً ترجمه باعث پیدایش ژانرهای جدید بوده است و یا اینکه آن را دلیل اصلی نمی‌دانند.^{۸۲} اما اگر ترجمه را شیوه غالب مبادلات فرهنگی نوین بین ایران و کشورهای محل سکونت ایرانیان دور از وطن بدانیم باید پذیرای مباحث جدید پیرامون تاریخ ترجمه باشیم و اهمیت آن را در دنیایی با تسلط غرب بر فضای فرهنگی از یاد نبریم.

۸۱ آزادی بوگر. «تاریخ نگاری ترجمه در دنیای نوین. مدرنیزاسیون و ترجمه به فارسی.» صص. ۲۹۹-۳۰۰.
 ۸۲ محمد مهدی خرمی. بازتاب های مدرن از سنت های کهن در داستان فارسی. نیویورک: انتشارات ادوین ملن، ۲۰۰۳. ص ۹.

نشر کتاب فارسی در اروپا

فرید مرادی

روشنفکران از حساس‌ترین بخش‌های جامعه هستند و ما که بهمن ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹ را به چشم خود دیده و در طول این سال‌ها تاثیر ضربه‌های سخت و پر سوز آن را بر اعصاب، روان و پیکرمان آزموده‌ایم، خوب می‌دانیم که دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی چه تاثیری بر روشنفکران ایرانی، و به ویژه بر روشنفکران گریخته از میهن داشته است. در آن سال‌ها شمار زیادی از دانشجویان و دانشگاہیان، فرهنگیان و نیز فعالان سیاسی، از گردباد ویرانگر انقلاب و دگرگونی‌های آن، که همه پژوهشگران و تحلیل‌گران

عرصه‌های گوناگون علوم سیاسی و اجتماعی را انگشت به دهان، به تماشا واداشته بود، به غرب پناهنده شدند. این روشنفکران که بیشتر آنان جوان و پر از انرژی بودند، همان که از حیرت‌زدگی و شوک‌های آغازین مهاجرت درآمدند، خیلی زود، به فکر برخورد ریشه‌ای با عامل اصلی شکست انقلاب افتادند. انقلاب ایران با وجود آنکه توانسته بود برای نخستین بار در تاریخ، میلیون‌ها نفر را برای تظاهرات سیاسی به خیابان‌ها بکشانند ناموفق بود. این حرکت سبب زیان‌های عظیمی شد که فرار روشنفکران و جوانان تحصیلکرده و یا در حال تحصیل هم یکی از آن‌ها بود.

روشنفکران که عامل اصلی این ناکامی بزرگ را در ناآگاهی و بی‌خبری مردم و جامعه‌ای می‌دیدند که بر اثر سال‌ها و حتی قرن‌ها دیکتاتوری شکل ویژه‌ای یافته بود، بهترین چاره را در این جستند که به نشر «آگاهی» پردازند.

در دلایل مهاجرت بزرگ فرهنگی از ایران علاوه بر سرکوب و فشارهای سیاسی و اجتماعی، مشکلات اقتصادی نیز وجود داشت. جامعه‌ای که تعهد را فراتر از تخصص می‌دانست

باعث گریز بسیاری از فرهیختگان و فن سالاران شد. به این ترتیب، تعدادی از این گروه که نه تجربه‌چندانی در چاپ و نشر و نه سرمایه‌ای در انبان داشتند، با زحمت فراوان و با تحمل فشارهای مختلف اقتصادی و روحی، که بر خود، خانواده و دوستانشان وارد کردند توانستند نشر فارسی را در خارج کشور پایه‌گذاری کنند.

در آغاز، چاپ و نشر خارج کشور از لحاظ فنی کیفیتی نداشت و در این زمینه تنها ضرورت انتشار مدنظر بود. اما پس از گذشت سال‌ها، اکنون دیگر هم به صحافی توجه می‌شود، هم به صفحه‌بندی، هم به جلد کتاب و هم جزئیات دیگر. در مجموع در سالیان اخیر نشر کتاب فارسی در اروپا از نظر ساختارشناسی کتاب دچار تحولات مثبتی بوده است و نشانه‌های تولید حرفه‌ای کتاب به روشنی دیده می‌شود. از ظاهر که بگذریم، اکنون قدرت نشر خارج کشور را در مبارزه با سانسور و توانش را در گسترش آزادی بیان به خوبی می‌بینیم. حالا دیگر می‌توان نشر خارج کشور را از پیشروان گسترش دموکراسی در میان ایرانیان دانست، چرا که

ناشران خارج کشور دیری است کتاب‌هایی در همهٔ زمینه‌ها و از نویسندگانی با گرایش‌های گوناگون به چاپ می‌رسانند. اما گذشته از آنکه رسیدن به «وضعیت کنونی» آسان نبوده است، نشر کتاب فارسی در خارج از کشور، هم اکنون نیز با مشکلات جدی رو به رو است.

نشر خارج کشور حتی اگر تنها یک هدف داشته و آن هم پخش و گسترش آگاهی به مفهوم عام کلمه باشد، باز هم شایستهٔ ادامه زندگی است، و ادامهٔ کاری آن امری ضروری است.

در این جا نخست به تاریخچهٔ نشر خارج کشور پرداخته و سپس با ناشران اروپا و هدف‌های آنان آشنا می‌شویم، پس از آن مشکلات چاپ و نشر و خطرهای احتمالی آن را بررسی کرده و به جستجوی امکاناتی برای پشت سر نهادن چنین مشکلاتی می‌پردازیم و با توجه به توانایی‌های نهفته در نشر خارج کشور و در میان ناشران، براساس متد SWOT^{۸۳} امکان چاپ، نشر و پخش بهتر را بررسی می‌کنیم.

^{۸۳} SWOT در واقع ابزاری برای شناخت و بررسی نقطه‌های قوت و ضعف موضوع مورد بررسی از درون است، و شناخت و بررسی امکانات و تهدیدهایی که از خارج متوجه آن است. این گونه بررسی می‌تواند موجب کاهش و یا جلوگیری از ضعف‌ها شده، و به پذیرش یک استراتژی بهتر بیانجامد.

تاریخچه نشر خارج کشور

پیش از انقلاب ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] چند انتشاراتی در خارج کشور فعالیت می‌کردند که به نشر آثار کلاسیک مارکسیستی مشغول بودند. که عمدتاً وابسته به انجمن‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی ملی، مذهبی و چپ بودند از مهمترین آنها می‌توان اتحادیه انجمن‌های اسلامی و دانشجویان مسلمان را نام برد که در پاریس کتابهای ممنوعه را که وجه سیاسی داشت چاپ می‌کردند، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا و از همه مهمتر انتشارات حزب توده ایران در آلمان شرقی که علاوه بر چاپ کتاب دو مجله تئوریک دنیا و مسایل بین‌الملل را نیز منتشر می‌کرد. انتشارات مزدک توسط خسرو شاکری اداره می‌شد که علاوه بر موردهای بالا، به چاپ آثار پژوهشی و اسناد جنبش سوسیال دموکراسی در ایران می‌پرداخت. این انتشارات در چاپ آثار مصطفی شجاعیان نیز فعالیت داشت.

در این دوره، پخش و فروش کتاب و نشریات، بخشی

از فعالیت سیاسی دانشجویان خارج از کشور را تشکیل می‌داد. آن‌ها نشریات و کتاب‌ها را در گردهمایی، سخنرانی و جشن‌ها می‌فروختند و دست به دست می‌گرداندند. غیر از پاریس، در چند شهر دیگر اروپا هم کتابفروشی‌هایی وجود داشت. دانشجویان در شهرهای مختلف اروپا نشریه‌هایی را هم منتشر می‌کردند.

بیشتر کتاب‌هایی که در این دوره دست به دست می‌گشت، چاپ مسکو و پکن بود که از حروف چینی و چاپ قابل قبولی برخوردار بودند، اما کتاب‌هایی که به وسیله ایرانی‌ها در اروپا به چاپ می‌رسیدند غیر از کتاب‌های حزب توده کیفیت نازلی داشتند.^{۸۴}

پس از انقلاب و عدم امکان فعالیت گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی در ایران، بسیاری از فعالان و هواداران این سازمان‌ها به غرب پناهنده شدند.

بسیاری از آنان تازه پس از رفتن شاه و در جریان بحث‌های خیابانی و گروهی با بسیاری از مفهومی‌های سیاسی و اجتماعی

۸۴ این بخش، با استفاده از مقاله تقی امینی به نام «نشر کتاب فارسی در خارج از کشور» که در گاهنامه زمان نو، در اسفند ۱۳۶۴ منتشر شده، نوشته شده است.

رو به رو شده بودند و در پی پاسخی برای پرسش‌هایی که بار ذهنشان شده بود می‌گشتند. بسیاری از آنان در فاصله کوتاه میان سقوط شاه و قدرت گرفتن جمهوری اسلامی، ده‌ها کتاب «جلد سفید» خریده بودند که هرگز فرصت خواندنشان را نیافته بودند. این افراد چون هنوز خیلی مانده بود تا بتوانند به زبان کشور میزبان بخوانند و بنویسند، به کتاب و نشریات فارسی نیاز داشتند. بر پایه همین نیاز، عده‌ای از آنان بی‌آنکه تجربه و یا تحصیلی در زمینه چاپ و نشر داشته باشند، بر حسب عشق و علاقه شخصی، کمر همت به میان بسته و به این کار روی آوردند. چون همان طور که اشاره شد، این گروه تعلق‌های سیاسی و گروهی داشتند، در آغاز به طور طبیعی به چاپ و نشر نوشته‌های سیاسی و انقلابی پرداختند.

حرفه‌ای نبودن، بی‌تجربگی و تعلق‌های سیاسی ناشران در آغاز کار، باعث شد تا این دوره انحصار طلبی‌هایی بروز کند و شاهد بدگویی و بدرفتاری بعضی از آنان با کسانی باشیم، که به گونه‌ای دیگر می‌اندیشیدند.

«ایرانیان، جز در یک مورد - پارسیان هند که بر اثر مهاجرت بزرگ قرن دوم اسلامی به صورت اقلیتی در هند تشکیل شد و هنوز هم کم و بیش هویت خود را نگه داشته است - هیچگاه در طول تاریخ به صورت اقلیت در نیامده و زندگی نکرده‌اند»^{۸۵} به همین خاطر هنگامی که ناچار به مهاجرت می‌شوند، نمی‌توانند مانند چینی‌ها، یهودیان و یا ارمنیان، از پشتیبانی و تجربه‌های یک جامعه مهاجرنشین قومی، ملی و یا دینی که از آن خودشان باشد، برخوردار گردند. به همین دلیل ایرانیان مهاجر با سنت‌هایی که دست کم در آغاز بتواند آنان را دور هم گرد آورد روبه‌رو نبودند.

اما با این وجود چنان که ماشاءالله آجودانی می‌گوید: «هیچ اقلیتی به اندازه ایرانی‌ها نشریه، مجله و کتاب منتشر نکرده است و انبوه انتشارات خارج از کشور در بین ایرانی‌ها چشمگیر است.»^{۸۶}

به گفته مسعود مافان از سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] تا سال ۱۳۸۷ [۲۰۰۸]، در طول بیست سال، «بیش از ۴۰۰ سازمان انتشاراتی

۸۵ سینا سعدی: نشر فارسی خارج کشور، پوینده اما بدون آینده - ۷ ژوئیه ۲۰۰۴ - سایت بی بی سی
 ۸۶ ماشاءاله آجودانی در گفتگو با سینا سعدی: در ایران خانواده‌ها کتاب خواندن را خطرناک می‌دانند - ۴ ژوئیه ۲۰۰۴ - سایت بی بی سی

و نهادهایی که کتاب منتشر کرده‌اند و می‌کنند، در خارج تأسیس شده است. از این تعداد حدود ۴۰ سازمان و نهاد همچنان به کار مشغولند.^{۸۷}

بی‌شک یکی دیگر از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان برای ویژگی چاپ و نشر ایرانیان در خارج از آن نام برد، این نکته است که آجودانی در همان گفتگو به آن اشاره می‌کند:

«ما ملت با فرهنگی بودیم، پشت سر ما تاریخ درخشانی هست، فرهنگ درخشانی هست و در تاریخ ایران آشکار است که مردم ایران در بحرانی‌ترین شرایط تاریخی، به فرهنگ پناه می‌برند. فرهنگ ایران همواره سپر بلایی بوده برای ملت ایران ... برای اینکه این فرهنگ دستمایه‌ای است برای پایداری و مقاومت و زنده ماندن. ایرانی‌ها در خارج کشور هم این خصلت را در خودشان حفظ کرده‌اند. به همین جهت تولید فرهنگی در بین اقلیت ایرانی بیشتر از دیگر اقلیت‌ها است.»^{۸۸}

۸۷ مسعود مافان در گفتگو با نوشین شاه‌رخ: نشر فرهنگ و ادب در تبعید - ۱۴ ژانویه ۲۰۰۸ - سایت شهرزاد نیوز.

۸۸ ماشاءاله آجودانی در گفتگو با سینا سعدی: در ایران خانواده‌ها کتاب خواندن را خطرناک می‌دانند - ۴ ژوئیه ۲۰۰۴ - سایت بی بی سی

تازه همه این‌ها خارج از حوزه اینترنت است، و می‌دانیم که ایرانیان در شمار ملت‌هایی هستند که بیشترین تعداد وبلاگ را دارند و در اینترنت بسیار فعال هستند.

نشر کتاب فارسی در کشورهای اروپایی و ناشران مستقل کتاب فارسی

۱) آلمان

در آلمان از دیرباز حضور ایرانیان با گرایش‌های سیاسی چشمگیر بوده است، پیش از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نیز حضور بخشی از حزب توده در لایپزیک (آن زمان در آلمان شرقی) و انتشار کتابهای آنها در این کشور و علاوه بر آن حضور بسیار چهره‌های سیاسی، وجه سیاسی - فرهنگی ایرانیان را در آلمان در تراز بالتر از دیگر کشورهای اروپایی قرار می‌داد، پس از انقلاب، آلمان از اولین کشورهای اروپایی بود که پذیرای مهاجرین سیاسی ایران شد، بنابراین فعالیت فرهنگی و انتشاراتی از همان سالهای اول پس از انقلاب

۱۳۵۷ توسط ایرانیان در آلمان آغاز شد. در ادامه به مهمترین موسسات نشر کتاب فارسی که در آلمان پس از انقلاب شروع به کار کردند، می‌پردازیم، اگر چه امروز بسیاری از آنان از فعالیت باز مانده‌اند:

– نوید، زار بروکن

مدیر: سهراب علی آبادی، نوید هدف اصلی خود را ترویج و حفظ فرهنگ و ادب پارسی و همچنین یاری به کتابخوانان ایرانی مقیم خارج اعلام کرده بود. به همین دلیل سهراب علی آبادی و جواد طالعی روزنامه‌نگار در سال ۱۳۷۰ باشگاه کتاب نوید را بنیان نهادند.

در شماره دوم مجله افسانه، چاپ سوئد در زمستان ۱۳۷۰ درباره اهداف نشر نوید چنین آمده است: «آن گونه که در کارت اطلاعاتی افتتاحیه باشگاه آمده است، هدف از برپایی آن، پایان دادن به بحران کتاب و آشفتگی بازار و گرانی قیمت آن از طریق پس زدن هزینه‌های پخش غیرمستقیم کتاب، به موقع رساندن کتاب (در کوتاه‌ترین زمان پس از انتشار) به دست دوستدارانش و نیز درک درست از تیراژ

واقعی کتاب و در نتیجه پرهیز از هدر دادن انرژی و سرمایه نویسنده و هنرمند و ناشر است.»
 نوید فصل نامه صدا و نشریه نوید را از سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است.

سهراب علی آبادی انتشارات دیگری را نیز به اسم ندا راه اندازی کرده که معتقد بود کتابهایی که موضوع و محتوای قوی ندارند بهتر است با نام انتشارات نوید منتشر نشوند و برای این منظور از نام نشر ندا برای چاپ چنین آثاری استفاده می‌کرد.

– انتشارات مهر، کلن

مدیر: جعفر مهرگانی، در نشریه رنگارنگ (سال دوم.ش. اول دیماه ۱۳۷۱) از آن با عنوان «با سابقه‌ترین انتشاراتی ایرانیان در آلمان» یاد شده است. مهرگانی کتاب اول و دوم دبستان را برای فارسی زبانان چاپ کرد. خود مهرگانی می‌گوید: «در آغاز با مشکلات فراوانی روبه‌رو بودم. بسیاری مرا متهم به داشتن عقایدی خاص کردند، گاهی این حزبی و گاهی آن حزبی قلمداد شدم، ولی من که عاشق ایران بودم

نشان دادم که خارج از مسایل پیچیده سیاسی قصدی به جز خدمت به فرهنگ و ادب ایران ندارم و عشقی به جز کتاب در دسترس داشتن همه هموطنانم در سرم نیست.

بنگاه انتشاراتی مهر در قالب یک سازمان فرهنگی در جامعه ایرانی خارج از کشور نقش خود را داشته است و با نشر کتب مورد نیاز این جامعه و پخش آن در نقاط دورافتاده اروپا و آمریکا نزدیکی دلپذیری از راه فرهنگ و هنر میان هموطنان ایرانی ایجاد کرده است. ...»

حوزه کاری مهر بیشتر در زمینه تاریخ و ادبیات ایران بوده، در سالهای اخیر از فعالیت این ناشر قدیمی کاسته شده است.

– انتشارات بازتاب، سار بروکن

مدیر: حمید شوکت، ناشر کتابهای سیاسی، با بنیاد جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران نیز ارتباط دارد.

– انتشارات مرد امروز، دوسلدورف

مدیر: بهرام چوبینه، گرایش عمده آن چاپ خاطرات و سرگذشت‌های سیاسی بوده است.

– نشر ارس، کلن

مدیر: اکبر یادگاری، دارای چاپخانه و کتابفروشی نیز بود، متأسفانه از دهه هفتاد تعطیل شده و اکبر یادگاری بیشتر به نوشتن نمایشنامه می‌پردازد.

– کتابفروشی و نشر نیما، اسن

مدیر: داوود نعمتی، از فعال‌ترین ناشران کتابهای فارسی پس از انقلاب در اروپا بود که به طور جدی به نشر و پخش کتاب نیز پرداخت. نیما با انتشار ترجمه فارسی آیات شیطانی سلمان رشدی در معرض توجه قرار گرفت و با تهدیدی که نسبت به او عمل آمده بود دولت آلمان او را تحت حفاظت امنیتی قرار داد.

– نشر فروغ، کلن

مدیر: حمید و مینو مهدی‌پور، نشر فروغ با داشتن یک کتابفروشی خوب تبدیل به بزرگ‌ترین مرکز عرضه کتاب فارسی در اروپا شده است، مدیران نشر فروغ که به خاطر گرایش‌های سیاسی مجبور به اقامت در آلمان شده‌اند در سال‌های اخیر آثار قابل توجهی منتشر کرده‌اند. فروغ

بیشترین مبادلات کتاب فارسی بین اروپا و آمریکا و کانادا را انجام می‌دهد. بیشترین حجم کتاب وارده از ایران به اروپا نیز توسط مرکز پخش فروغ صورت می‌گیرد.

– انتشارات البرز، فرانکفورت

مدیر: بهنام فیاضی، از سال ۱۹۹۷ به کار نشر و پخش کتاب در اروپا مشغول است و تا کنون کتاب‌های زیادی در حوزه تاریخ، خاطره نویسی، ادبی و پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی منتشر کرده است.

– نشر گردون، برلین

مدیر: عباس معروفی، مدیر آن در ایران مجله گردون را منتشر می‌کرد، اما تعطیلی مجله و فشارهای وارده او را وادار به مهاجرت کرد. در سال ۲۰۰۲ میلادی، معروفی در برلین یک کتابفروشی راه‌اندازی کرد و پس از مدتی به چاپ کتاب نیز پرداخت. معروفی قصه‌نویس است و بسیاری از کتابهایش در ایران با استقبال زیاد روبه‌رو شده‌اند. در برلین یک کارگاه قصه‌نویسی را نیز اداره می‌کند.

– نشر آیدا، بوخوم

مدیر: عباس و اکرم قیایی، از سال ۲۰۰۳ میلادی این انتشارات و کتابفروشی راه‌اندازی شده است. آیدا با نشر فروغ همکاری دارد و سالی چهار پنج عنوان کتاب منتشر می‌کند.

علاوه بر اینها بسیاری موسسات نشر کوچک در آلمان راه‌اندازی و تعطیل شده‌اند و بسیاری سازمان‌های سیاسی چپ‌گرا و یا مذهبی هم در آلمان دفتر انتشاراتی دارند نظیر انتشارات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که دفتر آن در برلین است، انتشارات حزب توده ایران در برلین، انتشارات کتاب طالقانی وابسته به سازمان مجاهدین خلق، انتشارات سازمان جنبش ناسیونالیستی دانشگاهیان و دانش‌پژوهان و روشن بینان ایران در کلن، انتشارات مستقل دموکراتیک زنان ایرانی در هانوور، انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به ابوالحسن بنی‌صدر، انتشارات سازمان راه آینده در هایدلبرگ، انتشارات جمهوری خواهان ملی ایران در برلین، انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران در کلن، انتشارات دفتر هماهنگی جامعه‌های دفاع از حقوق بشر ایران در

برلین، انتشارات آزاد وابسته به گروه‌های کمونیستی در کلن، کانون کمک به کردستان در کلن، انتشارات محفل روحانی - ملی بهائیان در کلن، انتشارات کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، انتشارات جنبش دموکراتیک انقلابی زحمت‌کشان ایران، انتشارات رزمندگان آزادی طبقه کارگر در کلن، انتشارات اتحادیه هنرمندان و نویسندگان مقاومت ایران در تبعید در کلن، انتشارات شورای کار در فرانکفورت، انتشارات نوزده بهمن (سازمان هواداران مبارزه مسلحانه) در کلن، انتشارات نهضت مقاومت ملی ایران، انتشارات مجمع اسلامی دانشجویان ایرانی در برلین، انتشارات جامعه دموکراتیک ایرانیان آلمان در برلین، علاوه بر این تعداد زیادی ناشرانی کوچک نیز در آلمان یا فعالیت داشته که پس از مدتی از کار بازمانده یا هنوز گاه‌گاهی کتابی منتشر می‌کنند.

در آلمان چند چاپخانه نیز وجود دارد که به کار چاپ کتاب و نشریات فارسی می‌پردازد، مهمترین آنها عبارتند از:

– چاپخانه مرتضوی در کلن

مدیر: باقر مرتضوی، یکی از بزرگ‌ترین و مجهزترین

چاپخانه‌ها در آلمان که چاپ بسیاری کتابهای فارسی منتشر
در کشورهای اروپایی را انجام می‌داد

– چاپخانه افق، در کلن

مدیر: فریدون آزادی، همکار انجمن بهروز است که بیشتر
ناشر افکار ذبیح بهروز می باشد، علاوه بر آن در این چاپخانه
کتابهای دیگری در حوزه ادبیات و تاریخ نیز چاپ می‌شد.

– چاپخانه فوندل، در کلن

مدیر: انوش، کارش چاپ و صحافی کتاب است.

– چاپخانه سحر، در کلن

– چاپخانه پارت، در هامبورگ

– مگاچاپ در کلن

در آلمان نیز همانند آمریکا به علت پراکندگی ایرانیان در
شهرهای مختلف فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان در یک جا
متمرکز نیست و پراکندگی جغرافیایی گسترده‌ای دارد، اگر
چه شهر کلن هم به علت داشتن چند کتابفروش و ناشر و
چند چاپخانه در آلمان نسبت به نقاط دیگر گسترشی بیشتر
دارد.

(۲) فرانسه

– انتشارات خاوران، پاریس

مدیر: تقی (بهمن) امینی، امینی که به دلیل مشکلات سیاسی از ایران به فرانسه مهاجرت می‌کند، در سال ۱۳۶۱ انتشارات خاوران را پایه‌گذاری می‌کند و بعد کتابفروشی را هم به آن می‌افزاید. امینی از فعال‌ترین و صاحب‌سبک‌ترین ناشران کتاب فارسی در اروپا است و تاکنون بیش از هشتاد عنوان کتاب منتشر کرده است، خود او کتاب‌های منتشره‌اش را به سه بخش کرده و چنین می‌گوید: خاطرات زندان، نقد و پژوهش‌های جدی درباره دین و مذهب و کتاب‌هایی که سانسور در ایران مانع چاپ آنها شده است.^{۸۹}

وی با همکاری یک ناشر فرانسوی چند کتاب به زبان فرانسه هم چاپ کرده است و در دو سه مورد نیز سفارش تألیف اثری را به پدیدآورندگان داده است.

– نشر چشم انداز، پاریس

مدیر: ناصر پاکدامن و محسن یلفانی، علاوه بر چاپ کتاب

۸۹ گفتگوی بهمن امینی با خانم سنبل بهمینیار.

گاهنامه چشم انداز را نیز منتشر می‌کنند.

– نشر ناکجا، پاریس

«ناکجا»، ناشر کتاب‌های فارسی در قالب چاپی، الکترونیک و گویا در کشور فرانسه است که در سال ۲۰۱۲ به سرپرستی تینوش نظم‌جو فعالیتش را آغاز کرد.

تلاش ناکجا بر این است که کتاب‌های خود را با رعایت تمام معیارهای کیفی یک کتاب الکترونیک با استانداردهای بین‌المللی تهیه نموده و به دست مخاطب برساند. به این ترتیب هدف ناکجا تولید این کتاب‌های با کیفیت به جای فایل‌های اسکن شده‌ی غیر استاندارد است که اغلب موجب دلزدگی و عدم رغبت خوانندگان به ادامه‌ی مطالعه‌ی کتاب می‌شوند.

ناکجا خود را به اصل بنیادین آزادی انتشارات وفادار می‌داند و در این راستا پذیرای هیچ محدودیت ویژه‌ای نیست. یگانه معیارش در انتخاب آثار، کیفیت آن‌هاست. شهرت و سابقه‌ی کاری پدیدآورندگان، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و انتشار کتاب‌ها ندارد؛ انتشار آثار با کیفیت مؤلفان و مترجمان جوان

و کمتر شناخته شده، یکی از اهداف مهم نشر ناکجا به شمار می‌آید.

نشر ناکجا در طول یک سال فعالیتش حدود ۸۰ کتاب به صورت چاپی و الکترونیک منتشر کرده و در کنار آن با همکاری ناشرین مختلف داخل کشور، حدود ۵۰ کتاب الکترونیک در قالب نشر مشترک (کتاب‌هایی که قبلاً به صورت چاپی در داخل کشور چاپ شده‌اند) منتشر کرده است.

نشر ناکجا در بخش ادبیات (رمان، داستان، شعر، نمایشنامه، نقد ادبی، پژوهش ادبیات) و فلسفه و علوم اجتماعی فعالیت می‌کند.

– انتشارات روزگارانو، پاریس

مدیر: اسماعیل پوروالی، ناشر نشریه‌ای به همین نام.

انتشارات نقطه، پاریس

بیشتر گرایش به چاپ کتاب‌های سیاسی دارد، نشریه‌ای

نیز به این نام منتشر می‌کند.

– انتشارات پرنگ، پاریس

آثاری از سیاوش بشیری را منتشر کرد.

– انتشارات هنر، لیل

مدیر: پرویز لک، وابسته به انجمن تأثر دانشجویان ایرانی است و خود لک آثارش را زیر عنوان آن منتشر می‌کند.

– انتشارات سهیل، پاریس

دارای چاپخانه‌ای است که کار بسیاری از نویسندگان ایرانی مقیم فرانسه در آنجا به سامان می‌رسد.

علاوه بر اینها بسیاری از سازمانهای سیاسی در فرانسه دفاتر انتشاراتی دارند که عمدتاً به چاپ و نشر کتابهای وابسته به سازمان خود می‌پردازند، برخی از مهمترین آنها عبارتند از: انتشارات حزب پان ایرانیست، انتشارات سازمان دانشگاهیان در پاریس، انتشارات هواداران سابق سازمان پیکار در پاریس، انتشارات سازمان حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای ایران، انتشارات قیام ایران (هواداران شاپور بختیار)، انتشارات بنیاد مصدق، نشر جبهه دموکراتیک ملی ایران در پاریس، انتشارات جمهوری خواهان ملی ایران، انتشارات ماهنامه شورای ملی مقاومت، انتشارات حزب دموکرات کردستان ایران، انتشارات سوسیالیسم و انقلاب، انتشارات

نهضت مقاومت ملی ایران، انتشارات هما (همبستگی ملی ایران)، انتشارات انجمن پژوهشگران ایران، انتشارات سازمان درفش کاویانی به مدیریت منوچهر گنجی.

تعدادی نیز ناشران کوچک در فرانسه وجود دارد که گاه به انتشار کتابی دست می‌زنند، علاوه بر این چند چاپخانه نیز وجود دارد که کارهای چاپی فارسی را انجام می‌دهند، عمده آنها عبارتند از:

– چاپخانه آبنوس، در پاریس

– شرکت واژه، در پاریس

کار آن چاپ و حروف چینی کتاب و مطبوعات ایرانی است. ماهنامه‌ای نیز به اسم شاهین منتشر می‌کند.

– چاپخانه صبا، در پاریس

– چاپخانه دانش نگار، در پاریس

– چاپخانه پگاه، در پاریس

در فرانسه برعکس آمریکا و آلمان چون بیشتر ایرانیان مقیم پاریس هستند، تمام فعالیتهای فرهنگی ایرانی در این شهر متمرکز است و تنها یک انتشارات در لیل شناخته شده است.

۳) انگلستان

– مرکز نشر کتاب، لندن

– انتشارات کانون کتاب ایران، لندن

– مرکز چاپ و نشر پیام، لندن

بیشتر فعالیت آن در زمینه ادبیات است.

– انتشارات فصل کتاب، لندن

مهمترین فعالیت آن، انتشار فصل نامه «فصل کتاب» است.

– انتشارات ساتراپ، لندن

از مراکز مهم حروف چینی، نشر و پخش کتاب به حساب

می آید.

– انتشارات دفتر خاک، لندن

مدیر بهمن فرسی است و آثاری در زمینه طنز و داستان

چاپ می کند.

– انتشارات شما، لندن

با همکاری اسماعیل خویی و منوچهر محجوبی شکل

گرفت اما با مرگ محجوبی از فعالیت آن کاسته شد.

– انتشارات دوران، لندن
 بیشتر کار آن به حوزه ادبیات معاصر ایران مربوط بوده
 است.

– مرکز کتاب، لندن
 علاوه بر این ها بسیاری از گروه‌های سیاسی نیز در
 انگلستان دارای دفاتر انتشاراتی هستند که مهمترین آنها
 عبارتند از:

انتشارات کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، انتشارات
 بنیاد عرفان مولانا با مدیریت مسعود همایونی، انتشارات
 جبهه ملیون ایران، انتشارات خانقاه نعمت‌الهی با مدیریت
 دکتر جواد نوربخش، انتشارات سازمان زنان ایرانی.

در انگلستان نیز تمام فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان
 منحصراً در لندن متمرکز شده و در دیگر نقاط این کشور
 چندان حرکت چشمگیری وجود ندارد، ضمن اینکه اساساً
 فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان در انگلستان نسبت به دیگر
 کشورهای اروپایی ضعیف‌تر است.

(۴) سوئد

– انتشارات آرش، استکهلم.

مدیر: مسعود فیروز آبادی، این انتشارات از ۱۳۶۱ شمسی با نشر آثار مارکسیستی کار خود را آغاز می‌کند، اما پس از آن چاپ و نشر آثار ایرانیانی که امکان چاپ کتابهای خود را در ایران ندارند در دستور کار خود قرار می‌دهد. چاپ آثار احمد شاملو توسط آرش، با تیراژهای سه و چهار هزار نسخه‌ای همراه بوده است. آرش گاه از برخی اهل قلم برای سخنرانی دعوت می‌کند. بیشتر کتابهای چاپ آرش در اطراف فرهنگ و ادبیات معاصر ایران است.

– انتشارات باران، استکهلم

مدیر: مسعود مافان، وی با همکاری چند نفر دیگر از فوریه ۱۹۹۱ این نشر را بنیان می‌نهد. به گفته وی نخستین کار آنان در آوریل همان سال منتشر می‌شود، آن هم کتابی که در ایران غیر قابل چاپ بوده است. باران از فعال‌ترین و بهترین ناشران ایرانی در خارج از کشور بوده است. آمار

کتابهای باران نشان از پرکاری این ناشر می‌دهد، ضمن اینکه آثار خوبی از نویسندگان ایرانی در تبعید را نیز منتشر کرده است. باران در سالهای پیش نشریاتی همچون اندیشه آزاد، پنجره، آوای زن و گاهنامه خارجی مکث را منتشر کرده است. در سالیان اخیر با چاپ فصل نامه باران یکی از بهترین نشریات ادبی - اجتماعی در تبعید را عرضه کرده است. تیراژ کتابهای باران بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ نسخه بوده است. البته برخی کتابها به تجدید چاپ نیز رسیده‌اند.

نشر باران چند عنوان کتاب نیز به سوئدی منتشر کرده، و برخی کتابهای پارسی را نیز به سوئدی ترجمه کرده است. باران از کمک نهادهای سوئدی برای چاپ کتابهایش بهره برده است.

– انتشارات افسانه، اپسالا

مدیر: زنده یاد داریوش کارگر، کار این نشر در زمینه ادبیات، رمان و داستان کوتاه بود. مدیر آن خود پیشینه قصه‌نویسی داشت.

– نشر وارث: اپسالا

کار این ناشر نیز بیشتر در حوزه ادبیات بود.
 - انتشارات کتاب ارزان؛

مدیر آن نعمت علیمرادی از ۱۹۹۰ میلادی به کار کتابفروشی پرداخته و از سال ۱۹۹۴ به کار نشر می‌پردازد. او ابتدا با حضور در محل تجمع ایرانیان با برپایی میز کتاب، به عرضه کتابهای فارسی و کردی می‌پرداخته و به همین علت نام «کتاب ارزان» برای ایرانیان مقیم اروپا آشناست. وی از محدود ناشران کتابهای کردی در اروپاست، تیراژ کتابها را خود او بین ۲۵۰ تا هزار نسخه می‌داند. وی داشتن کتابفروشی را نقطه قوتی برای انتشار کتاب می‌داند. از این ناشر سه کتاب نیز به زبان سوئدی منتشر شده است.

- انتشارات بازتاب، اپسالا

مدیر: حسن آرام، نشریه بازتاب را نیز منتشر می‌کند. بیشتر کتابهای آموزش زبان فارسی را منتشر کرده است.

- کتابفروشی فردوسی، استکهلم

مدیر: مهدی رحیمزاده، از ۱۹۸۴ میلادی این کتابفروشی را راه‌اندازی کرده است. از سال ۲۰۰۹ نیز به نشر کتاب روی

آورده است. تاکنون ده عنوان کتاب نیز به فارسی و سوئدی منتشر کرده است. تیراژ کتابهای این ناشر نیز بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نسخه است. او کتاب تاریخ ایران را به سوئدی منتشر کرده و علاوه بر سوئدی‌ها، نسل دوم ایرانیان مقیم این کشور را مخاطب آن می‌داند. فردوسی در پخش کتاب‌های چاپ ایران نیز فعال است.

– کتابفروشی خیام، یوته بوری، مرکز عرضه کتاب‌های درسی و کودکان به زبان‌های مختلف است.

– انتشارات آلفابت- ماکسیما

مدیر: رضا منصوری، این انتشارات از ۱۹۹۷ میلادی فعالیت خود را آغاز کرده است، به طور متوسط در این سالها هر سال پنج عنوان کتاب توسط این انتشارات منتشر شده است، تیراژ برخی کتابها نیز حداکثر هزار نسخه بوده است. این کتابفروشی کم شدن ارباب رجوع را امری مهم قلمداد کرده و احتمال تعطیل شدن مراکز فروش و نشر کتاب فارسی را جدی می‌داند. این انتشارات تاکنون کمک‌هایی نیز از شورای فرهنگی سوئد گرفته است،

– چاپخانه نینا، اپسالا

که به چاپ کتاب نیز دست می‌زند.

علاوه بر اینها در سوئد تعدادی ناشر کوچک با فعالیت محدود حضور دارند. همچنین برخی گروهها و سازمانهای سیاسی نیز در این کشور دفتر انتشاراتی دارند، نظیر: انتشارات فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجران ایرانی، کانون فرهنگی – سیاسی ایرانیان در سوئد، انتشارات هواداران سابق پیکار، انتشارات سازمان وحدت کمونیستی. در سوئد نیز به علت پراکندگی ایرانیان در نقاط مختلف در چند شهر این کشور فعالیت‌های انتشاراتی ایرانیان وجود دارد، استکهلم، اپسالا، یوته بوری و شانکوپینگ مهمترین شهرهای این کشورند که چاپ و نشر کتاب فارسی در آنها جریان دارد.

(۵) هلند

– نشر برداشت، اترخت

رضا علامه زاده به خاطر علایق فرهنگی خود این انتشارات

را از دهه هفتاد شمسی در این کشور راه‌اندازی کرده است. و علاوه بر چاپ کتابهای خودش به چاپ آثار هنری نیز گرایش دارد.

– انتشارات کتابخانه نیما، آمستردام

– نشر شط، آمستردام، توسط عدنان غریفی نویسنده جنوبی راه‌اندازی شده و بیشتر کتابهای خود این نویسنده را چاپ کرده است.

– نشر معاصر که توسط نسیم خاکسار راه‌اندازی شده است.

– انتشارات دنا

این نشر را رضا چاووشی در سال ۱۹۹۵، با افتتاح یک کتابفروشی بدون تجربه قبلی راه‌اندازی می‌کند، این ناشر در سال حداکثر دو عنوان کتاب فارسی، با تیراژ ۵۰۰ نسخه چاپ می‌کند، با حمایت یک بنیاد غیر انتفاعی هلندی نیز نشر دنا توانسته چند کتاب به زبان هلندی منتشر کند.

۶) سوئیس

در سوئیس فعالیت نشر کتاب فارسی چندان رونقی ندارد، اما بعضی از سازمان‌های سیاسی در این کشور فعالیت انتشاراتی خود را انجام می‌دهند نظیر: «انتشارات انجمن ادب و هنر که بیشتر آثار آیین بهایی را منتشر می‌کند، انتشارات بنیاد فرهنگی که البته چند سالی است فعالیت آن متوقف شده است، انتشارات انجمن دوستداران ادبیات ایران، انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، انتشارات جبهه ملی ایران در اروپا.»

۷) دانمارک

- انتشارات دیار کتاب با مدیریت اسفندیار صنایع که تا کنون چندین کتاب منتشر کرده است.
- انتشارات ایران زمین که عمدتاً ناشر کارهای مدیر آن محمدرضا صفایی است.
- انتشارات الوند

۸. لوکزامبورک

– نشر پیام دوستی (گروه میثاق)، که توسط عده‌ای از بهائیان راه‌اندازی شده و کتابهای آنان را چاپ می‌کند.

۹. بلژیک

– انتشارات دیر مغان، بروکسل

– نشر میترا.

– انتشارات مرکز ایرانی پژوهش و مبادله فرهنگی، بروکسل

۱۰. اتریش

– نشر پیوند، وین

سازماندهی و برنامه‌ریزی زنجیره کتاب (از نوشتار تا بازار)

آماده سازی کتاب برای چاپ در اروپا نیز مشابه روند تولید کتاب در ایران است، اما تفاوت‌هایی نیز وجود دارد که به کمی امکانات تولید کتاب نزد ناشران ایرانی مقیم

- اروپا برمی‌گردد، مهمترین آنها عبارتند از:
- در بیشتر مواقع ناشر کتابی برای تألیف یا ترجمه به پدیدآورنده سفارش نمی‌دهد.
 - در بسیاری موارد کتاب قبلاً آماده شده (چاپهای قدیمی کتاب در ایران، یا حتی کتابهای کنونی چاپ شده در ایران) به صورت افسست منتشر می‌شوند.
 - کتاب در بیشتر مواقع آماده شده توسط پدیدآورنده در اختیار ناشر قرار می‌گیرد و بخشی از زنجیره تولید کتاب را خود پدیدآورنده انجام می‌دهد. در موارد دیگر ناشر کتاب را حروف‌نگاری، غلط‌گیری و ویرایش کرده، آماده برای چاپ می‌نماید.
 - زنجیره اصلی کار ناشر از تولید فنی و چاپی کتاب آغاز می‌شود، طراحی جلد و صفحات متن، تدوین موارد پیشامتنی و پسا‌متنی، تعیین شمارگان برای چاپ.
 - در سالیان اخیر تعدادی چاپخانه‌های فارسی در اروپا مشغول به کار شده‌اند که تا حد زیادی مشکلات چاپ آثار فارسی را برطرف کرده‌اند. عباس معروفی مدیر نشر گردون

در این مورد به مشکلات چاپخانه‌های خارجی به ویژه در آلمان به علت عدم آشنایی با خط و اعداد فارسی اشاره کرده و اینکه در چاپ باعث درهم‌ریختگی صفحات کتاب می‌شوند.

به این ترتیب کتاب پس از طی این مراحل آماده قرار گرفتن در چرخه توزیع می‌شود. شاید بزرگترین مزیت چاپ کتاب در اروپا رهایی از حلقه بسته نظارت‌های دولتی است. کتابها بدون گذر از هزار توی بررسی بدون تغییرات محتوایی و بدون سانسور، منتشر می‌شوند و همین خود یکی از دلایل رونق چاپ و نشر کتاب فارسی در خارج از کشور شده است، تا آستانه سال ۱۳۹۰ حدود چهار هزار و پانصد عنوان کتاب فارسی در خارج از ایران منتشر شده است، که البته درصدی از این آثار تجدید چاپ آثاری است که بیش از این در ایران منتشر شده‌اند.

در سالهای اخیر با رشد روش چاپ demand on Print تا حدودی کار چاپ کتاب فارسی تسهیل شده و می‌توان به هر تعداد دلخواه کتاب را به چاپ رساند. البته از چند سال

پیش نیز روش چاپهای دیجیتال باعث حذف بخش لیتوگرافی از تولید شده و همین امر چاپ را بسیار آسان تر کرده است. به عنوان نمونه‌ای الگویی به ساز و کار نشر در سوئد که به همت آقای رضا منصوری فراهم آمده، نگاهی می‌اندازیم شاید از این طریق بتوان آن را نمونه‌ای از نشر کتاب در اروپا برشمرد.

اولین مسئله آزادی نویسنده در کار پدیدآوری یک اثر است، در واقع نیاز به کسب رضایت ارگانی وجود ندارد، تنها موضوعاتی مثل افشای مسایل امنیتی و نظامی، اتهام زنی بدون مدرک به اشخاص و یا تبلیغ نژادپرستی ممنوعیت دارند. ارگانهای دولتی حق نظارت بر چاپ کتاب ندارند، تنها با شکایت شاکی خصوصی می‌تواند پرونده‌ای در محاکم قضایی تشکیل داد.

در سوئد خود صاحب اثر نیز می‌تواند نسبت به چاپ کتاب خود بدون نیاز به ناشر اقدام کند، برای این کار نویسنده در سوئد می‌تواند به کتابخانه سلطنتی سوئد (KungLiga bibLioteket) مراجعه و شماره شاپک را مستقیم یا از طریق

ایمیل یا نامه دریافت کند. در این صورت، نام نویسنده به عنوان ناشر هم قید می‌شود.

حق التألیف نویسنده اگر ناشری قصد چاپ کتابش را داشته باشد به توافق بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از بهای پشت جلد کتاب است.

شناسنامه کتاب شامل نام کتاب، نویسنده، ناشر، تاریخ چاپ، شماره شابک یا ISBN، محل نشر و چاپ، آدرس نویسنده، نشر و طراح جلد، ویرایشگر و صفحه‌پرداز می‌باشد.

در سوئد شورایی به اسم شورای فرهنگی (KuLtur Statens radet) وجود دارد که برای نشر فرهنگ و ادبیات به ویژه از ناشرین داخلی و گاه از مهاجرین، حمایت‌های مادی و معنوی می‌کند، بخشی از این پشتیبانی کمک مالی نقدی و بخش دیگر خرید ۳۰۰ نسخه از کتاب به قیمت نیم‌بها برای فروش می‌باشد. این کتابها در کتابخانه‌های کشورهای اسکاندیناوی و ایسلند عرضه می‌شوند.

برای راه‌اندازی یک مؤسسه انتشاراتی یا چاپخانه، هر شهروندی حق دارد تنها با ارائه یک نام تاکنون ثبت نشده و

با پرداخت مبلغی به اداره ثبت کشور سوئد (PRV) گواهی یا سند ثابتی بگیرد. این گونه شرکت را هیچ ارگان یا مقامی نمی‌تواند منحل کند یا جلوی فعالیت آن را بگیرد.

ترسیم ساختار فعلی نشر کتاب فارسی در اروپا

نشر کتاب فارسی در اروپا پس از انقلاب عمدتاً با چاپ کتابهای سیاسی آغاز شد، کتابهایی که علیه نظام کنونی بوده و امکان چاپ در ایران را نداشت، از سالیان آغازین دهه شصت که موج مهاجرت ایرانیان به سوی غرب آغاز شد، چاپ کتاب هم پا گرفت. در آغاز به علت نبودن حروف فارسی مناسب، عدم آشنایی افراد به شکل حرفه‌ای به کار چاپ و نشر، بی‌توجهی به نشر کتاب به عنوان یک حرفه و انجام آن بیشتر به عنوان رسالتی فرهنگی یا سیاسی منجر به تولید کتابهایی با کیفیت نازل در حروف‌نگاری، چاپ و طراحی و صحافی شد. اما از اواخر دهه شصت شمسی و عمدتاً از آغاز دهه هفتاد شمسی کم‌کم نشر کتاب فارسی

قالب‌های حرفه‌ای‌تر به خود گرفت، رشد سریع و پر تنوع حروف نگاری رایانه‌ای، گسترش فن‌آوری چاپ و یادگیری قواعد حرفه‌ای نشر باعث پیدایی ناشرانی کارآ در عرصه شد. امروز اگر از نظر کمی تعداد ناشران کتاب فارسی در اروپا کاهش یافته، اما بخشی از آنان به شکل حرفه‌ای به تولید کتاب می‌پردازند و کتابهای چاپ شده توسط آنان از استانداردهای لازم تولید کتاب برخوردار است. علیرغم این با کاسته شدن از تعداد کتاب خوانهای فارسی زبان، این‌گونه نشر سیر نزولی طی می‌کند، نخست اینکه در سالهای اخیر تعداد ناشران کاستی گرفته و از فعالیت همین تعداد کنونی نیز به شکلی جدی کاسته شده، از سوی دیگر تیراژ کتابها و عناوین منتشره نیز سیر نزولی دارد که حداقل چشم‌انداز اقتصادی روشنی را فراراه دست‌اندرکاران این حرفه نمی‌گذارد. از فعالیت سازمانهای سیاسی مخالف حکومت ایران نیز حداقل در حوزه نشر کتاب چندان خبری نیست. برخی از ناشران ایرانی مقیم اروپا کم‌کم به سوی چاپ کتاب به زبان کشور مقیم می‌پردازند که تا حدی می‌تواند پاسخگوی

جبران هزینه‌های آنها باشد و در کنار آن چراغ نشر کتاب فارسی را نیز روشن نگه دارند. امروز تعداد ناشران حرفه‌ای و جدی کتاب فارسی در اروپا به زحمت به تعداد انگشتان دو دست می‌رسد که البته چندان خوشایند نیست. اغلب این ناشران از حمایت سازمانهای فرهنگی کشور مقیم برخوردار نیستند، (موارد حمایت محدود به برخی کشورها از جمله سوئد است)، با رشد نسل دوم ایرانیان مقیم اروپا که زبان فارسی را شاید در گفتار می‌دانند اما نه در نوشتار، باید به سختی به راه خود ادامه دهند، پس از حوادث خرداد ۱۳۸۸ در ایران که موج تازه‌ای از مهاجرت را پیش آورد، امیدهایی برای افزایش مخاطب به وجود آمد، اما مشکلات اقتصادی مهاجرین جدید و جا نیفتادن آنها در کشورهای مختلف نیز نتوانسته به این امید قوت لازم را ببخشد. در ادامه به نوع سازماندهی، بازاریابی، موارد حقوقی و قانونی و مشکلات نشر کتاب فارسی در اروپا می‌پردازیم.

در اروپا چه نوع کتابهای فارسی چاپ می‌شود؟ در بررسی فهرست‌های منتشره از کتابهای فارسی در اروپا عمدتاً

می‌توان این کتاب‌ها را به شکل ذیل گروه‌بندی کرد:

- کتابهای تاریخ که عمدتاً شامل خاطرات سیاسی افراد و شخصیت‌های سیاسی چه پیش از انقلاب چه بعد از آن می‌شود، خاطرات زندان که سرگذشت افرادی را در برمی‌گیرد که پس از انقلاب دورانی از عمر خود را در زندانهای جمهوری اسلامی گذرانده و اکنون اثری افشاگرانه را نوشته‌اند، تاریخ معاصر ایران یا تاریخ قومیت‌های ایرانی.

- کتاب‌های ادبی، شامل مجموعه اشعار که در مقطعی باعث انتشار کتاب‌های نازل از طرف بسیاری شد که اکنون از تعداد این عناوین بسیار کاسته شده است. کتابهای رمان و قصه کوتاه که بخش بزرگی از روند تولید کتاب را در دهه هفتاد و هشتاد شمسی در برگرفته و موجب پیدایی موج نوینی از داستان نویسان خوب فارسی شده، رضا قاسمی، ساسان قهرمان، شکوه میرزادگی، محمود مسعودی، حسین نوش‌آذر، رضا علامه زاده، نوشین شاه‌رخی، مهشید امیرشاهی، شهرنوش پاریسی‌پور، فهیمه فرسای، ثریا رحیمی و سردار صالحی توانسته‌اند آثاری ماندگار و قابل تأمل خلق

کنند. در زمینه نقد ادبی نیز کوشش‌هایی در سالیان اخیر شده که اگر چه بازتاب آن را بیشتر در نشریات خارج از کشور می‌توان دید، اما حضور کسانی چون بهروز شیدا، اسدسیف، مهدی استعدادی شاد و مجید نفیسی نوید رشد فرهنگ نقادی را بیشتر می‌کند.

- کتاب‌هایی درباره وضعیت زنان از گذشته تاکنون در ایران که شامل کارهای پژوهشی، تدوین و تصحیح متون گذشته، داستان و نقد داستان، بررسی جایگاه زن در دین و فرهنگ می‌شود.

- کتاب‌هایی در نقد فرهنگ و بررسی تاریخ که معتبرترین آن‌ها آثار ارزشمند آرامش دوستدار و ماشاءاله آجودانی‌ست.

- کتابهایی در نقد و بررسی مذهب به ویژه مذهب شیعه که گاه کتابهایی سست و کم مایه و فاقد رنگ و بوی تحقیقی را نیز شامل می‌شود، اما آثار بسیار قابل تأمل و توجهی نیز در این زمینه منتشر شده است. از جمله آثار زنده یاد شجاع‌الدین شفا.

- کتابهای آموزشی که در سالیان اخیر بیشتر مبتنی بر

آموزش زبان فارسی و یا تدوین کتابهای درسی پایه برای کودکان بوده است.

- کتابهای ایدئولوژی و سیاسی وابسته به سازمانهای سیاسی. اینها در واقع بخش عمده کتابهای منتشره در خارج از کشور را پس از بررسی نزدیک به چهار هزار اثر منتشر شده دربر میگیرند. در این میان جای ادبیات کودکان به شدت خالی است، همچنین آثاری درباره تاریخ گذشته ایران که البته بخش عمدهای از این نوع آثار از ایران به اروپا وارد می شود.

یکی دیگر از اشکالات ساختاری نشر کتاب فارسی در اروپا با محدود شدن تیراژ، کندی گردش مالی تولید کتاب است، برخی از ناشران حرفه‌ای نظیر باران، خاوران برای رها شدن از این مسئله به چاپ کتابهایی به زبان کشور مقیم پرداخته‌اند که گاه با مشارکت ناشران آن کشور بوده است. این روند اگر به شکلی حرفه‌ای ادامه یابد می‌تواند به تداوم و بقای کار این ناشران یاری رساند.

بازاریابی بین المللی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کنونی تولید کتاب فارسی در اروپا معضل پخش کتاب است، بهمن امینی مدیر نشر خاوران و مسعود مافان مدیر نشر باران از تلاش‌هایی برای تأسیس یک مرکز پخش کتاب سراسری در اروپا و حتی تدوین اساسنامه و عقد قرارداد یاد کرده‌اند که البته هیچگاه سامان نیافته، در حال حاضر نیز پخش کتاب به شکل‌های زیر صورت می‌گیرد:

- پخش کتاب به صورت انفرادی، نشر کتاب ارزان و نشر باران این تجربه را داشته‌اند که تا مدتها با بارکردن کتاب‌ها در اتومبیل و راه افتادن در شهرها و کشورهای مختلف کتاب را در محلهای اقامت ایرانیان عرضه کرده‌اند.
- بساط کردن کتاب در محلهای تجمع ایرانیان به مناسبت‌های مختلف نظیر گردهمایی، کنسرت خوانندگان، سمینارها، سخنرانی‌ها و مراسم ملی یا فرهنگی یا بزرگداشت‌ها.
- مبادله کتاب بین کتابفروشان و ناشران.

- ارسال پستی کتاب برای کتابفروشان یا ناشران ایرانی که هزینه نسبتاً بالایی دارد.

- انتشارات نیما و انتشارات فروغ مراکز اصلی تبادل کتاب اروپا و آمریکا می‌باشند که به صورتی گسترده و حرفه‌ای با شرکت کتاب در آمریکا به این امر مبادرت ورزیدند.

یکی از مهمترین مشکلات نشر کتاب فارسی در اروپا عدم دسترسی آنها به بازار داخلی ایران است، ورود کتابهای چاپ خارج از ایران به داخل کشور ممنوع است و به این ترتیب بخش عمده مخاطبان کتاب فارسی از دسترس این ناشران دور است.

هزینه نگهداری کتابهای چاپ شده و فروش نرفته نیز مشکل جدی دیگری است. گاه ناشر تا مدتها باید کتابها را از این انبار به آن انبار جابه‌جا کند و همین باعث سرخوردگی و دلزدگی بسیاری از کار نشر می‌شود.

برای کاهش مشکلات توزیع کتاب چه می‌توان کرد:

- پیش از هر کار باید به طور جدی و از سوی ناشران حرفه‌ای اقدام اساسی برای راه‌اندازی یک سازمان پخش انجام گیرد.

ظاهراً باید این اراده به شکل جدی به منصه عمل برسد. راه‌اندازی یک مرکز پخش سراسری در اروپا حداقل مشکل انبارداری ناشر را تا حد زیادی حل می‌کند و از سویی وقتی مصرف‌کنندگان کتاب تنها با یک مرکز حقوقی طرف باشند امکان سوخت پول، تأخیر در پرداخت و حتی مشکلات حمل و نقل نیز کاهش می‌یابد.

- تبلیغ و اطلاع‌رسانی کتاب، در گفتگو با ناشران آنها به برخی روش‌های تبلیغی برای معرفی کتابهای خود اشاره کرده‌اند که عمده آن عبارت است از:

۱. تبلیغ شفاهی یا دهان به دهان که بهمن‌امینی برای معرفی کتابهای خود در سال‌های اولیه کار خود از آن یاد می‌کند.

۲. معرفی کتاب در نشریات فارسی زبان خارج از کشور، که البته می‌توان به آن سازماندهی جدید نیز داد.

۳. استفاده از سایت‌های اینترنتی.

۴. استفاده از تلفن، فاکس، ایمیل که نشر باران در مقاطعی از آنها بهره برده است.

۵. استفاده از سایت آمازون برای معرفی و فروش کتاب که عباس معروفی مدیر نشر گردون از آن استفاده می‌کند. امروزه با حضور شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، تویتر و یا بهره‌وری از گوگل می‌توان از رایانه برای تبلیغ و معرفی کتاب هر چه بیشتر بهره برد. علاوه بر آن بهره‌وری ناشران از سایتهای اختصاصی، بهره‌گیری از سایتهای ناشران و کتابفروشان دیگر و نیز سایتهای سراسری و رسانه‌های محلی (در سوئد رادیوهای ایرانی) و سایت کتابخانه‌ها نیز مفید است.

ناشران ایرانی مقیم اروپا می‌توانند با همکاری یکدیگر یک سایت مشترک حرفه‌ای را نیز راه‌اندازی کنند که به صورت تمام وقت ضمن اطلاعات به روز شده آماده سرویس دهی به مشتری باشد. با تحولات شگرف در روش بازاریابی و فروش نیز باید ناشران ایرانی مقیم اروپا بتوانند از این روش‌ها خود را بیش از پیش به خواننده بالقوه کتاب نزدیک کنند.

موارد حقوقی و قانونی

کپی رایت، در اروپا نیز یکی از معضلات ناشران ایرانی است، تقریباً همه آنها از عدم رعایت کپی رایت گله مندند، در بررسی فهرست‌های ناشران ایرانی در ایران به کتابهای مشترک متعددی برمی‌خوریم، این عدم پای بندی به مقررات و قوانین، تبدیل به عارضه‌ای برای نشر کتاب شده است، کتابهای فارسی که توسط ناشر ایرانی در اروپا چاپ شده و قرارداد محکمی دارد، بدون اطلاع ناشر و نویسنده آن شخصی دیگر آن کتاب را در آمریکا منتشر می‌کند. برخی ناشران مشکلات پیگیری حقوقی چنین مواردی را در هزینه‌بری، دوری راه، گاه تعطیلی یا جابجایی ناشر متخلف از عوامل رها کردن آن دانسته‌اند، از سویی بسیاری از کتابهای فارسی چاپ اروپا گاه بدون اطلاع پدیدآورنده یا ناشر در ایران حتی گاه با تغییراتی در محتوای اثر منتشر شده‌اند که خود چنین امری از عدم پای بندی به قواعد بین‌المللی خبر می‌دهد. البته همین ناآگاهی گاه نیز گرفتاری‌هایی برای ناشر ایرانی

مقیم اروپا پیش می‌آورد.

از سوی اینترنت نیز تبدیل به آفتی برای نادیده‌گیری حقوق ناشران شده است. به راه افتادن سایتهای مختلف و قرار گرفتن کتاب‌های ناشران روی این سایتهای باعث نادیده‌گیری حقوق ناشر و پدیدآورنده می‌شود و این هم امری مهم در کاهش فروش کتاب شده است.

حق التألیف

پرداخت حق التألیف بستگی به قرارداد بین ناشر و پدیدآورنده و مبلغ آن بستگی مستقیم به تیراژ کتاب دارد، تیراژ ۲۰۰ تا ۳۰۰ نسخه‌ای کتاب نمی‌تواند تاثیری مادی در زندگی پدیدآورنده داشته باشد. بنابراین در سالهای اخیر این موضوع بیشتر تبدیل به امری سمبولیک شده است. به هر حال به گفته ناشران حرفه‌ای در اروپا آنها برای چاپ یک اثر قراردادی با پدیدآورنده تنظیم می‌کنند، نحوه پرداخت حقوق صاحب اثر طبق بررسی نظرگاه‌های ناشران چنین

است.

بخشی از کتابهای چاپ شده در عمل با سرمایه گذاری پدیدآورنده انجام می‌گیرد، در بررسی آماری کتابهای منتشره حدود ۴۰٪ کتابها با هزینه پدیدآورنده، حدود ۳۰٪ با مشارکت پدیدآورنده و ۳۰٪ با سرمایه گذاری ناشر انجام می‌گیرد.

تیراژ کتابها از حدود دویست نسخه تا هزار نسخه در چاپ اول می‌باشد، در سالهای اخیر تنها ۷٪ کتابهای چاپ شده در اروپا و آمریکا به تجدید چاپ رسیده‌اند. در بسیاری از موارد کتابها از طرف پدیدآورنده به صورت اهدایی به اشخاص داده شده یا برای آنها فرستاده شده است، از کتابهای فارسی چاپ اروپا نسخ محدودی به ایران رسیده و با تأسف حتی کتابخانه‌های مرجع نظیر ملی، مجلس شورا و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران فاقد کتابهای چاپ شده فارسی در خارج از مرزهای ایران می‌باشند.

- گاه تعدادی کتاب به پدیدآورنده واگذار می‌شود و در صورت تمایل او می‌تواند تعدادی نیز براساس قیمت عمده‌فروشی از ناشر خریداری نماید.

– طبعا در مواردی براساس توافق پول نیز پرداخت می‌شود. حق التالیف کتابها در اروپا ۱۵٪ از بهای پشت جلد تعیین می‌شود، علاوه بر آن ۳۰٪ نیز معمولاً تخفیف برای کتابفروش در نظر گرفته می‌شود، هزینه حمل و نقل کتابها نیز حدود ۱۰ تا ۲۰٪ می‌شود و بقیه نیز هزینه‌های تولید و حقوق ناشر است.

مالیات

خوشبختانه فعالیت‌های فرهنگی در اروپا و آمریکا تا حدود زیادی از حمایت‌های دولتی در حوزه‌های مالیاتی برخوردار است و به همین دلیل در اظهار نظرهای ناشران کمتر به این مورد اشاره‌ای شده است.

مشکلات نشر کتاب فارسی در اروپا

مشکلات ناشران را در دو بخش درون صنفی و فشارهای

بیرونی می‌توان بررسی کرد، عمده مشکلات درونی ناشران کتاب در اروپا را بدون توجه به اولویت می‌توان چنین برشمرد:

- چاپ کارهایی ضعیف و فاقد استانداردهای لازم، به عنوان مثال مجموعه اشعار شاعرانی که چندان سابقه‌ای در حوزه سرایش شعر نداشتند، آثار ادبی نازل یا کتابهای تاریخی بدون استناد.

- نداشتن یک مرکز پخش سراسری و قابل اطمینان که ضمانت‌های لازم را برای فروش تأمین کند.

- مشکل سوخت پول، دیرکرد در پرداخت‌ها.

- نداشتن تجربه حرفه‌ای یا آموزش علمی چاپ و نشر.

- نداشتن رسانه‌ها، نشریات یا نهادهایی برای معرفی نقد و بررسی کتاب.

- عدم رعایت استانداردهای ضروری در نشر کتاب (حروف نگاری، ویرایش، طراحی، انتخاب حروف مناسب، چاپ و صحافی)

- نداشتن مشاور حرفه‌ای و کاربرد در کنار ناشر که همین

در برآورد، بازاریابی، کیفیت اثر و میزان باز خورد آن موثر است.

- کمی روحیه همکاری و ارتباط حرفه‌ای با یکدیگر.
 - نداشتن یا عدم توجه ناشران به تهیه و انتشار کاتالوگ
 فشارهای خارجی بر نشر کتاب فارسی در اروپا را می‌توان
 این‌گونه شمرد:

- پیشرفت‌های الکترونیکی نظیر افزایش بهره‌گیری از
 اینترنت، استفاده از کتابهای دیجیتالی EBook که از تعداد
 خوانندگان کتاب می‌کاهد.

- پائین بودن فرهنگ کتابخوانی در میان ایرانیان که
 عارضه‌ای اجتماعی و جامعه‌شناختی است. همین جا باید
 اشاره کرد که پائین بودن کیفیت محتوایی کتاب هم در
 پائین نگه داشتن فرهنگ کتابخوانی تاثیر مستقیم دارد.

- پراکندگی جغرافیایی ایرانیان در جای جای دنیا.
 - کمی تیراژ که اقتصاد نشر را ناتوان می‌کند.
 - هزینه‌های سنگین پستی و حمل و نقل.
 - کمی تعداد کتابفروشان که کتابهای فارسی ارائه

می‌کنند، در اروپا و آمریکا در بسیاری مواقع کتابهای ایرانی را در سوپرمارکتها می‌توان یافت، ضمن اینکه در بسیاری از کشورها حتی در این حد نیز کتاب وجود ندارد.

- عدم رعایت قوانین کپی‌رایت که در پیش به آن پرداخته شد.

علاوه بر اینها آسیب‌ها و خطرهایی نیز تهدیدگر نشر کنونی فارسی در اروپا است. که این آسیب‌ها را می‌توان در حوزه چاپ، پخش و فروش برشمرد.

ناشران ایرانی عمدتاً از نشر کتاب به عنوان نوعی دلبستگی و علاقه یاد می‌کنند و بیشتر آنها شغل اصلی دیگری را در پیش گرفته‌اند، تنها تعداد انگشت شماری از آنها با ایجاد کتابفروشی تلاش داشته‌اند تا توازنی در درآمد و هزینه خود ایجاد کنند. از سویی پرداختن آنها به کار چاپ و صحافی کاملاً غیرحرفه‌ای است، زیرا به علت عدم تجربه کافی چنین کارهایی دارای کیفیت لازم نیستند. البته با افزایش چاپخانه‌های فارسی این موارد کاهش یافته است، اما هنوز برای کاستن هزینه‌ها در مواردی ناشران کوچک‌تر خود این

امور را انجام می‌دهند. فاصله‌گیری از این روش غیرحرفه‌ای می‌تواند امری مهم و تأثیرگذار باشد.

عدم رعایت کپی‌رایت در ایران و در برخی از کشورها، حقوق ناشر را به خطر می‌اندازد و امید بهره‌وری از کتاب موفق را ناممکن می‌نماید.

شاید یکی از دشواریهای جدی کار نشر کتاب فارسی در اروپا، کم بها دادن به ویراستار حرفه‌ای در کنار ناشر بوده است، اگر ناشران به ویراستاری محتوایی و فنی تن می‌دادند، می‌توانستند به ارزش‌های کتاب، تأثیرگذاری آن در میان مخاطبان، به دست آوردن ارزش‌های کیفی و کمی کتاب و بالاخره تأثیر آن بر بازار وقوف یابند و به همین علت از چاپ آثار ضعیف خودداری کرده و از انباشتن انبارهای خود از کتاب‌های فروش نرفته جلوگیری کنند. البته پیدایی و رشد نشر کتاب فارسی در اروپا از آغاز با یک برنامه‌ریزی حرفه‌ای توأم نبوده و نشر کتاب بیشتر براساس مهاجرت و نوعی واکنش سیاسی و اجتماعی بروز یافته و به همین دلیل نیز بسیار از آموزه‌های حرفه‌ای نشر کتاب فاصله داشته و

هنوز هم دارد.

توجه ناکافی ایرانیان به کتاب و کتابخوانی، اختصاص ندادن بخشی از درآمد به بخش فرهنگی، اگر چه به دلایل روانی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری نیز بستگی دارد، اما به هر حال به عنوان یک آسیب باید به آن توجه داشت. در رسانه‌های رنگارنگ و رو به افزایش ایرانی در اروپا و آمریکا در واقع توجهی به کتاب نمی‌شود، فرهنگ معرفی، نقد و بررسی و نشست با نویسندگان بسیار بطئی، کند و کم اثر است و همین نوعی گسل بین کتاب، پدیدآورنده و مخاطب ایجاد کرده است که متأسفانه با فاصله گرفتن از زبان فارسی، این پدیده رو به گسترش هم هست.

گرانی تبلیغات نیز باعث شده تا دست ناشران از ابزار اطلاع‌رسانی نیز به نوعی کوتاه باشد، همین نیز در عمل باعث نادیده گیری حقوق مالی صاحب اثر شده و خود به خود از فرهنگ نوشتاری میان ایرانیان مقیم اروپا به تدریج کاسته می‌شود. از سوی دیگر چاپ کتابهای افشاگرانه گاه موجب تهدید، یا به خطر افتادن جان پدیدآورنده می‌شود،

این موجب شده تا استفاده از نام مستعار نیز در سالهای اخیر بسیار رواج یابد. به هر حال با توجه به موارد یاد شده چشم‌انداز روشنی فراروی نشر کتاب فارسی در اروپا وجود ندارد.

نشر الکترونیک

نشر کتاب الکترونیک چندان مورد قبول ناشران ایرانی در اروپا نیست، برخی بر این باورند که این نوع نشر از یک تا حداکثر پنج درصد می‌تواند در جلب خواننده موفق باشد، برخی از آن به عنوان واقعیتی پیش رو و گریزناپذیر یاد کرده اما برنامه‌حداقلی برای رفتن به سوی آن ندارند. گروهی دیگر سن بالای مخاطبان فارسی زبان را دلیل عدم توجه به کتاب الکترونیک دانسته‌اند. برخی سختی کتاب خوانی روی صفحه رایانه یا گذر سرسری را از دلایل به فراموشی سپرده شدن اثر و در نتیجه عدم توفیق آن می‌دانند. نبودن وقت و امکان مالی نیز از مشکلات عدم توجه به این نوع از نشر

کتاب است.

از سویی تبدیل کتاب به ای بوک Book E باعث می شود تا افرادی با خرید یک نسخه آن را رایگان روی سایت های خود قرار داده یا در جایی به شکل غیر قانونی تکثیر نمایند. با رشد صنعت الکترونیک و قرار گرفتن کتاب PDF ، Ipad ، iphone ، kindle Amazon و Reader باید کم کم ناشران خود را آماده همپایی با این فن آوری نمایند چون این نوع نشر ضرورتی اجتناب ناپذیر و غیر قابل چشم پوشی است.

راهکارها و پیشنهادات

نشر کتاب فارسی در اروپا دو تاثیر عمده و مهم داشته است:

۱) مقابله و فشار بر سانسور دولتی در داخل ایران، بسیاری از کتابهای چاپ شده فارسی در اروپا در داخل کشور غیرقابل چاپ می باشند، انتشار آنها به هر حال یک نوشته را از انزوای آن در گوشه ای از خانه نویسنده نجات داده است و

در مجموع به غنای فرهنگ ایرانی افزوده است. (۲) کمک به جلوگیری از فراموشی زبان فارسی میان ایرانیان مهاجر، از این منظر، چاپ و نشر کتاب و نشریات فارسی زبان تاثیری شگرف در حفظ هویت ایرانیان دور از وطن داشته است.

اما چگونه می‌توان به نشر کتاب فارسی در اروپا تداوم داد.

— با رشد و توسعه روش‌های آماده سازی کتاب در رایانه‌ها و امکان ارسال متن هر اثر به سادگی به هر جای دنیا، ناشران ایرانی اروپا می‌توانند از این روند در آماده‌سازی هر چه سریعتر کتابها و حتی امکان بهره گیری از ویراستاران حرفه‌ای و طراحان کاربرد بدون نیاز به حضور فیزیکی آنها بیشتر بهره برده و بر غنای کیفیت حرفه‌ای کارهای خود بیفزایند.

— نزدیکی و ایجاد امکان کار گروهی بین ناشران حرفه‌ای ایرانی در اروپا و دوری از تک روی می‌تواند توان آنها را افزون کرده و حتی بر روی کیفیت کتابهای تولیدی و فروش

آنها تاثیری مثبت بگذارد.

– ایجاد یک مرکز پخش حرفه‌ای، با بررسی دلایل ناکامی گذشته در ایجاد چنین مرکزی، می‌تواند بر بسیاری از هزینه‌های پرت تاثیر نهاده و در فروش بهتر کتاب مؤثر باشد. ضمن اینکه از هزینه انبارداری نیز به شدت می‌کاهد.

– توجه جدی و آموزش در حوزه کتابهای الکترونیک و درک بهره‌وری و استفاده از فن‌آوری‌های جدید. این نوع تولید می‌تواند بخشی از توان ناشران ایرانی را معطوف به این روش نموده و به گسترش بازار آنها کمک کند.

– توجه جدی به ساختار ظاهری کتاب نظیر طراحی جلد، طراحی و صفحه‌آرایی متن، انتخاب حروف مناسب، رعایت فواصل کلمات و سطرها، استخراج نمایه‌های ضروری برای کتاب، کم غلط بودن کتاب، توجه به نکات ضروری دستوری و علایم زبانی می‌تواند کتاب را تاثیرگذار نماید. اگر چه روند این دگرگونی‌ها در کتابهای چاپ خارج از ایران محسوس است، اما تا رسیدن به یک استاندارد مطلوب فاصله زیاد است.

- انتخاب یک کتاب نیاز به فاکتورهای زیادی دارد که از شناخت حوزه مورد نظر، شناخت بازار، شناخت محتوایی اثر، نیاز مخاطب به موضوع، تطبیق متن اثر با معیارهای درست ویرایشی، بهره وری اثر از اصول نگارشی و علمی و ... اینها عواملی است که نمی‌تواند تماماً در حیطه دانسته‌های ناشر قرار گیرد و در اینجا نیاز به مشاور و سر ویراستار برای چاپ کتاب تبدیل به یک ضرورت می‌گردد. بهره‌گیری از افراد کاربلد همان‌گونه که در بالا توضیح داده شد حتی بدون حضور فیزیکی آنها می‌تواند میدان نشر را فعال‌تر، جمع‌تر و منطقی‌تر کرده و از چاپ کتابهای ضعیف، کم مخاطب و بدون کیفیت نیز جلوگیری کند که همین نوعی احترام به خواننده نیز بوده و در جلب مخاطب تاثیرگذار می‌شود.

استفاده از ابزارهای تبلیغی برای معرفی یک کالا ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در بسیاری از موارد با تبلیغات به جای جلب مشتری می‌توان نزد او رفت، در حال حاضر راه‌اندازی یک سایت مشترک حرفه‌ای با یک یا دو نفر کارمند تمام وقت که همواره اطلاعات ضروری کتابها را به روز کنند،

می‌تواند کمکی جدی برای اطلاع‌رسانی و تبلیغ و فروش
اینترنتی کتاب باشد.

نشر کتاب فارسی در آمریکا و ناشران مستقل ایرانی در این کشور فرید مرادی

پیش از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، نخستین کتابی که آمریکایی‌ها درباره ایران منتشر کردند سفرنامه بنجامین^{۹۰} نخستین سفیر آن کشور در ایران بود که در سال ۱۸۸۷ میلادی چاپ شد. اما چاپ کتاب فارسی در خود آمریکا در قرن بیستم در شهرهایی چون نیویورک، سان دیه گو و شیکاگو صورت می‌گیرد. در شیکاگو مبلغان بهایی دست به انتشار کتابهای عقیدتی خود زدند، قدیمی‌ترین کتابهای عقیدتی بهائیان در سال ۱۹۰۷ میلادی در شیکاگو چاپ شده است. علاوه

بر آن تا پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ برخی گروه‌های سیاسی مثل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دست به کار چاپ کتابهای سیاسی می‌زدند، انتشارات فانوس که در نیویورک فعالیت می‌کرد عمدتاً از شاخه‌های انتشارات معروف Finder Path ارگان رسمی نشر آثار حزب سوسیالیست آمریکا بود، این ناشر نیز بیشتر آثار برگرفته از اندیشه‌های تروتسکی و هواداران ایرانی آن یعنی حزب کارگران سوسیالیست را چاپ می‌کرد. اما پس از انقلاب به علت مهاجرت بخش عمده‌ای از ناراضیان ایرانی به ویژه به سوی آمریکا، شمار موسسات فرهنگی و انتشاراتی در این کشور فزونی گرفت، اگر چه بسیاری از این موسسات عمر دیرپایی نیافته و با جذب ایرانیان در جامعه آمریکا کم‌کم رشد چاپ و نشر کتابهای فارسی و علاقه به حفظ میراث پدری و زبان فارسی کاهش یافت، با وجود این به اجمال به مهمترین موسسات نشر کتاب در آمریکا مروری خواهیم داشت.

– شرکت کتاب در لس‌آنجلس

این انتشارات را آقایان بیژن خلیلی و سهراب رستمیان

در ژانویه ۱۹۸۱ در کالیفرنیا به ثبت می‌رسانند، از ۱۹۹۴ با جدایی آقای رستمیان، بیژن خلیلی به تنهایی و از سال ۲۰۰۶ میلادی با همکاری پیرایه خلیلی به کار خود ادامه داده است. این ناشر از نخستین ناشران ایرانی آمریکا است که اهداف خود را چنین شرح داده است:

- (۱) برگزاری نمایشگاه کتابهای فارسی،
- (۲) پخش تبلیغاتی از طریق چاپ آگهی های تجاری برای مشاغل مختلف و پخش آنها در محل های تجمع ایرانیان،
- (۳) توسعه بخش طراحی و خوشنویسی فارسی شرکت در جهت برآورده کردن خواست مردم،
- (۴) تحقق بخشیدن به حفظ و حراست از سنت های اصیل ایرانی،
- (۵) کمک و همیاری مطبوعات و تلویزیون فارسی زبان برای به وجود آوردن همبستگی بیشتر جامعه ایرانی در خارج،
- (۶) دایرکردن مرکز اطلاعات و نیازمندی های ایرانیان در خارج از کشور.

این شرکت علاوه بر چاپ فارسی، کتابهایی به زبان انگلیسی منتشر کرده است. شرکت گاه با مشارکت در سرمایه‌گذاری صاحب اثر به چاپ کتاب می‌پردازد. شرکت کتاب از محدود ناشران ایرانی در آمریکاست که هنوز هم فعالیت دارد.

– انتشارات مزدا، در کالیفرنیا

مدیر آن احمد اجباری بوده، مهمترین کار این انتشاراتی چاپ دانشنامه ایرانیکاست، کار انتشارات مزدا چاپ و نشر متون کلاسیک فارسی نیز هست، مثلاً شاهنامه فردوسی را به کوشش جلال خالقی به شکلی دلپذیر به چاپ رسانده است. این انتشارات با نشریه ایران‌نامه نیز همکاری دارد.

– شرکت کتاب جهان، واشنگتن

ابتدا در سال ۱۳۶۰ در سانفرانسیسکو کار خود را آغاز کرد، اما از دهه هفتاد شمسی به واشنگتن نقل مکان کرد، تعدادی کتاب به فارسی و انگلیسی نیز منتشر کرده است، کتابخانه‌ای نیز با بیش از هشت هزار جلد کتاب در اختیار دارد.

– نشر زمانه، در کالیفرنیا (سان خوزه)

مدیر: افشین نصیری، علاوه بر چاپ کتاب نشریهٔ زمانه را منتشر می‌کند، این ناشر با انتشارات تصویر (لس‌آنجلس) همکاری دارد. عمده کار این ناشر در حوزهٔ ادبیات است.

– انتشارات تصویر، کالیفرنیا (لس‌آنجلس)

مدیر: مسعود والی پور، این انتشارات از موسسات فعال به ویژه در حوزهٔ ادبیات معاصر بوده، علاوه بر آن در محل کتابفروشی خود کتابها و نشریات چاپ ایران را نیز ارائه می‌کرده است. از ۱۹۹۱ در وست وود لس‌آنجلس قرار دارد و نام آن به کتاب‌سرا تغییر یافته است.

– کتابفروشی ایران، مریلند

از مهمترین مراکز نشر و پخش کتاب ایرانیان در آمریکا که علاوه بر توزیع کتابهای ایرانیان مقیم در خارج از کشور، آثار ایران شناسان و شرق شناسان خارجی را که دربارهٔ ایران، شعر ایرانی، آیین و سنت ایرانی است در سراسر آمریکا و اروپا پخش می‌کند.

این ناشر علاوه بر فعالیت قابل توجه هر سال فهرست‌های

متنوعی نیز از آثارش منتشر می‌کند. مدیر آن ناصر شیرزاد از سال ۱۹۸۳ تاکنون فعالیت دارد.

– انتشارات کانون دوستداران فرهنگ ایران، واشنگتن
مدیر: بیژن اسدی پور، این مرکز شاخه‌ای از کانون دوستداران فرهنگ ایران است. یکی از کارهای آن برگزاری گردهمایی ایرانیان مقیم خارج است. این کانون با نشریه دفتر هنر که به همت بیژن اسدی پور منتشر می‌شود همکاری دارد.

– انتشارات پژوهشکده ادب و هنر پارسی، لس‌آنجلس
علاوه بر چاپ کتاب فعالیت‌هایی چون: آموزش دانشجویان و دانش‌آموزان فارسی زبان، تشکیل کلاس‌های هنری و ادبی و برپایی کارگاه‌های آموزشی نیز دارد.

– انتشارات بنیاد و مطالعات ایران، نیویورک
مدیر: مهناز افخمی، وابسته به بنیاد مطالعات ایران، این بنیاد ناشر مجله ایران‌نامه است و علاوه بر آن در فعالیت‌هایی چون برپایی گردهمایی نیز فعالیت دارد. در دهه شصت به ویژه در چاپ آثار ادبی فعال بوده است.

– انتشارات ایران زمین، کالیفرنیا

مدیر: ابوالقاسم پرتو اعظم، تلاش آن بیشتر گسترش مباحث ادبی و شعر در میان ایرانیان خارج از کشور بوده است.

– انتشارت روزن، نیوجرسی

مدیر: علی عابدینی، بیشتر در زمینه شعر، ادبیات داستانی و رمان فعالیت داشته و با مراکزی چون انجمن فرهنگی و انسان دوستی ایرانیان، نیوجرسی و نشریه دفتر هنر همکاری داشته است.

– کتاب پر، واشنگتن

مدیر: محمد گودرزی، شاخه‌ای از بنیاد فرهنگی پر، مرکزی است که خود صاحب دستگاه‌های مجهز حروف نگاری نیز بوده و علاوه بر زبان فارسی کتاب‌هایی به زبان‌های عربی، انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی و آلمانی نیز چاپ کرده است.

– بنیاد نشر کتاب، لس‌آنجلس

مدیر: بیژن اسدی پور، بیشتر مرکز پخش کتاب و همکار نشریه دفتر هنر است. بیشتر کتابهای بیژن اسدی پور را نیز چاپ کرده است.

– انتشارات کانون پژوهش و آموزش، لس‌آنجلس

— انتشارات اقبال، لس آنجلس

مدیر: فرشید اقبال، وی پسر جواد اقبال مدیر انتشارات اقبال در تهران است، و در واقع می‌توان آن را شعبه ایرانی انتشارات اقبال در آمریکا دانست، علاوه بر نشر کتاب، به علت داشتن چاپخانه به فعالیت‌های چاپی نیز اشتغال دارند. این انتشارات از سال ۱۹۹۵ تعطیل و آقای فرشید اقبال به تهران آمده و با همکاری برادرش سعید انتشارات اقبال را در تهران مدیریت می‌کند.

— انتشارات مجله مهرگان (انتشارات جامعه معلمان ایرانی)، واشنگتن.

جامعه‌ای است که به همت محمد درخشش با همکاری گروهی از فرهنگیان ایرانی مقیم آمریکا شکل گرفته است، نشریه‌ای به اسم مهرگان دارند که دیدگاه انتقادی نسبت به ایران دارد، کتابهای منتشره آنها نیز بیشتر زمینه سیاسی دارد. اگر چه بیشتر فعالیت آنها در دهه شصت شمسی بوده است.

— انتشارات پرنگ (وابسته به بنیاد پژوهش‌های فرهنگ

سیاسی ایران)

– انتشارات توکا، کالیفرنیا (سن خوزه)

علاوه بر نشر کتاب، فروش کتاب و مجله را نیز در دستور کار خود دارد. در معرفی خود از عنوان «بازار کتاب» یاد می‌کند.

– انتشارات مهر ایران، مریند

مدیر: داریوش پیرنیا، این انتشارات در باب معرفی و یادآوری و شکوفایی سنتی و آئین ایران باستان تلاش زیادی دارد.

– انتشارات فرهنگسرای نیما، شیکاگو

بیشتر فعالیت آن در زمینه ادبیات معاصر ایران است.

– انتشارات زنان، لس‌آنجلس

هدف آن از نشر کتاب توجه به چگونگی وضعیت زنان در جامعه ایران، کمبودها، مسایلی نظیر مردسالاری در فرهنگ ایران و موقعیت زنان مهاجر است.

– انتشارات مرکز پژوهش و تحلیل ایران (سیرا cira)،

واشنگتن.

شاخه انتشاراتی مرکز پژوهش و تحلیل مسایل ایران است، این مرکز برگزارکننده مهمترین کنفرانس های علمی ایرانیان مقیم خارج است.

– انتشارات گروه بررسی مسایل ایران (دانشگاه برکلی)، کالیفرنیا

شاخه ای از گروه بررسی مسایل ایران است و از عده ای محققان و دانشجویان ایرانی و ایران شناسان دانشگاه برکلی تشکیل یافته است، علاوه بر انتشار کتاب، جلسات گردهمایی نیز ترتیب می دهند.

– انتشارات و چاپخانه مترو، اورنج کانتی

– انتشارات انجمن آزادی زن

وابسته به انجمن آزادی زن، که فعالیت های اجتماعی و سیاسی دارد و کتابهای منتشره آن نیز بیشتر به مسایل زنان عمدتاً از دیدگاه چپ اختصاص دارد.

– انتشارات انجمن بانوان آزاد ایران

وابسته به انجمن بانوان آزاد ایران، بیشتر هدفش یافتن راهی در رفع مشکلات عمومی زنان است. کتابهای منتشره

آنان نیز عمدتاً در حوزه مسایل زنان جای می‌گیرد.

– نشر کانون اندیشه، کالیفرنیا

هدف آن بیشتر توجه به ادبیات معاصر ایران است، پرتو نوری علاء از دست‌اندرکاران آن می‌باشد.

– انتشارات کانون فرهنگی نیما، کالیفرنیا

کانونی است که هدفش توجه به حوزه شعر معاصر ایران است.

– انتشارات نگین، کالیفرنیا

مدیر: محمود عنایت، مدیر مجله نگین در تهران، با راه‌اندازی این انتشارات بیشتر آثار خود را نشر می‌دهد.

– انتشارات صمد، واشنگتن

مدیر: یونس پارسا بناب

مدیر آن دارای اندیشه‌های چپ است و کتابهایی در حوزه اندیشه‌های مارکسیستی منتشر می‌کند.

– نشر فارابی، نیوجرسی

میدان فعالیت آن بیشتر ادبیات معاصر است.

– انتشارات راه، هیوستون (تکزاس)

مدیر: ابراهیم مکانی، علاوه بر انتشار کتاب، «شعر و اندیشه» را که نشریه‌ای ادبی است منتشر می‌کند.

– انتشارات مرکز هنری – فرهنگی شیدا، واشنگتن

شاخه‌ای از مرکز فرهنگی و هنری شیدا است که پژوهش در فرهنگ ایران را محور اصلی فعالیت‌های خود دانسته و با کمک مرکز انتشاراتی خود، سالنامه‌ای هم منتشر می‌کند که به ویژه در زمینه موسیقی دارای اطلاعات باارزشی است.

– انتشارات سازمان زنان ایران (مقیم آمریکا)، لس‌آنجلس

شاخه‌ای از سازمان زنان ایران که دنباله فعالیت خود در ایران را در خارج از کشور پی می‌گیرند، کار آنها چاپ و نشر کتاب در زمینه‌های گوناگون مسایل زنان ایران است. این سازمان با بنیاد مطالعات ایران همکاری نزدیک دارد.

– انتشارات انجمن فرهنگی پارس، سانفرانسیسکو

شاخه‌ای از انجمن فرهنگی پارس است، کتاب‌های آنها عمدتاً در زمینه علوم انسانی است.

– نشر کنکاش موبدان، کالیفرنیا

گروهی از زرتشتیان مقیم آمریکا آن را بنیاد نهاده اند،

مباحث منتشره عمدتاً در حوزه آیین زرتشت است.

– سازمان انتشارات آزاد، واشنگتن

با انتشارات ملی همکاری نزدیک دارد و پس از توقف فعالیت آن انتشارات، باز چاپ کتابهای آن را به عهده گرفته است.

– انتشارات گوتنبرگ، کالیفرنیا.

بیشتر ناشر آثار آقای دکتر عبدالعلی مقبل است.

– انتشارات انجمن فرهنگی و انسان دوستی ایرانیان

نیوجرسی

شاخه‌ای از انجمن فرهنگی و انسان دوستی ایرانیان است و گرایش عمده‌اش چاپ آثار ادبی است، نشریه پیوند، خبرنامه (که ماهی یک بار منتشر می‌شود) و دفتر هنر را نیز منتشر می‌کند.

– انتشارات بنیاد سینمایی، لس‌آنجلس

تلاش انتشارات آن بیشتر گسترش فعالیت‌های ادبی، هنری و فرهنگی است.

– انتشارات انجمن آزادی، شیکاگو

– انتشارات آسیا ، دالاس

شعبه‌ای از انتشارات آسیا در ایران است و بیشتر کتابهای پیشین این ناشر را در آمریکا باز چاپ می‌کند، منجمله آثار دکتر علی پریور را.

– نشر ری ، لس آنجلس

حوزه کار آن ادبیات است، نشریه دفترهای شنبه (ویژه شعر و داستان) را نیز منتشر می‌کند.

– انتشارات مرکز هنر و طراحی، پنسیلوانیا

ناشر آثار دکتر فریدون کشاورز است.

– انتشارات ره آورد، لس آنجلس

مدیر: حسن شهباز، علاوه بر انتشار کتاب فصل نامه ره آورد را نیز منتشر می‌کند.

– سازمان انتشاراتی آمیخ، نیویورک

بیشتر ناشر کتابهای سیاسی و طنز است.

– انتشارات کانون پژوهش تاریخ زنان ایران

مدیر: حسن جوادی، بیشتر در زمینه پژوهش در وضعیت زنان فعالیت دارد.

- نشر کارون ، لس آنجلس
- مدیر: عباس صفاری، بیشتر کتاب‌های خود شاعر (عباس صفاری) را چاپ می‌کند.
- انتشارات پرستو، دالاس
- در زمینه آثار ادبی فعالیت دارد.
- انتشارات جبهه همگام، کالیفرنیا
- علاوه بر انتشار کتاب، نشریه نامه جبهه همگام را نیز منتشر می‌کند.
- انتشارات شبتاب ، سن خوزه
- ناشر آثار ادبی است.
- انتشارات پیروز، لس آنجلس
- چاپخانه دارند و از مراکز پخش کتاب در آمریکاست.
- مؤسسه انتشاراتی پیج، واشنگتن
- شرکت انتشاراتی نگارش، کالیفرنیا
- انتشارات بنیاد فرهنگی و اجتماعی سپیده نمازی خواه، لس آنجلس
- انتشارات آذر، واشنگتن

- انتشارات ثریا، مینیاپولیس
- انتشارات ایران و جهان
- سازمان چاپ و انتشارات وارطان، لس آنجلس
- انتشارات روشن، ماسا چوست
- انتشارات مرکز مطالعات شرقی معاصر هاکوب گوریان، نیویورک
- انتشارات نازگل
- مدیر: نرسی جعفری
- انتشارات افسانه، افسانه سعیدی سیرجانی
- انتشارات انجمن مطالعات ایرانی
- انتشارات رایگان
- انتشارات پویشگران
- انتشارات دایره المعارف تمدن ایران
- کتابفروشی نسرین، مؤسس آن کیخسرو بهروزی، نام آن چند سال پیش به کلبه کتاب تخییر یافت.
- در ادامه به چند کتابفروشی و مرکز پخش که بیشتر فعالیت آنها توزیع کتاب و نشریات چاپ داخل و خارج از کشور در

آمریکای شمالی و گاه در اروپاست می‌پردازیم.
 - مرکز پخش ابتکار، کالیفرنیا
 - مرکز پخش کتاب شهرزاد، آتلانتا، جورجیا
 با بیشتر ناشران و کتابفروشی‌های ایران مقیم آمریکا ارتباط دارد.

- مرکز پخش کتاب آسیا، واشنگتن
 در ایالت‌های مریلند و ویرجینیا نیز نمایندگی دارد.
 - کتابفروشی داریوش حیات غیب
 - کتابفروشی دهخدا در لس‌آنجلس
 - کتابفروشی سیمرغ، لس‌آنجلس
 شاخه‌ای از دفتر ماهنامهٔ سیمرغ است.
 - کتابفروشی دانش، سن خوزه، کالیفرنیا
 از مراکز تهیه و پخش و فروش کتاب ایرانی در آمریکاست،
 حوزه فعالیت آن را کتابهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی،
 فلسفی، عرفان و تصوف، شعر و داستان تشکیل می‌دهد.
 علاوه بر کتاب یکی از مراکز اصلی ارائه فیلم و موسیقی
 نیز هست.

– کتابفروشی اندیشه و خیال، هوستون تکزاس
بخش آرشیو نشریه «اندیشه و خیال» محسوب می‌شود،
شعار آن «فضایی باز برای خیال و اندیشه‌های تازه» است.
با انتشارات راه نیز همکاری دارد.

– کتابفروشی نیما، اورنج کانتی
– مؤسسه نورا، لوس آنجلس از مراکز فروش و پخش
کتاب‌های ایرانی در آمریکاست.

**چاپخانه‌های ایرانی در آمریکا، در ادامه به چند چاپخانه
که بخشی از کار آنها چاپ کتاب و نشریات فارسی است
می‌پردازیم:**

– چاپخانه پیک ایران، لس آنجلس

– چاپخانه زیگما، لس آنجلس

– چاپخانه بلا، لس آنجلس

– چاپخانه اسپید کرافت، لس آنجلس

– چاپخانه پراگون، لس آنجلس

چاپخانه فارسی و انگلیسی که در زمینه آگهی‌های تبلیغاتی،
فتوکی با دستگاه زیراکس، سرنامه و پاکت و کارت ویزیت،

تایپ فارسی و مهر لاستیکی فارسی فعالیت دارد.

– چاپخانه ایرانی. کالیفرنیا

همکار بیشتر ناشران ایرانی در آمریکاست.

چاپخانه ایران گوهر، کالیفرنیا

کارش حروف چینی و طراحی روزنامه، مجله، کتاب، کارت ویزیت، کارت عروسی، بروشور، کاتالوگ، نامه و وکالت نامه است.

– شرکت طراحی و تبلیغاتی آها، نیوجرسی

مدیر: فریبرز انوری، از سال ۱۳۶۰ به پخش آگهی‌های تجاری مشغول است، بیشترین همکاری آن با نشریه دفتر هنر است، این شرکت با مراکزی چون: انجمن فرهنگی افرا (نیوجرسی)، انجمن فرهنگی ایرانیان (مریلند)، کانون فرهنگی ایرانیان (لونیزیانا)، انجمن متخصصان ایرانی (شمال کالیفرنیا)، نشریه گلچین، نشریه عاشقانه و مؤسس نشر هنر ارتباط کاری دارد.

– چاپخانه دل آرش

خدماتی چون حروف چینی فارسی، عربی و انگلیسی،

طراحی و صفحه‌آرایی هر نوع نشریه و کتاب را انجام می‌دهد.

– چاپخانه آرین، دنور

در این چاپخانه ماهنامه کانون به چاپ می‌رسد.

– شرکت چاپ

که در زمینه تهیه و چاپ کتاب نیز فعالیت دارد.

علاوه بر آمریکا در کانادا نیز مؤسسات چاپ و نشر کتاب فارسی در سالهای پس از انقلاب به فعالیت پرداختند و با افزایش شمار ایرانیان مقیم در این کشور باید انتظار داشت که در سالهای آتی علاوه بر فعالیت نشر کتاب چاپ نشریات فارسی زبان در این کشور رونق گیرد. در ادامه به مهمترین مؤسسات نشر کتاب در کانادا می‌پردازیم.

– انتشارات و چاپخانه ردکلیف، ونکوور

مدیر: خسرو بهنام، علاوه بر نشر کتاب از سال ۱۳۷۳ نشریه دفتر شناخت را نیز منتشر می‌کند.

– انتشارات مؤسسه معارف بهایی

وابسته به مؤسسه معارف بهایی و هدف آن انتشار آثار

آیین بهایی است.

– انتشارات سنگر، تورنتو

– انتشارات آوای ایران، اتاوا

وابسته به بنیاد آوای ایران از بنیادهای فعال فرهنگی ایرانیان مقیم کاناداست، با بنیاد کار واژگان نیز همکاری دارند.

– کتابفروشی و انتشارات دانش نو، تورنتو

علاوه بر نشر کتاب در چاپ «نوارنامه» یا کتاب صوتی نیز فعالیت دارد.

– نشر افرا، تورنتو

زمینه فعالیت آن ادبیات معاصر است.

– انتشارات آزاد، مونترال

در زمینه ادبیات معاصر فعالیت می‌کند.

– انتشارات رخ، مونترال

علاوه بر چاپ کتاب مرکز پخش نشریاتی چون چشم‌انداز، آرش و میزگرد نیز می‌باشد.

– انتشارات ایران گام

علاوه بر چاپ کتاب، مجله گام را نیز منتشر می‌کند.
 - انتشارات زن ایرانی، تورنتو
 ناشر فصل نامه زن ایرانی نیز هست.
 - سازمان انتشارات نمای ایران، ونکوور
 - کتابفروشی پگاه، تورنتو که هم اکنون فعال‌ترین مرکز
 پخش کتاب‌های اروپا و آمریکا در کانادا است.

نگاهی به نشر کتاب فارسی در آمریکا

چاپ و نشر کتاب در آمریکا علیرغم جمعیت قابل توجه ایرانی آن چندان رونق و گسترشی ندارد، کتابهایی که در این کشور چاپ می‌شوند عمدتاً می‌توان در چند دسته برشمرد:
 (۱) کتابهای سیاسی شامل خاطرات یا تاریخ معاصر ایران که بیشتر توسط علاقمندان به رژیم سلطنتی نوشته شده است.
 (۲) کتابهای ادبی شامل دیوان شعرایی مثل حافظ یا خیام و آثار معاصرین که در ایران امکان انتشار پیدا نمی‌کنند.
 (۳) کتابهای آموزش زبان فارسی برای نسل دوم و نسل

سوم ایرانیان مقیم در آمریکا.

(۴) کتاب‌های متفرقه و عمومی نظیر آشپزی، روان شناسی و طنز.

(۵) افسست کتاب‌های چاپ شده در ایران چه آثار چاپ شده پیش از انقلاب و بعد از انقلاب.

در بررسی کتابفروشان، ناشران و مراکز ایرانی ناشر کتاب به وضعیت آماری زیر می‌رسیم:

کالیفرنیا با داشتن ۴۳ ناشر، کتابفروش و چاپخانه بیشترین تراکم مرکز نشر کتاب ایرانی را در خود دارد که البته با توجه به اقامت اکثریت ایرانیان مقیم آمریکا در این ایالت این موضوع نیز طبیعی به نظر می‌رسد.

پس از آن واشنگتن با ۱۱ مرکز (نشر و کتابفروشی)، نیوجرسی با ۴ مرکز، نیویورک با سه، هیوستون تگزاس با سه، دالاس، شیکاگو، مریلند با دو مرکز و سانفرانسیسکو، پنسیلوانیا، ماساچوست، مینیاپولیس، دنور، آتلانتا در جورجیا هر یک با یک مرکز نشر و عرضه کتاب در مراحل بعدی قرار دارند. بیشتر ناشرین ایرانی مقیم آمریکا وابسته به نهادها یا

مراکزی هستند که هدفشان بیشتر حفظ هویت ایرانی می‌باشد. در سالهای اخیر به علت فاصله‌گیری نسل سوم ایرانیان در آمریکا، نشر و فروش کتاب فارسی نیز دچار افت شده و بسیاری از مراکز نشر کتاب از فعالیت خود کاسته یا تعطیل شده‌اند.

روند تولید کتاب

روند تولید کتاب در آمریکا نیز همان‌گونه است که در ایران می‌باشد، متنی تایپ شده یا دست‌نویس اثر به ناشر ارائه می‌شود، البته در اینجا بیشتر سرمایه‌گذاری از جانب خود صاحب اثر یا سازمانی حامی وی برای انتشار کتاب صورت می‌گیرد و ناشران تمایل چندانی برای سرمایه‌گذاری ندارند. کتاب معمولاً پس از حروف‌نگاری و نمونه خوانی و ویرایش که در اینجا هم بیشتر از طرف خود نویسنده یا فردی آشنا با او صورت می‌گیرد، آماده چاپ شده و در تیراژی محدود چاپ می‌شود، تیراژ کتابهای فارسی در آمریکا معمولاً پایین

است. گاه از صد نسخه تا حداکثر هزار نسخه و در شرایط خاص مثلاً چاپ کتاب‌های خاطرات تا چند هزار نسخه منتشر می‌شود.

جدا از کتابهای چاپ اول، در بسیاری مواقع ناشر از کتابهایی که در ایران منتشر شده یا برخی کتابهای فارسی چاپ شده در اروپا نسخه‌ای تهیه و بدون رعایت حق کپی‌رایت دست به افست آن اثر می‌زند. البته تیراژ این نوع کتابها نیز چندان بیشتر از چاپ اول کتابها نیست.

بازاریابی و پخش کتاب

کتابها به دو صورت در آمریکا در مراکز فروش قرار می‌گیرند: الف) بخش داخلی که توسط مراکزی در خود آمریکا بیشتر در مناطق سکونت ایرانیان عرضه می‌شود. اولین بار کتابهای فارسی در آمریکا در فروشگاههای ایرانی یا خاورمیانه‌ای خواربار عرضه شد، از معروفترین این نوع فروشگاهها می‌توان از فروشگاه ایران در لوس آنجلس و

دکان در واشنگتن یاد کرد. از آغاز دهه هشتاد میلادی کم‌کم کتابفروشان پدید آمدند و عرضه کتاب فارسی رونق گرفت. (ب) پخش در اروپا، برخی مراکزی که در بخش قبلی به آنها اشاره شد، ارتباط با مراکز فرهنگی ایران در اروپا دارند و کتابها را به برخی کشورهای اروپایی نظیر آلمان می‌فرستند. مهمترین و گسترده‌ترین این مراوده کماکان توسط انتشارات شرکت کتاب لس آنجلس با انتشارات فروغ در کلن انجام می‌گیرد.

ورود کتابها در آمریکا باز به دو صورت انجام می‌گیرد: (۱) ورود کتاب از ایران، برخی مؤسسات در ایران وجود دارند که کار آنها ارسال کتاب برای مراکز دانشگاهی، علمی و تحقیقی، مراکز فرهنگی و کتابفروشی‌هاست. (۲) دریافت کتابهای چاپ شده فارسی در اروپا که عمدتاً از طریق حمل و نقل هوایی صورت پذیر است.

مشکلات توزیع کتاب در آمریکا

بزرگ‌ترین موانع توزیع کتابهای فارسی در آمریکا را می‌توان چنین برشمرد.

(۱) پراکندگی جغرافیایی ایرانیان در پهنه سرزمین وسیع آمریکا و عدم دسترسی آنها به اطلاعات روز آمد درباره نشر کتابهای فارسی.

(۲) کمی مراکز عرصه کتابهای فارسی در شهرهای آمریکا.

(۳) مشکل برگشت هزینه کتابهای توزیع شده،

(۴) گرانی هزینه تولید کتاب و هزینه‌های ارسال،

(۵) عدم تمایل ایرانیان به خواندن کتابهای فارسی که در

نسل دوم و سوم بسیار قوی است.

(۶) دوری از فرهنگ ایرانی و جذب فرهنگ غربی شدن

موارد حقوقی و قانونی

به خاطر قانون کپی‌رایت، ناشران ایرانی چندان تمایلی به

ارائه کتابهای ترجمه شده ندارند، آنها عمدتاً به کتابهایی توجه نشان می‌دهند که مؤلفین آنها ایرانی اند. البته با توجه به زبان آموزی اکثر ایرانیان نیازی به ترجمه نیز چندان حس نمی‌شود.

با توجه به اینکه بخش عمده تولید کتاب با سرمایه‌گذاری صاحب اثر صورت می‌گیرد معمولاً چیزی به نام پرداخت حق التألیف نیز رواج ندارد، از سویی برخی نهادهای مردمی و شهرداری‌ها نیز یارانه‌هایی برای نشر کتاب می‌پردازند که می‌تواند به بقای یک مؤسسه نشر یاری رساند، بهر حال با توجه به گردش مالی اندک نشر کتاب در آمریکا آن را نمی‌توان یک فعالیت اقتصادی مستمر دانست، به همین علت تنها مؤسساتی نظیر شرکت کتاب هستند که از این راه توانسته‌اند توازنی در دخل و خرج خود ایجاد کنند.

علیرغم رواج قانون کپی‌رایت در آمریکا، برخی بدون در نظر گرفتن حقوق ناشران ایرانی و اروپایی دست به افست کتابهای آنها می‌زنند.

مشکلات نشر

علی‌رغم اینکه نشر کتاب فارسی در آمریکا از نظارت دولتی در امان است و سانسور بر نشر کتاب حاکم نیست، اما ناشران ایرانی در آنجا نیز مشکلات خاص خود را دارند. عمده این مشکلات به خود زبان فارسی برمی‌گردد، این مشکلات که در سال‌های اخیر به خاطر دوری ایرانیان به ویژه نسل سوم از زبان فارسی بوده عمدتاً در چنین میدان‌هایی بازتاب می‌یابد:

(۱) کتاب زبان فارسی به خط لاتین که با عنوان من درآوردی فینگلیش شهرت یافته است، بیشتر علت به کارگیری آن به علت رواج رایانه و تلفن همراه بود، بهره‌گیری از ایمیل از سالیان آغاز دهه نود میلادی، که قلم فارسی در اختیار کاربران نبود، باعث رواج این خط من درآوردی شد، البته کاربرد آن بیشتر شامل کسانی بود که زبان فارسی را بلد هستند ولی با خط کتابت فارسی بیگانه‌اند و البته مخاطب آنها نیز زبان فارسی را می‌داند. اگر چه مورد استفاده این

خط تاکنون تنها در اینترنت بوده اما باعث بیگانگی بیشتر جوانان ایرانی مقیم آمریکا با کتاب فارسی می‌شود و خود این یعنی دوری از کتابهای فارسی.

البته با توجه به تعداد بیشماری از ایرانیان که دور از قلمرو ایران به دنیا آمده و زبان فارسی معمولاً زبان دوم آنها به حساب می‌آید، این گروه نگارش فارسی را نیاموخته و به همین علت عده‌ای درصد برآمده‌اند که روش جدیدی برای کتاب فارسی طراحی کنند، آقای بیژن خلیلی به تنها مورد انجام شده در این زمینه چنین اشاره کرده‌اند:

– کتاب رباعیات خیام به کوشش خوش کیش، همراه با ترجمه انگلیسی فیتزجرالد، ناشر شرکت کتاب سال ۱۹۹۷.

– فینگلیش از روش من درآوردی آن برای مخاطب قرار دادن نسل دوم ایرانیان مقیم آمریکا بسیار استفاده می‌شود به ویژه در تشویق ایرانیان برای خواندن سرودهای ملی و میهنی نظیر «ای ایران».

شیوه کتاب من درآوردی دیگری نیز در سالیان اخیر در

مواردی مورد استفاده بوده که در آن تلاش شده حروف عربی حذف یا جایگزین گردد، این روش در نشریاتی به شکل محدود به کار رفته است. آقای خلیلی موارد ذیل را در این زمینه ذکر کرده‌اند:

فصل نامه مهر به مدیریت دکتر محمود رضائیان.

— کتاب فارسی ساده، مؤلف مهمود رزاییان، ناشر شرکت کتاب، ۱۹۸۹.

این روش‌ها که طبعاً نمی‌تواند کمکی به رشد و گسترش زبان فارسی کند، تنها باعث محدودیت بیشتر از این زبان و دوری ایرانیان نسل دوم از فرهنگ پدران خود می‌شود. اتفاقی که هم اکنون نیز در حال پیشرفت است و رشد کم تولید کتاب در میان ایرانیان آمریکایی گواه روشن آن.

نشر الکترونیک

در زمینه چاپ کتابهای ایرانی، فعالیت محدودی صورت گرفته اما هنوز تبدیل به روندی فراگیر نشده است، برخی

کتابهای مرجع نظیر لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین به صورت لوح فشرده هم اکنون در آمریکا عرضه می‌شوند. اما چشم انداز نشر الکترونیک فارسی در آن سرزمین وابسته به رشد زبان فارسی است و بدون آن نمی‌توان از توفیق این نوع نشر سخنی به زبان آورد.

جمع‌بندی گفتگوی با ناشران ایرانی در اروپا فرید مرادی

ناشران ایرانی اروپا از پناهندگانی تشکیل شده‌اند که پس از انقلاب ۱۹۷۹ ناچار به ترک کشور شده‌اند. آن‌ها بی‌آنکه تجربه و یا آموزشی در زمینه چاپ و نشر داشته باشند، برای انتشار آگاهی، مبارزه با سانسور و پاسداری از آزادی بیان به این کار روی آورده‌اند.

در ابتدا به شکلی غیر حرفه‌ای، و بر مبنای نیاز ایرانیان خارج کشور به نشر آنچه که در ایران ممنوع بوده پرداخته، و رفته‌رفته کار خود را گسترش داده و بر کیفیت آن افزوده‌اند.

تیراژ کتاب‌ها بسته به موضوع، نویسندگان و عامل‌های دیگر متفاوت بوده، و در طول سه دهه گذشته از صد تا پنج هزار نسخه نوسان داشته است. تعدادی از این کتاب‌ها به چاپ‌های دوم، و تعداد اندکی به چاپ‌های بیشتری هم رسیده‌اند، اما چند سالی است که تیراژ به شدت پایین آمده و میانگین کنونی آن از صد تا سیصد نسخه است.

البته بسیاری از کتاب‌ها، از جمله کتاب‌های شعر و کتاب‌هایی که نویسندگان آن شناخته شده نبوده‌اند به فروش نرفته و در انبارها مانده‌اند.

مخاطبان در ابتدا نسل اول پناهندگانی بوده که اغلب پیوستگی‌های سیاسی داشته‌اند. نسل دوم پناهندگان که در کشورهای اروپایی رشد کرده‌اند، زبان فارسی را چنان نمی‌آموزند تا بتوانند کتاب‌های فارسی را خوانده و بفهمند. اکنون پس از گذشت بیش از سی سال، مخاطبان اصلی همان نسل اول هستند. البته از سال ۲۰۱۰ موج تازه‌ای از پناهندگان به غرب روی آورده‌اند که فارسی می‌خوانند، اما توان خرید کتاب ندارند.

بعضی از ناشران کتاب‌هایی به زبان کشورهای میزبان منتشر کرده که تعدادشان بسیار اندک است.

بسیار کم پیش آمده که ناشری به یک نویسنده یا مترجم پیشنهاد کار بدهد، این امر پیش از همه به علت مشکلات مالی، و عدم اطمینان به بازار فروش است.

بیشتر این انتشاراتی‌ها توسط یک یا دو نفر اداره می‌شوند و تصمیم برای چاپ بر سنجشی که از ضابطه‌های خاصی پیروی کند، استوار نیست.

ناشران برای پخش از سیستم واحدی بهره نمی‌برند. آن‌ها کتاب‌ها را برای یکدیگر و برای کتابفروشی‌ها می‌فرستند، و از ارتباط‌های شخصی استفاده می‌کنند.

همه ناشرانی که با آن‌ها گفتگو شده از رعایت نکردن کپی‌رایت توسط ایران و بعضی از همکارانشان و نیز از انتشار بی‌اجازه آثار در اینترنت ناراحت بوده و به روشنی نگرانی خود را از ادامه آن ابراز داشته‌اند.

ناشران اصلی‌ترین مشکلشان را مالی می‌دانند که ادامه کار آنها را به سختی تهدید می‌کند. کار نشر علاوه بر آنکه

سودآور نیست، زیان هم دارد، و باید کمبود آن را از راه‌های دیگری تأمین کرد. بزرگ‌ترین عوامل این مشکل پراکندگی مخاطبان، هزینه گران پستی، نشر بی‌اجازه کتاب‌های چاپ شده در ایران و روی اینترنت و نداشتن سیستم اطلاع‌رسانی و تبلیغ است.

با توجه به مشکل اصلی ناشران که اقتصادی است، فروش کتاب‌ها و برگشت به موقع پول، ارجحیت دارد.

غیر از ناشران مقیم سوئد که توانسته‌اند به شکل محدود از امکان‌های این کشور استفاده کنند، هیچ یک از ناشران دیگر تاکنون کمکی دریافت نکرده‌اند.

ناشران ایرانی اروپا با یکدیگر در تماس هستند و در پخش با هم همکاری می‌کنند.

ناشران هنوز به طور جدی وارد حوزه نشر دیجیتال نشده‌اند.

ناشران در مورد انتشار یک کار مشترک نظر مثبتی دارند، اما در مورد محتوای آن پیشنهادهای گوناگونی ارائه داده‌اند، از جمله:

– یک کار مشترک با هدف قدردانی از نویسندگانی که بیشترین تأثیر را بر جامعه ایران داشته‌اند.

– چاپ مجموعه‌ای از قصه‌های عامیانه که تاکنون منتشر نشده، و یا انتشار مجموعه داستانی از نویسندگانی که هنوز شناخته شده نیستند، اما مورد تأیید نویسندگان سرشناس هستند.

– چاپ یک کار مشترک فارسی برای ایرانیان، افغان‌ها و تاجیک‌ها که شامل مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه خوب، از نویسندگان ناشناخته این کشورها باشد.

– اثری که در مقابله با سانسور باشد، مانند گلچینی از آثار پدیدآورندگان که به قتل رسیده‌اند و یا آنان که آثارشان ممنوع است.

– انتشار یک کار تحقیقی درباره زنان که هم زمان به چند زبان اروپایی هم منتشر شود و بهتر است که مخاطب آن اروپاییان باشند.

نتیجه

می‌توان چنین نتیجه گرفت که ناشران ایرانی در اروپا، چنانچه با یکدیگر همکاری کرده و از امکانات بهتری که بعضی از همکارانشان دارند استفاده کنند، می‌توانند در بخشی از هزینه‌های مالی و نیز زمانی صرفه‌جویی کنند.

اگر همکاری و استفاده از امکانات یک دیگر در زمینه چاپ، در پیوند با یک مرکز پخش مشترک که دارای انبار مناسبی هم باشد قرار گیرد، می‌توان هزینه‌های حمل و نقل، ارسال و انبارداری را نیز کاهش داد.

اگر در آمریکا نیز همکاری در زمینه چاپ صورت گیرد. و مرکز پخش مشترکی ایجاد شود، ناشران اروپا و آمریکا می‌توانند براساس پیمان نامه‌هایی تعداد نسخه‌های لازم برای هر کدام از این بخش‌های جهان را در همانجا چاپ کنند، که در این صورت به طور اساسی در هزینه‌های پستی، و نیز زمانی که برای ارسال صرف می‌شود، صرفه‌جویی و از وسوسه بعضی ناشران برای زیر پا گذاشتن حق کپی‌رایت جلوگیری خواهد کرد. علاوه بر این‌ها، هزینه‌های انبارداری

هم کاهش می‌یابد.

اینکه ناشری برای چاپ کتابی (برای نمونه) با شمارگان سیصد نسخه، آن را در دو یا سه نوبت منتشر کند، می‌تواند در هزینه انبارداری کاهش‌ی ایجاد کند، اما ممکن است برای پدیدآورنده سوء تفاهم بوجود آورد و باعث بی‌اعتمادی شود، مگر آنکه سیستمی برای کنترل ناشر ایجاد گردد.

ناشران برای پیدا کردن مخاطبان تازه و توان ادامه کاری به ناچار باید در جریان پیشرفت‌های این حرفه قرار گیرند. با توجه به تیراژ و فروش پایین، شیوه پرینت آن دیمانده می‌تواند آینده نشر فارسی در خارج کشور را تضمین کند. نباید فراموش کرد که کتاب براساس کارکرد و نه شکل آن تعریف می‌شود.

اکثر قریب به اتفاق ناشران در مورد رعایت کپی‌رایت نظر مثبتی دارند و پذیرفته‌اند که رعایت آن هم در حوزه نشر خارج کشور و نشر در ایران و در بُعد جهانی به سود همه است، پس می‌توانند این موضوع را جدی‌تر گرفته و در مورد آن نشست‌هایی برگزار کنند و به تصمیم‌های مشترکی

برسند. تماس با ناشران داخل ایران و تشویق آنان به رعایت کپی‌رایت و بر شمردن فایده‌های آن نیز، می‌تواند تأثیرات مثبتی همراه داشته باشد.

برای نشر خارج کشور، بیشتر از هر چیز لزوم یک سایت اطلاع‌رسانی مشترک ضروری به نظر می‌رسد. بی‌شک همه ناشران و کتابفروشان می‌توانند سایت اختصاصی خودشان را داشته باشند و لینک خود را به این سایت مشترک بدهند. چنین سایتی باید به طور حرفه‌ای اداره شود، کتاب‌ها را براساس استانداردهای بین‌المللی فهرست کند و دارای دکمه جستجو باشد و مرتب به روز شود. لازم است چنین سایتی به طور مرتب با کتابگزاران و منتقدان در تماس باشد و با پرداخت دستمزد، از آنان بخواهد تا معرفی و نقدهای دست‌اولی ارائه کنند. اگر چنین سایتی کیفیت لازم را به دست آورد، می‌تواند به یک سایت مرجع بدل شود تا سایت‌ها و رسانه‌های فارسی دیگر، با توجه به کپی‌رایت، از آن استفاده کنند. چنین سایتی باید بتواند به صورت آن‌لاین هم کتاب بفروشد. این سایت می‌تواند شامل تازه‌ترین اخبار جهان

کتاب، کاتالوگ کتاب‌هایی که تاکنون در خارج منتشر شده، گفتگو با نویسندگان و مترجمان، لیست تازه‌ترین کتاب‌ها، وبلاگی برای دانستن نظر خوانندگان و بسیاری چیزهای دیگر باشد. چنین سایتی دسترسی به ویراستاران کارآمد را هم آسان‌تر می‌کند. در چنین سایتی می‌توان به انتشار کتاب‌هایی هم که مشکل کپی‌رایت ندارند پرداخت. نباید فراموش کرد که داشتن و اداره کردن یک سایت پروسه‌ای زنده و فعال است که پیوسته نیاز به رسیدگی دارد.

برای فروش، گذشته از بهره‌وری از سایت‌های ناشران و کتابفروشان، همان‌طور که گفته شد، یک سایت مشترک پرتوان هم می‌تواند کمک‌های زیادی بکند. گذشته از این‌ها برای آگاهی‌رسانی، می‌توان از فیس‌بوک، ایمیل، اس‌ام‌اس و امکانات خود پدیدآورنده و نیز جلسه‌های معرفی نویسنده یا کتاب هم بهره برد. در جریان گذاشتن رسانه‌های صوتی و تصویری سراسری و محلی، و گاهنامه‌های گوناگون را نیز نباید از قلم انداخت.

این را هم باید افزود که ناشران باید سایت خودشان را

جدی‌تر بگیرند. برای نمونه هنگامی که کار تازه‌ای در یک سایت انجام می‌شود، و یا تغییری در داده‌ها به عمل می‌آید (مانند تغییر نرخ یک کتاب)، لازم است که هر چه زودتر به اطلاع دیگر همکاران برسد. این موضوع از این رو اهمیت بیشتری می‌یابد، که همه ناشران خارج کشور به کتابفروشی نیز مشغولند. برخی از ناشران وقت و هزینه زیادی صرف سایت خود کرده‌اند که دیگر ناشران می‌توانند از چنین امکانات حاضر و آماده‌ای بهره‌برداری‌های بسیار زیادی بکنند. ناشران خارج کشور با توجه به اینکه مشکلات مشترک و هدف‌های مشابهی دارند، می‌توانند با همکاری نزدیک‌تر، به موفقیت‌های بیشتر و دست‌آوردهای بهتری برسند.

وضعیت نشر در افغانستان

علی امیری

مقدمه

افغانستان واقعیت جغرافیایی و فرهنگی جدیدی است که از دوران احمدشاه ابدالی و به طور دقیق با بنیانگذاری سلسله ابدالی‌ها توسط خود او آغاز می‌شود و با گذار از تفرقه و تشتت و جنگ‌های خانگی به دوران کنونی پیوست می‌گردد. این دوران که حدودی نزدیک به سه قرن (۱۷۴۷-۲۰۱۱) را در برمی‌گیرد، از حیث فعالیت و نشاط فرهنگی و توجه به نشر و کتاب و تأثیر تاریخی و فرهنگی نه تنها یکی از فقیرترین دوره‌های تاریخ افغانستان، بلکه یکی از

تاریک‌ترین و دهشتناک‌ترین دوره‌های تاریخ در این حوزه تمدنی نیز به شمار می‌رود. سخن گفتن از یک نظام دقیق نشر و توزیع کتاب و فرایند تولید و عرضه در بازار در این دوره به نسبت طولانی، مطلقاً بی معنا است. در تمام این دوره از حیث اقتصادی فقر، از لحاظ فرهنگی جهل و از نظر سیاسی استبداد بر مردم افغانستان سیطره داشته است. استیلای سه عنصر همبسته «فقر»، «جهل» و «استبداد» بر مردم افغانستان به گونه‌ای است که یکصد و هفتاد سال بعد از تأسیس واحدی جغرافیایی و سیاسی به نام افغانستان، در دوران اصلاحات امانی که اکنون در چشم و دل همه فرهنگیان و روشنفکران افغانی حیثیت دوره طلایی را یافته است، به قول مورخ فقید معاصر میر محمد صدیق فرهنگ «حتی یک نفر کارشناس در شق حقوق و قانون وجود نداشت»^{۹۱} و نظام نامه‌های امانی را که اکنون می‌توان به عنوان نخستین نشانه‌های گذار از هرج و مرج به نظم و قانون تلقی کرد، یک افسر ترک به نام «بدری بیک» تنظیم کرده بود.

۹۱ میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، نشر و صحافی احسان، قم، ایران، ۱۳۸۰، ص ۵۴۵.

این وضعیت البته مسبوق به سابقه بود و از دورانی که تیموریان هرات (سده پانزدهم و شانزدهم میلادی) دچار زوال شدند، تا زمانی که احمدشاه ابدالی افغانستان را به مثابه یک واقعیت سیاسی و جغرافیایی جدید پایه‌ریزی کرد، سرزمینی که اکنون افغانستان خوانده می‌شود، از حیث فرهنگ و ادب دچار رکود و فترت بود. در دربار احمدشاه یک حلقه کوچک فرهنگی و ادبی شکل گرفت که تا دوران تیمورشاه ادامه یافت، اما در اثر نفاق پسران شاه در دوره‌های بعدی دوباره از میان رفت (۱۷۴۷-۱۷۸۷). دورهٔ چهل ساله میان مرگ تیمورشاه و لشکرکشی انگلیسی‌ها، به قول آقای فرهنگ: «یکی از دردناک‌ترین و تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ افغانستان است.»^{۹۲} بدیهی است که در چنین حال و فضایی زمینهٔ مساعد برای نشر فرهنگ و در نتیجه توجه و علاقه به کتاب مهیا نباشد.

شروع دوران سدوزایی‌ها نیز از حیث علاقه به کتاب و فرهنگ فاقد نکته‌هایی امیدوارکننده بود. مورخین افغانی امثال ملافیض محمد کاتب هزاره، علی احمد کوهزاد،

میرغلام محمد غبار و فرهنگ به این بی‌علاقگی به فرهنگ و بی‌سوادی خاندان سدوزایی با اندک تفاوتی به اجماع اشاره کرده‌اند. برای نمونه، آقای فرهنگ در خصوص بنیان‌گذار سلسله سدوزایی نوشته است: «امیر دوست محمد خان نخستین امیر این خاندان سواد درستی نداشت و بنا بر این به شعر و ادب و امور ذوقی و علمی اساساً بی‌علاقه بود.»^{۹۳} به سبب همین بی‌علاقگی و در برخی موارد بی‌سوادی زمامداران و تفرقه و نفاق خاندان‌های حاکم و منازعات خونین و دراز مدت بر سر قدرت، توجه به کتاب و صنعت نشر در افغانستان نسبت به همسایگان و سایر مردمان منطقه بسیار با تأخیر و کندی صورت گرفت.

تاریخچه نشر در افغانستان

منابع معتبری که به تاریخ نشر و چاپ در افغانستان توجه کرده باشد به حد کافی در دسترس نیست، اما، برابر روایت‌های موجود، نخستین بار در عهد امیر شیر علی خان (۱۸۶۳-۱۸۸۰) بود که چاپخانه وارد افغانستان شد. اگر به

۹۳ همان اثر، ص ۳۱۱.

خاطر بیاوریم که دیرها پیش از این صنعت چاپ و نشر در هند برتانوی و ایران قاجاری رایج شده بود، و اگر باز هم در نظر بگیریم که در دولت عثمانی نخستین دستگاه چاپ در سال ۱۷۳۰ یعنی حدود صد و پنجاه سال پیش از رواج این فن آوری در ایران به کار افتاده بود، درک می‌کنیم که افغانستان کار نشر و چاپ را نسبت به همسایگان خود چه اندازه دیر و با تأخیر و فاصله بسیار آغاز کرده است.^{۹۴} به هر حال، در مورد شروع و آغاز صنعت نشر در افغانستان، رسول رهین در «تاریخ مطبوعات افغانستان» نوشته است: «افغانستان برای بار نخست در عصر امیر شیر علی خان دارای مطابع سنگی گردید.»^{۹۵} آقای رهین در تفصیل این مطلب آورده است که «کتب و رساله‌های که تا آن وقت به زحمت تمام نسخه‌برداری می‌شد و یا در مطابع هندی به چاپ می‌رسیدند دیگر بدون زحمت و تکلیف در شهر کابل زیر ماشین چاپ فرستاده می‌شدند و از یک نسخه هزاران نسخه به چاپ می‌رسید که گویا از یک طرف انحصار کتاب

۹۴ ر.ک. محمد امین ریاحی، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، آژنگ، ایران ۱۳۶۹، ص ۳۲۸ و بعد.

۹۵ تاریخ مطبوعات افغانستان، جلد اول، نشر میوند، کابل ۲۰۰۷، ص ۶۰.

از سلطه سلاطین، ارکان‌های بزرگ دولت و ثروتمندان بیرون آمد و از جانب دیگر کتابخانه‌های افغانستان از کتب و آثار ملی افغانستان مملو گردید.^{۹۶} بی‌تردید شرح آقای رهین آکنده از مبالغه و زیاده‌روی است. هیچ کس، به شمول خود آقای رهین، مدرکی نشان نداده است که کتاب‌های چاپ شده این دوره به بیش از ۵۰ عنوان رسیده باشد، چه رسد به اینکه «کتابخانه‌های افغانستان از کتب و آثار ملی افغانستان مملو» گردیده باشد. اما به هر حال قدر مسلم آن است که در عهد امیر شیرعلی خان، حداقل، سه مطبعه (چاپ‌خانه) به نام‌های «مطبعه مرتضاوی» (مرتضوی)، «مطبعه مصطفاوی» و «مطبعه شمس النهار» وجود داشته و برابر روایت آقای رهین «اولین اثری که در مطبعه مصطفاوی (مصطفوی) به چاپ رسیده است رساله «شهاب ثاقب در رد وهابیان کاذب» نام دارد. این رساله در ۱۸۶۵ میلادی به چاپ + رسیده است»^{۹۷} کتاب‌های چاپ شده در این مطابع بسیار اندک و اغلب با مضامین مذهبی و نظامی

۹۶ همان منبع پیشین.
۹۷ همان. منبع پیشین

می‌باشند و با توجه به حجم محدود آثار نشر شده، می‌توان گفت اغلب آن‌ها شکل جزوه‌های تبلیغی و آموزشی را دارا بوده‌اند که در تیراژ محدود و در واقع برای مخاطبین خاص منتشر می‌شده‌اند.

دوران امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱)، دوران دهشت و خشونت بود. صدیق فرهنگ بعد از اشاره به وضع فرهنگی و شعر و ادب نوشته است که: «در ساحه نثر نیز از این دوره آثاری زیادی نداریم و تالیفات محدودی که به میان آمده عموماً در فقه، حدیث، تصوف و سایر علوم منقول می‌باشد.»^{۹۸} با این حال برخی کتاب‌های تاریخی هم در این دوره به نشر رسیده است که «گلشن امارات» از نور محمد نوری، «پادشاهان متأخر افغانستان» از میرزا یعقوب علی خافی از آن جمله است و کتاب‌هایی چون «وعظ نامه»، «تقویم الدین»، «ترغیب جهاد» و از همه مهمتر «دیوان عایشه درانی» نیز در همین عصر به چاپ رسید.^{۹۹}

در دوران جدید، یعنی دوره‌ای که اندیشه‌های تجدد خواهی

۹۸ افغانستان در پنج قرن اخیر، چاپ ایران (قم)، ۱۳۸۳، ص ۴۴۱.
۹۹ ر.ک. فرهنگ، ص ۴۴۲.

در دور و بر افغانستان، شعله‌های نوخواهی و نوگرایی را در میان مردم و اقشار نسبتاً تحصیل کرده افروخته است، جدی‌ترین تحرک در عرصه نشر و چاپ کتاب، بی‌تردید در عهد امیر حبیب‌الله خان (۱۹۰۱-۱۹۱۹) صورت گرفت. امیر حبیب‌الله در میان شاهان سدوزایی یکی از نوآورترین و در عین حال با سوادترینشان بود. در دوران امیر حبیب‌الله یک مطبعه به نام «مطبعه عنایت» زیر نظر برادر او سردار عنایت‌الله خان فعالیت می‌کرد. این دوران را به طور نسبی می‌توان یکی از دوره‌های طلایی چاپ و نشر در افغانستان دانست. در این دوران ضمن انتشار هفته‌نامه مشهور و نسبتاً تأثیرگذار سراج الاخبار، به مدیریت محمود طرزی، سلسله‌ای از کتاب‌ها در مطبعه عنایت به همت سردار عنایت‌الله خان و تشویق و مشارکت محمود طرزی به نشر رسید که در صدر آن از چاپ سه جلدی کتاب سراج التواریخ (طبع دارالسلطنه کابل) اثر فیض محمدکاتب هزاره، برجسته‌ترین تاریخ‌گزار افغانستان که در کشور خود لقب افتخارآمیز «بیهقی معاصر» را یافته است، میان سال ۱۹۱۳

تا ۱۹۱۵ میلادی، باید نام برد. سراج التواریخ هر چند جلد سومش بلافاصله بعد از نشر توقیف گردید، ولی نشر این بزرگترین و مفصلترین کتاب تاریخ افغانستان، بی‌تردید رویدادی مهم در تاریخ نشر افغانستان به شمار می‌رود. کتاب نسبتاً قابل توجه دیگر «محاربه روس و جاپان» اثر دو تن از افسران نظامی ترک با ترجمه محمود طرزی و برخی از داستان‌های ژول ورن به ترجمه همین مترجم است که از لحاظ آشنایی با اندیشه تجدد و جوانه‌های آغازین نوخواهی نیز بسیار مهم است. وضعیت چاپ و نشر در چند سال دوران اصلاحات امانی (۱۹۲۳-۱۹۲۸) مثل گذشته ادامه یافت و در برخی موارد حتی از رشد و رونق برخوردار گردید. اما در دوران سقوی (۱۹۲۸) و بعد نادر شاهی (۱۹۲۹-۱۹۳۲) و سی سال اول دوران ظاهر شاه (۱۹۳۲-۱۹۶۳) که به دوران حاکمیت پسرعموها (دوران صدرات سردار محمد هاشم، سردار شاه محمود و سردار محمد داود) مشهور بود، نشر و کتاب در افغانستان رونقی نداشت. تا اینکه در دوران دموکراسی (دهه قانون اساسی ۱۹۶۳-۱۹۷۳) دوباره اندکی

جان گرفت. در دوران قانون اساسی نیز چنان که صباح الدین کشکی در یگانه اثر نسبتاً جدی که از این دوران داریم، توضیح داده است، اغلب وقت حکومت و نیروهای سیاسی و فرهنگی فعال جامعه به جدلهای سیاسی گذشت و به خصوص بخش معارف و مراکز علمی و دانشگاهی بیش از هر زمان دیگر به ابزاری برای جدلهای سیاسی بدل شد.^{۱۰۰} با این حال به دلایل معین عقیدتی و اجتماعی نشر کتاب هم نسبت به گذشته رونق گرفت. نوشته‌های اسلام‌گرایان مصری، به خصوص سید قطب در این دوره‌ها به منظور برطرف کردن نیازهای باورمندان قشر اسلام‌گرا ترجمه و نشر می‌شد. ترجمه کتاب «اسلام و عدالت اجتماعی» اثر سید قطب و «سیاست شرعی» اثر ابن تیمیه، هر دو زیر نظر مولوی محمد یونس خالص، که بعدها یکی از رهبران بنیادگرای جهاد افغانستان شد، جهت گیری ایدئولوژیک نشر را در این دوره به خوبی نشان می‌دهد. ناشر این آثار مجمعی به نام «انجمن تربیه و تنویر افکار» بود که آشکارا

۱۰۰ ر. ک. دهه قانون اساسی، صباح الدین کشکی، انتشارات میوند، کابل، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، (فصل پنجم) ص ۱۴۱ و بعد.

طنین عقیدتی داشت. دوران جمهوری داود خانی (۱۹۷۴-۱۹۷۹) و یک سال و سه ماه اوایل دوران دولت چپ (شامل دوران ریاست جمهوری نورمحمد ترکی، حفیظ الله امین ۱۹۷۹-۱۹۸۱) نیز برای نشر و کتاب در افغانستان فاجعه بار بود. اما در دوره‌های بعدتر این رژیم که با حضور نیروهای نظامی شوروی در افغانستان هم زمان است یعنی دوران ریاست جمهوری ببرک کارمل و دکتر نجیب‌الله (۱۹۸۱-۱۹۹۲) «انجمن نویسندگان افغانستان» که توسط اشخاصی چون رهنورد زریاب و اکرم عثمان مدیریت می‌شد، در بخش شعر و داستان کتاب‌هایی را به نشر رساندند که هر چند رنگ ایدئولوژیک غلیظی داشتند ولی باز هم غنیمتی بود برای جامعه فرهنگی آن روزگار و فصل به نسبت پرباری در تاریخ نشر این سرزمین به شمار می‌رود.

نشر مستقل در افغانستان

تاریخ کتاب در افغانستان در دوران جدید کم‌تر با پدیده نشر مستقل آشنا است. تا مدت‌ها یگانه متصدی چاپ و نشر

«وزارت مطبوعات» و به خصوص «ریاست تألیف و ترجمه» بود که در چارچوب این وزارت خانه تشکیل شده بود. در دوران بعدی «وزارت مطبوعات» به «وزارت اطلاعات و کلتور» تغییر نام داد و انتشارات بیهقی که در چارچوب تشکیلات وزارت اطلاعات و فرهنگ فعالیت می کرد، یگانه ناشر کتاب در افغانستان بود. با وجود اینکه در قانون مطبوعات دوران ظاهرشاهی در دههٔ چهل حق ایجاد مطابع آزاد به اشخاص حقیقی داده شده بود، در عمل تا دوران بعد از طالبان هیچگونه مطبعه یا چاپخانه خصوصی وجود نداشت و حتی یک کتاب هم توسط بخش خصوصی به نشر نرسیده است. این بدان معنا است که در یک دورهٔ نزدیک به یک قرن حق نشر و چاپ منحصراً در اختیار دولت بوده است. نشر مستقل در افغانستان به لحاظ تاریخی پدیده‌ای کاملاً بیگانه و در واقع عدمی است. تنها در دوران جدید می توان از نشر مستقل، آن هم تنها در بعد حقوقی و بسترهای قانونی آن، یاد کرد و هنوز زمان زیادی لازم است تا این تمهیدات حقوقی به ظهور صنعت نشر مستقل و فعال و متناسب با

نیازمندی‌های بازار و تقاضاهای فزاینده منجر گردد. باید این نکته را، اما، به درستی توضیح داد که ظهور نشر مستقل در عرصه کتاب تنها به اراده حکومت‌ها و باز یا بسته بودن نظام سیاسی وابسته نیست، بلکه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی کشور نیز ربط می‌یابد. در افغانستان دور جدید، کتاب به مثابه کالا یا یک امر مورد احتیاج و نیازمندی فرهنگی از بنیاد دچار مشکل بود. به دلیل فقر گسترده و استیلای جهل و بی‌سوادی و رکود و فترت ادبی و فرهنگی دیرپای و دراز آهنگ، اصلاً رسم تألیف و نگارش مطلقاً از میان رفته بود، به گونه‌ای که امیر عبدالرحمن در تاج التواریخ شکایت می‌کند که در تمام مملکت من یک نفر قلم به دست و میرزا (منشی) یافت نمی‌شود.^{۱۰۱} این وضعیت، تألیف کتاب را در افغانستان ناممکن کرده بود و هیچ اثری تألیف نمی‌شد چه رسد به اینکه اکنون راجع به مراحل تولید و نشر و توزیع آن بحث کنیم.

۱۰۱ امیر عبدالرحمن خان، تاج التواریخ، کابل، میوند، ۱۳۸۳، ص. ۲۶۳ و بعد. این کتاب خاطرات عبدالرحمن است که کمی از آن در دوران تبعید امیر در سمرقند تحریر شد و در کابل توسط امیر به نام «پندنامه دنیا و دین» توسط وی نشر شد. این کتاب توسط منشی سلطان محمد از مردم هند که به عنوان منشی و مترجم در دربار عبدالرحمن کار می‌کرد، به انگلیسی تحریر شد و ترجمه پارسی آن توسط منشی غلام مرتضی قندهاری به نام تاج التواریخ در مشهد و بمبئی چاپ شد. رجوع شود به: فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ص ۴۳۵.

به لحاظ تحول اقتصادی هم افغانستان در حدی نبود که به پدیده‌هایی چون نشر و کتاب و در مجموع فرهنگی به دید بازار به معنای امروزی کلمه نگاه کند. درست است که مالکیت خصوصی در افغانستان همیشه وجود داشته و همواره در بخش‌های اقتصادی قلمروهایی دور از دسترس حکومت قرار داشته است، اما بخش خصوصی به معنایی که امروز می‌شناسیم، هیچگاه در افغانستان وجود نداشته است و بنابراین اگر امکان و توانایی نشر کتاب به لحاظ اقتصادی هم موجود بود، ذهنیت آن وجود نداشت. بدین روی تا دوران جدید که با تصویب قانون اساسی جدید افغانستان (۲۰۰۲) آغاز می‌شود، سخن گفتن از نشر مستقل بی‌معنا است.

در دوران جدید هم از حیث واقعیت عینی و حجم فعالیت‌ها و هم از حیث بسترهای حقوقی و قانونی در صنعت نشر در افغانستان تحولاتی بنیادی رونما شده است که بایستی تأثیرات آن را در آینده، بر کار نشر و چاپ دید. اما هم اکنون نیز طلیعه‌های کار از یک آغاز خوب حکایت

می‌کند. آزادی‌های نشر و بیان، ضمانت‌های قانونی پیدا کرده است، آزادی بیان به منزلهٔ یک حق به رسمیت شناخته شده است و پایه‌های یک جامعه مدنی که لابد به نیازهای فرهنگی بیش از گذشته دامن خواهد زد، گذاشته شده است. با این حال اما، به رغم عدم موانع قانونی و آزادی فعالیت شهروندان در عرصهٔ طبع و نشر، بعید به نظر می‌رسد که تعداد ناشران ثبت شده به تعداد انگشتان یک دست برسد. با وجود این، اما فعالیت‌های نشر و چاپ نسبت به ده سال قبل رونق و جنب و جوش بیشتری یافته است. برخی از سازمان‌های انتشاراتی مانند «انتشارات امیری»، «انتشارات سعید»، «انتشارات تاک» در بخش‌های ادبیات داستانی و «انتشارات آرمان شهر» در حوزه ادبیات و عدالت انتقالی، به رغم دشواری‌ها و مشکلاتی که داشته‌اند، سیمای نشر و توزیع را دگرگون کرده‌اند.

در بخش نشر دانشگاهی نیز طلیعه‌های ظهور نشر مستقل را می‌توان به عیان مشاهده کرد. قبلاً این حوزه مطلقاً در اختیار حکومت قرار داشت. علاوه بر نشر بی‌هقی که در

چارچوب وزارت اطلاعات و فرهنگ به کار نشر می‌پردازد، از سه مرکز طبع و تولید کتاب دولتی باید یاد کرد که دست اندرکار نشر دانشگاهی و علمی بودند. یکی «انجمن تاریخ» که در دهه چهل و تا حدودی پنجاه بسیار فعال بود و در دهه شصت «انجمن نویسندگان افغانستان» جای آن را گرفت. مرکز دوم آکادمی علوم افغانستان بود که باز هم در دهه شصت فعال‌تر بود و اکنون توانایی نشر کتاب در استان‌های منطقه‌ای و ملی را هم ندارد. جلد اول «دایره‌المعارف آریانا» که اخیراً توسط آکادمی علوم افغانستان دوباره نشر شده است، نسبت به دوره‌های قبلی این دایره‌المعارف دچار چنان افت محتوایی است که هیچ چیز نمی‌تواند به اندازه این اثر، وضعیت آشفته نشر و اوضاع اسفناک دانش در افغانستان را در بخش دولتی نشان دهد. مرکز سوم انتشارات دانشگاه کابل بود که باز هم اوج فعالیت‌های انتشاراتی‌اش در دهه چهل و شصت بود. اکنون در کنار این مراکز دولتی چاپ و نشر دانشگاهی، مراکز خصوصی دانشگاهی نیز آهسته آهسته فعال شده‌اند

و دانشگاه‌های خصوصی نیز در تلاش ایجاد مؤسسات انتشاراتی خود هستند. اخیراً «انتشارات مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا» به کار آغاز کرده است که نشان از تلاش بخش خصوصی برای ظهور در تمامی عرصه‌ها می‌دهد و با توجه به تقاضای فزاینده که برای دسترسی به منابع علمی معتبر وجود دارد، می‌توان امیدوار بود که این عرصه به زودی دچار تحول شود.

ساختار نشر در افغانستان

یکی از دشواری‌های نشر در افغانستان، فقدان یک ساختار مناسب است. چنان که در پیش‌گذشت، نشر کتاب در افغانستان هیچ‌گاه به یک صنعت بدل نشد. بر فعالیت‌های چاپ و نشر همیشه سایه سنگین ایدئولوژی رسمی سیطره داشت و چاپ و نشر حق انحصاری دولت بود. در دوران جدید که نشر آزاد بستر حقوقی و قانونی پیدا کرد، می‌توان گفت که نشر افغانستان به کلی فاقد ساختار شده است. به این معنا که نه حکومت سرمایه‌گذاری لازم را در بخش

تألیف و نشر کرده است و نه بخش خصوصی توجه و اهتمام لازم را به کار نشر و تألیف داشته است. هیچگاه یک سیستم توزیع مناسب که مراحل تولید کتاب را از نگارش تا نشر و تا عرضه در برگیرد، وجود نداشته است. از نشریات آموزشی که در گذریم که همه در اختیار دولت است، هیچ قاعده و قراری بر بازار نشر حکم فرما نیست. هیچ قانونی که از حق نویسنده و مؤلف در عمل حمایت کند وجود ندارد. قانون کپی‌رایت که اخیراً از تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی گذشته است، خود هم مشکلات و ابهامات بسیار دارد و هم فاصله زیادی تا مرحله اجرایی شدن آن وجود دارد. نویسندگان جوان اغلب در حوزه شعر و داستان فعالند. کمتر ناشری وجود دارد که اقدام به تولید یک اثر کند و مرحله نوشتن تا عرضه را طی نماید. بلکه انبوهی از ناشران خرده پا وجود دارند که با استفاده از ناگزیری‌های بازار به نشر غیر قانونی و نشر کتاب‌های مورد نیاز بازار به طور غیرقانونی و حتی با کاستن اوراق کتاب می‌پردازند و کوچک‌ترین مسئولیتی در قبال ناشر اصلی و مؤلف و در قبال مشتری

بر عهده ندارند. کتاب‌های چاپ ایران به خصوص از شهر مشهد که به طور تجاری وارد می‌شود متناسب با نیاز بازار به گونه‌افست در پيشاور چاپ شده با قيمت نازل و كيفيت پايين‌تر از متن اصلي به فراواني در بازار عرضه مي‌شود. در ميان آثاري كه به اين طريق به بازار عرضه مي‌شود، كتاب‌هاي حليم و چندجلدي چون «لغت نامه دهخدا» و «تفسير خواجه عبدالله انصاري» هم ديده مي‌شود. نشر كتاب در افغانستان بيشتر بستگي به توان، شوق و توانايي مالي نويسنده دارد تا يك قاعده و قرار مبتني بر عرضه و تقاضا. كتاب در افغانستان كنوني يك فرايند مشخص را از مرحله نوشتار تا بازار و رسيدن به دست مشتري را به طور دقيق و تعريف شده طي نمي‌كند.

در واقع چنين سيستمي وجود ندارد و نويسنده بايد به ابتكار شخصي خود اثر خود را نشر كند. برخي به صورت نويسنده - ناشر آثارشان را نشر مي‌كنند، برخي بدون حق التاليف نوشته‌شان را به ناشران واگذار مي‌كنند و حتي برخي براي نشر كتابشان به كمك گرفتن از سازمان‌هاي غيردولتي

نیز روی می آورند.

بازار کتاب در افغانستان

بازار کتاب در افغانستان به شدت یک سویه بوده است. بدین معنا که افغانستان در یک حد محدود تنها مشتری کتاب بوده است و هیچگاه مقام تولید کننده و عرضه کننده کتاب را نداشته است. افغانستان با اوضاع و احوالی که اندکی از آن در پیش گفته شد، در موقعیتی نبوده است که به کشورهای همسایه کتاب صادر کند و یا وارد داد و ستد فرهنگی با آنها گردد. بنابراین، سخن گفتن از بازار کتاب در افغانستان بیشتر به این معنا است که چه حوزه‌هایی نشر و کدام بازارهای کتاب در افغانستان تأثیر داشته است. با توجه به این نکته می‌توان گفت که، از آغاز دوران جدید، بازار کتاب افغانستان به شدت تحت تأثیر مراکز بیرون از افغانستان بوده است.

سه مرکز نشر در خلال یک صد سال گذشته بازار محدود کتاب در افغانستان را تحت تأثیر قرار داده بود: آسیای

میان، هند و ایران.

مناسبات افغانستان و آسیای میانه پیشینه تاریخی بلند دارد. از حیث تاریخی سمرقند و بخارا به حوزه تمدنی بلخ مربوط می‌گردد و تا دیرها دو سوی آمو یک حوزه فرهنگی با ویژگی‌های همسان را تشکیل می‌دادند. در دورانی که صنعت چاپ در میان ملل شرق رایج شد، بخارا یکی از مراکزی بود که زودتر به کاروان تجدد پیوست و از آن جمله، حرکت‌ها و اقداماتی در عرصه نشر و طبع کتاب در این شهر شروع به کار کرد. به دلیل پیوستگی‌های فرهنگی تأثیر بخارا و حوزه‌های پیرامونی آن چون تاشکند و سمرقند و در مجموع حوزه فرهنگی آسیای میانه و از جمله در بخش کتاب بر افغانستان طبیعی بود. بخارا و شهرهای اقماری آن تا دیرها وقت حیثیت «شهرکتاب» را به خصوص برای ساکنان بخش‌های شمالی تر افغانستان داشت. قاری تاج محمد خجندی، قاری غوث‌الدین و قاری جلال‌الدین صدیقی از تاجران معروف کتاب‌های طبع بخارایی افغانستان بودند. این وضعیت به صورت جسته و گریخته تا میانه دهه شصت

دوام یافت. اما تأثیرگذاری واقعی این حوزه دیری نپایید. حوزه بخارا از یک طرف با جمودفکری و حاشیه نویسی و ظاهرگرایی مواجه شد و از سوی دیگر نفوذ بلشویک‌ها و سرانجام قرار گرفتن این منطقه در حوزه نفوذ سیاسی شوروی دامنه تأثیرگذاری آن را بر مناطق پیرامونی از جمله افغانستان محدود کرد. صدرالدین عینی نویسنده مشهور بخارایی در کتاب خاطرات خود با عنوان «تاریخ انقلاب فکری در بخارا» نوشته است: «از عهد عبدالله خان و بعد از آن در بخارا مؤسسات علمیه بسیار بنا یافت، اوقاف زیاد شد. علماء نیز برای تأسیسات وقفیه به حمایت پادشاهان رجوع کرده، از مقصد اصلی خودشان بازماندند. خلاصه رفته رفته اصول فقه و ادبیات عرب نیز از جدول درس برآمد. عاقبت در حواشی خوانی چنان غلو رفت که متون بالکلیه از میان بیرون شد. آخر، تمام خواندن شرح‌های معروف مثل شرح ملا، شرح عقاید نسفی، شرح عقاید عضدی، شرح تهذیب، شرح حکمه العین نیز ترک شد.^{۱۰۲}» بدیهی است که این وضعیت موقعیت تأثیرگذار بخارا را زایل کند، گر

۱۰۲ تاریخ انقلاب فکری در بخارا، صدرالدین عینی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۲.

چه هنوز هم بسیاری از مدارس دینی به خصوص در شمال افغانستان بر الگوی مدارس بخارایی ترتیب شده است و برخی متون درسی (مانند عقاید النسفیه در کلام ماتریدی) میانشان مشترک می‌باشد. هنوز هم برخی دوستان کتاب و کتاب‌خوانان افغانستان کتاب‌های چاپ بخارا اگر نه تنها به عنوان یک کتاب بلکه نشانی از یک دوران که بخارا و سمرقند حیثیت کانون فرهنگ و نشر کتاب را داشته است، در کتابخانه‌های شخصی خود محفوظ داشته‌اند. با حاکمیت بلشویک‌ها در بخارا و مناطق اطراف آن، مناسبات با آسیای مرکزی محدود شد و این محدودیت طبعاً تأثیر خود را بر محصولات فرهنگی و مخصوصاً کتاب نیز بر جا نهاد.

مرکز دوم که بر بازار کتاب افغانستان تأثیر داشت، شبه قاره هند بود. بسیاری از اهل فضل و فرهنگ افغانستان مناسبات فرهنگی با هند را به عهد حملات محمود غزنوی به هند و «تحقیق ماللهند» اثر نامدار ابوریحان بیرونی می‌رسانند. اما صرف نظر از واقعیت‌های تاریخی گذشته، افغانستان به دروازه هند معروف است و بسیاری از کتاب‌های چاپ هند

هم اکنون نیز در افغانستان یافت می‌گردد. مناسبات فرهنگی میان افغانستان و هند به خصوص هند شمالی و مسلمانان هند بسیار گسترده بوده است. در نهضت مشروطیت، یک رکن اصلی جنبش مشروطه معلمان هندی بودند که در کتاب «جنبش مشروطیت در افغانستان» نوشته عبدالحی حبیبی فصلی به کار و کارنامه و معرفی آنها اختصاص داده شده است. آقای حبیبی نوشته است: «در حدود ۱۹۰۳ هنگامی که دارالعلوم حبیبیه در کابل گشوده شد، در آنجا علاوه بر برخی دانشمندان افغانی، برای تدریس علوم طبیعی و ریاضی و جغرافی، به وجود برخی از معلمان خارجی نیاز افتاد. زیرا افغانستان متخصص در علوم تجربی جدید نداشت ... بنابراین به این فکر افتادند که برخی از معلمان مسلمان را از مستعمره هندی انگلیس به مکاتب خود بیاورند».^{۱۰۳}

حبیبی در ادامه از دکتر عبدالغنی و برادرانش و شخصی به نام مولوی محمد حسین یاد می‌کند که هم در نشر اندیشه‌های تجدد و گسترش معارف جدید در افغانستان سهم داشته‌اند و هم در نهضت مشروطیت به طور عملی فعال بوده‌اند و به

۱۰۳ عبدالحی حبیبی، جنبش مشروطیت در افغانستان، کابل، کمیته دولتی طبع و نشر، ۱۳۶۲، ص ۶۲.

خصوص عبدالغنی موصوف مدت‌ها (حدود سیزده سال) در زندان بوده است. مولوی محمد حسین موصوف کتاب‌های زیادی در رشته‌های ریاضیات، علوم طبیعی و حتی تاریخ تألیف و طبع کرد. از نوشته‌های او که حکم خاطره و تاریخ را دارد «افغان پادشاه» و «انقلاب افغانستان»، هر چند به گفته آقای حبیبی از جهت گیری‌های سیاسی خاص خالی نیست، اما حاوی مشاهدات شخصی نویسنده بوده و بنابراین قابل یادآوری خاص است. رسول رهین در اثر مذکورش که پیش‌تر هم از او یاد کردیم، نیز یادآور شده است که پیش از شروع صنعت چاپ در افغانستان، کتاب‌های چاپ هند در افغانستان مورد استفاده بوده است. در دههٔ چهل تجارت کتاب از هندوستان، در حکم یک تجارت با رونق اما محدود محسوب می‌شد. معروف‌ترین تاجران کتاب‌های هندی در دههٔ چهل در بازار قندهار حاجی محمد رفیق و حاجی عبدالغفار بودند. گویی بر آثار بخارایی که به افغانستان وارد می‌شد، بیشتر جنبهٔ ادبی و تصوفی غالب بوده است مانند «هفت اورنگ جامی»، «دیوان شاه نقشبند»، «رشحات

عین الحیات» و «دیوان حضرت غوث اعظم» در حالی که کتاب‌های وارده از هند بیشتر جنبه تاریخی داشته است مانند «عمل صالح» یا شاه جهان نامه، «تاریخ فرشته»، «تاریخ سرجان مالکم» و «تاریخ سلطانی».^{۱۰۴}

مرکز سوم که بر بازار کتاب افغانستان تأثیر اساسی داشته است، ایران بوده است. اما ایران به تدریج که دو مرکز قبلی دامنه‌های نفوذش در افغانستان محدود می‌شود، جای پای در بازار نشر و کتاب افغانستان پیدا کرد. برابر اسناد و روایت‌های موجود از اواخر دوران قاجار کتاب‌های چاپ مشهد و تهران و تبریز کم و بیش در افغانستان برای محدود اهل فضل افغانستان قابل دسترسی بوده است، اما ورود انبوه محصولات فرهنگی ایران عمدتاً در دهه دموکراسی و دوران جمهوریت داودخانی صورت گرفت. در همین دوران مناسبات فرهنگی میان ایران و افغانستان نیز گسترش یافت و اشتراک دانشمندان دو کشور در چاپ و نشر و تصحیح

۱۰۴ در خصوص تأثیر بازار کتاب هند و آسیای میانه بر افغانستان هیچ اثر مکتوب و مستقلی وجود ندارد. در این خصوص باید به روایت شفاهی اهل خیره اتکا کرد. برخی از معلومات مربوط به تجارت کتاب‌های هندی و بخارایی را از معلومات آقای وسیم امیری ناشر و فروشنده که چندین نسل دست اندرکار نشر و تجارت کتاب بوده‌اند و اکنون نیز از فعالین عرصه نشر خصوصی هستند، در یک گفتگوی خصوصی در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱۵ استفاده کرده‌ام.

آثار مکتوب و میراث مشترک به خصوص مآثر تاریخی زبان فارسی رونق گرفت.

بسیاری از کتاب‌هایی که توسط دانشمندان افغانی تصحیح می‌شد، در ایران به نشر می‌رسید.

در این میان از دو اثر بسیار مهم زبان فارسی یعنی «السواد الاعظم» ترجمه حکیم سمرقندی (حدود قرن چهارم هجری) و فضایل بلخ نوشته حسین واعظ بلخی باید یاد کرد که با تصحیح عبدالحی حبیبی و توسط بنیاد فرهنگ ایران به مدیریت پرویز ناتل خانلری به نشر رسید. فضای ادبی افغانستان تا دیرها زیر سایه اشخاصی چون صادق هدایت، احمد شاملو و رضا براهنی بود و با شروع جنگ و جهاد نویسندگانی با گرایش دینی امثال علی شریعتی و جلال الدین فارسی به میزان کم‌تر مورد توجه قرار گرفتند. با توجه به این وضعیت می‌توان گفت بازار کتاب در افغانستان بیشتر یک طرفه و تحت تأثیر بازار کتاب سه مرکز همسایه یعنی آسیای میانه (سمرقند و بخارا) شبه قاره هند (لاهور و دهلی و حیدرآباد) و ایران (مشهد و تهران و تبریز) قرار

داشت.

در دههٔ چهل در اثر مراوداتی که با مصر برقرار شده بود، برخی از نویسندگان عرب و به خصوص مؤلفان مصری نیز در دسترس محدودی از اهل فضل و کتاب قرار گرفت. از جمله کتاب معروف زکی نجیب محمود بنام «منطق وضعی» توسط غلام حسن مجددی به فارسی ترجمه و توسط انتشارات دانشگاه کابل به نشر رسید. اما این مراودات بسیار اندک و تنها در حلقه‌های کوچک اهل فضل محدود می‌شد و هیچگاه امکان عرضه همگانی نمی‌یافت.

با توجه به محدودیت شهرنشینی، تیراژ پایین و کمیت ناچیز کتاب و محدودیت چاپ و نشر، در بازارهای داخلی نیز سهم ناچیزی به کتاب تعلق داشته است. برابر گزارشی که حسین نایل در «فهرست کتب چاپی دری در افغانستان» آورده است، از آغاز شروع چاپ کتاب تا پایان دوران جمهوریت حدود دو هزار کتاب در افغانستان چاپ شده است. در یک دوره بیش از یک قرن، چاپ این مقدار کتاب در افغانستان، بی‌تردید نشان این است که گردش کتاب به عنوان یک کالا

هیچ گونه محلی از اعراب نداشته است. دو هزار جلد کتاب در یک مدت زمانی حدود یک قرن به یک معنای دیگر نیز هست و آن اینکه کتاب‌های اندکی که در افغانستان به نشر رسیده است، هیچگاه به طور عمومی عرضه نشده است. فقط محض نمونه و به عنوان مثال قابل یادآوری است که کتاب اخلاق نیکوماخوس ارسطو در سال‌های دهه ۳۰ شمسی در کابل به تیراژ بسیار محدود (حدود هزار نسخه) به چاپ رسیده است و تا هنوز در بازار کتاب کابل قابل دریافت است.

مسایل حقوقی نشر کتاب

در نظام حقوقی افغانستان نیز جایگاه کتاب چندان روشن نیست. در یک دوره تقنینی حدود یک قرن که روی هم رفته بیش از دهها جلد کتاب قانون در افغانستان وضع و تصویب شده است، اختصاص نداشتن قانونی برای چاپ و نشر کتاب و تنظیم امور مربوط به نشر و تألیف نشان نداشتن جایگاه مشخصی برای کتاب در ذهنیت جامعه افغانی است. هیچ

سندی در دست نیست که نشان دهد که تا پیش از دههٔ چهل نشر کتاب در افغانستان دارای نظم و قاعدهٔ حقوقی و قانونی بوده است. در سال ۱۳۴۳ لایحه تألیف و ترجمه به تصویب شورای ملی رسید که احتمالاً نخستین سند حقوقی در مورد کتاب در افغانستان به شمار می‌رود. این لایحه هر چند در اصل ناظر به نصاب درسی معارف است ولی مسایل زیادی را راجع به کتاب و ترجمه در بر می‌گیرد که با توجه به کنترل شدید دولت بر نشر کتاب، می‌توان گفت حداقل چارچوب از آرشیو ملی تصویب شد و علاوه بر این، مسایل مربوط به کتاب را در ضمن قانون‌های مربوط به تجارت، قوانین گمرکی و قانون رسانه‌های همگانی باید جستجو کرد. در سال ۱۳۸۷ قانون «حمایت از حقوق مخترع و مکتشف» (جریدهٔ رسمی شمارهٔ ۴۵۶) به تصویب رسید که در آن از حقوق معنوی سخن به میان آمده است، اما هیچگاه از کتاب سخنی گفته نشده است و این خواه ناخواه این پرسش را به میان می‌آورد که آیا یک نویسنده و مؤلف با نگاشتن کتاب، صاحب حق معنوی نسبت به اثر خود می‌شود یا نه؟

بزرگ‌ترین رویداد حقوقی در عرصه چاپ و نشر تصویب «قانون حمایت مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق» است که به «قانون کپی‌رایت» معروف است. این قانون برای نخستین بار نسبت نویسنده و ناشر و فرایند نشر را در ضمن یک سند حقوقی و قانونی تنظیم می‌کند. این قانون نیز در اصول و روح خود تا حد زیادی براساس گرایش‌های دولت محورانه تنظیم شده است و «وزارت اطلاعات و فرهنگ» نه تنها یگانه مجری این قانون که نهاد بسیار پر قدرتی در عرصه نشر و توزیع تعریف شده است. از این نکته که بگذریم که هنوز از مرده ریگ گرایش‌های انحصار طلبانه گذشته رنج می‌برد، نکته اصلی در خصوص این قانون در حال حاضر این است که درصد کمی از این قانون تطبیق می‌گردد. به رغم اینکه نشر مستقل در این قانون به طور ضمنی به رسمیت شناخته شده است، قانون مذکور هیچگاه فرایند ثبت قانونی یک بنگاه انتشاراتی را تعریف نمی‌کند و نمی‌توان در چارچوب این قانون مؤسسه نشر مستقل را به طور قانونی ثبت کرد. نقص‌ها و ابهاماتی از این گونه

بی‌تردید نشانه مشکلات جدی و آشوب در عرصه نشر است. درست به همین دلیل است که ما هیچ ناشر ثبت شده رسمی و مستقل نداریم. برابر گفته رئیس برنامه‌ریزی وزارت اطلاعات و فرهنگ، هنوز هیچ ناشر رسمی مستقل در این وزارت ثبت نشده است و انبوهی از ناشران خرد و ریز به انواع و اصناف فعالیت‌های خلاف قانون سرگرمند.^{۱۰۵} بدین ترتیب گمان نمی‌رود که ضمانت‌های حقوقی که در مورد کتاب و نشر به وجود آمده است، به زودی عملی شود و خود این اقدامات حقوقی نیز با تمام اهمیت خود کمتر می‌تواند از حد کلیات فراتر رود. مانند تضمین آزادی بیان و به رسمیت شناختن حق آزادی بیان و اندیشه که در غیبت یک ساز و کار اجرایی مناسب و برنامه‌ریزی قوی، تنها می‌تواند مبنای خوبی برای تدوین قوانین و مقررات مناسب فراهم کند. با وجود قانون کپی‌رایت، ما در مورد کتاب و نشر و مناسبات مؤلف و ناشر هنوز نیازمند به قانونگذاری هستیم.

۱۰۵. معلومات درباره وضعیت نشر مستقل و آشفتگی‌های قانونی، در این مورد را در یک گفتگوی خصوصی از محترم خسرو امینی رئیس برنامه‌ریزی وزارت اطلاعات و فرهنگ در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۵ گرفته‌ام.

مشکلات نشر

با توجه به آنچه که گفته شد، نشر در افغانستان با مشکلات بسیار رو به رو است. عمده‌ترین این مشکلات، فقر، بی‌سوادی، نبود جایگاه مناسب برای کتاب در اذهان عمومی، و ضعف عمومی علمی در جامعه است که امکان تولید آثار علمی و ادبی را در جامعه محدود می‌کند. مشکلات این عرصه دو جانبه است: هم به مخاطب و سطح پایین تقاضا برای آثار مطلوب باز می‌گردد و هم به ناشرانی که به طور غیرقانونی به فعالیت‌های چاپ و نشر می‌پردازند و هم به نویسندگان و پدیدآورندگان اثر باز می‌گردد که امکانات فنی و دانش و مهارت لازم را ندارند و نکته چهارم نیز باید گفته آید که نیاز بازار کتاب داخل افغانستان نیز اغلب توسط بازارهای خارجی و کتاب‌های چاپ ایران و تا حدودی پاکستان اشباع می‌گردد. پیش‌تر نیز از چاپ افسس کتاب‌های چاپ ایران توسط ناشران افغانی در پاکستان (پیشاور) و سرازیر شدن آن‌ها در داخل افغانستان سخن

گفته شد. اما روی هم رفته مشکلات نشر در افغانستان در ضمن سه مشکل عمده قابل بررسی است:

(۱) مشکلاتی که در عرصه نظم و قانون وجود دارد.

(۲) مشکلاتی که در بخش مخاطب و مشتری وجود دارد.

(۳) مشکلاتی که در عرصه تألیف و تولید وجود دارد که می‌توان آن را مشکل بنیادی دانست. در زیر به اجمال به این سه مشکل اشاره می‌شود.

مشکل نظم و قانون

پیش‌تر یادآوری شد که کتاب در نظام حقوقی افغانستان جایگاه چندان تعریف شده نداشته است. از دههٔ چهل به این سو که قوانین مربوط به کتاب جسته جسته تدوین و تصویب شد، الی اکنون که قانون کپی رایت یا «حمایت از حقوق مؤلف، مترجم، هنرمند و محقق» به تصویب رسیده، روی هم رفته می‌توان شاهد نوعی پیشرفت در بخش حقوق و قانون بود، اما مشکل در این است که این بستر حقوقی و قانونی هیچگونه مورد انطباق عملی نداشته است. وزارت

اطلاعات و فرهنگ به عنوان یگانه مجری و تطبیق کننده قانونی کپی رایت فاقد ظرفیت و توانایی کافی برای تطبیق این قانون و نظم دهی امور نشر و چاپ است. اکنون چنان که اندکی پیش گفته شد، بی نظمی و آشفتگی شدیدی بر بازار نشر حاکم است، و این بی قاعدگی تنها یکی از مشکلات اصلی نشر است. تجارت کتاب خارج از بی قاعدگی‌ها در مورد مالیات، بی‌اعتنایی‌های گسترده به حقوق ناشر و مؤلف که پیوسته از سوی ناشران خرده پا و در اثر عدم اجرای قانون و عدم نظارت وزارت اطلاعات و فرهنگ، صورت می‌گیرد، عرصه نظم و قانون را با ناهنجاری‌های بسیار و بی‌شمار مبتلا کرده است. برابر گفته رئیس برنامه ریزی وزارت اطلاعات و فرهنگ، هر چند اقدامات در راستای سامان دهی نشر کتاب از جمله سیستم دادن شماره استاندارد نشر (ISBN) در حال انجام است، اما هنوز یک انتشارات ثبت شده در این وزارت خانه وجود ندارد و تقاضا برای مجوز نشر نیز نیست.

مشکل خواننده و مخاطب

مشکل خواننده و مخاطب نیز در افغانستان بیش از آنچه که در ابتدا به نظر می‌رسد، جدی و پیچیده است. این پیچیدگی ابعاد مختلف دارد که از نفوذ بازار کتاب کشورهای همسایه گرفته تا ضعف بودن روحیه نقد و اطلاع رسانی و عدم چالش جدی نویسنده از سوی مخاطب را در بر می‌گیرد. نویسنده افغانی احساس مخاطب داشتن نمی‌کند و پیشاپیش مخاطبان‌شان را توسط نویسندگان همسایه تسخیر شده می‌بینند. این وضعیت در عرصه انتشارات مذهبی و ادبیات داستانی صددرصد صادق است. نیازمندی‌های شهروندان افغانستان در بخش کتاب‌های مذهبی مطلقاً توسط همسایه‌ها تأمین می‌گردد. در خلال سه دهه اخیر هیچ اثر دینی مهم توسط یک عالم دینی افغانی نوشته نشده است که مورد استفاده مخاطبان نسبتاً حرفه‌ای‌تر قرار گرفته باشد. عین همین وضعیت در مورد ادبیات صادق است. به رغم نویسندگانی چون اکرم عثمان، رهنورد زریاب، هیچ نویسنده افغانی مقام اشخاصی چون رضا براهنی و صادق

هدایت و جلال آل احمد و محمود دولت آبادی را در چشم و دل خواننده افغانی نیافته است. نویسنده افغانی مجبور است که همزمان هم خویشتن را در ذهنیت مخاطب افغانی بازسازی و تثبیت کند و هم شعور چالش‌گری را در مخاطب امروزی برانگیزاند. تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود که نشاط و رونقی به جان بی رمق نشر افغانستان تزریق شود و تحرک هر چند اندک پدید آید. در سال‌های اخیر نویسندگان افغان در خارج از مرزهای جغرافیایی افغانستان در زمینه خلق ادبیات داستانی گام‌های بلند برداشته‌اند. خالد حسینی با نوشتن کتاب بادبادک باز و هزار خورشید تابان تبدیل به نویسنده‌ای جهانی شد و کتابهای او به زبانهای زنده دنیا ترجمه شد. اگر چه او آثارش را به انگلیسی می‌نویسد، اما به خاطر شناخت دقیقش از جامعه افغانستان، تصویری زنده و بسیار تکان دهنده به ویژه از روزگار جنگ‌های داخلی در افغانستان ارائه داده است.

عتیق رحیمی نویسنده افغانی ساکن فرانسه که فیلمساز

نیز هست، با دو اثر خاکستر و خاک و هزارخانه خواب و اختناق توانسته جایگاه ادبیات معاصر افغانستان را بالا ببرد. دو نویسنده افغانی در ایران نیز چهره شده‌اند. یکی محمد آصف سلطانزاده که اکنون مقیم دانمارک است، کتاب‌هایش در ایران چند جایزه ادبی را برد و دیگری محمد حسن محمدی که در ایران می‌نویسد و کتاب‌هایش همواره برنده جایزه‌های ادبی می‌شوند.

مشکل تألیف، تولید و توزیع

مشکلات جدی دیگر که دامن‌گیر نشر در افغانستان است، به عرصه‌های چون تألیف، تولید و توزیع باز می‌گردد. از این مجموعه مشکلات می‌توان به عنوان مشکلات بنیادین یاد کرد که به زودی نمی‌توان راه حلی برای آن تدارک دید. در بخش تألیف همچنان که گفته شد، انقطاع و تأخر فرهنگی افغانستان و ضعف علمی و بی‌ثباتی‌های سیاسی و منازعات طولانی مدت، زمینه تألیف و تخیل را در افغانستان تا اندازه زیادی نابود کرده است و بنابراین به طور طبیعی زمینه تولید

اثر از میان رفته است. صرف نظر از هر گونه موانع قانونی و آشفته‌گی‌هایی که اکنون در بازار نشر کتاب افغانستان حاکم است، زمینه‌های مناسب برای تولید اثر به لحاظ فنی و رشد و پیچیدگی فرهنگی و انباشت تجربه و دانایی و فراغت و نیاز به تجمل که هر کدام عنصر اساسی در تولید و رشد آثار مکتوب است، در افغانستان مهیا نبوده است. جز استبداد دیرپای تاریخی که آن هم، هنوز برای ذهن افغانی وضعیت پروبلماتیک نیافته است، افغانستان به لحاظ فرهنگی کشور ساده و بسیط و فاقد مسئله و پرسش بوده است و نیاز به مکتوب و نوشتار را که ویژگی مراحل پیشرفته و پیچیدگی فرهنگ است ضروری نکرده است.

بدین ترتیب آثاری که تولید می‌شده است، به لحاظ محتوایی ضعیف، به لحاظ حجم اندک، از حیث کیفیت پایین و از نقطه نظر پاسخگویی به نیازهای ذهنی و معنوی جامعه ناتوان بوده است.

مشکل تولید نیز چنان که به بازار آشفته کتاب در پیش هم اشاره شد، هیچگاه قاعده و قرار لازم را نداشته است.

در قدیم سایه سانسور و حکومت بر تولید کتاب سنگینی می‌کرد و اکنون که علی‌الظاهر این سایه برطرف شده، بازار نشر مبتلا به آشفتگی بیشتری به نظر می‌آید. تولید کتاب هیچ فرایند مشخصی را طی نمی‌کند. هیچ ناشری نظام ویرایشگری را بر کتاب اعمال نمی‌کند. در چاپ نیز به هیچ وجه نکات فنی و هنری لازم اعمال نمی‌گردد و بیشتر سلیقه یا تمکن مالی ناشر و نویسنده تعیین‌کننده است. بسیار است که کتاب به صورت کپی یا زیراکس به نشر می‌رسد. به هر ترتیب اگر کتابی امکان نشر یافت، مشکل جدی‌تر توزیع است که به شدت با مانع بر می‌خورد. به دلیل ضعف بازار داخلی کتاب و میزان اندک کتاب‌های تولید شده، افغانستان در واقع فاقد یک سیستم توزیع داخلی است. کتاب‌فروشی‌ها عمدتاً در کابل یا حداکثر در یکی دو سه شهر بزرگ دیگر متمرکز می‌باشند. در کابل نیز کتاب‌های دولتی در مراکز خاص آن قابل عرضه است و به کتاب‌فروشی‌های سراسر شهر نمی‌رسد. در این مورد مناسبات شخصی و قدرت ارتباط اشخاص از جمله نویسنده و ناشر و نه سیستم می‌تواند

تعیین کننده باشد. نویسندگان در افغانستان نمی‌توانند که بدون دغدغه تولید و توزیع، صرفاً به امر نوشتن پردازد و مطمئن باشد که سیستم خاص تولید و توزیع کتاب کار خود را خواهد کرد. در کنار این‌ها مسئله سرقت ادبی و علمی، سوء استفاده از ناگزیری‌های نویسندگان و در بخش مسایل دینی و مذهبی، سانسور حکومت یا گروه‌های فشار را نیز باید بر لیست مشکلات افزود. در این مورد البته سانسور رسمی وجود ندارد، ولی دستگاه‌های نیرومندی وجود دارد که با بهانه‌های اندک و اغلب ایدئولوژیک کتاب را با خطر مواجه می‌سازد. دشمنی با کتاب و بی‌علاقگی به کتاب در افغانستان پیشینه دیرینه دارد. برابر برخی روایات شاه زمان پسر تیمورشاه که به علم و فرهنگ و ادب بیگانه بود، کتاب خانه ارگ سلطنتی را که مشتمل بر هیجده هزار جلد کتاب بود فروخت و بعد از آن نیز در دید رسمی حاکمیت خواه چپ، خواه راست، خواه مسلمان، خواه دموکرات، کتاب جنس خطرناک و ضرررسان تعریف شده است. طالبان هر چند به کتابخانه ملی و آرشیو ملی در پایتخت ظاهراً آسیبی

نرساند، اما در دوران تسلطشان «کتابخانه عبدالعلی مزاری» را در بامیان و «کتابخانه ناصر خسرو بلخی» را در پلخمری ولایت بغلان به آتش کشیدند.^{۱۰۶} در سال ۲۰۱۰ به امر شورای علمای افغانستان، والی نیمروز هزاران جلد کتاب را به آب انداخت. کتاب های مذهبی از جمله انجیل و تورات بدون هیچ گونه دلیل و قانون از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ ممنوع الورد اعلام شده است. عدم اطلاع رسانی کافی نیز از مشکلات حوزه نشر است. روزنامه ها اغلب صفحات مخصوص نشر کتاب ندارند و هیچ مجله یا هفته نامه که تحولات بازار نشر و دنیای کتاب را پیگیری کند، وجود ندارد.

نشر الکترونیک

در پایان این گزارش فشرده و اجمالی، خوب است که از نشر الکترونیک نیز یاد شود. در یک دهه اخیر دسترسی به اینترنت رشد محسوسی داشته است، اما این رشد آن اندازه نیست که نشر الکترونیک را نیز واقعیتی قابل اشاره در

۱۰۶ معلومات راجع به آتش زدن این دو کتاب خانه را از محمد سرور جوادی نماینده دور اول پارلمان افغانستان از ولایت بامیان که در دوران سلطه طالبان در منطقه حضور داشت و شاهد اقدامات آنان از نزدیک بود، در یک مصاحبه خصوصی در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۲۲ گرفته ام.

بازار نشر افغانستان به شمار آورد. هنوز محدودیت‌های فضای مجازی به حد کافی در افغانستان محسوس است و همچنین مهارت‌های لازم برای استفاده از فضای سایبری وجود ندارد. نهادهای دولتی به کمک متخصصان خارجی آهسته آهسته گام‌های هرچند ابتدایی در راستای دیجیتالی شدن برمی‌دارند و هنوز اغلب این نهادها و مراکز، سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاع رسانی رسمی در فضای مجازی ندارند. ناشران که دست اندرکاران نشرند نیز یا زمینه برای کار خود نمی‌بینند یا اینکه ذهنیت لازم را برای استفاده از فضای مجازی در حوزه کارشان ندارند یا آن را از حیث اقتصادی به صرفه نمی‌بینند، در هر صورت به استفاده اینترنت و نشر چندان علاقه نشان نداده‌اند. تاکنون هیچ ناشری در افغانستان سایت اطلاع رسانی رسمی که بدان وسیله به مشتریان خود اطلاع برساند ندارد. بدین ترتیب می‌توان گفت استفاده الکترونیکی در حوزه کتاب به راه اندازی‌های محدود مرکز اسناد یا کتابخانه‌های دیجیتالی با ظرفیت محدود و تهیه و تدارک پایگاه‌های اینترنتی برای داده‌ها و

معلومات، برای نهاد وارگان ها محدود می‌گردد.

برخی پیشنهادها

کتاب یک کالا، و حداکثر یک کالای فرهنگی است. تا جایی که به خواننده مربوط می‌شود برای او مهم نیست که کتاب کدام نویسنده را بخواند. مهم برای او خواندن کتاب دل‌خواه و رضایت بخش است. با توجه به این نکته دربارهٔ افغانستان می‌توان گفت که راجع به کتاب وضعیت دشوار و پیچیده‌ای پدید آمده است. خوانندهٔ افغانی قصد خواندن کتاب‌های خوب و دل‌پسند را دارد و برای دست‌یابی به کتاب مورد نظر خویش دیگر آن محدودیت‌های سابق را نیز ندارد. اما نویسندهٔ افغانی به دلایل مختلف کتاب خوب نوشتن نمی‌تواند. این وضعیت هر گونه راه حل کوتاه مدت را برای رشد و رونق کتاب با بن‌بست و دشواری مواجه کرده است. اما برخی نکات به نظر می‌رسد که اگر به عنوان راه حل در نظر گرفته شود، در دراز مدت می‌تواند رواج و رونقی در این بازار کساد به وجود آورد. در زیر، به اجمال، به برخی

از این نکات اشاره می‌شود:

۱. سرمایه‌گذاری در حوزه نشر و کتاب. مشکل جدی که بخش کتاب در افغانستان با آن مواجه است، عدم سرمایه‌گذاری است. گزارش «آیسا» یا سازمان حمایت از سرمایه‌گذاری در افغانستان نشان می‌دهد که حجم سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در افغانستان، به رغم شرایط نامساعد امنیتی، به طور قابل ملاحظه‌ای زیاد است. ولی سهم امور فرهنگی و به خصوص کتاب بسیار ناچیز است. تزریق سرمایه در بازار کتاب و به کارگیری فنون جدید کتاب‌آرایی و تولید استاندارد و معیاری کتاب، ناشران متقلب و متخلف خرده‌پا را نیز دچار مشکل و دردسر خواهد ساخت و نشر معیاری در چارچوب قانون را تشویق خواهد کرد. این امر خود انگیزه‌ای خواهد شد برای مؤلفین و نویسندگان و بنابراین بخش نوشتار را نیز تحرک خواهد بخشید.

۲. ایجاد رسانه اطلاع‌رسانی و نقد کتاب. کتاب در فضای عمومی مطبوعات و رسانه‌های افغانستان گم است. اگر بحثی نیز درباره کتاب می‌شود، اغلب تشریفاتی و برخاسته

از رسم و رواج است و به مناسبت‌های چون «روز کتاب خوانی» یا روز «مبارزه با بی‌سوادی» سخن آن به میان می‌آید. برای تحرک بخشیدن، هم به خوانندگان، هم به نویسندگان و نیز برای اطلاع رسانی از کتاب لازم است که یک نشریه ویژه اطلاع رسانی و نقد و معرفی کتاب به وجود بیاید.

معرفی و نقد و بررسی کتاب‌ها خود بی‌تردید باعث تشویق نویسنده و خواننده و سرانجام رونق نشر و بازار کتاب خواهد شد. در دهه سی و چهل، مجله آریانا کم و بیش به معرفی کتاب می‌پرداخت، اما در دوران جدید متأسفانه حرف و حدیث کتاب در فضای عمومی مطبوعات به ندرت به میان می‌آید. کتاب هرگز سوژه جذاب و دل‌چسب برای اصحاب رسانه‌های افغانستان نیست.

۳. احیای مآثر فرهنگی و تاریخی گذشته. افغانستان یکی از مخزن‌های نسخه‌های خطی است. اگر به دلیل ضعف بنیه علمی و بسا دلایل دیگر، تولید و تألیف کتاب در افغانستان

کنونی وضعیت رضایت بخشی ندارد، می‌توان با احیای نشر میراث مکتوب گذشته، بازار بی‌رمق نشر را نه اندکی که بسیار رونق داد. این امر نیز مستلزم سرمایه‌گذاری جدی، رعایت اصول و استانداردهای لازم و به کارگیری فن‌آوری‌های جدید تولید کتاب است.

۴. تشویق مؤلفین و نویسندگان. راه دیگر رشد کتاب تشویق مؤلفین و نویسندگان است باید ساز و کارهایی، هم از سوی دولت و هم از سوی بخش خصوصی در نظر گرفته شود که نویسندگان و مؤلفان تشویق شوند و هم نوعی جدیت و رقابت در این عرصه پدید آید. در افغانستان امروز یک مؤلف یا نویسنده هیچ‌گونه شخصیت و حیثیت اجتماعی ندارد و به لحاظ اقتصادی نیز نوشتن فاقد هر گونه جذابیت و دلچسبی برای نویسنده است.

۵. راه اندازی جایزه کتاب. نکته آخر و نه آخرین نکته راه‌اندازی جایزه کتاب و معرفی کتاب برتر سال در تمامی

رشته‌ها و زمینه‌ها است. دو سه سالی است که جایزه کتاب محمود طرزی از سوی «مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان» راه‌اندازی شده است. اما این برنامه مشکلات و کاستی‌های خاص خود را دارد. این برنامه مخصوص کتاب‌های سیاسی و عرصه روابط بین‌الملل است، سازوکارهای دقیقی برای داوری و ارزیابی ندارد، اطلاع رسانی خوبی هم در مورد آن صورت نمی‌گیرد. اگر بتوان یک جایزه کتاب معتبر، در سطح ملی و با مشارکت و همکاری مقامات بالای دولتی راه انداخت، می‌توان امیدوار بود که به رونق نشر و کتاب در افغانستان کمک کند.

در کنار این‌ها می‌توان به تلاش برای برطرف سازی مشکلات نشر و تولید کتاب در حوزه حقوقی که پیش تر به آن اشاره شد، نیز توجه کرد. سرمایه‌گذاری، تهیه و تدارک بسترهای حقوقی، تشویق مؤلفان و نویسندگان و تعریف جایگاه کتاب در ساختار کلان سیاست‌گذاری فرهنگی، می‌تواند عرصه نشر را متحول سازد.

بررسی وضع نشر در تاجیکستان

دیلشاد رحیماف

مردم تاجیک در برابر دیگر مردمان فارسی زبان در ادبیات و علم و تفکر جهانی سهم پر ارزشی داشته‌اند. انتشار کتاب در تاجیکستان تاریخ جالبی دارد. ابتدای هنر طبع و نشر در جمهوری تاجیکستان در سال‌های دهه بیست قرن بیستم میلادی صورت گرفته است. پس از استقرار حکومت شوروی در تاجیکستان نخستین کارگاه‌های طبع و نشر تأسیس یافت و دستگاه‌های چاپگری راه اندازی شدند. از روزهای اول حاکمیت بلشویک‌ها، برای بنیاد جدید سوسیالیستی به نقش بارز مطبوعات تأکید می‌کردند، همچنین برای

رفع بی سوادی، تبلیغ ارزش‌های سوسیالیستی و ایده‌های کمونیستی، برای تربیت متخصصین در عرصه‌های مختلف و پرورش طبقه روشنفکران ملی مطبوعات ابزاری مهم و کارساز بود. از این رو، حکومت شوروی برای بنیاد چاپخانه‌ها و رشد تولید کتاب و روزنامه‌ها و مجله‌ها مبالغ بزرگی را بدون دریغ صرف می‌کرد. در ابتدا در چاپخانه‌ها مهندسين و متخصصين از شهرهای مسکو، لنین‌گراد (سن پترزبورگ)، کیف، تاشکند آمده کار می‌کردند و به همتایان تاجیک خود ریزه کاری‌های این فن را می‌آموختند. اولین انتشارات دولتی تاجیکستان در سال ۱۹۲۵ در شهر سمرقند تأسیس شده است. زیرا از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ تاجیکستان همچون جمهوری خودمختار در داخل ازبکستان بود. پس از نه سال در شهر استالین آباد (دوشنبه) انتشارات جدید باز شد، اما قصد آن دور کردن مردم تاجیک از همزبانان و دین و فرهنگ خویش و بنیادگذاری یک دولت متحد شوروی در آن سال‌ها بود که الفبا در تاجیکستان شوروی تغییر داده شد. نخست در سال ۱۹۲۵ تاجیکان را از خط نیاکان خویش، الفبای

فارسی محروم کرده و آن را تبدیل به حروف لاتینی نمودند و در سال ۱۹۴۰ خط سیریلیک روسی را جانشین آن کردند. این گذار نه تنها به معنویات و سنن زبانی و فرهنگی ضربه محکمی زد بلکه به رشد مطبوعات و انتشارات نیز زیان خود را رسانید. در برابر تبدیل آلات و دستگاه‌ها برای آموزش فن‌آوران از آن جمله حروفچین‌ها، مصححین، محرران نیز وقت و زحمت و مبلغ زیادی صرف شد.

کامیابی بیشتر مطبوعات تاجیک در سالهای ۷۰-۱۹۶۰ دیده می‌شود. در مقایسه با جمهوری‌های همسایه خود، در تاجیکستان آثار ادبا و شاعران فارسی مثل رودکی، فردوسی، خیام، سعدی و حافظ، نظامی، جامی، از ادبای معاصر تاجیک صدرالدین عینی، ابوالقاسم لاهوتی، م. تورسون زاده و دیگران، ترجمه آثار شعرا و نویسندگان روس الکساندر پوشکین، لئون تولستوی، ماکسیم گورکی، میخائیل شولوخوف و غیره، تألیفات سیاسی کارل مارکس، فردریش انگلس، ولادیمیر لنین به تکرار چاپ می‌شدند. (سلتانوف ۲۳: ۱۹۹۹).

بلندترین دوره انتشار کتاب در تاجیکستان شوروی سال ۱۹۸۸ به شمار می‌رود که آن زمان کتاب و دستور عمل‌ها و جزوه‌ها در مجموع ۹۲۰ عدد و حساب کلی آنها دوازده میلیون و پانصد هزار نسخه چاپ شدند. هم زمان در این دوره ۵۴ مجله با تعداد ۲۶ میلیون و ۳۶۱ هزار نسخه و ۷۴ روزنامه با تعداد هر روزی ۱ میلیون و ۵۸۵ هزار عدد و در حساب سالانه به مقدار ۲۸۵ میلیون نسخه چاپ شده‌اند. (ورقه ۴: ۲۰۰۹).

طبق قانون جمهوری تاجیکستان «درباره روزهای عید» همه ساله در تاجیکستان چهارم سپتامبر به عنوان «روز کتاب» تجلیل می‌شود، ولی این روز تعطیل نیست.

تاریخ روزنامه های تاجیک

روز ۱۱ مارس، در تاجیکستان در ده سال اخیر همچون «عید مطبوعات تاجیک» یاد می‌گردد. در این روز همه نشریه‌های غیروابسته به نوع تابعیت یعنی دولتی و غیردولتی روز عید را جشن دارند. برای بار نخست در روز ۱۱ مارس

سال ۱۹۱۲ در بخارا شماره یکم روزنامه «بخارای شریف» به زبان فارسی به طبع رسیده است. بنیادگذاران آن رهبران سازمان «جوان بخاریان» میرزا محی الدین و میرزا سراج حکیم بودند. روزنامه «بخارای شریف» در اول هفته هر روز و بعدتر چهار دفعه در هفته نشر می‌شد. امیر بخارا به این روزنامه گمان بد برده با کمک روسیه در ۲ ژانویه ۱۹۱۳ این روزنامه را تعطیل کرد.

در دوران حاکمیت شوروی روزنامه‌های «آواز تاجیک» بعدتر، نام «تاجیکستان سرخ»، «تاجیکستان ساویتی» را گرفت و در زمان استقلال تاجیکستان «جمهوریت» شد، «معارف و مدنیت» (بعدتر «ادبیات و صنعت»)، «کمسومول تاجیکستان» (اکنون «جوانان تاجیکستان»)، «پئونر تاجیکستان»، مجله‌های «شعله انقلاب»، «رهبر دانش»، «شرق سرخ»، («صدای شرق»)، «زنان تاجیکستان»، «علم و حیات»، «مشعل» تا چندی بعد چاپ می‌شدند. همچنین به زبان روسی («کمونیست تاجیکستان»)، مجله فرهنگی - ادبی «پامیر»، به اوزبکی «تاجیکستان شوروی» و غیره

به طبع می‌رسیدند. در نواحی و ولایت‌ها نیز نشریه‌های محلی منظم چاپ می‌شدند. روزنامه خوان‌ها بیشتر در سمرقند، بخارا، خوقند بوده‌اند. منظور روزنامه و مجله‌ها است که در سالهای حکومت شوروی مربوط به تاجیکان چاپ می‌شدند و محل چاپ آنها در نظر نیست.

بعد از استقلال تاجیکستان بر شماره روزنامه و مجله‌ها افزوده شد. در مجموع مطبوعات دوره‌ای تاجیکستان در بیست سال استقلال (۱۹۹۱-۲۰۱۱) مضمون و محتوا و اهداف مختلف پیدا کردند. روزنامه و مجله‌های تاجیکی در انعکاس مسائل جامعه در دوره گذار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی سهم بزرگ داشته‌اند. آنها از ابزار سیاست و ایدئولوژی حزب یکه تاز کمونیست به نهادهای اجتماعی تغییر یافته‌اند. انحصار دولتی رسانه‌های گروهی زوال یافت. در برابر روزنامه‌های دولتی نشریه‌های غیر دولتی مستقل به میدان آمده‌اند که پهلوه‌های گوناگون حیات جامعه را بازتاب می‌دهند. اما از نگاه دیگر، بازار مطالب روزنامه نگاری از لحاظ وقایع نویسی ضعیف شد، اگر مؤسسه‌های انتشاراتی

اصلاً درآمد مالی را هدف خود ساخته و به مطبوعات «زرد» تبدیل شده‌اند. برای پیدا کردن خواننده و فروش بیشتر روزنامه، نشریه‌ها در صفحه‌های خود مقاله‌های نازل را به طبع می‌رسانند، زیرا مردم عوام بیشتر به این گونه مطالب توجه دارند. الان بیش از دویست و پنجاه روزنامه و هفته نامه‌های دولتی و غیردولتی فعالیت می‌کنند. مشهورترین آنها از نشریه‌های خصوصی «چرخ گردون»، «ملت»، «آزادگان»، «نگاه»، «نجات»، «نشریه حزبی نهضت اسلام تاجیکستان»، «امروز - نیوز»، «دنیا»، «عائله»، «فرژ»، هم چنین به زبان‌های روسی «آسیا پلوس»، «ابوسینا»، «بیزنس و پولیتیک»، «وچرنی دوشنبه»، از نشریه‌های دولتی «جمهوریت»، «صدای مردم»، «منبر خلق»، «روزنامه حزب خلقی دموکراسی تاجیکستان و چند نشریه دیگر منظم به چاپ می‌رسند.

در پایان سال ۲۰۱۰ در جمهوری تاجیکستان ۳۴ روزنامه و ۲۳ مجله به تازگی نام نوشته‌اند، از جمله نشریه‌های «سیما»، «روزگار»، «موقع»، «معرفت حقوق»، «دانا»، «حیات»،

«شکارچی»، «محرم»، همچنین مجله‌های «شرق و غرب»، «صدای کودکان»، «نونهال»، «آثار آکادمی» و غیره مشمول این فهرست می‌باشند.

مطبوعات تاجیک چون به دولتی و خصوصی یا غیردولتی دسته‌بندی می‌شود، مبلغ گذاری و تأمین مادی آنها نیز مربوط به تعلق آنهاست. سرمایه‌های دولتی را دولت، می‌پردازد. اما گروه دوم از حساب درآمد خود دخل و خرج می‌کنند. درآمد بعضی از نشریه‌های مستقل هزینه‌های خود را جبران نمی‌کند. تنها راه خارج شدن از زیان همانا چاپ تبلیغات تجاری در صفحات آنهاست. با این راه آنها اندکی احوال اقتصادی خود رامستحکم می‌کنند.

نگاهی به نشریه مستقل در تاجیکستان (۱۹۹۱-۲۰۱۱)
 پس از فروپاشی اتحاد شوروی، تاجیکستان تازه استقلال یافته به کام جنگ داخلی کشیده شد. در نتیجه نزاع‌های ملی و در عین زمان تحمیلی صدها نفر متخصص میدان مطبوعات که اکثر آنها روس‌ها و نمایندگان قوم‌های دیگر

شوروی بودند از تاجیکستان اجباراً کوچ کردند. اما در آن سال‌های ناآرام چاپ کتاب و روزنامه‌ها در تاجیکستان قطع نشده بود. در تاجیکستان پس از امضای سازش نامه صلح در (۱۹۹۷) امکانات و شرایط بهتر و بیشتر طبع و نشر ایجاد شد. در عین حال در محدوده کشور ۲۵۴ روزنامه از جمله ۵۴ روزنامه دولتی، ۱۲۷ روزنامه خصوصی، ۳۴ روزنامه جمعیتی، ۳۹ نشریه حرفه‌ای فعالیت می‌کنند. همچنین هشت آژانس اطلاعاتی (یکی دولتی و هفت تا خصوصی)، ۵۵ انتشاراتی با حساب هشت ناشر دولتی و ۴۷ ناشر خصوصی، ۱۸۶ مطبعه یا چاپخانه (۳۴ چاپخانه دولتی و ۱۵۳ چاپخانه خصوصی)، به کار نشر و طبع مشغول هستند.

آمار فعالیت طبع و نشر در دوران استقلال چنین نتیجه می‌دهد که اکنون در تاجیکستان (۲۰۱۱) فضای اطلاعاتی نسبت به هفتاد سال زمان شوروی صد درصد بالاتر رفته است (بوری اوف ۲۰۱۱).

سال ۲۰۰۵ به منظور توازن فرهنگی و رعایت استاندارد جهانی نشر کتاب با ابتکار وزارت فرهنگ و دستگاه حکومت

جمهوری تاجیکستان این کشور به عضویت آژانس بین الملل شماره گذاری استاندارد کتاب (ISBN) درآمد. با این تاریخ ۲۰۰۵ . ۱۰ . ۲۶ با رقم ۱۶۶ دستور وزارت فرهنگ تاجیکستان به تصویب رسید که در آن گفته می‌شود، نماینده ISBN در جمهوری تاجیکستان موسسه «خانه کتاب» به نمایندگی محسوب می‌شود. (بوری اوف ۲۰۱۱).

در اساس این قرار همه موسسه‌های طبع و نشر و مطبعه‌های تاجیکستان مستقل از شکل مالکیت و جهت فعالیتشان تابع به «خانه کتاب» گردیده، موظف شدند که از این به بعد با استفاده از ISBN کتاب و جزوه چاپ بکنند. آئین نامه آژانس ملی ISBN «خانه کتاب» تهیه و تأیید گردید. تا امروز بیشتر از نیمی از موسسه‌های انتشاراتی شهر دوشنبه عضو این نهاد شده‌اند و دارای شماره ISBN و نشان مالی می‌باشند.

قوانین جمهوری تاجیکستان «درباره مطبوعات و دیگر وسایط اخبار عامه (رسانه‌های گروهی)» و «قانون‌های جمهوری تاجیکستان درباره طبع و نشر» از جانب کارشناسان

جهانی همچون قانون‌های مکمل و مطابق با معیارهای دموکراسی پذیرفته شده‌اند.

در دوران استقلال تاجیکستان «برنامه دولتی رشد صنعت طبع و نشر در جمهوری تاجیکستان برای سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۲ تایید شده است و از بررسی‌ها برمی‌آید که فعالیت نشر در این دوره رشد کرده‌است. موسسه‌های دولتی به طور جزیی با فن‌آوری تأمین گردیده‌اند.»

طوری که از مشاهده‌ها برمی‌آید بعضی کتاب‌ها به ویژه دستوره‌های تعلیمی در انتشارات خارج از جمهوری نشر می‌شوند. بنا به سخن رئیس مرکز تهیه و نشر و کتاب‌های درسی وزارت فرهنگ جمهوری تاجیکستان محمودخان شاهی‌اف، کیفیت کتاب‌های درسی که توسط انتشارات تاجیکستان چاپ می‌شوند جواب‌گوی نیازهای مصرف‌کنندگان نیستند. از جمله، چاپ خانه شهر دوشنبه، موسسه سهامی «مطبوعات»، «انتشارات»، «شرق آزاد»، و غیره دستگاه‌های خوب چاپگری ندارند. از این لحاظ وزارت معارف تصمیم گرفته است چند کتاب درسی را در چین و روسیه چاپ کند.

به قول شاهی اف، در چین و روسیه به چاپ رسانیدن کتاب‌ها هم ارزان‌تر است و هم کیفیت بهتری دارد. از انتشارات غیردولتی داخلی وزارت معارف تاجیکستان بیشتر (پالکراف - گروپ) را می‌پسندد. محمود شاهی اوف می‌گوید: ما مایلیم که کتاب‌ها در جمهوری ما چاپ شوند، زیرا می‌توانیم بر روند چاپ نظارت کنیم. اما افسوس که چاپخانه‌های ما توان چاپ تعداد زیاد کتاب ندارند. اما این اندیشه را رئیس ارشد موسسه سهامی باز «مطبوعات» ستار جلیل اف رد می‌کند. چنان که ایشان اطلاع دارند، این کارخانه بیش از هفتاد سال است که به چاپ کتاب‌های درسی و همه‌گونه مواد چاپی مشغول است. (حامد ۲۰۰۹).

بررسی ساختاری و وضعیت فعلی نشر در تاجیکستان و زنجیره کتاب: از مرحله نوشتار تا بازار

در وزارت فرهنگ جمهوری تاجیکستان، اداره طبع و نشر و مطبوعات وجود دارد که وظیفه اساسی آن عملی کردن ایدئولوژی و سیاست دولتی کشور از جانب موسسه‌های انتشاراتی و مطبوعات است. همچنین نظارت نظری و علمی و ادبی بر مضمون و محتوای کتاب‌ها و جزوه‌ها، اطلاعیه‌ها و دیگر مواد چاپی، مربوط به این نهاد است. ریاست تنظیم کار مطبوعات و موسسه‌های طبع و نشر، هم آهنگ‌سازی فعالیت آنها طبق قوانین تاجیکستان «درباره طبع و نشر» و «درباره مطبوعات و دیگر واسطه‌های اخبار عامه» رسانه‌های

گروهی را پیاده می‌کند. علاوه بر این، تهیه و عملی گرداندن برنامه و نقشه‌های کتاب و ادبیات مورد نیاز مردم، رشد زمینه‌های مادی و تکنیکی عرصه مطبوعات، تأمین و فروش کتاب (توزیع) و امثال اینها بر دوش کارمندان و متخصصین ریاست طبع و نشر گذاشته شده است.

انتشاراتی که متعلق به دولت بوده تحت نظارت و دخالت ریاست طبع و نشر قرار دارند، معمولاً هر کدام به بخشی از معنویات مردم مربوط می‌باشند. چنانچه انتشارات «ادیب» آثار گروه‌های سیاسی کتابهای حوزه سیاست، کشاورزی و علوم دیگر را به طبع می‌رساند. انتشارات یاد شده در سال بیش از ۳۰۰ کتاب علمی و ادبی مربوط به حرفه‌ها را چاپ می‌کنند که تعداد کلی آنها بیشتر از دو میلیون نسخه می‌باشد. این انتشارات در طول ۸۶ سال فعالیتش ۲۵۸۰۰ عنوان کتاب را با تعداد کلی ۱۷۲ میلیون جلد کتاب به طبع رسانیده است.

موسسه انتشاراتی «معارف فرهنگ» معمولاً به چاپ آثار تعلیمی برای دانشجویان و دانش آموزان مکاتب، وسایط

تدریسی و دستوره‌های جانبی برای آموزگاران مکاتب عالی و متوسطه سروکار دارد.

انتشارات «سردکسیای»^{۱۰۷} علمی انسکلوپدی تاجیک «اساساً به نشر آثار علمی، دانشنامه‌ها، فرهنگ‌ها و لغتنامه‌ها و دیگر آثار بزرگ فنی مشغول است.

«دانش» انتشاراتی است که مربوط به فرهنگستان علوم تاجیکستان و در آنجا آثار علمی پژوهشگاه‌های این موسسه به طبع می‌رسند. اما انتشارات غیردولتی حوزه تعریف شده کاری ندارند «هر چی پیش آمد خوش آمد» کتاب‌های هر حوزه‌ای را چاپ می‌کنند.

وضع و حالت مطبوعات دولتی در ده ساله آخر در شهر و نواحی کشور چندان مطلوب نبود. فعالیت مطبعه‌های شهر و نواحی نیز به علت نداشتن تجهیزات دوران جدید از نظر تکنیکی منطبق بر نیازهای زمانه نیست. بیشتر روزنامه‌های استان‌ها و ولایت‌ها به علت مشکلات مالی با تعداد کمتر ماهی یک یا دو مرتبه نشر می‌گردیدند و همه وقت به دست مردم نمی‌رسند. مردم بیشتر به روزنامه‌های غیردولتی

۱۰۷ سردکسیا، اداره اساسی، سر اداره

توجه دارند.

در این دوره نسبتاً کوتاه کارخانه واحد «سندواره» اتحادیه‌های مطبعه‌های ولایت سغد و ختلان و بدخشان، اداره نشریه‌های دوره‌ای و مطبعه‌های نواحی وادی رشت، کارخانه دولتی «تامینات و سودای کتاب»، اتاق دولتی کتاب و چندی دیگر نظر به سال پیش سعی و کوشش کرده به دستاوردهای شایسته و جالب موفق گردیدند.

از میان انتشارات خصوصی «پالگراف - گروپ»، «ار - گراف»، «ایجاد»، «آذر»، «قانونیت»، «سرپرست»، «رحیم جلیل»، شرکت‌های دارای مسئولیت محدود «شجاعیان»، «ناشران»، «خراسان»، «ارژنگ»، مطبعه‌ها «آفسیت» و «آربتا» و عده‌ای دیگر در تاجیکستان شهرت بیشتری دارند. آنها با مشتریان یعنی مؤلفان براساس قرارداد کار می‌کنند و اصلاً در قرارداد گفته می‌شود که مؤلف مبلغ خرج چاپ کتاب را می‌پردازد و بعد از چاپ شدن، کتاب‌ها از آن مؤلف محسوب می‌شوند. مؤلف در این حالت تقسیم و فروش کتاب‌هایش را بر دوش دارد. به او هیچ گونه حق تألیف

یا مزد تألیف داده نمی‌شود. وظیفه ناشر هم تنها چاپ کتاب‌های مؤلفان است، آن هم جز مزد کار و شاید چند جلد کتاب از مؤلفان چیزی طلب نمی‌کند.

در بعضی حالات انتشارات به مترجمان و نویسندگان بر پایه قرارداد تألیف یا ترجمه کتابی را سفارش می‌دهد. پس از آماده شدن کتاب انتشارات مزد زحمت مؤلف یا مترجم را داده، متن کتاب را از او می‌خرد و پس از چاپ کتاب آن را می‌فروشد و پول به دست آمده از آن انتشارات می‌شود. در انتشارات دولتی همین گونه امر به نظر می‌رسد. آنجا مطابق قانون و قواعد انتشارات با مؤلف قرارداد امضا می‌شود که در آن ذکر شده است: به مؤلفان مبلغ معینی همچون گانارار (حق التألیف) یا مزد تألیف پرداخته می‌شود و فروش و تقسیم کتاب‌ها به عهده انتشارات است. تعداد کمی، تقریباً ۲۰-۱۵ جلد کتاب را انتشارات به مؤلف می‌دهد. مزد تألیف وابسته به حجم کتاب و محتویات آن بوده، حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار آمریکا می‌شود.

هر انتشارات اگر چه خصوصی یا دولتی باشد در هیئت

کارمندانش یک - دو دبیر ادبی و محرر فنی دارد. اینها در تهیه و چاپ کتاب همکاری کرده، مزد کار آنها براساس قرارداد پرداخته می‌شود.

زمان تولید کتاب از روز امضای قرارداد و تسلیم به چاپخانه نسخه الکترونیک کتاب در هر انتشارات فرق می‌کند. این بستگی به سرعت فعالیت و مقدار کتاب‌هایی دارد که در نوبت چاپ قرار دارند. مثلاً انتشارات «ایجاد» از پانزده روز تا یک ماه را در بر می‌گیرد. در انتشارات «ار-گراف» و «آذر» نیز جریان تولید کتاب یک ماه می‌باشد. اما مطبعه کوچک «مشفق» که مشتریان کمتر دارد در دوام هفت تا ده روز یک کتاب را به طبع می‌رساند.

تعداد کتاب‌هایی که با مبلغ مؤلفان چاپ می‌شوند خیلی اندک است، آنها قادرند از ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ جلد کتاب سفارش بدهند. اما اگر کتاب از جانب دولت و یا یک سازمان بین المللی سرمایه‌گذاری شود با تعداد بیشتر از ۱۰۰۰ جلد به طبع می‌رسد.

بازاریابی بخش داخلی و خارجی

چون چاپ کتاب در تاجیکستان نسبت به کشورهای ایران و روسیه ضعیف‌تر است، بازار فروش کتاب‌های تاجیکستان اصلاً داخلی می‌باشد. انتشارات تاجیکستان هم دولتی و هم خصوصی با هیچ فروشگاه کتاب در خارج از کشور قرارداد و یا رابطه پیرامونی فروش کتاب‌های منتشره در تاجیکستان را ندارند. تنها به طور غیررسمی بعضی کتاب‌های انتشارات تاجیکستان که به زبان روسی باشند به کشورهای روسی زبان برده می‌شوند.

تا به امروز هیچ کدام از انتشارات تاجیکستان فروشگاه‌های مخصوص کتاب‌های خود را ندارد. کتاب‌ها از انتشارات به فروشگاه‌های دولتی و غیردولتی بخش می‌شوند. بخش کتاب‌ها از انتشارات دولتی به فروشگاه‌ها به عهده کارخانه دولتی تأمینات و تجارت «کتاب» می‌باشد. این کارخانه در سراسر ناحیه‌های تاجیکستان نماینده دارد که در فروشگاه‌های عمومی کتاب کار می‌کنند. مثلاً همین کارخانه در سال ۲۰۰۸ از تمام موسسه‌های انتشاراتی دولتی و خصوصی و از

مؤلفان به مبلغ ۵۶۲ هزار و ۱۳۶ سامانی^{۱۰۸} کتاب و جزوه و مواد دیگر چاپی گرفته به مبلغ ۳۲۰ هزار و ۱۳۰ سامانی از آنها را فروخته است (بوری‌اف ۲۰۱۱).

در سال‌های اخیر به بازار کتاب در تاجیکستان تجار و انتشارات خصوصی چینی وارد شده‌اند. بعضی تاجران تاجیک کتاب‌های پرفروش به چین برده، عکس برداری نموده با تعداد هزارها صفحه به طبع می‌رسانند و به بازار کشور وارد می‌کنند. در چین چاپ به مراتب ارزان‌تر از چاپ در تاجیکستان می‌باشد. حتی وزارت معارف نیز چند کتاب درسی را به چین برای چاپ سفارش می‌دهد.

بعضی از سازمان‌های دولتی و غیردولتی تاجیکستان علاوه بر چین کتاب‌های خود را در ترکیه، روسیه، قزاقستان و ایران به طبع رسانیده وارد بازار تاجیکستان می‌کنند.

شرح موارد حقوقی و قانونی و مشکلات نشر

در دوران حکومت شوروی در تاجیکستان اساساً چهار انتشارات دولتی «عرفان»، «معارف»، «ادیب» و «دانش»

۱۰۸ سامانی - واحد پول تاجیکستان است که ۴ سامانی و ۵۶ درم برابر با ۱ دلار آمریکا است (ژوئن ۲۰۱۱).

کتاب چاپ می‌کردند. هر کتاب علمی و ادبی و سیاسی که در این انتشارات به طبع می‌رسید، قبلاً در زمینه و مقامات علمی و ادبی بررسی شده از سانسور مقامات رسمی دولتی گذشته، سپس به چاپ آنها اجازه داده می‌شد. همه کتاب‌ها از این امتحان نمی‌گذشتند. هر چند آن زمان برای کتاب‌های تبلیغاتی شانس بیشتری بود، ولی بر سر چاپ هر کتاب نظارت و کنترل شدید بود. بسیار کتاب‌ها از چاپ شدن بازداشته می‌شدند. کسی خودسرانه نمی‌توانست کتاب چاپ کند. اما بعد از رسیدن جمهوری تاجیکستان به استقلال دولتی و از بین رفتن نظام سنگین نظارت و تفتیشات، هر کسی هر چیزی که خواست نوشت و آنرا بدون مانعی چاپ کرد. اکنون در ترکیب انتشارات دولتی هیئت محرران تأسیس یافته که به بررسی و نظارت کتاب‌ها موظف است. اما در انتشارات خصوصی تاکنون امتحان و کنترل دیده نمی‌شود. این نشریات از قانون‌های دولتی پیروی می‌کنند و در امر انتخاب کتاب آزادند.

در مورد حقوق مؤلفین و دیگر حقوق‌های وابسته به طبع

و نشر از جانب دولت بعضی ابتکارات به کار گرفته شده است. قانون جمهوری تاجیکستان «درباره حقوق مؤلف و حقوق‌های وابسته به آن» در ۱۳ نوامبر سال ۱۹۹۸ به تصویب رسیده است و در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۹ به آن بعضی مواد افزوده شده است.

همچنین در «قانون^{۱۰۹} جنایی جمهوری تاجیکستان» در ماده ۱۵۶ تحت عنوان «ویران کردن حقوق مؤلف، حقوق مجاور و حقوق دارندگان رخصت نامه» از حقوق مؤلف دفاع شده است. در آن گفته می‌شود که:

(۱) «به نام خود انتشار کردن اثر علمی، ادبی، موسیقی یا هنری شخص دگر، این چنین از خود کردن برنامه ماشین‌های الیکترانک حساب برآر [نرم افزارها] یا مخزن اطلاعات یا طرز دیگر از خودسازی مؤلفی اختراعات، همچنین مجبور نمودن به هم مؤلفی با جریمه به اندازه از دویست تا پنج صد نشان دهنده معاش حداقل یا با کارهای اصلاحات منتهی به مهلت تا دو سال جزا داده می‌شود.

(۲) استفاده غیر قانونی هدف‌های [مواد] دارای حقوق

مؤلف یا حقوق مجاور، همچنین غیرقانونی استفاده بردن اختراعات لایحه مفید یا نمونه‌های استحصالات صنعتی، برنامه ماشین‌های الکترونیک حساب برآر [نرم افزارها] یا مخزن اطلاعات بدون رضایت مؤلف اختراع کننده، فاش نمودن ماهیت اختراعات، لایحه مفید یا نمونه‌های تولید صنعتی تا نشر رسمی تفصیلات درباره آنها، اگر این کار آگاهانه یا از بی احتیاطی زیان مالی زیاد وارد کرده باشد، با جریمه به اندازه از پنج صد تا یک هزار نشان دهنده معاش حداقل یا محدود کردن آزادی به مهلت تا سه سال یا محروم ساختن از آزادی به مهلت تا دو سال جزا داده می‌شود.

۳) رفتار در بخش یکم و دوم همین ماده که از جانب گروه اشخاص قبلاً با مصلحت انجام شده است، با جریمه به اندازه از یک هزار تا یک هزار و پنج صد نشان دهنده معاش حداقل یا محروم ساختن از آزادی به مهلت از دو تا پنج سال جزا داده می‌شود.» (اخبار مجلس عالی ۱۹۹۸).

مسئله مزد تألیف در تاجیکستان در دوره حکومت شوروی جداً عملی می‌شد. آن زمان برای تألیف آثار ادبی، علمی،

اطلاعاتی و امثال اینها از طرف انتشارات به مؤلفین مبلغ خوبی پرداخت می‌گردید. حتی بعضی نویسندگان هم بودند که برای مزد تألیف کاغذ سیاه می‌کردند. آن زمان همه روزنامه‌ها و مجله‌ها نیز به مؤلفان حق زحمت خوبی به عنوان «گانارار» می‌دادند. الان مزد تألیف در بعضی روزنامه‌های دولتی و تعداد خیلی کم روزنامه‌های غیردولتی داده می‌شود. در مورد مزد تألیف کتاب‌ها، طوری که در فصل قبلی ذکر شد، امروزه تنها در انتشارات دولتی و گاه در بخشی از انتشارات خصوصی وجود دارد. در انتشارات دولتی به همان کتاب‌هایی داده می‌شود که با مساعدت وزارت فرهنگ جمهوری تاجیکستان به طبع رسیده‌اند.

در تاجیکستان ثبت نام روزنامه‌ها و انتشارات و چاپخانه‌ها آزاد است. قبلاً ثبت دولتی رسانه‌های گروهی را دفترهای دولتی اسناد رسمی که تابع وزارت عدلیه می‌باشند، عملی می‌کردند. از دو سال بدین سو یعنی پس از ترویج روش «پنجره واحد» ثبت نام دولتی رسانه‌های گروهی را مقامات مالیات در دایره قانون جمهوری تاجیکستان «درباره ثبت

نام دولتی اشخاص حقوقی و صاحب کاران انفرادی» به جا می‌آورد.

بعد از ثبت نام دولتی موسسه‌های طبع و نشر وزارت فرهنگ بر اساس ماده ۱۶ قانون جمهوری تاجیکستان «درباره مطبوعات و دیگر واسطه‌های اخبار عامه» تنها موسسه‌های طبع و نشر اشخاص حقوقی را به حساب می‌گیرد. هم‌زمان مطابق ماده ۳۱ قانون «درباره مطبوعات و دگر واسطه‌های اخبار عامه» دادستانی یا وزارت فرهنگ موظف است که در مورد نقض مقررات قانون مذکور شخص متخلف قانون را رسماً آگاه کند. در حالت تکرار نقض قانون دادستانی یا وزارت فرهنگ برای قطع فعالیت آن مؤسسه انتشاراتی و یا اطلاعاتی می‌تواند به دادگاه شکایت ببرد. (قانون جمهوری تاجیکستان «درباره طبع و نشر»)

قانون جمهوری تاجیکستان «درباره مطبوعات و دگر واسطه‌های اخبار عامه» که تا امروز فعال است، سال ۱۹۹۰ به تصویب رسیده است و در طول بیست سال هفت بار به آن تغییرات داده و مواردی به آن وارد شده است. نهایت

سال ۲۰۱۰ قانون جدید جمهوری تاجیکستان «دربارهٔ طبع و نشر» از جانب عالم سمیع زاده و اکرم شاه علی اف تهیه شده به مجلس عالی جمهوری تاجیکستان برای تصویب پیشنهاد شد.

مشکلاتی را که فعلاً ناشران تاجیک با آن روبه رو هستند، می‌توان به دو دسته گروه‌بندی کرد. دسته اول مشکلات مربوط به گران شدن مواد چاپ، رنگ و کاغذ و غیره، در حالی که در جمهوری در یک سال اخیر به سبب تورم پول ملی بالا رفتن قیمت همه محصولات غذایی، نفت و خدمات به نظر می‌رسد، انتشاراتی‌ها نیز ناچار نرخ کتاب و انواع دگر چاپی را افزایش داده‌اند. بالا رفتن قیمت کتاب بازار فروش آن را کاهش می‌دهد. اگر انتشارات نرخ را افزایش ندهد، زیان اقتصادی آنها را به سوی ورشکستگی می‌برد.

دسته دوم مشکلات مربوط به ابزار فن‌آوری و دستگاه‌های چاپی می‌باشد. حالاً نه همه چاپخانه‌ها دستگاه‌های دارای کیفیت جدید را دارند. برای نخستین بار در تاجیکستان در سال ۲۰۰۵ یک مطبعهٔ مستقل جدید با نام «عائله - پرنس»

تأسیس شد که روزنامه‌ها را به گونه‌ی رنگی چاپ می‌کند. چاپخانه مذکور ظرفیت دارد که در مدت یک ساعت دست کم ۳۲ هزار عدد روزنامه را از چاپ برآورد. با فعال شدن این چاپخانه حتی برخی از نشریه‌های حکومتی مثل «وطن پرور» از کمیته دولتی مرزبانی، «سپر» از وزارت امور داخلی و «باج و خراج» از وزارت درآمد و پرداخت‌ها از خدمت رسانی انتشارات دولتی «شرق آزاد» دست کشیده و اکنون در «عائله - پرنس» به طبع می‌رسند.

در ده سال اخیر شماره روزنامه و هفته‌نامه‌های جدید بسیار افزایش یافته و مشکلات چاپ نشریه‌ها را پیش آورده است. روزنامه‌هایی از جمله «روز نو»، «زندگی»، «فرژ»، «نگاه»، «نجات»، عقاید و مطالب مختلف سیاسی را بیشتر به طبع رسانیده، باعث نارضایتی بعضی گروه‌های سیاسی می‌شدند. تعدادی از آنها به دادگاه نیز کشیده شدند. گروهی دیگر را به جرم پرداختن مالیات دولتی پیگیری و تعقیب می‌کردند و در نهایت کار دو نشریه مستقل «روز نو» و «نیروی سخن» که قبلاً در مؤسسات دولتی چاپ می‌شدند،

از چاپ بازماند. دیگر چاپخانه‌های دولتی و خصوصی نیز از ترس فشار آنها را چاپ نکردند. روزنامه «نجات» که متعلق به حزب نهضت اسلامی تاجیکستان است، راه کار را در بنیاد مطبعه خود با نام «معطر» یافته است که تا به امروز منظم نشر می‌شود.

یک مسئله مهم دگر مورد توجه این است که مطابق ماده ۲۱ قانون جمهوری تاجیکستان «درباره مطبوعات و دگر واسطه‌های اخبار عامه» باید «نسخه‌های نظارتی و حتمی مطبوعات دوره‌ای که در جمهوری تاجیکستان ثبت نام شده‌اند، صرف نظر از نوع مالکیت، طبق ترتیب مقرر کرده حکومت جمهوری تاجیکستان در روز چاپ شدن فوراً به اداره و مؤسسه و تشکیلات ذی ربط فرستاده شوند.»

همچنین قاعده‌های فرستادن نسخه‌های رایگان نظارتی و حتمی مطبوعات دوره‌ای به مقامات و مؤسسه‌های مربوطه دولتی طبق تصمیم حکومت جمهوری تاجیکستان از ۹ دسامبر سال ۲۰۰۵ تحت شماره No ۴۸۲ تأیید شده است. (قانون جمهوری تاجیکستان «درباره مطبوعات و دیگر

واسطه‌های اخبار عامه»).

راجع به رعایت این ماده قانون مذکور گفتن ممکن است که نه همه نشریه‌ها نسخه‌های رایگان را به مقامات مربوط می‌فرستند. اداره‌های روزنامه‌های «جمهوریت»، «صدای مردم»، «منبر خلق»، «آموزگار»، «خلق آوازی» (به زبان اوزبکی)، از نشریه‌های خصوصی «آزادگان»، «نگاه»، «CCCP»^{۱۱۰} و چندی دگر را می‌توان نام برد.

در مورد مناسبت حکومت جمهوری تاجیکستان با مطبوعات آزاد تقریباً موانع جدی وجود ندارند. بعضاً بحث‌هایی که بنا بر نارضایتی طرفین، یعنی نشریه و شخص مورد تنقید اتفاق می‌افتد و از طریق دادگاه بررسی می‌شود، معنی مانع سازی حکومت نیست. نکته دیگر این است که در تاجیکستان نشریه‌های مستقل حتی سنجش‌های مقامات مالیات را بعضاً به مسئله سیاسی تبدیل داده مقامات را برای ایجاد منع در فعالیت خود گنهکار می‌شمارند که زمینه واقعی ندارد. زیرا قانون مالیات برای همه حتمی است.

نارضایتی و اعتراض‌هایی که سازمان‌های روزنامه نگاری

۱۱۰ CCCP - سر حرف نام اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به زبان روسی

و نشریه‌های مستقل تاجیکستان نسبت به آزادی سخن می‌گویند نیز بدون دلیل می‌باشند. بلکه آنها این کار را تنها به خاطر منفعت جویی از سازمان‌های بین‌المللی و سفارت خانه‌های خارجی در تاجیکستان و برای پیشرفت تجارت خود می‌کنند. آزادی سخنی که در تاجیکستان فعلاً وجود دارد در بسیار کشورهای منطقه دیده نمی‌شود. (اسراری ۲۰۱۱).

یکی از مسائل داغ روز در مطبوعات تاجیک مناسبت با زبان فارسی تاجیکی است. اشتباهات و خطاهای املائی قریب در همه روزنامه و مجله‌ها و کتاب‌ها دیده می‌شود. روزنامه نگاران با استفاده از کلمات عربی، روسی و گویش‌های مردمی مقاله می‌نویسند و حتی بعضی کلمه‌ها را خودشان می‌سازند که موجب بحث و عکس‌العمل خوانندگان می‌شود. حکومت جمهوری تاجیکستان وضع زبان فارسی تاجیکی را در نظر گرفته، کمیته زبان و اصطلاحات را تأسیس کرد. این نهاد از این به بعد به زبان انتشارات و مطبوعات دوره‌ای نظارت می‌کند.

در سال‌های اخیر توجه به خط فارسی در تاجیکستان بیش از پیش افزایش یافته است. بحث‌ها در اطراف گذار از خط سیریلیک روسی به الفبای فارسی پیوسته در مطبوعات مطرح می‌شود. حتی بعضی روزنامه‌ها، مثلاً «ادبیات و صنعت»، «بارگاه سخن» در هر شماره صفحات خاص به خط فارسی دارند. اما در مجموع چون خط رسمی دولتی سیریلیک روسی است کتاب‌ها و روزنامه‌ها همه به سیریلیک چاپ می‌شوند. در شهر دوشنبه رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند که مجله «رودکی» را به الفبای فارسی به طبع می‌رساند. همچنین پژوهشگاه زبان فارسی در نزد سفارت خانه ایران تأسیس یافته به کارهای مشترک علمی مشغول است و مجله‌ای را با عنوان «نامه پژوهشگاه» با دو خط - فارسی و سیریلیک در چاپخانه «پیوند» انتشار می‌دهد. همین مؤسسه‌های فرهنگی ایران بسیار آثار علما و ادبای تاجیک را به فارسی نشر کرده، در تاجیکستان و ایران به فروش می‌رساند و تعدادی را هم به علاقه‌مندان تقدیم می‌کنند.

وضع امروز کتاب و کتاب خوانی در کدام وضع قرار دارد؟ در شرایط امروزه پیشرفت روزافزون تکنیک و فناوری و دسترسی فراخ به شبکه اینترنت و ارتباط فعال با تلفن‌های همراه جایگاه کتاب و بعضی هنرهای سنتی همانند سینما و تئاتر را تنگ کرده است. توجه جوانان به کتاب در قیاس با ده سال پیش به مراتب کمتر شده است. امروزه کودکان و نوجوانان به جای کتاب خوانی به تماشای فیلم‌ها از طریق ماهواره و دستگاه‌های DVD یا بازی‌های رایانه‌ای سرگرم هستند. از طرف دیگر مشکلات اقتصادی و گرانی نرخ‌ها به مردم کمتر فرصت می‌دهد تا کتابی را مطالعه بکنند. در حالی که مزد ماهانه حداقل مردم تقریباً ۱۵۰ - ۱۶۰ سامانی است، نرخ متوسط یک کتاب در بازار و فروشگاه‌ها ۱۵-۲۰ سامانی می‌باشد. مردم در دو - سه مؤسسه کار می‌کنند تا معیشت زندگی و پرورش فرزندان را کسب کنند. البته برای خواندن وقت خالی نمی‌یابند. اگر هم پیدا شد به تماشای تلویزیون مشغول می‌شوند.

در قیاس با آثار هنری و علمی مردم تاجیک امروزه به

کتاب‌های دینی و اخلاقی بیشتر توجه دارند. کتاب‌های مذهبی اکثراً به زبان تاجیکی فارسی در تاجیکستان نشر می‌شوند و برخی از آنها از کشورهای ایران و افغانستان و به زبان ازبکی از ازبکستان وارد می‌گردند. در سال‌های ۹۰ قرن گذشته در برابر نشریه‌های سالم و حرفه‌ای چاپ به اصطلاح معروف «خانگی» و یا «کوچکی» نیز به بازار آمد. صدها کتاب و کتابچه را در حجم کوچک و فراگیر حدود ۲۰ تا ۱۰۰ صفحه در دستگاه‌های عادی و قدیمی و با کیفیت پایین چاپ نموده به بازار عرضه می‌کردند.

این کتابچه‌ها به مسائل مذهبی، اخلاق نیک، طب سنتی، باور و اعتقادات و غیره بخشیده شده بودند. معمولاً روی جلد آنها و یا داخل جلد اطلاعاتی درباره انتشارات، سال و مکان و تعداد نشر ذکر نمی‌شد. حتی در بعضی آنها نام مؤلف درج نمی‌شد. این گونه کتاب‌ها در بازارها، مساجد و دیگر اماکن پرآدم به فروش گذاشته می‌شد. به طور آشکار هدف چاپ این نوع کتاب‌ها به دست آوردن درآمد پولی بوده، تبلیغ ارزش‌های مذهبی در درجه دوم قرار داشت.

امروزه شمارهٔ چنین کتاب و کتابچه‌ها خیلی کم شده‌اند. اما هنوز هم در بازارها و فروشگاه‌ها نزد مساجد می‌توان از آنها پیدا کرد.

نشر الکترونیک

تاجیکستان یکی از کشورهای است که با بحران اقتصادی رو به رو شده است. از این لحاظ نشر الکترونیکی را تقریباً ندارند. در بازارهای تاجیکستان دیسک‌های ثبت صدایی کتاب‌ها تازه پیدا شده است. اما آنها در کارخانه‌های جدید که بیشتر به امور کامپیوتری و ثبت و ضبط ترانه و موسیقی سر و کار دارند، تولید می‌شوند. بعضی دیسک‌های کتاب‌های صوتی از کشورهای ایران و روسیه وارد بازار تاجیکستان می‌شوند.

نقشه و پیشنهادهای ناشران و متخصصان کتاب در
تاجیکستان

پیشنهادها و ناشران و متخصصان کتاب در تاجیکستان

مختلف بوده به میدان‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ربط می‌گیرد. در پایان چند پیشنهاد آنها را ذکر می‌کنیم که معمولاً برای کل ناشران نافع و مهم است.

- همکاری با ناشران کشورهای پیشرفته در مسئله دریافت دستگاه‌های جدید چاپ و مخصوصاً در انتشار دیسک‌ها و کتاب‌های الکترونیک.

- به سفرهای کاری و کارآموزی فرستادن ناشران تاجیک به کشورهای ایران، روسیه و ممالک اروپا.

- همچنین مثل دوران شوروی باید کمیته طبع و نشر مستقل گردد. در ترکیب وزارت فرهنگ که بیشتر به هنرهای نفیسه مربوط است، نگه داشتن این مؤسسه مهم دولتی سازگار نیست.

- سانسور و جزا برای سرقت تألیف را باید تقویت کرد.
- برای ترغیب خرید کتاب و کتاب خوانی چون دوران شوروی باید انجمن کتاب دوستان را فعال کرد، زیرا امور بخشی از مردم تاجیک از کتاب دور شده است. همزمان در وزارت معارف باید کوشش کرد که نسل نوری روی به کتاب

آورد.

روزنامه نگاران و کارمندان عرصه مطبوعات دوره‌ای نیز بعضی پیشنهادها دارند:

- وسایط اخبار عامه (رسانه‌های گروهی) جمهوری به یک قانون تازه‌ای نیاز دارند که مطابق معیارهای دموکراسی بوده به رشد روزنامه نگاری تاجیک یاری کند. (این قانون تهیه شده و در پارلمان تاجیکستان در انتظار تصویب است).

- به آزادی سخن، هر چند اینجا بهتر از جمهوری‌های همسایه است، توجه جدی کردن لازم است. بعضاً کمبود دسترسی به منابع اطلاعاتی، تعقیب روزنامه نگاران با علت‌های گوناگون و موانع در چاپ نشریه‌های دارای نظر انتقادی به چشم می‌رسند.

- اختلاف و مشکلات میان روزنامه نگاران و تنقیدشدگان باید در چهارچوب قانون بررسی شوند.

وزارت فرهنگ جمهوری تاجیکستان برای به دست آوردن نتیجه بهتر کارها در سمت نظارت و تحکیم فعالیت واسطه‌های اخبار عامه پیوسته سعی و تلاش دارد، از جمله

در کارکرد قانون جمهوری تاجیکستان «درباره مطبوعات و دگر واسطه‌های اخبار عامه» که در حال به تصویب رسیدن است، جایگاهی مهم دارد.

فهرست منابع مربوط به تاجیکستان

۱. اسراری میرزا شاهرخ ۲۰۱۱. پیش روی‌های وسایط اخبار عامه در منطقه بی‌نظیر است. مصاحبه د. خیرالله با وزیر فرهنگ جمهوری تاجیکستان از ۲ مارس ۲۰۱۱
۲. اخبار مجلس عالی جمهوری تاجیکستان. ۱۹۹۸، # ۴، ماده ۱۴۹-۱۶۷.
۳. ورقه ضیال‌الدین، از کتاب خوانی تا سمبوسه فروشی. روزنامه «ملت»، ۲۰۸ . ۱۱ . ۲۹.
۴. حامد حاتم، آجانسی تدقیقات ژرنالایستی، ۲۰۰۹.
۵. بوری اف قربان علی، فضای اطلاعات طبع و نشر در دوران صاحب استقلالی کشور (۱۹۹۲-۲۰۱۰). در «پیام نامه فرهنگی». ۲۰۱۱، # ۴. صص ۱۲-۳۹.

۶. قانون جمهوری تاجیکستان «درباره مطبوعات و دگر
واسطه‌های اخبار عامه».

چاپ کتاب فارسی در ازبکستان

فرید مرادی / مسعود حسینی پور

ورارود، ناحیه‌ای است در کشور شوروی پیشین که بخش بزرگ آن را ازبکستان و تاجیکستان تشکیل می‌دهد. روس‌ها از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا ۱۹۹۱ بر این سرزمین استیلا داشتند. این سلطه بر تمام شئون اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی این سرزمین تأثیر نهاد.

روسیه از قرن نوزدهم در فکر گسترش نفوذ خود و برخورداری از منابع طبیعی ورارود و نیز نزدیک شدن به هندوستان کشورگشایی خود را تا تصرف تمام این منطقه ادامه دادند، این در دوران سلطنت ناصرالدین شاه در ایران

بود، در آن روزگار ورارود از سه بخش تشکیل می شد:

(۱) خانات خیوه (خوارزم) به مرکزیت شهر خیوه،

(۲) امیرنشین بخارا به مرکزیت بخارا، قسمت شرقی آن که بخش بزرگ تاجیکستان امروز است بخارای شرقی نامیده می شد.

(۳) خانات خوقند به مرکزیت شهر خوقند.

به خواسته روس‌ها بخشی از امیرنشین بخارا از جمله سمرقند به خانات خوقند پیوست که اینک ترکستان روسیه نام دارد. امیرنشین بخارا و خانات خیوه خودگردان^{۱۱} شدند و اجازه دخالت در امور خارجی از آنان گرفته شد. سیاست اجتماعی امپراتوری روسیه در این ناحیه مبتنی بر تفرعن و کم محلی و کوچک انگاری مردم بود، به عنوان مثال در سال ۱۸۷۱ میلادی تاجری از اهالی تاشکند به اسم محمدبایف از ژنرال کافمن فرماندار ترکستان درخواست کرد که به خرج وی کتاب‌های مدارس به خط سیرلیکی (روسی) نوشته شود تا سطح درسی دانش آموزان این ناحیه با دانش آموزان مدارس روسیه یکسان گردد، اما این درخواست قبول نشد.

تحولات شکل گرفته در ورارود چه به دلیل خدشه دار شدن احساسات ملی و دینی و چه در اثر تماس با دنیای نو، درخواست‌های اصلاح‌گرایانه را افزایش می‌داد و رسیدن به نوگرایی خاصه در میان باسوادان به شکل‌های مختلفی بروز می‌یافت، از آن میان پان‌اسلامیسم و پان‌ترکیسم و یا عقاید نوگرایانه که به جدیدیسم (در ورارود به معارف پروری) شهرت یافته و در آغاز در امپراتوری عثمانی و بعد بین مسلمانان روسیه (تاتارها) پا گرفته بود قابل توجه بودند. در این میان پان‌ترکیسم که بر پایه یکی شدن اقوام ترک زبان از مدیترانه تا غرب چین و تشکیل ترکستان بزرگ قابل تحقق بود، رشد قابل توجهی داشت، آنان آرزوی تشکیل سرزمینی واحد را به رهبری سلطان عثمانی در سر می‌پروراندند. اسرای نظامی عثمانی که توسط روس‌ها در آسیای مرکزی اسکان یافته بودند به همراهی پان‌ترکیست‌های محلی و مترجمین تاتاری که به کمک روس‌ها آمده بودند از مبلغین این مرام در ورارود به شمار می‌آمدند. آنها برتری زبان فارسی را مانعی در راه اهداف خود می‌دیدند، اندیشه کنار نهادن

این زبان و جایگزینی ترکی جغتایی را که بعدها ازبکی نامیده شد به میان آوردند.^{۱۱۲}

پس از شورش ۱۹۰۵ میلادی در روسیه، اندیشه‌های بلشویکی نیز در کنار باورهای پان ترکیستی و پان اسلامیستی در این ناحیه پیدایی یافت، بر همین اساس تنها دو ماه پس از پیروزی بلشویک‌ها در ۱۹۱۷ دولت مستقل ترکستان در خوقند تشکیل شد. دولت نوپای انقلابی که تشکیل چنین دولتی را تبلور تشکیل ترکستان یک پارچه از آسیای صغیر تا غرب چین می‌دانست با کشتار گسترده‌ای در خوقند به عمر این دولت پایان داد و در سال ۱۹۱۸ جمهوری خودمختار سوسیالیستی ترکستان را تشکیل داد.

در سال ۱۹۲۰ شورش‌هایی در خیوه و بخارا با حمایت مسکو شکل گرفت که باعث سرنگونی حکومت خان و امیر در این ناحیه شد و بدین ترتیب جمهوری‌های خوارزم شکل گرفتند. این جمهوری‌ها بعداً رسماً به اتحاد جماهیر شوروی پیوستند. تاجیکستان ابتدا به عنوان جمهوری خودمختار درون جمهوری شوروی بخارا بود. استالین که هراس ترکستان

۱۱۲ تاجیکان در قرن بیستم، سلیم ایوب زاده، ۲۰۰۶، ص ۴، انتشارات نیما، آلمان. ص ۱۲۵.

یک پارچه و جدایی آن از شوروی را در ذهن داشت در گام‌های بعدی مناطق مسلمان نشین محدوده خود را به جمهوری‌های متعدد تبدیل و به هر یک نامی داد که اکثراً بر پایه زبان آنها بود. در این مورد برای ورارود پارسی زبان تدبیری دیگر اندیشیده که با کمک عمال محلی رژیم اعمال شد.

قسمت اعظم و حاصل خیز ورارود ازبکستان نامیده شد و زبان رسمی آن ازبکی شد. این جمهوری در بر دارنده قطب‌های ادب پارسی مانند سمرقند، بخارا و نیز وادی فرغانه، خجند، خوقند، قرشی (نسف) و ترمذ بود. به دلایلی خجند بعدها به تاجیکستان پیوست. تاجیکستان که بخش عمده آن بخارای شرقی نامیده می‌شد، با مرکزیت دهستانی به اسم دوشنبه و حدود یک میلیون نفر جمعیت تنها کشور آسیای مرکزی شد که زبان رسمی آن فارسی بود. حدود ۹۵٪ مساحت این کشور کوهستانی است. برای ایجاد و هویت جدید این کشور ادعا شد که زبان آنها و تاجیک‌های خارج از این بخش تاجیکی نام دارد، اسمی جعلی که تا ۱۹۳۴

اصلاً نشانی از آن وجود نداشت و تنها در برخی مناطق کوهستانی مردم زبان خود را تاجیکی می‌خواندند. این اصطلاح به جای زبان فارسی نخستین بار توسط صدرالدین عینی به کار رفت!

برتری طلبی روس‌ها و گسیل صدها هزار نفر از اروپای شرقی به ترکستان و رشد صنعتی، این ناحیه را در برابر بخارا و خیوه پیش انداخت.

نخستین روزنامه در منطقه به اسم TurKestnaski vodomosti در ۱۸۷۰ به زبان روسی انتشار یافت. اولین روزنامه فارسی زبان ورارود در کاگان (حوالی بخارا) به نام بخارای شریف و به سردبیری جلال یوسف زاده قفقازی در سال ۱۹۱۲ منتشر شد. این روزنامه پس از فروپاشی شوروی برای مدتی کوتاه احیا شد، اما بیشتر به دلایل سیاسی تعطیل شد. در سال‌های دور و پیش از تشکیل جمهوری‌ها نشریات فارسی دیگری در ورارود چاپ می‌شدند از جمله شعله انقلاب (۱۹۱۲-۱۹۲۱) و روزنامه دو زبانه پارسی و ازبکی آئینه (۱۹۱۳-۱۹۱۵) در سمرقند. شعله انقلاب در

آغاز جمهوری بخارا تنها روزنامه فارسی بود، با بالا گرفتن تب ضد پارسی ترک گراها تعطیل شد. تاجیکستان در آغاز فاقد دستگاه چاپ بود. پس از تعطیل شعله انقلاب مجدداً از سال ۱۹۲۴ نشریات فارسی زبان در ازبکستان چاپ شدند که بیشتر راهی تاجیکستان می شدند نظیر نشریه رهبر دانش (سمرقند ۱۹۲۷، بعداً تاشکند و دوشنبه). در اینجا باید از روزنامه‌های آواز تاجیک (۱۹۲۴)، ملاشفقی (۱۹۱۵)، تاجیکستان سرخ و ضمیمه‌اش جهان نما (۱۹۲۵)، و راهنمای مخبرین (۱۹۳۹) نیز نام برد.

کتاب‌ها و نشریات دولت تاجیکستان ابتدا در ازبکستان چاپ می شدند، اما کتاب «نمونه ادبیات تاجیک ۱۳۰۰-۱۲۰۰» که به خواسته دولت و کوشش صدرالدین عینی به عنوان سند هویت فرهنگی تاجیکان تدوین شد در سال ۱۹۲۱ در مسکو به چاپ رسید.

نخستین کتاب فارسی در این ناحیه در سال ۱۸۷۶ به همت محمدرحیم خان ثانی که یک ماشین چاپ سنگی به امرش از ایران آورده بودند در شهر خیوه منتشر شد. این کتاب

نصاب الصببان ابونصر فراهی بود. اولین کتاب فارسی در ترکستان روسیه در شهر تاشکند و در سال ۱۸۸۳ به چاپ رسید.^{۱۱۳} دستگاه‌های نخست چاپ سنگی بودند که براساس نسخه دست‌نویس تکثیر می‌شد. رواج حروف سربی، باعث کمی توجه به کتاب می‌شد، زیرا مردم با این حروف چندان مانوس نبودند، به همین دلیل چاپ کتاب در این ناحیه بسیار دیر شروع شد. گاه نیز کتابهایی از خارج به این منطقه می‌آمد نظیر کتاب «مناظره» و «بیانات سیاح هندی» اثر عبدالرئوف فطرت بخارای که به سال‌های ۱۹۰۹ و ۱۹۱۲ در استانبول چاپ شدند. دیوان اشعار خان خوقند، امیر عمرخان در سال ۱۹۰۰ در سن پترزبورگ به چاپ رسید. در نیمه دوم قرن نوزده هندوستان صاحب چاپخانه‌های زیاد و پیشرو چاپ کتاب‌های فارسی بود، که مطبعه نول کشور در آن کشور جایگاه و شهرت بسزایی دارد، از این کتاب‌ها به ورارود هم داده می‌شد.

در بررسی فهرست‌های کتاب‌های چاپ شده می‌توان به

۱۱۳ غریبه‌های آشنا، شعر فارسی ماوراءالنهر قرن بیست با تکیه بر محیط‌های ادبی خوقند و خوارزم، ابراهیم خدایا: ۱۳۸۴، صفحات ۷۷ و ۱۳۱.

آثار ذیل نیز اشاره کرد:

- تحفة الاحباب فی تذکره الاصحاب (تذکره قاری) از رحمت الله بخاری، چاپ سنگی در ۱۳۱۲ هـ.ق.
- تاریخ بخارا، ابوبکر نرشخی، چاپ ۱۸۹۷ میلادی در تاشکند.
- یوسف و زلیخا، ناظم هروی، چاپ ۱۹۰۵ میلادی در تاشکند.
- دیوان امیرخان (فارسی و ترکی) در ۱۸۹۷ م چاپ شده در تاشکند.
- قانون قدسی (دستور زبان)، عباسعلی بن محمد قدسی، در ۱۸۳۲ در تفلیس چاپ شده است.
- دره التاج در مواعظ و مقتل، تاج نیشابوری، تفلیس ۱۹۰۹.
- دلگشا، احمد حسین زاده، تفلیس ۱۸۸۴.
- افکار الملکوت، عباسقلی قدسی، ۱۸۵۰. در تفلیس.
- الفبای رشدی، رضاخان، چاپ ۱۸۸۲ میلادی.
- حقیقه العالم، صالح اردبیلی، ۱۹۰۵.

- تحف اهل بخارا، عبدالرئوف بخاری، بخارا، ۱۹۰۵.
- اساس الاسلام، ملا ابوالقاسم گنجی، سمرقند، ۱۹۰۹.
- قندیه (در مزارات بخارا)، ملاعبدالکریم تاجر، به اهتمام بارتولد، سمرقند، ۱۹۰۹ م.

اینها نمونه ای از قدیمی ترین آثار فارسی چاپ شده در ناحیه ورارود هستند.

پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری ازبکستان، علیرغم وجود شهرهایی که ریشه های کهن زبان پارسی در آنجاها بالیده و رشد کرده، با پذیرش خط سیرلیکی، زبان پارسی جایگاه خود را از دست داده، مشکلات اقتصادی نیز در سالهای اخیر باعث شده که توجه چندانی به چاپ و نشر کتاب به زبان فارسی در این ناحیه صورت نگیرد. در واقع روسها با وضع قوانین سخت گیرانه که وجود کتابهای فارسی را دلیل مسلمانی پنداشته و وجود آن را جرم محسوب می کردند، باعث شدند تا ریشه زبان فارسی در این منطقه نیروی خود را از دست بدهد.

Publishing in Persian language

in Iran ,Afghanistan ,Tajikistan,
Uzbekistan ,Europe and United States

Farid Moradi ,Laetitia Nanquette,
Masoud Hosseinipour ,Ali Amiri,
Dilshad Rakhimov ,B .Biniaz

International Alliance of independent
publishers





Publishing in Persian language in Iran, Afghanistan, Tajikistan, Uzbekistan, Europe and United States

Farid Moradi, Laetitia Nanquette, Massoud Hosseinipour,
Ali Amiri, Dilshad Rakhimov, B. Biniaz

International Alliance of independent publishers

